

آثار تاریخی سمنان

تألیف :
محمّد علی فخرعلسی

آثار تاریخی سمنان

تألیف :

محمد علی مخلصی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱ - مقدمه مؤلف
۷	۲ - سمنان از نظر تقسیمات جغرافیائی (از دوران باستان تا امروز)
۸	۳ - نگاهی به تاریخ
۹	۴ - وقایع تاریخی سمنان در دوران قبل از اسلام
۱۷	۵ - سمنان در دوران بعد از اسلام (از پیدایش اسلام تا ظهور سلسله طاهریان)
۲۱	۶ - وقایع تاریخی سمنان از سلسله طاهریان تا غزنویان
۲۳	۷ - غزنویان
۲۵	۸ - سلجوقیان - اسماعیلیان - آل باوند - خوارزمشاهیان
۳۰	۹ - سمنان در دوران مغول - تیموریان
۳۶	۱۰ - اوضاع تاریخی سمنان در دوران صفویه - افشاریه
۴۱	۱۱ - سمنان در دوران زندیه - قاجاریه
۴۲	۱۲ - سفر ناصرالدین شاه قاجار به سمنان
۴۳	۱۳ - نهضت مشروطه در سمنان
۴۴	۱۴ - حکمرانان سمنان در دوره قاجاریه
۴۶	۱۵ - دوران پهلوی
۴۹	۱۶ - واقعه شهریور ۱۳۲۰ شمسی و استعفای رضاشاه کبیر
۵۰	۱۷ - دوران سلطنت محمدرضاشاه پهلوی (آریامهر)
۵۱	۱۸ - واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۵۳	۱۹ - وجه تسمیه سمنان
۵۵	۲۰ - آثار تاریخی سمنان
۵۷	۲۱ - قلاع - آتشکده
۵۹	۲۲ - قلعه‌های سارو
۶۱	۲۳ - برج چهل دختر

صفحه	عنوان
۶۲	۲۴ - شیر قلعه شه میرزاد
۶۳	۲۵ - دژ وهل
۶۴	۲۶ - کافر قلعه
۶۴	۲۷ - پائین قلعه
۶۵	۲۸ - آتشگاه سمنان
۶۵	۲۹ - قلعه زاوگان
۶۵	۳۰ - قلعه کوشمغان
۶۶	۳۱ - قلعه چرمه
۶۶	۳۲ - قلعه لاسگرد
۶۸	۳۳ - قلعه سراچه
۶۸	۳۴ - حصار نادری
۶۹	۳۵ - قلعه های پاچنار
۷۱	۳۶ - قلعه میرزا عسگری
۷۲	۳۷ - قلعه کنک دژ
۷۲	۳۸ - قلعه لاجوردی
۷۳	۳۹ - نارنج قلعه
۷۳	۴۰ - قلعه برکه
۷۳	۴۱ - قلعه موکوشم
۷۳	۴۲ - قلعه نو کلاته
۷۳	۴۳ - قلعه تنقی آباد
۷۴	۴۴ - قلعه آب گرم
۷۴	۴۵ - قلعه نو که
۷۴	۴۶ - قلعه طالب آباد
۷۴	۴۷ - قلعه گل رودبار
۷۴	۴۸ - قلعه درجزین
۷۵	۴۹ - مساجد - مناره و مدارس قدیمه
۷۷	۵۰ - مسجد جامع
۸۶	۵۱ - منار سلجوقی
۸۸	۵۲ - مسجد جامع زاوگان
۸۹	۵۳ - مسجد جامع سرخه
۹۰	۵۴ - منار و مسجد جامع علاء

صفحه	عنوان
۹۱	۵۵ - مسجد شاه
۱۰۵	۵۶ - مساجد و مناره‌های دیگر
۱۰۶	۵۷ - مدرسه حسینیّه
۱۰۶	۵۸ - مدرسه صاق‌خان
۱۰۶	۵۹ - مدرسه‌های دیگر
۱۰۷	۶۰ - بقاع متبرکه
۱۰۹	۶۱ - بقعه حضرت یحیی بن موسی
۱۱۶	۶۲ - بقعه ابراهیم اسماعیل
۱۱۷	۶۳ - بقعه علی بن جعفر
۱۲۲	۶۴ - بقعه پیر علمدار
۱۲۴	۶۵ - بارگاه علوی
۱۲۸	۶۶ - بقعه علی اشرف
۱۳۱	۶۷ - بقعه سیدزین الدین
۱۳۲	۶۸ - بقعه سی سر
۱۳۴	۶۹ - بقعه سید مرسلین
۱۳۵	۷۰ - بقعه پیغمبران
۱۳۶	۷۱ - بقعه سیدرضا
۱۳۸	۷۲ - امامزاده قاسم
۱۴۰	۷۳ - بقعه سیدجلال
۱۴۰	۷۴ - بقعه سید
۱۴۰	۷۵ - امامزاده عبدالله
۱۴۰	۷۶ - امامزاده چهل تن
۱۴۱	۷۷ - بقعه پیرغرب
۱۴۱	۷۸ - بقعه پیرشمس الدین
۱۴۱	۷۹ - امامزاده هاشم
۱۴۱	۸۰ - امامزاده مدرک
۱۴۲	۸۱ - امامزاده خواجه
۱۴۲	۸۲ - بقعه اباصلت هروی
۱۴۲	۸۳ - زیارتگاههای دیگر
۱۴۳	۸۴ - کاروانسرا - تیمچه - بازار
۱۴۵	۸۵ - کاروانسرای شاه عباسی سمنان

صفحه	عنوان
۱۴۸	۸۶ - کاروانسرای شاه عباسی لاسگرد
۱۵۱	۸۷ - کاروانسرای شاه سلیمان آهوان
۱۵۴	۸۸ - رباط انوشیروانی
۱۵۶	۸۹ - کاروانسرای سلطان حسین بایقرا
۱۵۷	۹۰ - کاروانسرای شیخ علاء الدوله
۱۵۷	۹۱ - کاروانسرای ناسار
۱۵۸	۹۲ - تیمچه سلطانی
۱۵۹	۹۳ - بازار
۱۶۱	۹۴ - بازار عمومی سمنان
۱۶۱	الف : بازار شمالی
۱۶۳	ب : بازار جنوبی
۱۶۴	۹۵ - بازار جلوخان
۱۶۴	۹۶ - بازار شیخ علاء الدوله
۱۶۷	۹۷ - ارگ حکومتی - دروازه
۱۶۹	۹۸ - دارالحکومه سمنان
۱۷۰	۹۹ - ارگ دولتی سمنان
۱۷۰	۱۰۰ - دروازه ارگ
۱۷۴	۱۰۱ - دروازه جنوبی ارگ
۱۷۴	۱۰۲ - سردر اداره دارائی
۱۷۵	۱۰۳ - ارگ علاء
۱۷۷	۱۰۴ - مقابر و آرامگاهها
۱۷۹	۱۰۵ - مقبره طوطی
۱۸۱	۱۰۶ - آرامگاه شیخ علاء الدوله سمنانی
۱۸۹	۱۰۷ - آرامگاه درویش محمود
۱۹۳	۱۰۸ - مقبره پیرنجم الدین
۱۹۶	۱۰۹ - آرامگاه حکیم الهی
۱۹۸	۱۱۰ - آرامگاه فانی
۲۰۳	۱۱۱ - حمامها - آب انبارها
۲۰۵	۱۱۲ - حمام پهنه
۲۰۸	۱۱۳ - حمام قلی
۲۱۰	۱۱۴ - حمام ناسار

صفحه	عنوان
۲۱۰	۱۱۵ - حمام نخست
۲۱۱	۱۱۶ - آب انبار قلی
۲۱۱	۱۱۷ - آب انبار امامزاده علوی
۲۱۲	۱۱۸ - آب انبار ناسار
۲۱۲	۱۱۹ - آب انبار کهنه درژ
۲۱۳	۱۲۰ - آب انبار پاچنار
۲۱۴	۱۲۱ - آب انبار صادقیه
۲۱۴	۱۲۲ - آب انبار سرخه
۲۱۴	۱۲۳ - آب انبارهای جدید
۲۱۴	۱۲۴ - آب انبار توکلی
۲۱۶	۱۲۵ - آب انبار کارخانه
۲۱۶	۱۲۶ - آب انبار کاشفی
۲۱۷	۱۲۷ - آب انبار چوبمسجد
۲۱۸	۱۲۸ - آب انبارهای دیگر
۲۱۹	۱۲۹ - پادشاهان و شخصیت‌هایی که به‌سمنان سفر کرده‌اند
۲۲۰	۱۳۰ - سیاحان و جغرافیدانانی که به‌سمنان مسافرت کرده‌اند
۲۲۱	۱۳۱ - فهرست مراجع و مأخذ کتاب

مقدمه مؤلف

بنام آنکه هستی نام از او یافت

سیاس ایزد یکتا را که به اینجانب توفیق خدمت عنایت فرمود تا بتوانم اثری ناچیز را در دسترس علاقمندان بناهای تاریخی قرار دهم. در کتابهای متعدد راجع به سمنان و بناهای تاریخی آن اشاراتی شده و در هر یک از آنها کم و بیش درباره آن شرحی که غالباً مختصر است نگاشته اند. ولی چون آن نوشته ها اغلب، جویندگان و پژوهندگان جزئیات آثار تاریخی و هنری را قانع و ارضاء نمی کرد. بدین جهت از دیر زمانی که برای آگاهی از سوابق و آثار تاریخی سمنان سرگرم مطالعه و کنجکاوی های مستمر بودم هر جا که مطالب سودمندی بنظر میرسید ضبط و یادداشت می نمودم و در نتیجه مطالعات زیاد و مخصوصاً مشاهدات شخصی برای هر یک از آثار شرحی مفصل تر تهیه کرده و اینک در مجموعه ای بنام آثار تاریخی سمنان بمحضر خوانندگان و مشتاقان اینگونه تحقیقات تقدیم میدارم.

در این تألیف سمنان شهر زیبای کویر و نواحی تابعه اش را به نظاره می ایستیم شهری که مهد بزرگان و سلحشوران و رادمردانی بزرگ است شهری که در گذشته دارالوزاره و دیار وارستگانش می خواندند و امروزه عروس زیبای کویرش می نامند شهری با قدمت دو هزار ساله و سرشار از آثار تاریخی و آکنده از اصیل ترین بناها که همه ساله عده زیادی از هموطنان بدیدارش میروند و دل

به زیبائیش می سپارند. بناهائی که استوار و پا برجا طوفانهای زمانه را پشت سر نهاده و امروز نگاهها را بخود میکشد.

تاریخش را در ذهن مرور می کنیم که بایشدادیان پیوند دارد و امروزش چهره ای هماهنگ با تحولات اجتماعی.

اینجانب بسیار خوشوقتم که بدین وسیله دین خود را نسبت به هموطنان و همشهریان روشنفکر و آزاده ام ادا می نمایم و این مجموعه را که حاصل سالها تلاش و زحمت می باشد در اختیار ایرانشناسان و پژوهشگران بناهای تاریخی قرار میدهم ناگفته نماند با توجه به اینکه این نخستین گامی است که در راه شناساندن کلیه آثار تاریخی سمنان در يك مجموعه برداشته می شود و طبعاً مانند هر اثر جدیدی نمی تواند خالی از نقص و عیب باشد مع هذا با اذعان به این تقایص از صاحب نظران و خوانندگان گرامی تقاضا دارم که اولاً به لغزش ها و اشتباهات مؤلف بدیده غفو و اغماض نگرند و ثانیاً بجهت همکاری و کمک در راه تکمیل مطالب این کتاب هر گونه تذکر جزئی و کلی را که لازم دیدند بر نگارنده منت گذاشته و کتباً یادآوری نمایند.

ضمناً از خوانندگان ارجمند تمنی دارم اگر بناها و اماکن تاریخی که در شهرستان سمنان وجود دارد و در این کتاب نامی از آنان برده نشده با ذکر نام و نشان و موقعیت جغرافیائی و سال ساختمان و در صورت امکان يك قطعه عکس به نشانی « سمنان - خیابان یغما - کوی بردیانه محمدعلی مخلصی » ارسال فرمایند تا هرگاه توفیق چاپ مجدد این کتاب فراهم گردد تذکرات سودمند دانش پژوهان در تصحیح و تکمیل این اثر ناچیز بکار آید.

در پایان خود را موظف میدانم که برسم حق شناسی از بسیاری از کسانی که همواره با تشویق و کمک علمی و فکری خود مرا در تدوین این کتاب یار و

مددکار بوده‌اند سپاسگزاری نمایم . بخصوص از انجمن محترم آثار ملی که کمک‌های مالی جهت چاپ این مجموعه در اختیار اینجانب قرار داده‌اند و نیز از جناب آقای دکتر سید محمد تقی مصطفوی که با تذکرات سودمند و سازنده خود مرا راهنمایی کرده‌اند و هم‌چنین از زحمات بیدریغ برادر ارجمندم محمد هادی مخلصی که صمیمانه مرا در امر تألیف این کتاب یاری نموده است سپاسگزارم .

محمدعلی مخلصی - ۲۵۳۶

آثار تاریخی سمنان

سمنان از نظر تقسیمات جغرافیائی

از دوران باستان تا امروز

سمنان از دیرباز یکی از شهرهای چهاردهین ایالت تاریخی ورن (ورنه) از تقسیمات شانزده گانه اوستائی در دوران باستان بوده است.^۱ برخی از دانشمندان ایالت مزبور را گیلان فعلی میدانسته اند^۲ ولی قدر مسلم این است که ورن یا ورنه متشکل از صفحات جنوبی البرز و خوار، شامل سمنان، دامغان، خوار، دماوند فیروزکوه، شهمیرزاد، لاسگرد ده نمک و آهوان، قوشه، ویمه و نقاط کوهستانی مازندران بوده است.

در تمام دوره حکومت مادها و هخامنشیان کومیسنه یا کومیشان (قومس بعد از اسلام) جزو ایالت بزرگ پارت یا پرتو بشمار میرفت. درین دوره سمنان شهر سرحدی ایالت های پارت و ماد محسوب میشد. بهمین علت برخی از مورخان، زمانی این شهر را جزو ماد و گاهی جزو پارت به حساب آورده اند.^۳ ایالت مذکور در زمان ساسانیان به پتسخوارگر یا پدشخوارگر تغییر نام^۴

۱ - تاریخ ایران باستان تألیف حسن پیرنیا مشیرالدوله ص ۱۵۶

۲ - داعی الاسلام در ترجمه و ندیداد اوستائی و آندره آس خاورشناس آلمانی

۳ - قلمرو دولت اشکانیان مجله بررسی های تاریخی شماره ۶ ص ۱۷۱

۴ - تاریخ طبرستان و رویان مازندران تألیف ظهیرالدین مرعی به تصحیح

محمدحسین تسبیحی ص ۱۱

داده شامل همان شهرهائی بود که در ایالت ورن متشکل بودند حد غربی این ایالت خوار (گرمسار فعلی) حد شرقی آن شاهرود و حد شمالی ایالت پتشیخوار گر کوهستانهای جنوبی طبرستان بوده است .

سمنان در دوره های بعد از اسلام جزو سرزمین تاریخی قومس یا (کومش) بشمار می آید نام جغرافیائی قومس تا اواخر دوران قاجاریه بر سر زبانها بود لیکن در دوران رضاشاه کبیر سمنان در شمار شهرهای استان دوم یعنی مازندران درآمد.

در آغاز سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در زمان نخست وزیری دکتر علی امینی و وزارت کشور سپهد عزیزی به پیروی از سنت تاریخی طبق تصویب نامه هیئت وزیران ایالت کومش (سمنان ، دامغان ، شاهرود . بسطام ، سنگسر و شهمیرزاد و نقاط تابعه آنها) از نظر تقسیمات کشوری بنام فرمانداری کل سمنان نام گذاری شد و مرکز حکومت آن نیز در شهر سمنان تعیین و مستقر گردید. در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی طبق تصمیم دولت بریاست امیر عباس هویدا با اضافه شدن دماوند ، فیروزکوه گرمسار و ورامین فرمانداری کل سمنان به استان سمنان تبدیل شد و مرکز آن نیز کماکان شهر تاریخی سمنان باقی ماند.

نگاهی به تاریخ

سمنان به سبب تاریخ دوهزارساله اش شاهد فرازونشیبها جنگها شکستها و پیروزیهای بیشمار بوده بهمین جهت برای اطلاع خوانندگان ارجمند شمه ای از تاریخ سمنان و وقایع تاریخی مهم را در این شهر کهنسال بطور خیلی خلاصه و فشرده بازگو می کنم و از شرح دیگر رویدادهای ایران خودداری می نمایم :

وقایع تاریخی سمنان در دوران قبل از اسلام

از وقایع مهم مربوط به نواحی پارت (خراسان و سمنان فعلی) در دوره هخامنشیان میتوان به جنگ‌های کوروش کبیر در این ایالت اشاره کرد . بطوریکه نوشته‌اند:^۵ کوروش پس از تسخیر آسیای صغیر بنواحی شرقی ایران شتافت و بین سالهای ۵۴۶ و ۵۳۰ ق . م در آن نواحی مشغول جنگ بود . کیفیات این محاربات بر ما مجهول است همینقدر میدانیم که او از طرف شمال تا رود سیحون پیشرفت کرد و شهری بنام خود در کنار آن بنا کرد. که آنرا بیوفانی سیروپلیس می‌گفتند. وی از طرف مشرق و جنوب تا رود سند تاخت و ایالات پارت (خراسان و کومش) و زرننگ (سیستان) و خوارزم در باختر و سند و گندار را ضمیمه دولت خویش کرد دومین جنگ کوروش کبیر در ایالت پارت باسکاهها که از طوائف بربرها^۶ بودند می‌باشد. هردوت میگوید (کتاب ۱ بند ۲۱۰ - ۲۱۲)^۷: پس از اینکه این ملت (بابلی‌ها) در تحت حکومت کوروش درآمد شاه خواست ماساژت‌ها^۸ را که شاخه‌ای از اقوام سکاها بودند و در پشت سیحون می‌زیستند مطیع خود کند لیکن در این

۵ - ایران در عهد باستان تألیف محمدجواد مشکور ص ۱۷۴

۶ - بربر یعنی غیر یونانی

۷ - ایران باستان (کوروش کبیر) حسن پیرنیا مشیرالدوله ص ۴۴۶

۸ - ماساژت‌ها بمعنی ماهیخواران

جنگ شکست خورد و بقتل رسید (۵۲۹ ق م.)

پس از این واقعه کمبوجیه پسر ارشددش بسلطنت رسید و طبق وصیت کوروش پسر دیگرش بنام بردیا بحکومت خوارزم و پارت و کارمانیا (کرمان) ایالت شرقی مملکت باقی ماند لیکن ایالات مزبور بواسطه کویر لوت و نبودن راه از مابقی ایالات جدا ماند و بیش از آنچه بعد مسافت اقتضا داشت از مرکز دور افتاده بود ولی بگفته دمرگان^۹ مهمترین راه موجود در زمان داریوش راه ارتباطی کومش بود و سمنان مانند پلی سه ایالات ری (راگا) و خراسان و استرآباد را بهم متصل می کرد.

نوشته های مورخان یونانی راجع به اغتشاشات و یا یگیری های بدو سلطنت داریوش مختصر است. لیکن نوشته های کتیبه های بیستون هرچند به کیفیات نپرداخته ولی اطلاعات بیشتر و مفیدتری بما میدهد. در اینجا ما فقط به ذکر شورشهایی که مربوط به ایالت پارت (خراسان و سمنان) است می پردازیم:

ستون دوم از کتیبه بیستون

بند دوم: «زمانی که من در بابل بودم این ایالات از من برگشتند پارس، خوزستان، ماد، آسور، مصر، پارت، مرو، ات گوش، سکائی»
 بند شانزدهم: پارت (خراسان و سمنان)^{۱۰} و گرگان بر من شوریده بطرف فرورتیش رفتند و یشتاسب پدر من در پارت بود. و یشتاسب با قشونی در محلی موسوم به ویش پاوزات با او جنگید. اهورامزدا مرا یاری کرد باراده او و یشتاسب شورشیان را شکست داد و پس از آن مملکت مطیع من شد روز ۲۲ ماه ویخن این جنگ رویداد»

۹ - تمدنهای نخستین ص ۲۹۰ تاریخ سمنان صفحه ۴۲

۱۰ - رفیع در تاریخ سمنان پارت را شامل خراسان و سمنان نوشته است

ستون سوم

بند اول: پس از آن سپاه پارس را از وی نزد ویشناسب فرستادم و وقتی که این سپاه به ویشناسب رسید عازم جنگ دشمن شد در محلی بنام پتی‌گرین در پارت ویشناسب با شورشیان جنگید اهورامزدا مرا یاری کرد و بفضل اهورامزدا ویشناسب شورشیان را شکستی سخت داد. روز اول کرم‌پد این جنگ واقع شد»

بند دوم: «پس از آن ایالت پارت مطیع من گردید این است آنچه من در پارت کردم»^{۱۱}.

همانطور که از متن کتیبه‌ها برمی‌آید داریوش شاه براین شورشها فائق آمد و آنها را سرکوب و مغلوب نمود. در بهار سال ۳۲۴ ق. م یعنی در عهد سلطنت داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی اسکندر مقدونی به قصد تسخیر ایران وارد کشور ما شد و پس از نبرد ایسوس و اربیل در سال ۳۳۱ ق. م شکست سختی به سپاه ایران وارد نمود.

داریوش سوم پس از شکست در جنگ گوگمل^{۱۲}: جهت جمع‌آوری سپاه بماد و سپس به مشرق ایران رهسپار گردید. آریان می‌نویسد^{۱۳} (کتاب ۳ فصل ۷ بند ۱) اسکندر چون شنید داریوش به ماد رفته به آن مملکت پریست. عقیده داریوش براین بود که اگر اسکندر وی را تعقیب کند به پارت و گرگان گریخته و این ممالک را از آذوقه عاری نماید تا بدین وسیله جلوی تعقیب اسکندر را بگیرد. بهمین جهت با زنان و بارونه و تمام تجملات به دروازه کاسپین حرکت کرد و اسکندر نیز در تعقیب وی به پاره‌تاک آمد و شهرهای

۱۱ - ایران باستان (داریوش بزرگ و خشایارشا) تألیف پیرنیا مشیرالدوله ص ۵۴۰ و ص ۵۴۴ و ص ۵۴۵

۱۲ - اکثر مورخین جنگ سوم و آخرین داریوش را با اسکندر اربیل نامیده‌اند ولی از چندی به اینطرف آنرا جدال گوگمل نامیده‌اند (ایران باستان)

۱۳ - ایران باستان حسن پیرنیا ص ۴۲۹

مسیر راه را تسخیر کرده و خود را بدروازه کاسپین رساند ولی داریوش از دروازه گریخته بود. آریان مورخ معروف عقیده دارد که بسوس والی باختر و برزانت والی رنج و سیستان داریوش را توقیف کردند اسکندر پس از شنیدن این خبر به کراتروس دستور حرکت داد. قصد بسوس و شرکا این بود که اگر اسکندر آنها را تعقیب کند درازای سپردن داریوش به اسکندر مورد ملاحظت وی قرار گیرند و گر نه سرزمین هخامنشی را بین خود تقسیم کنند. شنیدن این اخبار به سرعت و حرارت اسکندر افزود و پس از چندروز به قصبه‌ای^{۱۴} رسید که بسوس داریوش را در آنجا دستگیر کرده بود رسیدند. بسوس و شرکا همینکه اسکندر را در تعقیب خود دیدند زخم‌های مهلکی بداریوش زدند و بدین ترتیب آخرین پادشاه هخامنشی به قتل رسید ژوستین گوید: دارا را سرداران او در ناحیه‌ای بنام سارا یازارا به زنجیر بستند و احتمال می‌رود این ناحیه همان قلعه سارو واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی سمنان باشند.

آریان محل کشته شدن داریوش سوم را در محلی بین سمنان و شاهرود و احتمالاً نزدیکی دامغان میداند کنت کورث حاجی آباد کنونی را بعنوان محل قتل داریوش نام می‌برد. ^{۱۵} لیکن بعقیده هارولد لملب امریکائی این محل در نزدیک دهی بنام چاش گیران واقع است نه دامغان و با توجه به ده چاش خوران که در ۲۸ کیلومتری سمنان قرار دارد این ادعا بیشتر مقرون به صحت است^{۱۶} پس از قتل داریوش اسکندر وارد پارت شد و سپس به شهری که بعداً به هکاتم پیلس یعنی صد دروازه معروف شد وارد گردید و به ضیافت و خوشگذرانی‌های بیجا مشغول گشت. اسکندر در این شهر طی نطقی تاریخی و

۱۴ - رفیع در تاریخ سمنان این قصبه را سمنک قصبه تاریخی مجاور سمنان میداند

۱۵ - ایران باستان مشیرالدوله

۱۶ - تاریخ سمنان تألیف رفیع صفحه ۵۰

مهمی که ایراد کرد و به سربازان خود که طالب برگشت به وطن بودند اظهار داشت: ۱۷

(..... مردمان خارجی که یوغ تسلط ما را بگردن گرفته‌اند سرکش‌اند و وقت لازم است تا آنها احساسات ملایمتری به ما بورزند و با عادات صلح‌جویی خو بگیرند. آنها که با پادشاه خود انس گرفته بودند از نظر مذهب و اخلاق با ما هیچ علائقی ندارند. آیا آنها با یک ضربت مطیع ما گشته‌اند؟ خیر. و اگر مطیع باشند پس از غیبت شما از دشمنان سرسخت شما خواهند بود.....) اسکندر پس از این نطق و تعویض روحیه سربازان آنها را به سه دسته تقسیم کرد قسمتی را به فرماندهی خود قسمت دوم را به سرکردگی کراتروس و دسته سوم را به سرداری اری‌گیوس بسوی زادکرت (استرآباد) حرکت داد و تمامی شهرهای گرگان را بتصرف درآورد. و پس از لشکرکشی به هند از راه مکران و بلوچستان به کرمان و شوش سپس به همدان رفت و در سال ۳۲۳ ق. م هنگام تدارک حمله به عربستان درگذشت.

پس از فوت اسکندر تشنجات و منازعات سختی بین دولت او روی داد و دولت وی را به چند قسمت تقسیم کرد و شخصی بنام فیلیپ والی ایالت پارت گردید ایالت بابل نیز به سردار معروف مقدونی سلوکوس واگذار شد که این شخص مؤسس سلسله‌ایست در ایران که بنام سلوکیان خوانده می‌شوند. سلوکیان بزرگترین عامل یونانی کردن مشرق بودند و بهمین جهت برای ادامه فرمانروایی خود لازم میدانستند که نظر خوش مردم را به خود جلب کنند و برای اینکار تقریباً شصت شهر در مشرق و ایالت پارت بنا کردند. یکی از این شهرها شهر آپاما^{۱۸} یا لاسگرد فعلی است که در ۳۴ کیلومتری سمنان واقع شده و دیگری شهر هکاتم‌پیلِس (صد دروازه) که عده‌ای آنرا دامغان میدانند می‌باشد این شهرهای تازه تأسیس بوسیله حکام آنان اداره می‌شد.

۱۷ - ایران باستان حسن پیرنیا کتاب اسکندر

۱۸ - جغرافیای کایگر صفحه ۳۹۱

با ظهور اشکانیان ایالات ایران را به هیجده بخش وسیع تقسیم کردند و یکی از ایالات مهم کمیسن «قومیس» یا قومس نواحی سمنان و دامغان کنونی بود.^{۱۹} مرحوم اعتمادالسلطنه در کتاب در رالتیجان فی تاریخ بنی اشکان راجع به مملکت پارت در زمان اشکانیان می نویسد: که «ژرژلیسن از فضلی انگلیس که معلم تاریخ است مملکت پارت را در این دوران از خراسان حالیه که امتداد آن تا سر دره خوار و هریرود بوده میدانست که شامل سمنان، دامغان، بسطام، سبزوار، نیشابور، مشهد و سایر بلاد خراسان بوده است. مورخ دیگر می نویسد: پارتیان در ابتدا در ناحیه بسیار کوچکی حکمرانی بهم رسانیده و ممالکی که در همان ابتدای شورش بدست آورده بودند شامل چند شهر بزرگ منجمله دره اترک و شهر هکاتم پیلس بوده که یونانی ها ساخته بودند ولی بعداً که اشکانیان مسلط شدند بتجدید بعضی از شهرها پرداختند و نام شهر هکاتم پیلس را تغییر داده و دامغان نامیدند» البته در این تردیدی نیست که شهر صد دروازه در موقع بسط دولت پارت از مشرق بطرف مغرب چندی مرکز حکومت بوده و اهمیت داشته است لیکن محل این شهر را تابحال نیافته اند.

هوتموشیندلر ویلیام جکسون عقیده داشتند که این محل باید کرسی ولایت سابق کومش باشد و باید آنرا در هشت میلی جنوبی دامغان جستجو کرد ولی از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ دکتر شمیدت در تپه حصار هشت میلی دامغان مشغول حفاریات شد با این مقصود که شهر صد دروازه را کشف کند ولی اثری از این شهر ظاهر نگردید و محل آن عجالتاً نامعلوم است.^{۲۰} با توجه به عقاید شیندلر و جکسون مبنی بر اینکه شهر صد دروازه کرسی ولایت سابق کومش باشد از هر لحاظ صحیح بنظر میرسد. بنابراین محل وقوع شهر را احتمالاً می توان با سه محل در کومش یا قومس تطبیق داد:^{۲۱}

-
- ۱۹ - ایران باستان (اشکانیان) تألیف پیرنیا صفحه ۲۶۵۱
 ۲۰ - ایران باستان (اشکانیان) تألیف پیرنیا صفحه ۲۶۴۶ - ۲۶۴۵
 ۲۱ - تاریخ سمنان ۸۲

۱ - تپه‌های حوالی علاء یا کهلاء واقع در ۹ کیلومتری جنوب شرقی سمنان که متأسفانه از نظر حفاریات بدان توجه نشده است

۲ - تپه‌های جنوب قوشه

۳ - تپه‌های جنوب غربی شاهرود بین ده‌ملا و شاهرود که احتمالاً همان مرکز ایالت پتسخوار گر می‌باشد

لازم بیادآوری است که ایالت پتسخوار گر یکی از تقسیمات کشوری در زمان ساسانیان می‌باشد^{۲۲} که از قدیم‌ترین ایام به شهرهای کومش ، سمنان ، دامغان ، بسطام ، مغون - بیار و بخشی از کوهستان جنوبی طبرستان شامل نواحی سنگسر و شهمیرزاد ، فولاد محله پل سفید ، پریم ، افتر ، ویمه ، شلنبه ، فیروزکوه ، سوادکوه ، سردره خوار «گرمسار» محدود بوده است^{۲۳}

بنابر آنچه در تواریخ آمده پادشاهی ایالت پتسخوار گر از عهد اسکندر مقدونی تا عهد قباد ، پدر انوشیروان در اختیار خاندان جشنسفاه بود . و اردشیر بابکان بنیان‌گذار حکومت ساسانیان پس از استقرار بر سریر حکومت و سلطنت اختلالی در کار حکومت این خاندان ایجاد نکرد. در سال ۵۱۹ میلادی قباد پس از محکم کردن شالوده بنیان دولت خود قصد داشت جانشین خود را برگزیند و در این کار موفق شد و کاوس پسر ارشد خود را بعد از اضمحلال خاندان جشنسفاه به حکمرانی پتسخوار گر منصوب کرد.^{۲۴} پس از فوت قباد بنا به وصیت وی انوشیروان خسرو اول به سلطنت رسید لیکن کاوس که آئین مزدکی داشت و در ایالت پتسخوار گر مقامی منیع و مستحکم داشت ادعای سلطنت کرد و بر برادر شورید ولی شکست خورد و کشته شد. پس از کاوس خسرو اول ایالت مذکور را به یکی از پسران زرمهر سوخرا سپرد و این

۲۲ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف مرعشی به کوشش محمدحسین تسبیحی صفحه یازده

۲۳ - ابن اسفندیار ایالت پتسخوار گر را شامل طبرستان ، آذربایجان - گرگان - ری دبلم - قومی و دامغان میدانسته است

۲۴ - ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستین سن دانمارکی ترجمه رشید یاسمی صفحه ۲۴۸

حاکم سلسله متعبر سوخرائیان و وندادیان را تشکیل داد. بدین ترتیب در عهد انوشیروان ساسانی حکومت و سلطنت وندادیان در این سرزمین استقرار یافت. و در قرن سوم هجری سال ۲۲۴ هجری با دستگیری و قتل مازیار بن قارن بن ونداد هرمز آخرین فرمانروای این سلسله بدست عمال عباسی منقرض گردید. بطوریکه نوشته‌اند^{۲۵} یکی از کارآمدترین سرداران ایران در دوره ساسانیان و در زمان سلطنت هرمز چهارم بهرام چوبین واز دودمان بزرگ مهران بود. این سردار نامی به هیچوجه حاضر نبود که بفرمان پادشاه جدید خسرو پرویز درآید زیرا که خود سودای پادشاهی در سر داشت و مدعی بود که وی از نسل اشکانیان است. بنابراین در جنگی که بین خسرو پرویز و بهرام در گرفت و پادشاه ساسانی شکست خورد به موریکیوس امپراتور روم پناهنده شد و بکمک او به سپاه بهرام حمله کرد. در این جنگ بهرام چوبین شکست خورد و از طریق جاده ری و کومش (سمنان، دامغان، بسطام) به ترکان پناه برد تا سرانجام به تحریک خسرو پرویز کشته شد و جنازه اش به سرزمین کومش (بین سمنان و دامغان) که مرکز حکومت اشکانیان و احتمالاً زادگاه وی بوده است حمل و به خاک سپرده شد.^{۲۶}

۲۵ - ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستین سن ترجمه رشید یاسمی صفحه ۳۱۲
 ۲۶ - ترجمه تاریخ طبری (تاریخ بلعمی) بتصحیح ملک الشعرای بهار چاپ وزارت فرهنگ
 صفحه ۱۰۸۹

سمنان در دوران بعد از اسلام

« از پیدایش اسلام تا ظهور سلسله طاهریان »

در آغاز قرن هفتم میلادی در زندگی سیاسی اجتماعی ایران آتش تضاد های داخلی بیشتر شد و مبارزه ای که بخاطر قدرت و حکومت میان دستجات گوناگون اعیان در گرفت موجب ضعف ایران گردید .

در همین اوان آخرین پادشاه ساسانی یعنی یزدگرد سوم کاملاً به مبارزه علیه قوای اعراب که به ایران حمله کرده بودند سرگرم بود این مبارزه که تا سال ۶۵۱ میلادی ادامه داشت با فتح کامل ایران بدست اعراب خاتمه پذیرفت. بدین ترتیب در جنگ نهانند ایران موجودیت سیاسی خود را از دست داد و اعراب بر سراسر ایران مسلط شدند .

پس از این جنگ تازیان متوجه شهرهای بزرگ ایران شدند. نخست شهر بزرگ و آباد ری را تسخیر کرده و به سوی شمال شرقی رهسپار شدند و به سرزمین کومش «شهرهای سمنان ، دامغان بسطام» رسیدند. این سپاه که به فرماندهی حذیفه سلمه بن عمرو بن ضرار ضبی به دربار ابن زینبی که حکومت ری و قومس را به عهده داشت رسید و پس از نبردی کوچک ابن زینبی طلب صلح کرد و از جانب اهل ری و قومس سلمه را پانصد هزار درم بداد تا تازیان کسی از

ایشان را نکشند و آتشکده‌ای را ویران نکنند^{۲۷} از مهمترین وقایع مربوط به سمنان پس از مرگ یزدگرد سوم و حمله تازیان، نهضت از رقیان (ازارقه) در کومش است. رهبر این نهضت نافع بن ازرق بود که در جنگ باعمال خلیفه کشته شد. پس از او از رقیان عبیدالله بن ماحوز را به خلافت و امامت برگزیدند لیکن عبیدالله نیز در مصافی که با عبدالله زبیر کرد بقتل رسید. وقطری بن فجاعه از طرف ازارقه به جانشینی وی انتخاب شد او پس از این انتخاب از طریق فارس واهواز به بصره روی آورد و پس از نبردهای بسیار و متفاوتی که با خلیفه اموی داشتند از حجاج بن یوسف شکست خورده و به کرمان واز آنجا به نواحی کوهستانی طبرستان و سرزمین قومس یعنی سنگسر و شهمیرزاد و فولاد محله عقب نشستند.

بطوریکه نوشته‌اند قطری بن فجاعته رهبر خوارج ازارقه مدت شش ماه در نواحی کوهستانی شمال سمنان بود. وی پس از تکمیل سپاه کسی را بنزد اسپهبدفرخان فرمانروای طبرستان فرستاد که باید بدین ما درآئی و یا آماده جنگ باش^{۲۸}. ولی اسپهبدفرخان در تعقیب رهبر ازارقه به سمنان رفت و در جنگ سختی که بین فرمانروای طبرستان و قطری بن فجاعه اتفاق افتاد، رهبر ازارقه کشته شد.

در دوران حکومت امویان و عباسیان بخصوص پس از قتل ابومسلم خراسانی بدست منصور دوانقی انقلاب و شورش سراسر ایران را فرا گرفت و نهضت‌های بیشماری بوقوع پیوست که از مهمترین آنها میتوان قیام سنباد زردشتی را نام برد.

در اندک زمانی زردشتیان طبرستان و نواحی شمالی قومس یعنی سنگسر و شهمیرزاد و فولادمحله بدور رهبر این نهضت جمع شدند و قومس و ری را

۲۷ - تاریخ نهضت‌های ملی ایران تألیف رفیع صفحه ۷۷ - ۷۵ (تاریخ سمنان تألیف

رفیع ص ۱۰۳ - ۱۰۴

۲۸ - تاریخ سمنان تألیف رفیع صفحه ۱۱۲

بتصرف در آوردند ولی درساوه شکست خوردند و سنباد به قومس گریخت و پس از ضبط خزاین ابو مسلم رو به طبرستان نهاد ولی طبق نوشته محمد جریر طبری در دره‌های سنگسر و شهیرزاد بدست شخصی بنام لونان طبری بقتل رسید.

از قرن دوم هجری نهضت ضد بیگانه بطور آشکار در ایران آغاز گردید. طرفداری از فرزندان علی بن ابیطالب یکی از علل این نهضت‌ها بود. در این زمان مردم شیعه ایران برای اینکه عده‌ای از علویان بسی‌پناه از دست خلفای عباسی که آنان نیز عقیده علویان را غاصب خلافت و امامت بشمار می‌آوردند برهاند، حتی تا مراحل خطرناکی پیش میرفتند. یکی از این موارد را می‌توان به واقعه تاریخی در جزین سمنان و کشته شدن سی‌ونه تن از مردم در جزین بخاطر یکی از سادات علوی نام برد.^{۲۹}

یکی از موارد تأثیر علویان در سمنان و عزیمت گروهی از علویان به سمنان قدیم یا محلات ثلاث سمنان و استقرار آنان در این ناحیه این است که این محل با داشتن قلاع مستحکم یکی از امن‌ترین نقاط بحساب آمده است و وجود آرامگاههای متعدد علویان در محلات ثلاث گویای همین مسئله است. از مهمترین وقایع قابل نگارش برای مردم شیعه مذهب سمنان در زمان خلافت عباسیان، سفر حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه السلام به مرو و توقف آن حضرت در سمنان است.

در سال «۱۹۸» مأمون خلیفه عباسی رجاء بن ابی الضحاک را برسم رسول به مدینه فرستاد تا از حضرت رضا (ع) برای رفتن به مرو دعوت بعمل آورد لیکن آن حضرت از قبول دعوت اکراه داشت ولی بنابه مصالحی در سال ۲۰۱ پنهانی به بغداد آمد و از راه همدان، نهاوند، قم، ری وارد سمنان گردید و

۲۹ - تظلم و بیدادگری خلفای مستبد عباسی و کشتن عده زیادی از شیعیان، نفرت و بیزاری مردم سمنان و سنگسر از حکومت و خلافت عباسیان بدان حد رسید که حتی امروزه مردم این نواحی از پوشیدن لباس سیاه که شعار خلفای عباسی بود اکراه دارند

بدستور وی حضرت یحیی بن موسی بن جعفر برای ارشاد خلق در سمنان رحل اقامت افکند .

رفیع در کتاب تاریخ سمنان می نویسد: «حضرت رضا هنگام توقف در سمنان با شیخ ابوليث سمنکی دانشمند معروف این ناحیه ملاقاتی داشته است و گویا شبی را در آنجا بسر برده» ولی با توجه به سفر حضرت رضا در سال ۲۰۱ هجری و فوت شیخ ابوليث سمنکی در سال ۵۳۱ هجری ، این ادعا درست بنظر نمیرسد .

وقایع تاریخی سمنان از سلسله طاهریان تا غزنویان

متأسفانه از فعالیت سلسله طاهریان در سمنان اطلاع زیادی در دست نیست فقط در تواریخ از عبدالله بن طاهر یاد می‌کنند که پس از دستگیری مازیار، به طبرستان و قومس رفت و در آنجا مازیار بن قارن را که در صفحات پیش از آن نام بردیم بحضور او آوردند و چون از استرداد نامه‌های افشین اسروشنی خودداری کرد بدستور عبدالله وی را به بغداد فرستادند.

پس از مرگ مازیار بدست دژخیمان معتصم خلیفه عباسی ولایت ایالات فوق‌الذکر به عبدالله بن طاهر حاکم مشرق محول گردید^{۳۰} در قرن سوم هجری یعقوب صفار پس از تسخیر نیشابور پایتخت طاهریان در صد دستگیری عبدالله بن محمد صالح که به قومس و سپس طبرستان فرار کرده بود برآمد. بهمین جهت از راه اسفراین و گرگان به طبرستان حمله کرد و پس از شکست حسن بن زید علوی مدت چهار ماه در طبرستان توقف کرد و سرانجام پس از دریافت خبر مبنی بر آنکه در بخارا خطبه را بنام نصر بن احمد سامانی خوانده و نام یعقوب را از خطبه انداخته‌اند بدون نتیجه از ساری به قومس رفت و پس از ورود به سمنان و یک روز توقف در آنجا به سوی خوار و ری رهسپار گردید.^{۳۱}

دومین حمله به طبرستان و خاندان علوی توسط امیر اسماعیل سامانی

۳۰ - تاریخ سمنان تألیف رفیع صفحه ۱۲۲

۳۱ - تاریخ سمنان صفحه ۱۳۸-۱۲۷

بفرماندهی محمد بن هارون سرخسی در سال ۲۸۷ هجری صورت گرفت که منجر به قتل محمد بن زید گردید. در سال بعد یعنی ۲۸۸ هجری امیر اسماعیل به عزم سرکوبی محمد بن هارون که بروی شوریده بود عازم طبرستان شد بطوریکه در تاریخ طبری اشاره شده امیر سامانی در این سفر جنگی چند روز در سمنان اقامت کرد و در هنگام توقف در این شهر خبر مرگ المعتضد خلیفه عباسی را بوی دادند. ۳۲

در سال ۳۲۹ ماکان پسر کاکای یکی از سرداران معروف ناحیه قومس یا کومش برضد دولت سامانیان و آل زیار قیام کرد و پس از جنگ‌های متعدد با ابوعلی چغانی فرمانده اعزامی امیر نصر سامانی در جنگ اسحق آباد کشته شد و بلاد قومس (سمنان - دامغان و بسطام) بتصرف سامانیان درآمد.

از معروفترین فرمانروایان ایالت کومش در زمان آل زیار و آل بویه، نصر بن حسن فیروزان برادرزن رکن الدوله دیلمی است که از طرف دیلمیان بدین سمت برگزیده شده بود و در مدت قریب ۲۰ سال کلیه آبادیها و قلاع نقاط کوهستانی شمال سمنان و دامغان را با قدرت کامل در دست داشته است ولی با دستگیری و زندانی شدن وی سرزمین قومس به تصرف دولت آل زیار درآمد. تاریخ یمنی مرکز حکومت نصر بن حسن فیروزان فرمانروای مستقل کومش را شهر سمنان میداند.

غزنویان

در سال ۴۲۰ هجری سلطان محمود غزنوی، غزنین را به قصد تسخیر شهرهای مرکزی ایران ترک نمود^{۳۲} و به سوی قومس و ری رهسپار گردید و پس از چند روز توقف در قومس و ملاقات با شیخ ابوالحسن خرقانی عارف مشهور ایران از طریق شهرهای بسطام دامغان و سمنان به ری رفت و پس از منقرض کردن حکومت دیلمیان عده زیادی را بجرم بددینی «شیعه بودن» کشت و بزرگان دیلم را بدار آویخت. پس از مرگ سلطان محمود پسرش سلطان مسعود از اصفهان به ری آمد و روز بعد از طریق سمنان - بسطام عازم غزنین گردید. در اواخر سلطنت این پادشاه، خراسان بویژه ایالت کومش مورد تاخت و تاز ترکان غز واقع گردید.

بیهقی در مورد حمله ترکان غز به کومش و ری کتابی نوشته که متأسفانه از بین رفته است. عبارت‌های ابن اثیر هم‌چندان درهم و آشفته است که نمی‌توان مطلب را درست بدست آورد. آنچه معلوم است پنج سال بیشتر پیکار میان غزان و تاش سپهسالار خراسان در کار بود و روز بروز بر سختی کار می‌افزود در این میان چون در سال ۴۲۶ طغرل بیک و برادرانش با مردم خودشان از جیحون گذشته به خراسان آمدند و نامه به مسعود نوشتند و نشیمن برای خود

خواسته آندسته غزان عراقی که تا این هنگام در بلخانکو بودند از ترس ایشان از آنجا گریخته و به عراق آمدند و به برادران خود پیوسته و به تاخت و تاز یغماگری پرداختند. ابن اثیر می نویسد: (که تمام سمنان و دامغان و خوار و برخی دیه های ری را پاك تاراج نمودند و بسیاری از مردم را بکشتند) در این هنگام روزگار مسعود برآشفته و از دست سلجوقیان آن فرصت را نداشت که به کار ری و عراق پردازد و یا سپاهی بیاری تاش بفرستد. تاش ناگزیر از مازندران و گرگان سپاه خواسته با لشکر انبوه و پیلان جنگی آهنگ غزان کرد بنا به نوشته ابن اثیر نخست پیروزی با تاش بود ولی با دستگیری سرکرده کردان که در سپاه تاش بودند غزان چیره گشته و تاش سپهسالار و بسیاری از سپاهیان را بکشتند و غنیمت جنگی بسیار بدست آوردند سپس روی به ری نهاده آن شهر بگشادند.^{۳۴}

یکی از حکام معروف ایالت کومش در این دوره امیراجل بختیاربن محمد معروف به ابو حرب بختیار است که بانی منار مسجد جامع سمنان و بقعه پیر علمدار دامغان باشد.

سلجوقیان - اسماعیلیان - آل باوند - خوارزمشاهیان

ایالت کومش یا قومس یکی از کانونهای مهم اسماعیلیان در قرنهای ششم و هفتم هجری بود بطوریکه در تاریخ ایران از ماد تا پهلوی نوشته شده است در این ایالت ۱۵۰ قلعه در اختیار این فرقه بوده که هر یک از این قلاع را یک کدخدا و هر قلعه آن ناحیه را یک نفر محتشم که بمنزله فرماندار کل یا حاکم بزرگ بوده زیر نظر داشته است.^{۳۵}

یکی از مهمترین این قلاع گردکوه یا گنبدان کوه دامغان بوده که در تاریخ فعالیت اسماعیلیان جای بسیار ارزنده و قابل توجهی پیدا کرده است. قلعه‌های کوهستانی ساروی بزرگ و ساروی کوچک واقع در ده کیلومتری شمال شرقی سمنان، دژهای شیرقلعه و وهل در شهیرزاد سمنان، کافر قلعه سنگسر، دژلاجوردی نیز از مراکز مهم اسماعیلیان در بیش از دو قرن بوده است.^{۳۶} بهمین جهت مردم شهرهای سمنان، دامغان از ترس فدائیان اسماعیلی آرامش و آسایش نداشتند و برج و باروی شهرها را بوسیله نگهبانان کشیک شبانه‌روزی حفاظت میکردند. در این میان فرمانروایان آل باوند همواره در حال دفاع و مقابله با آنها بودند لازم بتذکر است که آل باوند از اواخر عهد ساسانی به کوههای طبرستان تسلط یافته بودند. ولسی پس از حمله اعراب از

۳۵ - تاریخ ایران از ماد تا پهلوی تألیف حبیب‌الله شاملوئی صفحه ۴۹۴
۳۶ - تاریخ سمنان ص ۱۵۴ قلاع اسماعیلیه در البرزکوه تألیف دکتر ستوده صفحه ۱۶۵

تفوذ آنان کاسته شد مجدداً بعد از ضعف زیاریان و حکومت پادشاهان جزء طبرستان، قدرت را در دست گرفته و برگیلان - طبرستان قومس وری حکمرانی یافتند.

اولین فرمانروای آل باوند اسپهبد شهریار حسام الدوله بود. که حکومت وی با توجه به درهم ریختگی و نابسامانی دولت سلجوقیان استقرار یافت. پس از اینکه سلطان محمد سلجوقی آخرین پادشاه سلجوقی بر برادرش برکیارق پیروز شد برادر دیگر خود را به نزد حسام الدوله فرستاد که می باید نزد ما آیی و اگر نیائی سزای آن خواهی دید. اسپهبد گفت مرا به خدمت خود به چنین پیغام نشاید برو ولایت اینجا نهاده هر که را می خواهی بفرست. چون رسول به حضرت رسید در سال پانصد از هجرت سلطان سنقر بخاری را با پنج هزار سوار به مازندران فرستاد. اسپهبد حسام الدوله نیز نجم الدوله قارن را به جلوگیری و دفاع روانه کارزار نمود. پس از نبردی سخت که بسیاری از طرفین کشته شدند نجم الدوله پیروز شد و سنقر نیز به اصفهان گریخت سلطان محمد کس بنزد اسپهبد فرستاد که ما را باشما فکر مجادله و محاربه نبود باید فرزندی را نزد ما بفرستی که با ما همراه باشد اسپهبد علاء الدوله علی را برای این مقصود با یک هزار سوار و یک هزار پیاده روانه کرد و او را به راه سمنان بفرستاد تا به اصفهان رفت. سلطان برای تحکیم دوستی خواهر خود را به میل و علاقه علاء الدوله علی به ازدواج نجم الدوله قارن درآورد.

چون علاء الدوله به ساری برگشت بدستور پدر به نزد برادر رفت ولی او را بار ندادند شکایت به پدر برد. اسپهبد نجم الدوله را طلب نمود و ملامت بسیار کرد قارن دشمنی با برادر ظاهر کرد و از پدر اجازت خواست و به بغداد نزد سلطان رفت سلطان او را استقبال کرد و خواهر خود را بدو سپرد و با ثروت و نعمت تمام وی را به طبرستان فرستاد چون نجم الدوله به سمنان رسید حسام الدوله تافریم استقبال نمود و جهت پسر از اسب به زیر آمد و او را در

کنار گرفت و قلعه کوزا را بدو داد. ۳۷ با فوت حسام الدوله در مرو نجم الدوله قارن عملاً فرمانروا شد.

ظهیرالدین مرعشی در کتاب تاریخ طبرستان و رویان مازندران در ذکر استیلای آل باوند چنین می نویسد: که در سنه چهارصد و شصت و شش ابتدای ایالت حسام الدوله شهریار بود. اولاد عظام او تمامی طبرستان را با گیلان وری و قومس حاکم بودند. تا قتل شمس الملوک شاه غازی رستم که در سنه ششصد و شش واقع شد مابین تاریخین مذکورین صد و چهل سال بود بدین موجب:

۱ - حسام الدوله شهریار قارن بن شهریار دارا ۳۷ سال

۲ - نجم الدوله قارن بن شهریار ۸ سال

۳ - شمس الملوک رستم بن نجم الدوله ۴ سال

۴ - علاء الدوله علی بن حسام الدوله ۲۱ سال

۵ - شاه غازی رستم بن علاء الدوله علی ۲۴ سال

۶ - علاء الدوله حسن بن شاه غازی ۹ سال

۷ - حسام الدوله شاه اردشیر بن علاء الدوله حسن ۳۴ سال

۸ - شمس الملوک رستم بن شاه اردشیر ملقب به شاه غازی ۲۸ سال

شاه غازی شخصی بنام سابق قزوینی را که در خدمت سلطان مسعود شجاعی بود بفریفت و به خدمت خویش آورد و او را به جهاد با اسماعیلیه مشغول گردانید و در حال ۲۰ هزار دینار بدو داد و وی را به حکومت سمنان - دامغان ، بسطام ، جاجرم و یارگمند برگزید. ۳۹ سابق کار فرقه اسماعیلیه را به جایی رسانید که حتی جرأت بیرون آمدن از گردکوه دامغان را نیز نداشتند . شهریاران آل باوند مدت یکصد و چهل سال در تمام مازندران ، گیلان ، ری و قومس حکمرانی کردند تا اینکه سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۰۶ سلسله

۳۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف مرعشی صفحه ۱۶۲

۳۸ - تاریخ طبرستان و رویان مازندران تألیف مرعشی ص ۱۶۲

۳۹ - تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار صفحه ۱۱۴

باوندیه را منقرض ساخت .

در سال ۵۷۳ طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی به حکومت رسید وی در ده سال اول سلطنت خود بکوشش اتابک محمد جهان پهلوان پسر بزرگ اتابک اعظم ایلدگز بدون ناراحتی بسر برد. ولی در دهه دوم سلطنت وی هنگامیکه به اتفاق قزل ارسلان از همدان عازم ری بود بدو خبر رسید که دوتن از امیران سلطان بنام جمال الدین آی به و سیف الدین روس در کومش بر ضد طغرل قیام کرده و سمنان را مرکز ستاد خود قرار داده اند. طغرل شبی بی خبر از ری به سمنان عزیمت کرد در این موقع قزل ارسلان که با حکومت وی موافق نبود به تعقیب وی به سمنان رفت و در آنجا جنگ خونینی بین آنها در گرفت که سرانجام منجر به شکست و فرار قزل ارسلان گردید. بعد از این نبرد طغرل دهکده دایه را نیز که در تصرف اسماعیلیان بود محاصره کرد و پس از تسخیر و ویران کردن به طبرستان رفت.^{۴۰} و مورد استقبال حسام الدوله اردشیر شاه باوندی قرار گرفت بطوریکه خواندمیر نوشته است:^{۴۱} خوارزمشاه تکش در سال ۵۸۸ هجری به ری آمد برای طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی عراق پیغام فرستاد که در جمله عراق باید سکه و خطبه بنام ما باشد . چندبار رسولان آمدوشد کردند . قرار شد که بخوارزمشاه باز گذارد. برین عهد و قرار خوارزمشاه باز گشت و جماعت اتابکیان قرآن خوان و فتانه و شعله کش درینوقت بولایت جرفادقان بودند. چون خوارزمشاه باز گشت این جماعت بر اثر او نرفتند و او را بر نقض عهد و میثاق باز داشتند قتلغ اینانچ از سرداران معروف اتابکان آذربایجان و سلجوقیان عراق در این موقع از ری به آذربایجان رفت و با برادر خود ابوبکر مصاف داد. لیکن بعد از سه چهار بار جنگ ابوبکر پیروز گردید، قتلغ اینانچ منهزم از ری به قزوین رفت مظفر الدین باردار با او متحد شد پس آنگاه بمنظور تسخیر ری عازم آن شهر گردیدند .

۴۰ - تاریخ سمنان تألیف رفیع صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳

۴۱ - حبیب السیر تألیف خواندمیر جلد دوم صفحه ۵۳۵

طغرل شاه امیر علم را در شوال سال ۵۸۸ هجری با چهار هزار سوار جنگی بمنظور مقابله و جنگ با قتلغ اینانج که علم مخالفت بر ضد حکومت طغرل سوم برافراشته بود به ری فرستاد قتلغ اینانج در این جنگ شکست خورد و به کومش گریخت.

بعد از چندی که امیر علم بیمار شد وی از فرصت استفاده کرد و به یاری خوارزمیان به ری حمله آورد. طغرل سوم با سپاهی تحت فرماندهی خود روبه ری نهاد قتلغ اینانج پس از آگاهی دوباره عازم کومش شد طغرل به تعقیب وی از خوار گذشت و تا سمنان پیش رفت در این موقع هفت هزار سوار خوارزمی از طرف خوارزمشاه تکش یاری قتلغ اینانج آمدند با تمام این احوال سپاه خوارزمیان شکست خورد و بسیاری از افراد آنان اسیر شدند و قتلغ نیز از کومش به گرگان گریخت. (چهارم محرم سال ۵۹۰ هجری)

سمنان در دوران مغول - تیموریان

تهاجم قوم وحشی مغول بمنظور انتقام گرفتن از عمل زشت سلطان محمد خوارزمشاه، بدنبال قتل عام تجار مغولی بوسیله حاکم اترار از بزرگترین وقایع مهم تاریخ ایران است. زیرا ایرانیان از هجوم این طایفه خونخوار چنان گرفتار رعب و وحشت شدند و ایران پیایه‌ای از گرفتاری و ویرانی رسید که آثارشوم آن تا قرن‌ها باقی بود. چون منظور ما فقط اوضاع ناحیه سمنان در موقع حمله مغول است، از ذکر خونریزی‌ها مغول در سایر نقاط خودداری می‌کنیم:

عظاملك جوینی درباره حمله مغول به شهرهای قومس چنین نوشته است: ۴۲ هنگامیکه سبتای سردار سپاه اعزامی چنگیز جهت تسخیر شهرهای مرکزی ایران و تعاقب سلطان محمدخوارزمشاه به دامغان رسید مهتران این شهر به گنبدان دژ (گردکوه) پناه بردند ولی مردم شهر به ایلی رضا ندادند شب هنگامی بیرون آمدند و بر در حصار کوشش کردند و از هردو جانب معدودی چند کشته شدند سپاه ویرانگر و خونخوار مغول از دامغان به سمنان رفتند، در سمنان بسیار خلق بکشتند و در خوار و ری همچنین»

و این بعلت مقاومت شدید مردم سمنان در مقابل خونخواران مغول بوده است.

گویند هنگامیکه خبر رسید سپاه ویرانگر و خونخوار مغول از طرف دامغان به سمنان نزدیک می‌شوند دونه‌ر از بزرگان شهر بنام پیرحسین علمدار^{۴۳} و پیرنجم‌الدین دادبخش کفن پوشیده و مردم را به دفاع و مقاومت در مقابل مغول ترغیب نمودند ولی بالاخره مقاومت دلاوران به مردم سمنان درهم شکست و سپاه مغول وارد سمنان شده و به قتل عام مشغول شدند. در این میان این دو تن سردار ملی دست از فعالیت برنداشتند و بر بالای برج داخلی شهر با پرتاب خشت و سنگ بطرف دشمنان هم‌چنان بدفاع می‌پرداختند و تا سرانجام در راه میهن شربت شهادت نوشیدند. بعد از عزیمت سپاه مغول افرادی که جان سالم بدر برده بودند جنازه پیرحسین علمدار را جلودروازه عراق و جسد پیرنجم‌الدین را جلو دروازه خراسان دفن کردند.^{۴۴} و برای آنها آرامگاه‌هایی برپا ساختند. از طرف دیگر جلال‌الدین خوارزمشاه فرزند دلاور سلطان محمد بعد از اینکه بوسیله شنا در رود سند از چنگ مغول نجات یافت با باقیمانده سپاهش به هند رفت و بعنوان شاه خوارزم عازم جنگ با خلیفه ناصر دشمن پدرش گردید. پس از پیروزی در این جنگ آذربایجان را اشغال کرد، سال بعد قلمرو اسماعیلی‌ها را بباد قتل و غارت داد و نیز قوم مغول را در کومش و «دامغان مغلوب ساخت. مغولان پس از این شکست با عده زیادی ظاهر گردیدند^{۴۵} بعد از چند مصاف جلال‌الدین شکست خورد و به کردستان گریخت و در آنجا بدست یکی از ایلات بقتل رسید.

در سال ۶۴۹ هجری هولاکو خان نوه چنگیز خان از طرف منگوی قاآن مأمور سرکوبی اسماعیلیان ایران و هم‌چنین خلافت عباسیان گردید. وی پس از

۴۳ - صنیع‌الدوله پیرحسین را علمدار حضرت رضامیداند ولی بموجب کتیبه شمالی آرامگاه وی از نواده‌های امام چهارم است

۴۴ - آقای حسین شجره در مقاله مندرج در اطلاعات چهارشنبه هشتم خرداد ۱۳۱۹ شمسی پیرنجم‌الدین را شیخ نجم‌الدین طامه‌الکبرا میدانند

۴۵ - تاریخ قومس ص ۱۲۳

گرفتن چند قلعه با ده هزار سپاه سواره و پیاده گردکوه دامغان را بتصرف درآورد. سپس در بغداد المعتمد بالله آخرین خلیفه عباسی را دستگیر و اعدام نمود و با این اقدام به خلافت ۵۰۰ ساله عباسیان که سقوط آن آرزوی دیرینه ایرانیان بود پایان داد. بعد از هولاکوخان فرزند ارشدش آباقاخان به حکومت رسید وی بعد از ۱۷ سال سلطنت در سال ۶۸۰ هجری بدرود حیات گفت. پس از فوت آباقاخان دوتن رقیب نامزد سلطنت بودند یکی برادرش تکودار که بمناسبت قبول اسلام نام احمد را نیز گرفته بود و دیگری پسرش ارغونخان. بیشتر امرای مغول اولی را ترجیح داده او را بسلطنت برگزیدند. هرچند مسلمین از اسلام آوردن تکودار خشنود بودند برعکس مغولها ناراضی بودند بالتبقیه در سال ۶۸۳ جنگ سختی که بین ارغون و سلطان احمد تکودار در حوالی قزوین روی داد ارغون شکست خورد و بطرف سمنان، دامغان و بسطام عقب نشست.

در همین جنگ^{۴۶} بود که به شیخ رکن الدین ابوالمکارم شیخ علاءالدوله سمنانی که مقربان خاص درگاه ارغونخان بود جذبه‌ای از جذبات الهی دست داد قبا و کلاه بیکسو افکند و از خدمت دیوانی کناره گرفت و به ریاضت پرداخت. سلطان احمد تکودار روز ۱۸ ربیع‌الآخر سال ۶۸۳ هجری طبق توطئه سرداران مغول به قتل رسید و بجای او ارغونخان به پادشاهی برگزیده شد. اولین اقدامی که ارغونخان پس از وصول به اریکه سلطنت نمود آن بود که پسر خود غازانخان را بحکومت خراسان، مازندران قومس دامغان سمنان بسطام منصوب نمود. لیکن غازانخان در کوشش با مقاومت و عدم توجه مردم روبرو شد بهمین جهت دست به قتل و غارت و خرابی آبادیهای این سامان زد. ۴۷

بعد از مرگ غازان الجایتو پسر دیگر ارغونخان با نام سلطان محمد

۴۶ - شرح احوال شیخ علاءالدوله سمنانی تألیف سید مظفر صدر

۴۷ - تاریخ قومس تألیف رفیع صفحه ۱۲۵ - ۱۲۶

خدا بنده به سلطنت رسید وی عبدالمومن فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی را به حکومت سمنان، دامغان، خوار منصوب کرد.

در ابتدای سلطنت ابوسعید، تیمورتاش فرزند امیر چوپان در آسیای صغیر طغیان نمود و خود را مهدی موعود نام داد لیکن پدرش او را مغلوب ساخت ولی ابوسعید از گناه او درگذشت و برادر مرتبه دوم او را به حکومت منصوب نمود در این هنگام سلطان ایلخانی فریفته بغداد خاتون دختر امیر چوپان شد و چون امیر چوپان از دادن دختر که در عقد یکی از نجای مغول بود امتناع ورزید ابوسعید مصمم شد که چوپان و چوپانیان را یکسر نابود کند. امیر چوپان که از قصد سلطان آگاهی یافت نخست رکن الدین صاین سمنانی دائی شیخ علاءالدوله سمنانی را که علیه وی نزد سلطان دسیسه کرده بود بقتل رساند. سپس لشکریان خود را که عدد آنها به هفتاد هزار نفر می رسید جمع آوری نمود و از ماوراءالنهر به مغرب حرکت کرد اول به مشهد سپس به سمنان وارد شد در آنجا شیخ علاءالدوله سمنانی را که از مشایخ کبار صوفیه و مورد احترام ابوسعید بود میانجیگری نزد سلطان فرستاد. سلطان از شیخ خواهش کرد که از این میانجیگری صرف نظر کند.^{۴۸} امیر چوپان نیز پیوسته پیش می آمد ولی ناگهان بیشتر امراء مهم با سی هزار تن او را رها کرده به سلطان پیوسته امیر ناگزیر مجبور به عقب نشینی شد. وی هنگامیکه به غیاث الدین کرت پادشاه هرات پناهنده شده بود کشته شد.

در آخرین سالهای حکومت ایلخان ابوسعید نارضائی و نهضت ها در خراسان و کومش و مازندران بحد اعلاء رسیده بود و یکی از این قیامها قیام سربداران بود که در زمان وجیه الدین مسعود به اوج قدرت رسیدند و با سپاه امیران ترک و ارغون شاه بجنگ پرداختند و وسعت حوزه حکومت خود را از طرف مغرب به دامغان و سمنان رسانیدند. سربداران تا سال ۷۸۳ هجری در نواحی غربی خراسان حکومت کردند ولی سمنان و دامغان تا سال ۷۶۶ هجری

در اختیار آنان بود.^{۴۹}

هنوز جراحات وارده از هجوم مغول التیام نیافته بود که تیمورلنگ تاتار در ماوراءالنهر ظهور کرد و از سال ۸۷۳ هجری حمله به ایران را شروع نمود و تا سال ۸۰۷ هجری که درگذشت چندین بار به ایران یورش برد و هر مرتبه با کشتن هزاران نفر و غارت آبادیها و ویران کردن آنها به سمرقند باز می‌گشت.

چنانکه از ظفرنامه شرف‌الدین علی‌یزدی برمی‌آید^{۵۰} در سمنان و دامغان، ری و قزوین گروه کثیری بهلاکت رسانید و طبق نوشته کلاویخو سفیر اعزامی دولت اسپانیا به ایران که از سمنان و قومس دیدن کرده بود از منارهایی که تیمور از جمجمه انسان ساخته یاد می‌کند. خواندمیر می‌نویسد که: امیر تیمور گورکائی پس از تسخیر ولایات ایران حکومت ناحیه سمنان و هزار جریب را به امیر عزالدین و سید عمادالدین محول داشته است.^{۵۱}

بطوریکه از مفاد تاریخ‌های این دوره برمی‌آید در دوره حکومت ایلخانان مغول و همچنین در دوره فرمانروائی تیموریان بیشتر وزرای آنها از سمنان برگزیده شدند بهمین جهت شهر سمنان دارالوزاره سمنان یا مرکز ستاد فکری حکومت‌های ایلخانان مغول و تیموریان نامیده شده است.^{۵۲} مهمترین وزرای دوره ایلخانان مغول و تیموریان عبارتند از:

- ۱ - ملك جلال‌الدین مخلص سمنانی وزیر ارغون‌خان
 - ۲ - خواجه یونس سمنانی وزیر پهلوان حسن دامغانی
- فرمانروای دولت سربداران

۴۹ - برای اطلاع بیشتر به کتاب نهضت سربداران خراسان تألیف پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز مراجعه شود

۵۰ - ظفرنامه تیموری شرف‌الدین علی‌یزدی صفحه ۵۸۷

۵۱ - حبیب‌السیر تألیف خواندمیر جلد دوم صفحه ۴۴۲

۵۲ - دستورالوزراء تألیف خواندمیر با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی صفحه ۳۸۰

- ۳ - خواجه یحیی سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی
- ۴ - خواجه عمادالدین مسعود بن یحیی سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی
- ۵ - خواجه شرف الدین علی سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی
- ۶ - خواجه غیاث الدین سالار سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی
- ۷ - شیخ علاء الدوله سمنانی وزیر ارغون خان
- ۸ - ملک شرف الدین محمد سمنانی وزیر ارغون خان و غازان خان
- ۹ - شمس الدین علی بالیچه سمنانی وزیر شاه رخ تیموری
- ۱۰ - خواجه وجیه الدین محمود بن اسماعیل سمنانی وزیر بایسنقر میرزا و میرزا علاء الدوله
- ۱۱ - خواجه قطب الدین طاووس سمنانی وزیر میرزا ابوالقاسم بابر خان
- ۱۲ - خواجه غیاث الدین بهرام سمنانی وزیر میرزا ابوالقاسم بابر خان
- ۱۳ - خواجه نظام الدین بختیار سمنانی وزیر سلطان حسن میرزا
- ۱۴ - خواجه رکن الدین صابین سمنانی وزیر امیر چوپان - (چوپانان) ارغون خان^{۵۳}
- از وقایع قابل ذکر دوره تیموریان جلوس و تاجگذاری میرزا ابوالقاسم بابر در سمنان و پذیرائی قطب الدین طاووس سمنانی از وی می باشد^{۵۴}
- واقعه مهم دیگر ایندوره ساختمان ایوان مسجد جامع سمنان است که در زمان سلطنت شاه رخ تیموری به امر وزیرش شمس الدین علی (محمد بالیچه) صورت گرفت .

۵۳ - دستورالوزرا تألیف خواندمیر با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی

۵۴ - دستورالوزرا تألیف خواندمیر با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی صفحه ۳۸۲

اوضاع تاریخی سمنان در دوران صفویه - افشاریه

در اواخر دوره تیموریان ولایت سمنان و فیروزکوه و خوار در تصرف شخصی بنام حسین کیای چلاوی پسر اسکندر شیخی بود که قلعه فیروزکوه را مرکز حکومت خود قرار داده و از آنجا فیروزکوه، خوار، سمنان و سنگسر را اداره می کرده است. پس از ظهور و استقرار حکومت، صفویان شاه اسماعیل صفوی به سرکوبی گردن کشان ولایت‌های پرداخت از جمله حکام ولایات ایران حاکم مذکور را که در قلعه مستحکم فیروزکوه مقام داشت. بعلت مقاومت دستگیر ساخت و افراد قلعه را از دم تیغ گذرانید. حسین کیا به خود زخم مهلك زده تا خود را از چنگ قساوت و انتقامجویی وحشتناك شاه اسماعیل خلاص کند^{۵۵} و مطابق مندرجات تاریخ شاه اسماعیل جسد حسین کیای چلاوی را طبق دستور شاه اسماعیل صفوی به اصفهان بردند و در میدان شهر بضرب آتش توپ قطعه قطعه کردند و بدین طریق ولایات فیروزکوه و خوار و سمنان و سنگسر به تصرف صفویان درآمد. از وقایع مهم زمان شاه عباس اول مربوط به سمنان مسافرت تاریخی وی به مشهد از طریق اصفهان و جندق و سمنان می باشد که پیاده انجام گرفته است. پوشیده نباشد از بیابانك واقع در چهارفرسخی شهر سمنان راهی به جندق و اصفهان وجود دارد که بسیار نزدیک است حالا

شتردارها از آن راه حرکت می‌کنند و ظاهراً این راه در ایام سابق شاهراه بود. و قوافل و زوار از این جاده از اصفهان بطرف سمنان و خراسان میرفته‌اند و عقیده بعضی این است که شاه‌عباس اول که پیاده زیارت مشهد مقدس مشرف شده از این راه رفته است.^{۵۶} وجود کاروانسراهای متعدد شاه‌عباسی در این شهرستان بمنظور رفاه بیشتر زائران بارگاه حضرت رضا (ع) موید این گفته می‌باشد.

همانطور که در صفحات پیش گفته شد بعلمت هجوم تازیان به ایران به امر عمر بن خطاب و بیزاری و نفرت شدید ایرانیان به عمر آنان را هر روز بیشتر از پیش مشتاق علی بن ابیطالب و فرزندانش می‌ساخت بهمین جهت اکثر مردم ایران شیعه‌مذهب و دوستدار آل علی بودند.

هنگامیکه شاه اسماعیل صفوی مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران نمود برای تشویق شیعیان تخفیف‌هایی در مالیات آنها قائل شد وجود دو فرمان تاریخی در ایوان مسجد جامع، یکی منسوب به شاه‌صفی که در سال ۱۰۳۹ هجری صادر شد و دیگری فرمان شاه‌عباس اول مبنی بر اینکه در اخذ مالیات به نواحی شیعه‌نشین پنج‌یک تخفیف داده است گویای این مسئله است.

توضیح اینکه چندتن از سادات و بزرگان سمنان بنامهای عبدالواسع، میرزا ابوطالب و میرمحمد و آقاملکی بدرگاه همایونی رفته و تخفیف مالیات درباره شیعیان سمنان را خواستار گردیدند^{۵۷} و بموجب فرمانهای فوق‌الذکر سمنان نیز در ردیف نقاطی قرار گرفت که شاه‌عباس اول درباره آنها تخفیف مالیات قائل شده بود. شاه‌صفی نیز در فرمان فوق‌الذکر صریحاً مردم سرخه را که سنی مذهب بودند از تخفیف مالیات مستثنی داشته است.

در دوران آشفته اواخر سلسله صفویان که منجر به تسلط موقتی افغانها بر ایران گردید سرداری دلیر بنام نادرقلی در خراسان ظهور و برای نجات ایران

۵۶ - مطلع الشمس تألیف صنیع الدوله صفحه ۳۳۸

۵۷ - کتیبه تاریخی ایوان مسجد جامع

از شرافاغانه به طهماسب فرزند سلطان حسین صفوی پیوست. وی بعد از کشتن فتحعلی خان قاجار بفرماندهی کل قوای شاه طهماسب رسید. در تابستان سال ۱۱۴۲ در اصفهان شهرت یافت که سلطان حسین در قندهار مشغول لشگرکشی برای آغاز نبرد با اشرف می باشد و در عین حال اخبار متواتر به اصفهان می رسید حاکی از اینکه چون نادر و طهماسب میرزا ابدالیها را شکست سخت داده ، پیشرفت بطرف اصفهان را آغاز کرده اند. از این اخبار اشرف سخت مضطرب گردید و با شتاب هرچه تمامتر سیدآل فرمانده پادگان افغانی مقیم قزوین را با سواره نظام از راه جلگه خوار و گرمسار بسوی سمنان و دامغان از پیش فرستاد سپس خود با توپخانه های نیرومند و کلیه قوا و تجهیزاتیکه در اختیار داشت بدنبال وی بطرف خراسان روی آورد.

نادر که تازه از هرات به مشهد بازگشته بود بیدرنگ برای جنگ با افغانها آماده گردید و قبل از حرکت بمشهد با طهماسب میرزا قراردادی منعقد نمود که برطبق آن طهماسب میرزا متعهد گردید در ازای خدمات برجسته نادر ایالات خراسان - مازندران و گرگان و کرمان را پس از تصرف اصفهان و اخراج افغانها از ایران باو واگذارد باعقد این قرارداد در ۱۸ صفر ۱۱۴۲ نادر و طهماسب میرزا مشهد را ترك کردند و با سی هزار سوار نظام و پیاده از طریق نیشابور و سبزوار بطرف سمنان روی آوردند. ۵۸ اشرف نیز از آنطرف تاسمنان آمده برسر قلعه سیدعلی قاضی سمنان که در آن نزدیکی بود رخنه کرده و قلعه او را تصرف و قاضی را بدست آورد و از آنجا به محاصره سمنان پرداخت .

نادر بمجرد استماع این خبر و برای اینکه مبادا اهالی سمنان بنابه رفتاری قاضی حاضر به تسلیم شوند يك هنگ سوار و يك واحد توپخانه بفرماندهی حاجی بيك افشار مخفیانه به سمنان فرستاد تا آنها را از عزیمت سپاه و موکب همایونی به سمنان آگاه سازد و خود پس از جمع آوری قوا با عجله به سوی سمنان رهسپار گردید تا شهر سمنان را که در این موقع در محاصره

اشرف افغان بود نجات بخشده^{۵۹}. در این موقع مقاومت سمنانیان در مقابل لشکر اشرف بیشتر شد و اشرف بمجرد شنیدن خبر حرکت نادرقلی از مشهد ناگزیر دست از محاصره سمنان برداشت و بطرف دامغان شتافت.

جلوداران افغان بفرماندهی سیدآل افغان و محمدخان کوشیدند که توپخانه نادر را در بسطام تصرف کنند لیکن تلاش آنها بجائی نرسید و محمدخان ناگزیر بطرف مهماندوست واقع در شمال خاوری دامغان عقب نشینی کرده و در آنجا با شرف و قوای او ملحق گردید. نادر نیز به پیشرفت خود ادامه داده تا مؤمن آباد. و بعد از آن در نزدیکی رود کوچک مهماندوست در بامداد شنبه ششم ربیع الاول ۱۱۴۲ نبرد میان قوای نادری در سه ستون بفرماندهی گرجی-خان و حاجی خان بیک و سردار علیخان ابدالی با افغانها آغاز گردید نادر کلیه قوای خود را بیک واحد بزرگ تبدیل کرده و پوشش آنها را بوسیله تیراندازان و توپخانه خود تأمین نمود دستور مؤکدی صادر کرد مبنی بر اینکه قبل از فرمان صریح وی کمترین حرکت یا شلیک نکنند افغانها نخست بمرکز و سپس به جناحهای قوای ایران حمله بردند. ایرانیان نه تنها سخت دفاع نمودند بلکه یورش شدیدی را آغاز کردند، در عین حال توپخانه نادر توپهای کوچک افغانها را نابود کرد و تلفات سنگینی بدشمن وارد ساخت. افغانها چون چنین دیدند بطرف سردره خوار عقب نشستند.^{۶۰}

بعد از این جنگ نادرقلی طهماسب میرزا را وادار کرد که در دامغان بماند و خود از راه آهوان عازم سمنان گردید. در این شهر هزاران نفر مردم آن چندین فرسنگ به استقبال نادر رفته و بدو پیوستند. نادر پس از ورود به سمنان و دو روز توقف در آنجا^{۶۱} در تعقیب افغانهای فراری بسوی حرکت

۵۹ - جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی به اهتمام سید عبدالله انوار صفحه ۹۶ کتاب نبردهای بزرگ نادرشاه تألیف سرلشگر غلامحسین مقتدر صفحه ۱۸

۶۰ - نادرنامه تألیف محمدحسین قدوسی صفحه ۹۹

۶۱ - نادرشاه در این سفر دستور احداث حصاری بمنظور حفاظت از شهر سمنان را صادر کرد. بطوریکه محمدحسن خان ضیع الدوله نوشته این حصار دارای ۶۶ برج بوده

کرد. وی قوای اشرف را با اینکه از تهران نیروی کمکی بسرکردگی اسلامخان بکمکش شتافته بود در ۲۱ ربیع الاول ۱۱۴۲ شکست داد و مقدار زیادی سازو- برگ و توپ و زنبورک به غنیمت گرفت و سپس از ایوانکی وارد تهران شد و دوهفته به افراد سپاه خود راحت باش داد و در ضمن برفع نواقص اردوپرداخت سپس با سپاه تحت فرماندهی خود عازم اصفهان گردید اشرف که بعد از شکست در سردره خوار در موضع مستحکمی بنام مورچه خورت اصفهان مهیای نبرد قطعی با نادر شده بود با دادن چهار هزار نفر تلفات به زرقان شیراز فرار نموده و در آنجا بار دیگر شکست فاحشی از سپاهیان نادر خورد و سرانجام در صحرای لوت بدست یکی از افغانهای بلوچ بقتل رسید (۱۱۴۲) هجری .

منظره عمومی شهر سنجان



سمنان در دوران زندیه - قاجاریه

پس از مرگ نادر در سال ۱۱۶۰ محمدحسن خان فرزند فتحعلی خان قاجار ولایات خزر و کومش و تهران، ری، آذربایجان را تسخیر کرد. کریم خان زند که قادر به مقابله با او نبود کوشید با دادن رشوه سپاهیان او را متفرق سازد و در این کار توفیق یافت. در سال ۱۱۷۲ هجری با کشته شدن محمدحسنخان قاجار، کریم خان آقا محمدخان فرزند وی را با خود به شیراز برد و با دختر او نیز ازدواج نمود. کریمخان زند با عنوان وکیل الرعایا مدت ۲۹ سال در ایران سلطنت کرد ولی در این مدت شهرهای سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام را همچنان در اختیار خانواده قاجار قرار داد.^{۶۲}

بعد از مرگ خان زند آغامحمدخان شیراز را ترک کرد و بطرف کومش و دامغان حرکت نمود. با گرد آمدن عده زیادی از افراد قبیله اش سرانجام توانست به ولایت کومش (سمنان - دامغان - بسطام) ولایت جنوبی بحر خزر دست یابد.

پس از آغامحمدخان برادرزاده وی بنام فتحعلیشاه قاجار براریکه سلطنت تکیه زد و از همان ابتدای سلطنت خطه قومس را که زادگاه وی بود مورد توجه قرار داد و به سه برادر سمنانی (سنگسری) بنامهای ذوالفقارخان -

اسماعیل خان و مطلب خان توجه خاص مبذول داشت. گسترش و احداث شهر شاهرود، ایجاد ساختمان مسجدشاه و کاروانسرای مجاور آن، بازار عمومی شهر از آثار توجهات فتحعلیشاه به این سرزمین بوده است.

فتحعلیشاه دوبار به سمنان مسافرت نمود. بار اول بر اثر شکایات حاج سیدحسن دانشمند معروف سمنانی از ظلم و جور بی حد ذوالفقارخان و مرتبه دوم در سال ۱۲۱۷ هجری قمری که از محاصره مشهد مراجعت میکرد^{۶۲}

سفر ناصرالدین شاه قاجار به سمنان

ناصرالدین شاه قاجار در ماه ذیحجه سال ۱۲۸۳ هجری قمری به قصد خراسان از تهران خارج شد. در این سفر زیارتی مهدعلیا مادر و عزت الدوله خواهر و عده‌ای از زنهای وی در ۶۰ کالسکه شش اسبه همراه او بودند.

طبق سفرنامه ناصرالدین شاه عبور شاه قاجار و همراهان او از ایالت کومش مدت ۲۲ روز بطول انجامید در روز اول محرم سال ۱۲۸۴ هجری موکب سلطنتی وارد قریه لاسگرد گردید و بعد بقریه سرخه رفته و سپس روز دوشنبه دوم محرم ب سمنان وارد شده است. قبل از ورود به سمنان حسین خان حاکم سمنان پسر سپهسالار والی خراسان باتفاق علماء و بزرگان سمنان تا نزدیکی قریه سرخه به استقبال رفتند. ناصرالدین شاه و همراهان مدت سه روز در سمنان اقامت داشتند و در این مدت در ساختمان ارگ دولتی سمنان سکنی گزیده بودند.

شاه قاجار روز سوم محرم پس از گردش در شمال شهر باتفاق امرا و وزراء با کالسکه سلطنتی به قصد استفاده از آب و هوای در جزین واقع در شمال سمنان به این محل رهسپار گردید. بعد از ظهر همان روز بعد از گزاردن نماز عصر بشهر مراجعت می نمایند.

روز پنجشنبه چهارم محرم ناصرالدین شاه از مسجد سلطانی و مسجد جامع و بازار و کوچه‌ها و میدانها و استخرهای سمنان دیدن نموده و بعد از ملاقات با

حاجی سید ابراهیم متولی مسجد شاه باقامتگاه خود باز میگردد. روز جمعه پنجم محرم سمنانرا بقصد آهوان ترك می نماید. در آهوان نیز کاروانسرای شاه عباسی و رباط انوشیروانی مورد بازدید قرار می گیرد.^{۶۴}

نهضت مشروطه در سمنان

اگر به تاریخ مشروطه در ایران نظر میفکنیم متوجه می شویم که دو موضوع مهم باعث بوجود آمدن نهضت مشروطه شد: یکی مسافرت بزرگان و دانشجویان ایرانی به اروپا و آشنا شدن آنان به اصول دموکراسی و دیگری ظلم و جور بیش از حد حکام دولت مستبد قاجاریه در شهرهای ایران.

در چنین دوره وحشت و اضطراب، حاکمی بنام ذوالفقارخان سمنانی از طرف فتحعلیشاه بر سمنان، دامغان، شاهرود بسطام و جندق و نواحی اطراف آن حکومت می کرد. در اثر ستمها و بیدادگری های این حاکم جبار خانه ها غارت شد. شاعران حق گوزبان بریده شدند و یا به بند گرفتار شدند بهمین جهت بیشتر افراد متشخص و دانشمندان سمنان زادگاه خود را ترك کردند ادامه وضع فوق برای مردم آزاده سمنان طاقت فرساشده بود. بهمین دلیل مردم بمرو زمان آماده قیام برضد حکومت قاجار و استبداد شدند از سربازان معروف سمنان در این قیام حاج طاهرخان سمنانی را باید نام برد. پیشوایان دیگری که در حمایت از نهضت مشروطه بسیار شایق بودند عبارتند از:

عمیدالملک سمنانی (پدر ارتشبدنصیری)، صفاالملک سمنانی، معین التولیه سمنانی. مشیرالاطبا سمنانی، منتخب الاطباء و معتمد الاطباء. ریاست نهضت مشروطه. در سمنان برعهده سید ابوطالب حسنی شریعت پناهی عارف و ارسته و دانشمند برجسته سمنان و از مجاهدان و ملیون غیور بود. که آوازه قدرت و شهرت وی در محافل دولتی پایتخت طنین انداز بود. می نویسد: ^{۶۵} در اواسط

۶۴ - تاریخ سمنان صفحه ۲۳۰ - ۲۳۱

۶۵ - تاریخ سمنان ص ۲۸۰

شعبان سال ۱۳۳۹ هجری قمری که ارشدالدوله یکی از هواداران محمدعلیشاه مخلوع با شش هزار تن از همراهانش از راه استرآباد، شاهرود، دامغان، سمنان عازم تهران بود وی پس از ورود به سمنان به تعقیب و آزار مشروطه خواهان این شهر پرداخت. وی ابتدا دستور داد ضمن دستگیری رئیس کمیته مشروطه خواهان اموال وی را غارت کرده و خانه وی را به توپ بستند.

حکمرانان سمنان در دوره قاجاریه

همانطور که در صفحات پیش گفته شد حکمرانانی که در دوران قاجاریه بر سرزمین کومش حکومت می کردند بیشتر از خانواده دربار قاجاریه بودند و بهمین جهت جز تنی چند حکام عادل چون میرزا بهمن بهاءالدوله و انوشیروان میرزا ضیاءالدوله و.... بقیه با اتکا به دربار قاجار ظلم و ستم را بدان حد رسانیدند که دانشمندان و شاعران معروفی چون یغمای جندقی، حاج سیدحسن حسنی شریعت پناهی و.... به تهران و شهرهای دیگر عزیمت کردند.

برای آگاهی بیشتر خوانندگان اسامی حکمرانان معروف سمنان در

دوران قاجاریه را ذیلا بعرض میرسانم.

- ۱ - علی قلیخان برادر ناتنی آغامحمدخان
 - ۲ - حسینقلیخان قاجار برادر فتحعلیشاه
 - ۳ - شاهزاده محمد میرزا پسر فتحعلیشاه
 - ۴ - ذوالفقارخان سمنانی
 - ۵ - شاهزاده بهمن میرزا بهاءالدوله پسر فتحعلیشاه
 - ۶ - شاهزاده سیف میرزا پسر فتحعلیشاه
 - ۷ - میرزا محمدخان قاجار دولو
 - ۸ - لطف الله میرزا پسر عباس میرزا
- در زمان آغامحمدخان قاجار
- در زمان آغامحمدخان قاجار
- در زمان فتحعلیشاه قاجار
- در زمان فتحعلیشاه قاجار
- در زمان فتحعلیشاه قاجار
- در زمان محمدشاه
- در زمان محمدشاه
- در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- نایب السلطنه

- ۹ - شاهزاده کیومرث میرزا پسر فتحعلیشاه در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۰ - مسعود میرزا یمین الدوله پسر ناصرالدین شاه
- ۱۱ - رحمت الله خان ساری اصلان در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۲ - عبدالعلیخان ادیب‌الملک در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۳ - انوشیروان میرزا ضیاء الدوله در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۴ - شاهزاده جهانسوز میرزا پسر فتحعلیشاه در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۵ - کیومرث میرزا عمید الدوله پسر عباس میرزا در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۶ - حسین خان اعتضادالملک داماد ناصرالدین شاه
- ۱۷ - وجیه الله میرزا سیف‌الملک نوه فتحعلیشاه در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۸ - محمد کریمخان مختار السلطنه در زمان ناصرالدین شاه قاجار
- ۱۹ - حبیب الله خان قاجار موقر السلطنه داماد مظفرالدین شاه
- ۲۰ - در زمان مظفرالدین شاه قاجار
- از حکمرانان دیگر دوره قاجار می‌توان از غلامعلی همایون ،
نصرت الله خان امیراعظم ، یدالله عضدی فرزند امیراعظم نام برد که حکام او آخر
دوران قاجاریه بشمار می‌آیند .

دوران پهلوی

پس از کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ شمسی که تهران به تصرف قوای سردار بزرگ ایران رضاخان میرنج در آمد مشارالیه احمدشاه را در فرح آباد ملاقات نمود و فرمان نخست وزیری سید ضیاءالدین را که یکی از روزنامه نگاران معروف کشور بود از شاه گرفت و بدین ترتیب دولت سپهدار اعظم سقوط کرد.

سید ضیاءالدین در همین روز بموجب دستخط احمدشاه زمام امور را بدست گرفت و رضاشاه در ابتدای حکومت وی به فرماندهی قوا منصوب و چندی بعد یعنی اردیبهشت ۱۳۰۰ شمسی به مقام وزارت جنگ و لقب سردار سپه نائل آمد نخست وزیر وقت بعزت دشمنی دیرینه که بین او و احمد قوام وجود داشت به رئیس ژاندارمری خراسان دستور داد وی را که والی خراسان بود توقیف کرده و به تهران اعزام دارد.

در همین سفر قوام السلطنه در هنگام عبور از سمنان در حالیکه زندانی و تحت نظر بود مورد استقبال و پذیرائی گرم مرحوم حاج میرزا آقا فامیلی یکی از تجار سرشناس و معروف سمنان واقع گردید. این توجه مخصوص در چنین موقعیت حساس سیاسی برای قوام السلطنه بسیار تعجب آور و درعین حال تحسین انگیز بود و همین بعدها موجب تقرب وی گردید کابینه سیدضیاءالدین

۹۰ روز دوام یافت و با استعفای وی احمدقوام (قوام السلطنه) که در زندان بود مأمور تشکیل دولت گردید. بعد از قوام مشیرالدوله زمام امور را بدست گرفت، این عزل و نصب ادامه یافت تا در سال ۱۳۰۳ شمسی سردار سپه که مقام وزارت جنگ را نیز بهمهده داشت به مقام نخست‌وزیری رسید و در سال بعد یعنی ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی که پنجمین دوره تفتیشیه خود را طی میکرد احمدشاه را از سلطنت خلع و نخست‌وزیر وقت سردار سپه را بریاست حکومت موقتی منصوب نمود.

بعد از این تصمیم تاریخی از طرف بسیاری از ممالک خارجی منجمله انگلیس - شوروی، آلمان - ایتالیا - بلژیک - مصر لهستان تا روز دوازده آبان ۱۳۰۴ و از طرف بقیه ممالک تا ۱۶ آبان همان سال حکومت پهلوی برسمیت شناخته شد.

روز یکشنبه ۱۵ آذرماه سال ۱۳۰۴ شمسی اولین مجلس مؤسسان مشروطیت ایران در تهران با عضویت کلیه نمایندگان انتخابی از تمام نقاط ایران برای تعیین مقدمات کشور تشکیل شد و طی پنج جلسه که از روز ۱۵ آذر تا ۲۲ همین ماه بطول انجامید با اکثریت ۲۵۷ رای از ۲۶۰ نفر عده حاضر طی ماده واحده‌ای مواد چهارگانه ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را اصلاح و تصویب نمود و با تصویب مجلس مؤسسان سلطنت به خاندان پهلوی تفویض گردید در همین ماه تشریفات اداری سوگند وفاداری رسمی اولین پادشاه سلسله پهلوی در شورای ملی برگزار شد و در روز چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۰۵ شمسی طی مراسم باشکوهی در کاخ گلستان تاجگذاری نمود. در تیرماه همین سال اولین مجلس شورای ملی دوران سلطنت خود یعنی مجلس ششم را افتتاح کردند و پس از آن بدون اینکه وقفه‌ای ایجاد شود دوره‌های بعدی تا مجلس دوازدهم افتتاح شد.^{۶۷}

نماینده سمنان در دوره ششم و هفتم و هشتم میرزا عبدالله یاسائی (صدرالادبا) بود و نمایندگی سمنان در دوره‌های نهم تا دوازدهم بهمه دکتر حسینقلی قزل ایاغ بود.

سالهای اولیه سلطنت رضاشاه کبیر به فرونشاندن پاره‌ای قیامها و سرکشی‌های سابق بوجود آمده و به علل مختلف تا آن زمان ادامه یافته بود سپری شد و چون در پرتو فداکاری‌های افسران و افراد ارتش شاهنشاهی که سرسلسله پهلوی خود موجب و بنیان‌گذار آن بود امنیت نسبی در سراسر کشور حکفرما شد. از این ببعدر رضاشاه کبیر به انجام نقشه‌هایی که برای رسانیدن ایران به شاهراه ترقی طرح کرده بود پرداخت .

از وقایع مهم دوران سرسلسله پهلوی مربوط به سمنان تشریف‌فرمائی وی به سمنان می‌باشد که در اواخر سلطنتشان در سال ۱۳۱۷ صورت گرفت. وی پس از ورود به این شهر در محل اداره دادگستری سابق و مدرسه عالی بهداشت فعلی که اختصاصاً برای سکونت معظم‌له ساخته شده بود اقامت کردند. در این سفر بود که به اشاره شاهنشاه ایران، دولت نسبت به تغییر دادن وضع عمومی شهر با توجه به اصول شهر سازی اقدامات اساسی بعمل آورد. در نتیجه با احداث خیابان منوچهری - شاه و تهران مشهد شهر سمنان در جاده‌اصلاحات جدید افتاد .

مهمترین اقداماتی که در زمان رضاشاه کبیر در سمنان صورت گرفت عبارتست از :

استقرار امنیت ، ایجاد راه آهن تهران مشهد که سمنان یکی از ایستگاههای مهم آن محسوب میشود ، توسعه فرهنگ و آموزش احداث راه شوسه سمنان - ایجاد بناهای مختلف برای ادارات دولتی مخصوصاً مدارس - آموزشگاهها - بیمارستان تأسیس شهربانی - شهرداری - اوقاف ، شیروخورشیدسرخ و غیره .

واقعه شهریور ۱۳۲۰ شمسی و استعفای رضاشاه کبیر

از حوادث بزرگ بین‌المللی در دوران سلطنت رضاشاه کبیر حدوث جنگ جهانی دوم بود. این جنگ در سال ۱۳۱۸ شمسی با حمله نیروهای مسلح آلمان نازی بفرمان هیتلر رهبر حزب نازی و پیشوای آلمان بخاک لهستان شروع شد بلافاصله دول مختلف جهانی در این جنگ شرکت جستند. ایران نیز چون معتقد به اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بود اعلان بیطرفی کرد. اما این بیطرفی تا روز سوم شهریور سال ۱۳۲۰ بیشتر بطول نیانجامید. زیرا در عرض این مدت آلمان نازی سرعت در روسیه پیشرفت میکرد و چون امریکا و انگلیس برای رساندن کمک‌های نظامی به شوروی راهی نزدیکتر از ایران به روسیه نداشتند و در ضمن بیم آن میرفت که منابع سرشار نفت ایران بدست آلمانها بیفتد بهمین جهت دو دولت فوق اخراج کلیه کارشناسان ایتالیائی و آلمانی از ایران و واگذاری راه‌آهن سراسری ایران را برای حمل و نقل مهمات از بنادر خلیج فارس به بنادر دریای خزر تقاضا کردند و چون این تقاضا با سیاست خارجی رضاشاه که بیطرفی کامل ایران بود مغایرت داشت از طرف وزارت امور خارجه^{۶۸} رد شد. در نتیجه بدون اطلاع قبلی نیروهای مسلح زمینی، دریائی و هوائی انگلیس و شوروی از جنوب و شمال و مغرب به ایران حمله کردند. این حملات تا روز پنجم شهریور ادامه یافت. و هنگامیکه ریاست دولت بعهد محمدعلی فروغی واگذار شد فرمان آتش بس صادر گشت. در این ماجرای تأسف‌انگیز که قسمت شمالی ایران توسط روسها و قسمت جنوبی ایران توسط انگلیسها اشغال شد سمنانیکی از پادگانهای مهم نظامی شوروی در ایران گردید. بطوریکه بیش از یکصد هزار سرباز روسی در سراسر قسمت شمالی شهر یعنی باغ امیر سمنان مستقر شدند.

رضاشاه کبیر در روز ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی از سلطنت استعفا نمود

۶۸ - سرپرستی وزارت امور خارجه در این هنگام بعهد جواد عامری سمنانی بود

و به جزیره موریس رهسپار گردید و در روز چهار مرداد ۱۳۲۳ شمسی چشم از جهان فرو بست و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۹ شمسی طی تشریفات باشکوهی در مقبره عظیم و رفیع اختصاصی خود در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم دفن گردید.

* دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی «آریامهر» *

بعد از اعلام استعفای رضاشاه کبیر توسط محمدعلی فروغی سلطنت ولیعهد ایران آغاز گردید. بعد از قرائت سوگندنامه وفاداری به اصل مشروطیت در ساعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه روز چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۳۲۰ مقام سلطنت معظم له رسمی شد. شاهنشاه جوان در ۲۲ آبان همین سال اولین دوره قانونگزاری دوران سلطنت خویش را که دوره سیزدهم مجلس شورای ملی بود طی تشریفات خاصی افتتاح فرمودند. در این دوره نیز چون دوره های قبل دکتر حسینقلی قزلایاغ نمایندگی مردم شهر سمنان را در مجلس بعهدہ داشت.

چون در این هنگام جنگ بین الملل دوم با کمال حدت و شدت در جبهه های مختلف آسیا، اروپا، آفریقا و خاور دور جریان داشت و پیوستن یکی از دولوک متفقین و متحدین اجتناب ناپذیر بود و برای جلوگیری از بروز مشکلات ناشی از برخورد منافع و مصالح داخلی کشور با خواسته ها و توقعات نیروهای بریتانیا و شوروی و سپس نیروهای امریکائی طی مذاکراتی که با مقامات دول مزبور شد ایران در جرگه متفقین وارد شد و حالت اشغال ایران بوسیله نیروهای متهاجم به حالت تعاون و همکاری درآمد. این جنگ تا روز ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ شمسی با تسلیم شدن ژاپن به پایان رسید. ملت ایران منتظر بود که قوای متفقین بموجب قرارداد ایران را تخلیه کنند و چون در تقسیم ممالک شکست خورده بین کشورهای فاتح اختلاف بود فکر تخلیه ایران را از ذهن دور ساختند. ۶۹

دولت ایران روز ۲۱ شهریور ۱۳۲۴ طی سه یادداشت به سفارتخانه شوروی - آمریکا - انگلیس از آنها خواست هرچه زودتر نیروی خود را از ایران فراخوانند. احساسات میهنی مردم ایران و پافشاری دولت بالاخره متفقین را وادار و ناگزیر کرد که برای تخلیه ایران اقدام نمایند. قوای نظامی شوروی مستقر در سمنان نیز در اسفندماه ۱۳۲۴ شمسی بر طبق قرارداد منعقدۀ سمنان را تخلیه نمودند. بطوریکه رئیس ایستگاه راه آهن سمنان میگفتند علاوه بر افرادی که با کامیون و عرابه و اسب سمنان را ترک کردند در حدود چهل هزار بلیط قطار برای اعزام افراد سربازان روسی در راه آهن سمنان تهیه و تحویل دادمشد و سرانجام میهن عزیز ما از وجود بیگانگان پاک گردید.^{۷۰}

واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۳

بدنبال ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ بمنظور تأمین منافع بیشتر ملت ایران و بموازات جریاناتی که به مناسبت ملی شدن نفت در ایران میگذشت برخی از دسته های حزبی و غیر حزبی نیز فرصت را غنیمت دانسته برای پیشبرد مقاصد خود مجدداً فعالیت هایی را آغاز کردند و در نتیجه، هرج و مرج و نا امنی موجب بهم ریختن شهر و توقف فعالیت اقتصادی گردید. ذخائر ارزی پایان رسید و استقلال کشور در معرض مخاطره قرار گرفت. گسترش دامنه موج حرکت استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی که بشرح سابق می رفت تا به قطع کامل سلطه بیگانگان بیا انجامد، نه تنها به نتیجه مطلوب نرسید بلکه زیانهای وحشت آور اقتصادی و سیاسی هم دامنگیر کشور عزیز ما ایران نمود.

در این هنگام مردم ایران نیز به پشتیبانی از حکومت قانونی دکتر مصدق قیام کردند.

«از طرف دیگر توسعه بیسابقه فعالیت های مردم و شکستن مجسمه های رضاشاه و محمد رضاشاه باعث برپا داشتن اهالی روستاها و عشایر مختلف

شمالی به حمایت از رژیم کشور و سلطنت شد دسته ۷۰۰ نفری افراد مسلح روستای سنگسره به سرکردگی عربعلی ذوالفقاری که می خواستند از طرف شهر ری وارد تهران شوند ولی چون در روز ۲۸ مرداد منظور آنها در تهران عملی گشت در این شهر متوقف شدند^{۷۱} .

در ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ شاه فرمانی دایر بر عزل دکتر مصدق و نصب ژنرال زاهدی به نخست وزیری امضا کرد، لیکن دکتر مصدق زیر بار این فرمان نرفت. امپریالیسم غرب، که این جنبش خواب راحت از دیدگانش ربوده بود، منافع خود را در ایران در خطر می دید بر تلاش خود جهت سرنگونی حکومت دکتر مصدق افزود. متأسفانه این قیام ملی ضد استعماری به ثمر نرسید و حکومت قانونی دکتر مصدق سقوط کرد.^{۷۲}

۷۱ - مجله ترقی شماره ۵۵۴ دوشنبه دوم شهریور ۱۳۳۲

۷۲ - دکتر مصدق و نهضت ملی ایران

وجه تسمیه سمنان

همانطور که تاکنون وجه تسمیه اغلب شهرها از نقطه نظر علمی و اتکاء به شواهد و مدارك مستند روشن نیست طبعاً پیدایش نام سمنان هم از این نظر مشخص نشده است. و از همین جاست که ملاحظه می‌کنیم در توضیح علت نامگذاری این شهر نیز مثل بیشتر شهرهای ایران اظهار نظرها متفاوت است تا آنجا که برخی به تعبیرهای عامیانه و بی‌منطق متوسل شده‌اند و حتی نوشته‌اند: سمنان در اصل سم‌نان بوده بدین تفسیر که در زمانی نان‌شهر به سم آلوده گشته است. عده‌ای معتقدند که هنگامیکه حضرت رضا به خراسان می‌رفته مردم شهر برای هریک از همراهانش سه‌من‌نان پخته‌اند و بدین ترتیب سه‌من‌نان در اثر کثرت استعمال به سمنان تبدیل شده است. در حالیکه نه تنها چنین تعبیری مطلقاً درست نیست بلکه به ابداعات بی‌پایه و بی‌مأخذ و گاهی موزیانه شبیه است.

اما منطقی‌ترین مأخذی که بر زمینه پیدایش کلمه شهر سمنان داریم پاره‌ای از کتب جغرافیائی و تاریخی بعد از اسلام است که گرچه ذکر از ریشه کلمه سمنان به میان نیامده ولی قدمت سمنان را توجیه می‌کند. مرحوم صنیع‌الدوله هم سمنان را سمینا نامیده و نوشته^{۷۳} که در زمان تهمورس دیوبند بوجود آمده و در اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است عده‌ای معتقدند

که ابتدا مردم این شهر سمنی مذهب بوده اند «قبل از ظهور زرتشت» و چون مرام این مذهب بی علاقه‌گی به مادیات بوده و با توجه به اینکه در زبان سمنانی مردم سمنان را سمنی میگویند بهمین مناسبت سمنان به دیار وارستگان تشبیه گردیده است.

جمعی از اهالی سمنان عقیده دارند که سمنان توسط دوتن از پیغمبران بنام سیم‌النبی و لام‌النبی فرزندان حضرت نوح پیغمبر که در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی سمنان مدفون هستند ساخته شده است که بعدها بنام سیم‌لام نامیده شد. و بر اثر مرور زمان به سمنان تغییر نام داده است.

آثار تاریخی سمنان

کشور ایران پشت به تاریخی کهن و فرهنگی سرشار از غرور دارد تاریخی که جاودان نشانه‌های سرافرازی را در گوش زمان زمزمه خواهد کرد. سمنان نیز از این افتخارات بی‌نصیب نیست. افتخاراتی که وطن‌پرستان، آزاده برایش به ارمغان آورده‌اند. وجود آثار تاریخی متعدد در گوشه و کنار سمنان که از قدمت این شهر حکایت می‌کند مویده این گفته می‌باشد. سمنان چون از قدیم بر سر راه شرق و غرب ایران قرار داشته و هم‌چنین بع‌لت پیشینه تاریخی و باستانی خود از یکسو و قرار گرفتن در گذرگاه یورش‌های اعراب و مغول از سوی دیگر، دارای دژها و قلاع محکم و متعددی بوده است هرچند که در اثر مرور ایام و بی‌توجهی مسئولین امور این ابنیه مبدل به ویرانه گشته مع‌الوصف امروزه کم‌وبیش خرابه‌های آثار مذکور بچشم می‌خورد.

آثار تاریخی حالیه سمنانی جز چند قلعه و آتشکده مربوط به دوران بعد از اسلام می‌باشد و بدین جهت که:

۱- چون اکثر وزراء دربار مغول و تیموری از سمنان بوده‌اند مع‌هذا توجه بیشتری از طرف آنان نسبت به این شهر مبذول می‌شد. بناهایی چون مسجد جامع - حمام پهنه بازار و خاقانه شیخ علاءالدوله - آرامگاه درویش محمود.... از ایندوره‌اند.

۲- دلیل دوم اینست که چون سمنان بر سر راه خراسان قرار داشت از طرف پادشاهان صفویه نسبت به احداث کاروانسرای در این خطه اقدام شد مانند کاروانسراهای لاسگرد، سمنان، آهوان

۳- دلیل سوم توجه خاص که پادشاهان قاجاریه به سمنان داشتند. وجود آب‌انبارهای متعدد - دروازه ارگ - مسجدشاه، بازار، کاروانسرا تأیید کننده این مطلب است.

متأسفانه در گذشته به سبب ناتوانی و سهل انگاری زمامداران یابی علائقی آنها ابنیه تاریخی این افتخارات ارزنده روبه انحطاط و ویرانی میرفت تا اینکه در سال ۲۴۹۰ به امر رضاشاه کبیر محدوده بافت قدیمی شهرهای تاریخی منجمله سمنان تعیین گردید. ۷۴

در آبانماه ۲۵۲۴ شاهنشاهی که فرمان مطاع شاهنشاه دایر بر اهمیت بناهای تاریخی ایران و لزوم کوشش در حفظ و صیانت آنها شد مقدور یافت تعدادی از ابنیه فوق‌الذکر تحت حمایت قانون قرار گرفت. آثار و ابنیه‌ای که در این کتاب مورد مطالعه قرار گرفته عبارت از دو قسمت بناهای موجود و بناهایی که بکلی منهدم شده‌اند می‌باشد:

قلاع - آتشکده

قلعه‌های سارو

در ده کیلومتری شمال شرقی سمنان در محلی بنام کلاته سارو که چشمه سار زیبائی است و بر فراز دو رشته کوه طرفین آن، آثار دو قلعه مستحکم و پیر ابهت بچشم می خورد. وجود پرتگاههای خطرناک و صعب العبور بودن راه ایندو دژ را بصورت دژهای تسخیر ناپذیر درآورده است.

تاریخ بنای اولیه این قلاع را منسوب به دوره پیشدادیان و کیانیان میدانند. رفیع در کتاب تاریخ سمنان می نویسد: ^۱ «ژوستین گفته است دارا را در سارا یا چارا یا زارا به زنجیر بستند..... و بعید نمیرسد که قلعه‌های محکم و عظیم سارو مربوط به گفته فوق باشد» در جای دیگر می نویسد: ^۲ «دوقلعه مذکور در دوره تسلط اشکانیان و اسپهبدان طبرستان یکی از پایگاههای مهم آنان بشمار میرفته است بطوریکه نصر بن حسن فیروزان که فرمانروای مستقل قومس در زمان آل بویه بوده و در مدت بیش از ۲۰ سال کلیه آبادیها و قلعه‌های نقاط کوهستانی این نواحی از جمله قلعه‌های سارو و شیخ چشمه سر.... را با قدرت کامل در دست داشته است»

در قرن ۶ و ۷ هجری در ایالت قومس که یکی از کانونهای مهم اسماعلیان در ایران بود بیش از ۱۵۰ قلعه در اختیار این فرقه بوده که هر یک از این قلاع

۱ - تاریخ سمنان تألیف رفیع صفحه ۸۲

۲ - تاریخ سمنان صفحه ۱۳۸

را يك كدخدا و همه قلعه‌های آن ایالت را يك نفر محتشم که بمنزله حاکم بزرگ بوده زیر نظر داشته است.^۲ دکتر منوچهر ستوده در کتاب قلاع اسماعیلیه در البرزکوه از دژهای مهم این دوران یعنی گردکوه و منصورکوه و قلعه‌های ساروی سمنان یاد کرده و آنها را متعلق به فرقه اسماعیلیان «باطنیان» میداند^۴ لیکن قویاً می‌توان گفت که این قلاع تاریخی قبل از استیلای این فرقه بر خطه قومس وجود داشته و در دوره‌های متوالی مورد استفاده طوایف مختلف قرار گرفته است ولی تاریخ تسخیر این قلعه فرقه اسماعیلیه بدرستی معلوم نیست بعلت امن بودن قلاع مذکور و ناپیدائی و هم‌چنین تسخیر ناپذیر بودن آنها مدت بیش از دو قرن مورد استفاده فرقه مزبور بوده و شاید یکی از علل عمده پایداری ساکنان قلعه گردکوه قومس سالها بعد از سقوط الموت در دست داشتن قلعه‌های بزرگ و نامرئی سارو و ذخیره مواد غذایی کافی در آنجا مهمتر از همه فاصله کم ایندو دژ با گردکوه که از بیراهه ده فرسنگ است می‌باشد.

بطوریکه اشاره شد. قلعه‌های سارو بر فراز صخره‌های عظیم طرفین مزرعه سارو واقعند. قلعه شمالی که نسبت به قلعه جنوبی کوچکتر است و «ساروی کوچک» نامیده می‌شود. بر اثر مرور زمان و سوانح طبیعی و هم‌چنین خرابکاری افراد طماع برای بدست آوردن گنجینه تا اندازه‌ای ویران شده ولی اسکلت استوار و محکم آن از عظمت گذشته سخن می‌گوید.

قلعه جنوبی یا «ساروی بزرگ» بر روی قلعه کوه بلندتر و روبروی ساروی کوچک قرار دارد شبیه دژ گردکوه دامغان بنا گردیده و استحکام زیاد و راه صعب‌العبور آن این قلعه را در زمره مهمترین قلاع نظامی و دفاعی ایالت قومس درآورده است. ظاهر ساختمان از سه طبقه تشکیل یافته و چنین بنظر میرسد که طبقه اول اصطبل طبقه دوم محل سکونت رعایا و خانواده آنان و طبقه سوم که دارای معبد و حمام و آبدارخانه بوده آنرا بارگاه می‌نامیده‌اند محل سکونت

۳ - تاریخ ایران از ماد تا پهلوی تألیف حبیب‌الله شاملوئی صفحه ۴۹۴

۴ - قلاع اسماعیلیه صفحه ۱۶۵

سربازان مدافع و بزرگان قلعه بوده است. در چهار جانب دو قلعه مذکور برج-های مدوری بمنظور دیده بانی ساخته شده است. در ساختمان قلعه‌های سارو سنگ و گچ و آجر و ملات بکار رفته است.

یکی از نکات قابل ذکر در این قلعه‌ها وجود مجراهای زیرزمینی می‌باشد که بوسیله آن آب کلاته سارو را به بالای قلعه می‌رساندند بدین صورت که ابتدا چشمه‌هایی می‌زدند و مجرای زیرزمینی را در برابر آن کنده و به فاصله معینی سر آن مجراها را برای عبور جریان هوا باز کرده‌اند. و برای آبرسانی در فواصل معینی در بالای مجراها و روی چاهها حفر شده لوله‌های میان تهی برای عبور آب قرار داده و سطح آب تدریجاً بالاتر می‌رفته و به قله آن می‌رسیده است.^۴

برج چهل دختران

در اواسط خیابان شهناز و سر راه شهر به محلات ثلاث «کوشمغان - زاوغان و کدیور» و بین محله‌های کوشمغان و زاوغان برج کهنه و قدیمی و نیمه مخروبه‌ای وجود دارد که بنام برج چهل دختر یا چهل دختران نامیده می‌شود. وجه تسمیه این برج بدین صورت است که عده‌ای از مردم سمنان معتقدند که برج مذکور بوسیله چهل دختر که دست از تجملات و مادی‌گرایی کشیده و تارك دنیا شده بودند با گل و خشت ساخته شده است.^۵

ولی قدر مسلم این است که تاریخ بنای برج یا آتشکده بزمان قبل از اسلام مربوط می‌گردد.^۶ همانطور که از نام کوشمغان «کوشك مغان» و زاوغان «زاویه مغان» که در نزدیکی برج قرار دارند برمی‌آید و با توجه به مقام مغ که پیشوای زردشتیان بوده‌اند می‌توان اطمینان داشت که برج مذکور زمانی آتشکده و یکی از اماکن متبرکه زردشتیان بوده است.

۴ - تاریخ سمنان صفحه ۱۶ - ۱۵

۵ - مجله هما نشریه هواپیمای ملی ایران اسفند ۱۳۵۴

۶ - نشریه اداره آمار و اطلاعات این برج را از بناهای قرن هفتم میدانند

این بنا بصورت برج کثیرالاضلاع هشت ضلعی است که هر ضلع آن در خارج ۵٫۴ متر است و در گذشته دارای سقف مخروطی بوده که در اثر سوانح طبیعی ویران گردیده، این برج بعلاوه آنکه روی آنرا با گِل پوشانده‌اند از حالت کثیرالاضاعی خود خارج شده در حالیکه داخل برج بصورت هشت ضلعی منتظم به ضلع ۲٫۸۰ متر می‌باشد.

در وسط هر ضلع داخلی طاقنماهایی با قوس‌های تیزه‌دار برپا گشته‌است و در بالای طاقنماها و زیر سقف رف‌های قباب‌مانندی از خشت ساخته‌شده و بدین ترتیب با کمک آنها طرح هشت ضلعی برج به یک طرح مدور تبدیل کرده‌اند تا اولین رج بنای سقف را بتوان بر روی آن آغاز نمود.

ارتفاع برج در بعضی قسمت ۱۰ متر و در قسمت‌های دیگر که کمتر خرابه داشته به ۱۲ متر می‌رسد ضخامت دیوار برج تقریباً ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر است.

ناگفته نماند که بعقیده مردم سمنان برج چهل دختر یکی از بناهای شوهریاب سمنان است بدین صورت که دختران دم‌بخت برای باز شدن گره بخت خود و پیدا کردن شوهر بداخل برج می‌روند و سه تاهفت سنگ را از داخل به خارج پرتاب می‌کنند اگر سنگ به خارج برج بیفتد معتقدند که بخت آنها باز خواهد شد و حتماً همان سال بخانه شوهر خواهند رفت در غیر این صورت می‌بایست برای بخت گشائی تا سال دیگر صبر کنند.

نظر به اینکه در پشت برج که قبلاً گورستان بوده پروژه احداث کودکستان - دبستان و دبیرستان اجرا شده است بیم آن می‌رود که این بازمانده قبل از اسلام در خطر انهدام قرار گیرد.

شیر قلعه شهیرزاد

در سه کیلومتری شمال غربی شهیرزاد در دره خرم و سرسبز شیخ چشمه‌سر بر فراز کوه بلند و مرتفعی آثار قلعه کهنه و قدیمی بچشم می‌خورد که به شیر قلعه یا قلعه شیخ چشمه‌سر معروف می‌باشد.

آتشکده چهل دختر



بعلت اینکه اطراف این قلعه را پرتگاههای خطرناک احاطه کرده و دارای راهی صعب العبور می باشد صعود به آن بسیار مشکل است. بنای شیرقلعه را نیز می توان در ردیف قلاع سارو و یکی دیگر از آثار قبل از اسلام بشمار آورد که چندی از مهمترین پناهگاههای اسماعیلیان ایران بخصوص قومس در قرن ششم و هفتم هجری نیز بوده است.

قسمتی از این قلعه برکوه و بخشی از آن در سراسیمی کوه ساخته شده است و برحسب اینکه صخره های کوه فرو رفتگی و برآمدگی دارد بنای قلعه نیز به تبعیت از این دست اندازها دارای طرح کاملاً منظم نیست و معهداً می توان تقریباً آنرا بصورت مربع مستطیل دانست.

در چهار زاویه آن چهار برج مدور بمنظور دیده بانی ایجاد گردیده که قطر آنها تقریباً دومتر و ضخامت دیوارهای برج تقریباً نیم متر و ارتفاع آن از صخره های کوه بیش از ۲ متر است که مطمئناً در گذشته بیش از این بوده است. در حال حاضر از دیوارهای اصلی قلعه قسمت غربی و شمالی آن بجا مانده و قسمت شرقی و جنوبی نیمه ویران هستند. در ساختمان دژ شیر قلعه از سنگهای صخره های همان کوه استفاده شده است. بعلت اینکه بخش داخلی قلعه ویران گردیده، نمی توان از نقشه داخل آن آگاه شد ولی در ضلع جنوبی آن آثار يك اتاق كوچك بچشم می خورد.

در ورودی قلعه از سمت جنوب بوده که امروزه بصورت مدخل بسیار کوتاهی از قطعه سنگ های صاف و كوچك دیده می شود. بطوریکه برای ورود یا خروج از آن باید بدن را تا کمر خم کرد.

دژ وهل

در شمال غربی قصبه با طراوت شه میرزاد و در سمت چپ خیابان صفایک رشته کوه بلند و مرتفع با شیب کم وجود دارد که قسمت کوچکی از باغهای سرسبز این قصبه بر روی آن واقع شده است.

دژ وهل يا قلعه سنگی شه میرزاد بر بالای این کوه و در کنار باغات میوه و گردو قرار دارد که تماماً از سنگ و ملات ساخته شده است. سنگهای مصالح در ساختمان قلعه از همان کوه کنده شده و مورد استفاده قرار گرفته است. بطور کلی این دژ از دو برج مدور بعنوان برج دیده بانی و دیوارهای سنگی آن تشکیل شده که احتمالاً در گذشته دارای چهار برج بوده ولی برورخراب شده و امروزه بجز قسمتی از دیوار غربی و دو برج فوق الذکر چیزی بجای نمانده است. دژ وهل نیز از آثار پیش از اسلام است.

کافر قلعه

در قسمت جنوب غربی سنگسر و در انتهای خیابان صفیعلیشاه قلعه مخروبه ای بنام کافرقلعه یا گبرقلعه بر بالای کوهی بهمین نام قرار دارد که مصالح ساختمانی آن از سنگ و گچ می باشد. همانطور که از نام این دژ مستفاد می گردد مربوط به قبل از اسلام بوده است. کافرقلعه نیز مانند قلاع دیگر کومش در سیر ادوار تاریخ مورد استفاده اقوام و طوایف مختلف قرار گرفته است. آخرین دسته ای که از این قلعه بعنوان پناهگاه استفاده کرده اند فرقه اسماعیلیان بوده اند.

پائین قلعه

در سمت جنوبی خیابان جدید الاحداث سنگسر کوه بلندی موسوم به پائین قلعه وجود دارد که بر قله آن قلعه سنگی بزرگ و نسبتاً سالمی بچشم می خورد که نسبت به قلاع دیگر این خطه جدیدتر است. قلعه بصورت مربع مستطیل می باشد که در چهار گوشه آن چهار برج دیده بانی مشاهده می شود. برای رسیدن به قلعه فوق الذکر، پس از گذشتن کوچه ای در اواسط خیابان مزبور راهی بطرف قلعه کوه وجود دارد که بواسطه کثرت رفت و آمد مردم برای دست یافتن به گنج بی رنج بوجود آمده است.

آتشگاه سمنان

در جنوب محله اسفنجان و در کنار بلوار جدید الاحداث سپاهیان انقلاب آتشگاهی وجود داشته که تاچندی قبل آثار ستونهای بنای آن نیز باقی بود. این ستونها در میان حصار بلندی متعلق بدوره های قبل از اسلام واقع بوده است بطوریکه شایع است این آتشگاه اسپنژان رئیس گروه آریانها که به امر مرزبان جمشید در سمت جنوب سمنان سکونت گزیده بودند ساخته شده است و بعدها کلمه اسپنژان در اثر کثرت استعمال به اسفنجان تغییر یافت و امروزه نیز بهمین نام مشهور می باشد.^۷ هم اکنون آثاری از ویرانه های آتشگاه در اواسط خیابان ششم بهمن بچشم می خورد .

قلعه زاوغان

همانطور که قبلا اشاره شد زاوغان یکی از محله های بسیار قدیمی سمنان است بطوریکه عده ای این محله را با محلات کوشمغان و کدیور را همان سمنک تاریخی میدانند .

با توجه به این قدمت و نام زاوغان (زاویه مغان) قلعه مزبور را باید یکی دیگر از آثار قبل از اسلام دانست که چندی نیز مورد استفاده سادات سجادی و ابوالفضل که در این محله ساکن بوده اند قرار گرفته است. مصالح ساختمانی این قلعه از خشت خام و گل بوده بهمین جهت بسرور ایام به ویرانه تبدیل گشته است . تا این اواخر نیز ویرانه های آن پابرجا بوده لیکن در اثر سیل مهیب سالهای اخیر باقیمانده آن بکلی منهدم گشت .

قلعه کوشمغان

قلعه کوشمغان در محله قدیمی کوشمغان (کوشک مغان) از محلات سه گانه تاریخی قرار داشته است بطوریکه صنیع الدوله می نویسد:^۸ (طرف مغرب سمنان

۷ - تاریخ سمنان صفحه ۵

۸ - مطلع الشمس جلد سوم صفحه ۳۱۴

دو محله است که از محلات بیرون شهر محسوب می‌شود و آن زاوغان و کوشک‌مغان است و کوشک‌مغان ظاهراً از مغان می‌باشد و فعلاً قلعه کهنه‌ایست خراب که خندقی داشته و بواسطه تخته پل وارد قلعه میشده‌اند حالا که خندق پر است و بر روی آن خانه ساخته‌اند مدخل بالا آمده معه‌ها از زیر قلعه سوراخ کرده بداخل قلعه می‌روند. در قلعه که از قدیم باقیمانده یکپارچه سنگ است. در قلعه کهنه هنوز چند خانوار سکنی دارند چون مغان سدنه آتشکده محبوس می‌باشد ظن غالب آنکه وقتی آن جماعت در این محل ساکن بوده‌اند» قلعه مزبور در سالهای اخیر بعلت خرابکاری افراد وسیل و باران بکلی از بین رفته است.

قلعه چرمه (چرمه)

قلعه چرمه در ۱/۵ کیلومتری شهر سمنان و در کنار راه تهران به مشهد میان باغات محلات واقع شده است ارتفاع این قلعه بیش از ۵ متر می‌باشد. چون در محل گودی قرار دارد بعلت آبیاری کشتزارها و باغات اطراف و بارندگی‌های پیاپی این قلعه به تل خاکی تبدیل شده است. تاریخ بنای این دژ مربوط به پیش از اسلام است.

فردوسی در شاهنامه ضمن بیان دوره سلطنت یزدگرد سوم از این قلعه نام می‌برد:

دژ گنبدان کوه تاجر منه دژ لاژوردین برای بنه

قلعه لاسگرد

در بین بقعه سیدرضا و شمال کاروانسرای شاه‌عباسی لاسگرد یکی از معروفترین قلاع شهرستان سمنان بنام دژ لاسگرد وجود داشته که باتوجه به سرحدی بودن قریه لاسگرد در دوران قبل از اسلام بخصوص در زمان اشکانیان،

احتمال می‌رود که این قلعه در زمان اشکانیان بنا گردیده باشد. این قلعه مستحکم که با خشت‌های خام بزرگ ساخته شده تا اواسط دوره قاجاریه پایرجا بود. و پس از این تاریخ روبه ویرانی نهاده است. بطوریکه مرحوم صنیع‌الدوله می‌نویسد: ^۹ (..... این قلعه ۶ برج دارد و هر برج از شش اتاق است. گرداگرد این تل، خانه‌های يك طبقه بتفاریق ساخته‌اند و از دور تل تیرها بمیان آن دوانیده و روی تیرها را پوشانده و کوچه مصنوعی درست کرده و عبورسکنه از روی این تیرهاست.

راه وصول بالای تل منحصر به يك در سنگی كوچك، و معلوم است که این از خوف تعدی صادر و وارد است ارتفاع تل بدون خانه‌ها هفت ذرع و با خانه‌ها دوازده ذرع می‌شود دور تل دویست و پنجاه قدم است....)

لرد کرزن انگلیسی که در سال ۱۸۹۱ میلادی از قلعه مذکور دیدن کرده نوشته است: ^{۱۰}

(در این محل سابقاً ارگی بر سنگر گردی بلندی ساخته بودند که شاید تا هشتادپا ارتفاع داشته. آن ارگ فعلاً خراب است. و بنای داخلی آن نیز به صورت انبوهی از زباله و آجر درآمده ولی اهالی در همان خرابه‌ها استقرار یافته و بر رأس دیوارهای خانه‌های گلی دو طبقه ساخته‌اند که فقط با پله‌های راست و عجیب و غریبی می‌توان بالا رفت از اختصاصات حیرت‌انگیز آن یکی این است که در جلو هر طبقه با الوارهای خشن ایوانی گذاشته و روی آن‌را هم باگل فرش کرده‌اند و از این ایوان لغزان که زرده‌ای برای جلوگیری از سقوط افراد ندارد پراز سوراخ و حفره است. ظاهراً عده‌ای زندگانی بیرونی خود را میگذرانند و از دور چنین بنظر میرسد که دسته‌های انبوهی از پرندگان بر دیوارهای آن لانه ساخته‌اند و آن محل از فاصله زیاد مانند گنبد عظیمی است که از پلکان نخست عمودی ورود به آنجا امکان دارد و از يك در عقب که تخته

۹ - مطلع الشمس جلد سوم صفحه ۳۳۶

۱۰ - ایران و قضیه ایران تألیف لرد کرزن ترجمه وحید مازندرانی صفحه ۳۸۷

سنگی است که بر محوری استوار گردیده و از آنجا بالا میروند.... اطراف ارگ گودال عمیقی و عریضی است که به صورت باغچه در آورده اند و عایدات آن محل به موقوفات حضرت رضا در مشهد اختصاص دارد^{۱۱}

قلعه سراچه

یکی دیگر از قلاع معروف و مستحکم سمنان قلعه سراچه بوده که در جنوب سمنان قرار داشته است.

این قلعه برخلاف قلاع دیگر که در صفحات پیش نام بردیم از آثار دوران بعد از اسلام و مربوط به قرن هشتم هجری می باشد که بوسیله خواجه یونس سمنانی وزیر پهلوان حسن دامغانی فرمانروای دولت ملی سربداران در سال ۷۳۹ هجری ساخته شده است. بر سر در این قلعه يك بیت شعر بر سنگی نوشته بوده که سال تاریخ بنای آنرا می رسانده بدین مضمون:

خسرو ایران عز دل و دین طاهر کامران باد ایا خواجه دوران یونس

تاریخ تسع و ثلاثین سبعمائه

این قلعه نیز چون قلاع دیگر این محله هنگام احداث خیابان شرقی غربی پهلوی از بین رفته است .

حصاری نادری

در اواسط قرن دوازدهم هجری نادرشاه پس از جنگ با اشرف افغان بسوی سمنان رهسپار گردید وقتی به سمنان رسید دستورداد برج و بارویی در اطراف شهر بسازند . محمد حسن خان صنیع الدوله در کتاب مطلع الشمس جلد سوم راجع به حصار نادری می نویسد:

۱۱ - جرج کرزن شاید بارگاه حضرت رضا امام هشتم را با بقعه سید رضا در لاسگرد اشتباه کرده است و گر نه محصول این باغچه ها آنقدر زیاد و قابل توجه نبوده که جزو موقوفات حضرت رضا باشد

«طبق دستور نادرشاه بمنظور حفاظت از سمنان حصاری در اطراف این شهر بنا کردند که دارای شصت و شش برج بود و هر يك از این برجها که برای نگهبانی در نظر گرفته شده بود دویست تا دویست و پنجاه قدم از یکدیگر فاصله داشتند» دروازه‌های این حصار عبارت بود از: دروازه عراق، دروازه خراسان، دروازه جنبدان، دروازه ناسار و دروازه چوبمسجد آثار حصار نادری تا چند سال قبل باقی بود در حال حاضر بر اثر احداث خیابانهای جدید از بین رفته است.

قلعه‌های پاچنار

در جنوب شهر سمنان و در محله بزرگ اسفنجان آثار دو قلعه پراپت و قدیمی بچشم می‌خورد که به قلعه‌های پاچنار مشهوراند. قلعه‌های مزبور بصورت دژهای دوران باستان ساخته شده و از زمره قلاع بسیار مهم نظامی و دفاعی و تاریخی شهر سمنان بشمار میرفته است.

تاریخ بنای اولیه این برج و بارو و سایر متعلقات آن دقیقاً روشن نیست ولی عده‌ای آنرا بدوران طاهریان نسبت میدهند محمدحسن خان صنیع‌الدوله در کتاب مطلع الشمس جلد سوم درباره قلعه‌های پاچنار می‌نویسد^{۱۲}:

«... در طرف جنوب شرقی شهر نزدیک برج میرزا عسگری ابنیه عظیمه قدیمه متعدد هست همه نزدیک بهم و بعضی را ده ذرع ارتفاع است و ظاهراً اینها يك بنا بوده برخی از اهالی شهر گویند از بناهای طاهر ذوالیمین می‌باشد». در مجموعه ساختمان دو قلعه تاریخ یا سنگ نبشته‌ای که دال بر زمان بنای قلاع مذکور باشد ملاحظه نمی‌شود لیکن بادر نظر گرفتن طرز بنا و بکار بردن مصالح ساختمانی آن قدمت قلعه‌های پاچنار بدوران قبل از اسلام میرسد.

قلعه غربی پاچنار که بزرگتر و وسیعتر از قلعه شرقی است بیش از ۱۳ متر ارتفاع و دارای دو برج دیده‌بانی مدور به قطر دو متر می‌باشد که در دو گوشه قلعه واقع شده و ارتفاع یکی از آنها از سطح بام بلندتر است سمت دیوار شرقی

دیوار قلعه از نظر ساختمانی با آنچه که در سمت غربی دیده می‌شود فرق دارد در این قسمت از برجهای دیده‌بانی اثری نیست بلکه عبارت از دیوار صافی است که نمای خارجی آنرا ساختمان خانه‌های مسکونی پوشانده است. در بنای قلعه از مصالح ساختمانی چون خشت‌ها خام بزرگ گِل و سنگ استفاده شده.

سطح درونی قلعه بیش از ۲ متر از کف خیابان مجاور بلندتر و برای رسیدن به کف قلعه باید سراسیمی که از قلعه‌سنگ‌های ریز و درشت فرش شده گذشت و از در چوبین کوتاهی وارد طبقه تحتانی شد.

قلعه غربی شامل دو طبقه نامنظم است که بوسیله ۲۸ پله بلند و نامنظم به پشت بام راه می‌یابد بام قلعه دارای دو دخمه و طبقه دوم شامل دو اتاق $2/5 \times 2/5$ متر نسبتاً سالم و چند اتاق کوچک دخمه‌ای شکل با درهائی بسیار کوتاه است. طبقه اول یا تحتانی شامل دالان بزرگ و بلند با سقف گهواره‌ای بلند و یک اتاق 3×4 متر و چند آغل و اصطبل است ضخامت دیوارهای پائین قلعه تقریباً بیش از دو متر و قطر دیوار طبقات فوقانی بیش از یک متر می‌باشد.

در این دژ چند خانواده سکونت دارند. قلعه شرقی که در صد قدمی قلعه غربی و در جنوب دبستان سپهر واقع شده کوچکتر از قلعه غربی است. ساختمان این قلعه نیز از خشت خام بزرگ ساخته شده و دارای یک برج دیده‌بانی نیمه ویران در ضلع شمالی قلعه می‌باشد. در کنار در ورودی پله‌هایی وجود دارد که به قسمتی دیگر از قلعه راه دارد این قسمت شامل چند اتاق و آشپزخانه می‌باشد.

ضخامت دیوارها در این قلعه بیش از یک متر است. بعلاوه احداث ساختمان جدید دبستان سپهر قسمتی از این قلعه ویران گردیده و در حال حاضر کسی در آن سکونت ندارد از آنجا که بخش داخل قلعه نیز ویرانه‌ای بیش نیست بخوبی نمی‌توان از نقشه داخل آن باخبر گردید.

قلعه غربی پاچنار بازمانده معماری قبل از اسلام



قلعه میرزا عسگری

این قلعه که در محله پاچنار و در محل کنونی درمانگاه و بیمارستان شهناز واقع بوده و از قلاع مستحکم استواری بود که در يك زاویه آن برج مدور و عظیمی ساخته شده بود که از آن بعنوان دیده بانی استفاده می شده است.

میگویند هنگامیکه اشرف افغان به سمنان رسید شهر را محاصره کرد سیدعلی قاضی حاکم سمنان را که در این قلعه سکونت داشت دستگیر ساخت^{۱۳} و او را در مقابل لشگریان خود کور نمود. بهمین جهت این قلعه بنام برج شیرقاضی نیز معروف است. در سالهای اخیر با احداث خیابان و ساختمان درمانگاه از این قلعه تاریخی اثری بجا نمانده است. مرحوم اعتمادالسلطنه از برج میرزا عسگری دیدن کرده و طرز ساختمان آنرا در کتاب^{۱۴} خود آورده است: «از امکانه سمنان که قابل نگارش است برج میرزا عسگری می باشد که از خشت خام بنا شده و در گوشه عمارتی کهنه واقع گردیده و ابنیه قدیمه است. يك قسمت از دیوار عمارت مزبور که در طرف شمال شرقیست بامتداد صد و پنجاه قدم بنحوی برپاست و چنین معلوم می شود که این برج یکی از بروج اضلاع این بنا بود. و سه برج دیگر از ابتدا ساخته نشده و یاب به این عظمت نبوده است و بمرور خراب شده است این بنا حالا در وسط معموره است و بواسطه پله از طرف مشرق به مرتبه اول برج میرسند و آن طاقی است مسدس که يك راهرو و پنج ترك اتاق مانند بی در دارد که در معنی شش ترك می شود. هريك بعرض يك ذرع و چارك و پنج قدم طول و چار ذرع و نیم ارتفاع و از میان هر ترکی روزنی برای روشنائی گذاشته اند. در وسط چاه آب است و الآن هم آب زیادی دارد. و دهانه چاه در وسط فضای این شش ترك است این بنا سفیدکاری شده و داخله این مرتبه از آجر است. پشت اکثر ترکها صندوقخانه، وضع مرتبه

۱۳ - جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی صفحه ۹۶

۱۴ - مطلع الشمس جلد سوم صفحه ۳۳۰ و ۳۲۱

وسطی مثل مرتبه تحتانی است جز اینکه سقف تیرپوش بوده و خراب شده اغلب ترکها درپچه‌ها به بیرون داشته و در وسط این مرتبه هم محاذی دهنه چاه سوراخ برای کشیدن بیالا هست. مرتبه سیم بی کم و زیاد مثل مرتبه وسطی است و ایندو مرتبه خرابست و روی آنها فضائی بوده که دور آن مثل محجر از خشت و گل بالاآمده و مزل بسیار دارد. ایندو مرتبه مثل مرتبه پائین ترك ترك است و عرض و طول ترکها مساوی با پائین، و صندوقخانه دارد. ارتفاع ایندو مرتبه هفت ذرع و ارتفاع برج من حیث المجموع دوازده ذرع است غریب آنکه غالب مدخلهای مرتبه‌های این برج هلالی و بوضع معمول حالیه است و در ضلع جنوبی و در ضلع شرقی دودالان است بعرض یکذرع و طول پانزده قدم که از دو طرف مزل داشته است.

قلعه کنگ دژ

قلعه کهنه دژ یا کنگ دژ در محله ناسار قرار داشته و از دوبخش کنگ دژ بالا و کنگ دژ پائین تشکیل می‌شده. بنای این قلعه متعلق به دوران قبل از اسلام بوده است و امروزه اثری از آن بچشم نمی‌خورد.

دژ لاجوردی

دژ لاجوردی یا لاژوردین یکی از قلاع مستحکم و معروف حوالی سمنان است که در شمال غرب سمنان و سرراه این شهر به فیروزکوه و نزدیک کلارخانی واقع است. قدمت این قلعه بدوران باستان مربوط می‌شود. فردوسی در باره این دژ چنین گفته است:

دژ گنبدان کوه تاجر منه دژ لاژوردین برای بنه

این دژ مورد کاوش نیز قرار گرفته است^{۱۵}

نارنج قلعه

در مشرق سمنان و در محله شاهجوی واقع بوده و در حال حاضر به غیر از چند دیوار خراب اثری از آن وجود ندارد این قلعه به نارین قلعه معروف می باشد

قلعه برکه

قلعه برکه یا برلوکه در جنوب سمنان و در محله چوبمسجد قرار داشته و امروزه بکلی از بین رفته و اثری از آن بچشم نمی خورد .

قلعه موکوشم

این قلعه که معنای فارسی آن «می کشم» است در مغرب سمنان و در سمت چپ جاده سمنان - تهران بر فراز تپه ای بلند واقع شده و متعلق به راهزنان دوران قاجاریه و اوایل دوران پهلوی می باشد
قلعه مذکور نسبتاً سالم و از گل ساخته شده و بسیار کوچک است .

قلعه نوکلاته

این قلعه در مزرعه نوکلاته تابع روستای خیرآباد واقع در ۶ کیلومتری جنوب سمنان قرار دارد که بدستور سیدعلی قاضی حاکم سمنان ساخته شده است و یکی از قلاع مهم و جالب زمان افشاریه می باشد که متأسفانه نیمه ویران است .

قلعه تنقی آباد

قلعه تنقی آباد در مزرعه ای بهمین نام از توابع دهستان علاء واقع در چهار کیلومتری جنوب سمنان قرار دارد که بوسیله ذوالفقارخان سمنانی حاکم جبار و ستمگر دوران قاجاریه و در عهد سلطنت فتحعلیشاه قاجار بنا گردیده است .

قلعه آب گرم

در شمال غرب سمنان و در محل چشمه‌های آب معدنی آثار قلاع مخروبه‌ای بچشم می‌خورد که از گل و خشت ساخته شده و بنای آنرا به دوران قبل از اسلام نسبت می‌دهند.

قلعه نوکه

قلعه نوکه در شمال شرق سمنان و در بین راه سمنان به کلاته سارو واقع شده است و در حال حاضر بجز قسمتی از آن که پابرجاست بقیه بنا ویران گردیده است.

قلعه طالب آباد

در روستای طالب آباد واقع در یک کیلومتری جنوب غربی سنگسر قلعه‌ای وجود داشته که در دوران مختلف مورد استفاده طوایف گوناگون قرار گرفته و اکنون آثار مختصری از آن برجاست.

قلعه گل رودبار

آثار این قلعه در شمال سنگسر و در مزرعه رضا آباد واقع شده و در شمار قلاع مهم شمال قومس بوده است.

قلعه گل رودبار

در ۲۴ کیلومتری شمال سمنان و بفاصله‌ای کم از رودخانه گل رودبار قلعه مشهور گل رودبار واقع شده است.

قلعه درجزین

قلعه مخروبه در جزین در روستای درجزین واقع در ۹ کیلومتری شمال سمنان قرار دارد. و فعلا آثار مختصری از آن بچشم می‌خورد.

مساجد - مناره و مدارس قديمه

مسجد جامع

مسجد جامع سمنان را می‌توان در زمره کهن‌ترین و قدیم‌ترین آثار اسلامی شهر سمنان بشمار آورد که با توجه به گمانه زنی‌ها و حفاری‌های اخیر در قرن اول هجری بر روی خرابه‌های آتشکده بنا گردیده^۱ ولی در طول زمان تعمیرات تغییراتی در آن بوجود آمده است و در حال حاضر در بنای کنونی مسجد آثاری از دوره مغول و تیموری دیده می‌شود.

مرحوم صنیع الدوله در کتاب مطلع الشمس «جلد سوم» در باره مسجد جامع می‌نویسد «.... یکی دیگر از ابنیه متعدده سمنان مسجد جامع این شهر است و آن بنائی است قدیمی و عالی باتکلف و تأنق تمام و کمال استحکام در زمان میرزا شاهرخ تیموری بنا شده ... مقصوده این مسجد مربع شکل متساوی الاضلاع چهارده قدم در چهارده قدم می‌باشد ارتفاع گنبد مقصوره تقریباً ۱۴ ذرع و ارتفاع ایوان ۲۰ ذرع دهنه ایوان ده ذرع، پیش روی طاق فاصل مابین ایوان و مقصوره را از اطراف کوچک کرده‌اند و شبکه آهن قرار داده و دور ایوانچه که این شبکه در آنست کتیبه‌ایست که بقیه کتیبه دور ایوان بوده و موقوفات جامع را ثبت نموده‌اند»

در کتاب دیگرش مرآت البلدان چنین نگاشته است: «گویند در زمان خلافت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن حضرت امر فرمودند

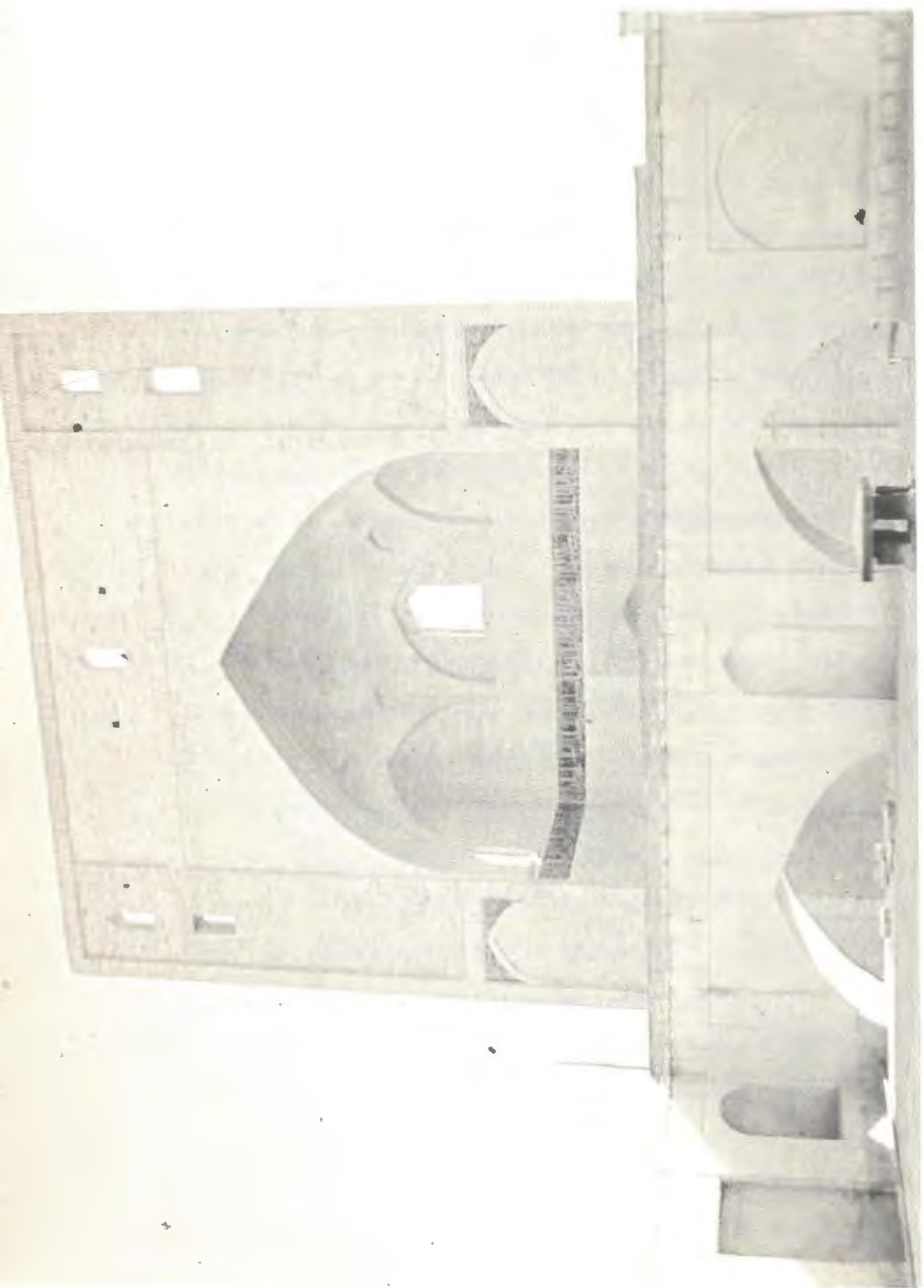
که از کوفه تا بخارا هزارویک مسجد بنا کنند ، در حکومت عبدالله بن عمر اعیان سمنان مسجد حالیه این بلد را ساختند ولی این بنا را چندان عظمتی نبود بدفعات اشخاص عدیده بر بنای اول افزودند.....»

بنای کنونی مسجد جامع مشتمل بر ایوان مقصوره ، شبستان و صحن می باشد . ایوان آجری رفیع و بلند آن به ارتفاع بیش از بیست و یک متر در قسمت غرب صحن قرار دارد که در زمان سلطنت شاهرخ تیموری و بوسیله وزیرش خواجه شمس الدین علی بالیچه سمنانی و با استفاده از مال خالص وی و گنبد آن بوسیله خواجه ابوسعید در عهد سلطنت سلطان سنجر احداث گردیده است . در قسمت فوقانی ایوان و بر سه بدنه آن کتیبه ای از کاشی وجود دارد که از ضلع شمالی ایوان شروع شده و پس از گذشتن از ضلع غربی تا انتهای جنوبی ادامه می یابد بر این کتیبه عبارت ذیل بخط ثلث سفید بر متن لاجوردی نوشته شده است :

[اسمہ القدیم اعلیٰ واولی بالتقدیم اتفق بناء العمارة المباركة الشريفة فی ایام دولة سلطان الاعظم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم ظل الله فی الارضین المؤید بتأیید رب العالمین باسط الامن والامان المؤمنین معین الاسلام و المسلمین شاهرخ شاه ادام الله ملكه و سلطانه و افاض علی العالمین مرحمته و احسانه و الموفق لبناء الخیر من خالص ماله الا صاحب الاعظم دستور الوزراء فی الامم ملك الحاج و زائر الحرمین معزال دنیا و الدین ملك حسین بن الصاحب الاعظم خواجه عزالدوله و الدین محمد بالیچه سمنانی و كتب فی رجب سنه ثمان و عشرين و ثمانمائه (۸۲۸ هجری)]

در پائین این کتیبه چند لوح سنگی بزرگ دیده می شود مهمترین آنها دو لوحی است مشتمل بر فرمانهای پادشاهان صفویه که برای اطلاع قاطبه اهالی سمنان در ایوان نصب کرده اند . عبارت یکی از این دو لوح که در سمت راست در ورودی و پنجره مقصوره قرار دارد متعلق به فرمان تاریخی شاه صفی می باشد بقرار زیر است :

ایوان رفیع مسجد جامع



[هواله سبحانه الملك لله يا محمد ويا علي]

فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون توجه خاطر خطیر معدلت اثر و تعلق ضمیر مرحمت گستر بترفيه حال و فراغبال کافه برایا که ودایع و بدایع حضرت علی الخصوص شیعیان و محبان خاندان طیبین و طاهرین بدرجه اعلی و مرتبه قصوی است و در زمان فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس مکان جنت آشیانی (از اینجا بالا رفته و در آنجا نوشته شده جد بزرگوارم طباطبائی) نقدی ولایات شیعه عراق بموجب حکم لازم الاتباع گیتی ستانی (از اینجا نیز به بالا رفته و در آنجا نوشته شاه بابا ام اناراله برهانه) موافق دستور العمل آن اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکان علین آشیانی مقرر شده بود که در دفاتر عمل نموده و عمل کرده دیناری پنج دینار از ابتداء توشقان ثیل سابق برطرف نمایند و دوازده يك ایام رمضان المبارک عمال مذکوره از ابتداء توشقان ثیل سابق بتخفیف مقرر شد در معامله بیچین کذائیل چون تشیع ارباب و اهالی و رعایا الکاء سمنان سمت ظهور یافته حسب فرمان نواب گیتی ستانی مال دوازده يك رمضان محال مذکور نیز بتخفیف و تصدیق مقرر شده و در نیولا ارباب و اهالی و اعیان ولایت مزبور سیماسیادت و نجابت پناه شریعت دستگاه نظاماللسیاده والشریعه عبدالواسع و رفعت پناه عزت و معالی دستگاه حاجی الحرمین الشریفین نظاما میرزا ابوطالب و سیادت و نجابت پناه نتیجه السادات العظام شمسامیر محمدطاهرا و رفعت پناه عزت دستگاه توفیق آثاری حاجی الحرمین آقاملکی بدرگاه جهان پناه آمده بسعادت بساط بوسی مجلس بهشت آئین استسعاد یافته واستدعا نمودند که چون در زمان نواب گیتی ستان فردوس مکان تشیع ایشان بدرجه وضوح و ظهور پیوسته دوازده يك ایام رمضان ایشان نیز بدستور محال شیعه بتخفیف مقرر گشته تیولداران و همه ساله داران موافق عمل شیعه دستور العمل زمان اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکان علین آشیانی با ایشان عمل نموده دیناری پنج دینار طلب نمایند ایجاباً لمؤلهم بنابه ظهور تشیع ارباب و اهالی

وصواب و عجزه و رعایاء الکاء مزبور توجه خاطر اشرف بترفيه حال ایشان و شفقت مرحمت بیدریغ شاهانه دربارہ اہالی و اعیان و عجزہ الکاء مذکور فرمودہ و از ابتداء سہ ماہہ بیلان ئیل مقرر فرمودیم کہ مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی مال تقدی و بلدہ و بلوکات الکاء مذکور را سوای قریہ سرخہ موافق دستور العمل زمان شاہ جنت مکان علیین آشیانی کہ در محال شیعہ معمول است در دفاتر عمل نمودہ و دستور العمل دیناری پنج دینار را برطرف نمایند کہ موجب رفاه حال و فراغ بال شیعیان گشتہ در دعاگوئی دوام دولت روز افزون افزایشند و ثبوت آن بروح پر فتوح آن حضرت فردوس منزلت و روزگار فرخندہ آثار ہمایون ما عاید گردد ، حکام و تیولداران الکاء مذکور موافق موافق عمل کرد شیعہ با عجزہ و رعایا ولایت سمنان سوای قریہ سرخہ عمل نمودہ دیناری پنج دینار طلب ندارند و ہمہ سالہ داران بہمین دستور عمل نمودہ و طلبی نمایند و از مواجب ہمہ سالہ خود برطرف دانستہ بدیوان آمدہ آنچه کسر نمودہ باشد عوض از دیوان باز یافت نمایند و اکثر تیولداران برستن احداث نمایند بعلت رسوم داروغگی کہ داخل احکام ایشان شدہ باشد و بمواجب حساب شود طلبی نمایند و ارباب و اہالی و عجزہ و اعیان و رعایا وزیرستان آن ولایت برین عطیہ والا کہ دانستہ دربارہ ایشان سمت ظهور یافت و مسرور و شادمان بودہ آثار بہجت و شادمانی بظہور آورند و آرزوی امیدواری تمام و استظهار مالا کلام بتکثیر زراعت و عمارت و آبادانی کوشیدہ در مراسم دعاگوئی ثبات و بقای دولت ابد پیوند افزایشند و صورت این حکم ہمایون را بر سنگی نقش کردہ در مسجد جامع و محل مرتفع کہ منظور انظار خلائق باشد نصب نمایند درین باب قدغن دانستہ ہر سالہ حکم مجدد نطلبند و چون پروانچہ بمہر اشرف رسد اعتماد نمایند تحریرا فی شہر جمادی الثانی ۱۰۳۹ (ہزار و سی و نہ) [

مفاد لوح سنگی دیگر کہ در کنار لوح اول قرار دارد عبارتست از :

(بسم الله الرحمن الرحيم)

[حکم جهان مطاع شد آنکه عالی جاه حاکم خوار و سمنان بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که چون از هنگامیکه مهره انجم برتخته زرنگار فلک آبگون بدست قضا چیده و کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش جهت گردیده گنجور گنجینه وجود بمؤدای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعزمن تشاء یبدک الخیر انک علی کل شیء قدیر ، درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار و زرده دهی پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جهت این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تیزدستی محفوظ و مضبوط داشته جهت سپاس این نعمت بی قیاس و ادای شکر این عارفه محکم اساس در ینعهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مأنوس و اوان شگفتای گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طویت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضائت شریعت پرور بحکم آیه و وافی هدایه الذین ان مکنانهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر باجرای اوامر و نواهی خالق کل عالم و خاتم انبیاء و رسل بفحوای صدق اتتمای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشته امرعالم مطیع شرف تفاق یافت که مضمون بلاغت مشحون قل انما حرم ربی الفواحش مایظهر منها و ما بطن ، پردگیان پرده گشا پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده و به انامل عصیان نقاب بیشرمی از رخسار عفت باز ننموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون دست به آلت قمار دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشانرا در روز ممات مات و فیل بند حیث و هیمان

هنگامه عصات ساخته معلوم شود که آنچه برده باخته اند سالک طریق اجتناب بوده و به هیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردد و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوره فروشی ممالک محروسه را که هر سال مبلغهای خطیر می شد به تخفیف و تصدق فرق فرق دسای اشرف مقرر فرمودیم در این ابواب صدور عظام و علمای اعلام و فقهای اسلام و ثیقہ ائقہ علیحدہ مؤکده بلعن ابدی و طعن سرمدی که موشح و مزین به خط گوهر نثار همایون است بسلك تحریر کشیده اند می باید که آن عالی جاه بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازال نافذافی الاقطار والارباع مقرر دارد که در کل محال تیول آن ایالت پناه ساکنین و متوطنین بقانون اطهر شریعت غرا و طریق اطهر ملت بیضا ناهج مناهج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران در حضور اهالی شریف و کلاتران و ریش سفیدان محلات توبه داده و مرتکبین محرمات مذکوره را تنبیه و تأدیب و التزام باز یافت نموده و هر گاه اشتغال به آن افعال ذمیمه نمایند بر نهج شرع مطاع حد جاری و مورد مؤاخذہ و بازخواست سازد و چنانچه احدی باعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام نماید آن شخص را بنوعی تنبیه نماید که موجب عبرت دیگران گردد و آن عالی جاه بعلت و جوهات مزبور چیزی باز یافت ننموده نگذارد که هیچ آفریده بدانجهت دیناری طمع و توقع نماید . و خلاف کننده از مردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه طیبین صلوات اله علیهم اجمعین اهالی و او باش را از کبوتر پرانی و کرک دوانی و نگاهداشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهت جنگ و پر خاش که باعث خصومت و عناد و انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمارند و دقیقه ای در استحکام احکام مطاعه و اشاعه و اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت نمایند و از جوانب برین جمله روند و رقم قضائیم معدلت مضمون را بر عموم خلایق خوانده بر سنگ نقش و در مساجد جامعه نصب نمایند و درین ابواب غدغن دانسته هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند تحریر آفی شهر شوال

ختم بالخیر والاقبال سنه ۱۱۰۶ (هزار و صد و شش)

پادشاهان دهر را سرور	شاه سلطان حسین دین پرور
جوهر آمد ز کان عدل آن در	گوش گیتی زصیت او شد کر
چو در اسلام طبل شاهی زد	رقم نسخ بر مناهی زد
حکم حتمی برای ترک حرام	کرد تبلیغ بر خواص و عوام
..... فیض کامل شد	که بخلقان چو وحی نازل شد
خسرو کامکار و عالی شأن	صاحب جاه و رتبه رستمخان
چون بجریان حکم شد مأمور	شد منقش بحکمش این دستور
باد، از یمن ایزد متعال	اجر اقبال
این رقم را بیادگار کشید	حسن حاجی و فقیر سعید.

این لوح متعلق به فرمان تاریخی شاه عباس است

از مضمون سومین لوح که قرینه دو لوح مذکور است چنین مستفاد می گردد که در سال ۱۰۲۱ هجری قمری فرمانی صادر شد که بموجب آن بعضی اضافات ظلم و تعدی و مالیات از شیعه عراق رفع شده و لوح سنگی دیگر که بالای در سمت شمال غربی وجود دارد فرمانی مشتمل بر بخشش تمغا و هوایی سمنان است که در سال ۹۶۲ هجری قمری صادر شده است.^۲

دهنه ایوان ۴۰/۱۰ متر و در پشت آن مقصوره ای مربع شکل به طول و عرض ۱۴ قدم و به ارتفاع بیش از ۵/۱۴ متر وجود دارد که بوسیله دو در به کوچک طرفین محراب ایوان به صحن و بکمک چند در کوچک و بزرگ به شبستانهای اطراف راه می یابد. تزیینات کاشیکاری ایوان منحصر به کتیبه فوق الذکر و پشت بغل های کوچک اسپردوم جرزهای طرفین ایوان است که با کاشی های فیروزه ای زینت یافته است. صحن مسجد بشکل مستطیل بطول ۲۷ متر و عرض ۲۵ متر می باشد شبستان شمالی مسجد جامع مشتمل بر ۱۶ ستون مدور و قطور است که بر روی آن طاقهای ضربی شبستان استوار گردیده است.

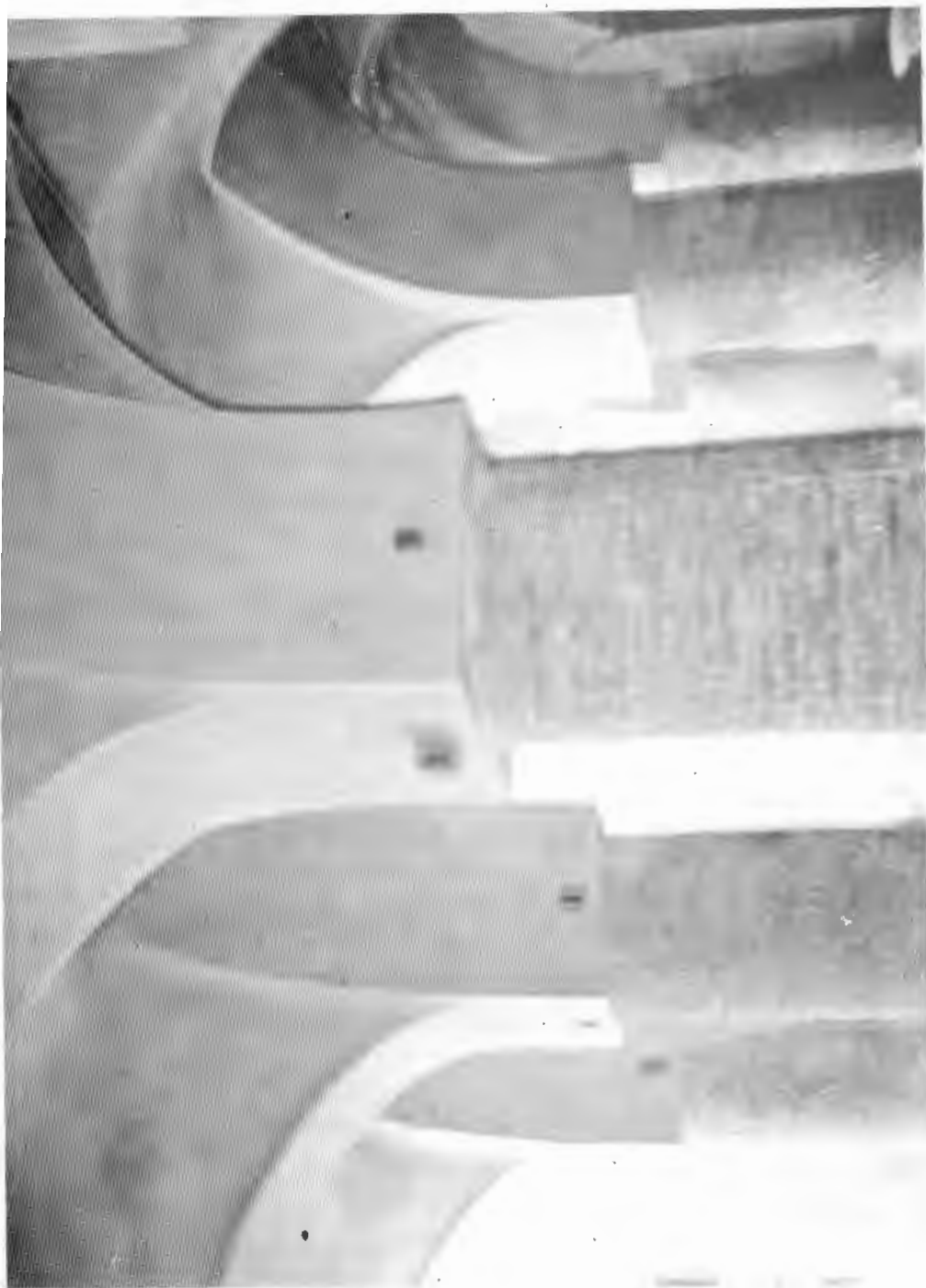
این شبستان بوسیله خواجه نظام الدین سمنانی بنا گردیده. در نفیس شمالی که مسجد را به خیابان شاه و بازار شیخ علاءالدوله مربوط می سازد و دارای کنده کاری بسیار زیبایی می باشد در کنار این شبستان قرار دارد.

شبستان شرقی که بوسیله در ورودی جنوب شرقی از شبستان جنوبی و بوسیله در شمالی از شبستان شمالی جدا می گردد به همت کیقبادین ملک شرف الدین سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی ساخته شده است. این شبستان بوسیله هشتی کوچک باطاق گنبدی کم خیز مزین به تزینات معقلی بسیار زیبا به بازار حضرت راه می یابد. این هشتی را دو راه پله بلند و تاریک به پشت بام متصل می کند. در جلوی در ورودی شرقی که بنام جلوخان مشهور است فضای هشت ضلعی بزرگی با پشت بغل های کاشیکاری وجود دارد. بر بالای سر در ترکیبی از آجر و کاشی های رنگارنگ که کلمات الله، محمد ص، علی، فاطمه، حسن، حسین به نمایش میگذارد بچشم می خورد.

در گوشه شمال شرقی این شبستان منار سلجوقی به ارتفاع ۳۱/۲۰ متر واقع است که در ورودی آن در این شبستان باز می شود. درهای غربی شبستان از چوب گردو و در قسمت فوقانی هلالی شکل و به اندازه عرض و بلندی طاق می باشد.

شبستان جنوبی مشتمل بر ۱۶ ستون مدور در وسط و هشت و نیم ستون در طرف دیوار شرقی می باشد که پایه های ۲۷ طاق شبستان را تشکیل میدهد. این شبستان در زمان ارغون خان و بوسیله وزیرش شیخ علاءالدوله سمنانی احداث گردیده^۳ و در عهد سلطنت فتحعلیشاه قاجار توسط ذوالفقارخان سمنانی حاکم سمنان - دامغان - شاهرود و بسطام نسبت به تعمیر آن اقدام گردید. در ورودی جنوب شرقی که در گوشه مسجد قرار دارد بوسیله راهروی کوچکی به هشتی بزرگی متصل می شود که دارای حوضخانه - وضوخانه - توالت می باشد. در گذشته حوض بزرگی در وسط وضوخانه وجود داشته که

نمایی از شبستان شرقی مسجد جامع



دست اوقاف است و از موقوفات آن می‌توان باغات اطراف مسجد - حمام پهنه بعلت غیر بهداشتی بودن آن پر و تسطیح گردیده است. اداره مسجد جامع در را نام برد. مسجد جامع سمنان که از نظر ساختمانی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی می‌باشد تحت شماره ۱۶۳ جزو آثار ملی به ثبت رسیده است.^۴ تعمیرات و ترمیماتی که توسط انجمن آثار ملی با صرف هزینه قابل توجهی انجام گردیده بشرح زیر است^۵:

۱ - نوع مصالحی که در قسمت‌های مختلف مسجد و نوع اندودهایی که در سه شبستان شمالی و غربی و جنوبی بکار رفته است مشخص کرده‌اند.

۲ - چون ایوان مسجد در ابتدا با نمای آجری بوده است و در گذشته روی آنرا با گچ اندود کرده‌اند برای اینکه ایوان بصورت اولیه خود برگردد اندود گچ را از روی نمای آجری برداشته و پس از تعمیرات لازم و مرمت بالای ایوان با آجرهای مشابه و مستحکم نمودن قوس آن تمام قسمت‌های شمالی - جنوبی - شرقی و غربی چپ و راست ایوان را کاملاً بندکشی کرده‌اند.

۳ - چند ستون در قسمت در ورودی بسته شده است.

۴ - عملیات تحقیقاتی و کاوش در داخل ایوان و حیاط و شبستان شیخ علاء الدوله که منجر به پیدایش يك ساختمان قدیمی در ایوان و حیاط که به احتمال بسیار زیاد مربوط به قبل از اسلام و آتشگاه بوده است. این بنای قدیمی بصورت دو جرزخشتی به قطر ۲/۱۰ متر و يك قسمت آجری می‌باشد

۵ - از قسمت‌های کشف شده عکس و نقشه برداری کرده و سپس اطراف ستونهای مکشوف را بوسیله آجر لاپک چینی نموده و پس از آن حفره‌های ایجاد شده را با خاک پر کرده‌اند.

۶ - بمنظور مشخص کردن کف آجری اصلی در حیاط مسجد خاکبرداری کرده‌اند.

۴ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی تألیف نصرت‌الله مشکوتی ص ۲۸۰

۵ - فرهنگ و هنر سمنان در عصر پهلوی تألیف محمدعلی طاهریا ص ۸۱

- ۷ - در قسمت شمالی با آجرنما سازی شده است .
- ۸ - در شبستان شیخ علاء الدوله مطالعه کرده و بشرح زیر نسبت به تعمیر آن اقدام نموده اند :
- الف : بستن و محکم کردن کلیه ستونها و دیوارها .
- ب : نما سازی چهار دهانه شبستان شمالی .
- ج - خاک برداری از پشت بام شبستان بمنظور سبک کردن آن و ایجاد و ساخت کوره پوش در پشت بام و ایزولاسیون و شفته ریزی بدون آهک و اندود کاهگل و آجر فرش بام شبستان .
- د - شفته ریزی در کف شبستان .
- ه - عملیات تأمین روشنایی برای شبستان .
- و - آجر فرش کامل در شبستان و بند کشی آن .
- ز - اندود کاری گچ خاک و گچ در داخل شبستان .
- ح - ساخت نورگیرهای گچی و نصب آن در شبستان .
- ۹ - سبک کردن بام شبستان جنوبی و کوره پوش و کرم بندی و ایزولاسیون آن .

با آنکه قسمتی از بازار شیخ علاء الدوله متصل به حد شمال غربی مسجد جامع تاکف اصلی خاک برداری شده و دو مغازه متصل به مسجد تعمیر و بصورت اولیه برگشته است و راهروی شمال غربی مسجد نیز در دست تعمیر می باشد . هنوز کارهای زیادی باقی مانده است که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی با علاقه بسیار شدیدی کارهای باقی مانده را دنبال می کند .

منار سلجوقی

این منار که در اعداد زیباترین منارهای تاریخی دوره سلجوقی است در گوشه شمال شرقی مسجد جامع و در کنار شبستان شرقی واقع شده و به منار مسجد جامع نیز معروف می باشد .



منار مسجد جامع یادگاری از دوره سلجوقی

بطوریکه از کتاب مرات البلدان نوشته صنیع الدوله برمی آید این منار در زمان وزارت خواجه ابوسعید سمنانی و خواجه نظام الدین در عهد سلطنت سلطان سنجر ساخته شده است و لی طبق مفاد مقاله سمنان در دایرالمعارف اسلامی و همچنین افادات استاد مجتبی مینوی و طبق کتیبه‌ای که در اطراف منار وجود دارد و بخط کوفی است منار سمنان را امیر اجل بختیار حاکم معروف ایالت قومن در دوره غزنویان و ممدوح استاد منوچهری دامغانی شاعر بزرگ قرن پنجم در بین سالهای ۴۱۷ تا ۴۶۶ بنا کرده است.

صنیع الدوله در کتاب مطلع الشمس درباره منار سمنان می نویسد: «منار در ضلع شمال مسجد است ارتفاع آن از روی بام مسجد تا انتها ۲۵ ذرع است و ارتفاع پائین بام ۵ ذرع است بنای منار قدیم از جنس منارهای دامغان است و در طرف بالا دودور کتیبه ایست بخط کوفی». جرج ناتانیل کرزن انگلیسی که در سال ۱۸۹۱ میلادی از سمنان دیدن کرده درباره منار سلجوقی می نویسد: «این منار که در وسط بازار و متصل به مسجد جامع است بام مناره دامغان برابری می کند. ارتفاع آن یکصد پا و چندپله دارد که ثانوکه آن بالا میرود و در آنجا گلدسته ایست که زلزله و طول زمان آنرا کج کرده است».

واسیلی ولادیمبروویچ بارتولد مستشرق روسی در کتاب تذکره جغرافیای تاریخی ایران چنین نگاشته است: «در دامغان و سمنان منارهایی از قرون وسطی باقی مانده که طرز معماری آن شبیه منار خسروجرد سبزوار است».

ارتفاع منار کنونی از سطح قاعده ۳۱/۲۰ متر و از روی بام ۲۵/۷۵ متر می باشد که بعلمت وجود شبستان شرقی در پای منار قریب ۵/۵ متر قسمت تختانی آن دیده نمی شود محیط مناره محاذی بام مسجد بیش از ۵ متر می باشد. در قسمت پائین منار از روی بام بعد از قریب دو متر آجرچینی تزیینی کتیبه‌ای بخط کوفی بچشم می خورد و بعد از آن ۴ بخش با تزیینات آجری متفاوت ایجاد شده

۶ - ایران وقضیه ایران ترجمه وحید مازندرانی صفحه ۳۸۶

۷ - جغرافیای تاریخی ایران ترجمه حمزه سردادور صفحه ۱۷۷

است که این قسمت‌های چهارگانه با طرح‌های متنوع خود جلوه خاصی به این بنا بخشیده‌اند. تناسبی که بین این بخش‌ها از نظر تزئینات و طول آنها در نظر گرفته‌اند حاکی از آشنائی کامل هنرمندان به اصول مربوط به انتخاب ابعاد متناسب می‌باشد و همین دقت و ذوق است که منار سلجوقی را بصورت یکی از زیباترین آثار معماری ایران درآورده است. در بالای تزئینات آجری کنیبه‌ای بخط کوفی وجود دارد که نام ابو حرب بختیار و تاریخ بنای منار بر آن نقش بسته است. تاج یا کلاهک منار که بشکل ۸ ضلعی است دارای مقرنس‌های آجری با پشت بغل‌های کوچک از کاشی برنگ فیروزه‌ای می‌باشد.

درون طاسها یا سوسن مقرنس‌سوراخ‌های ریز و جالبی تعبیه شده است. در اطراف مؤذنه منار نرده‌های مشبك چوبین زیبایی برنگ سبز نصب گردیده است.

این منار دارای ۹۱ پله مارپیچی می‌باشد که تا اول مؤذنه بالا می‌رود و فضای داخل آن بوسیله چند منفذ که از خارج نور می‌گیرد روشن می‌شود. منار سلجوقی تحت شماره ۱۶۲ توسط انجمن آثار ملی به ثبت رسیده است.^۸ شایعه‌ای که در مورد این منار برسر زبانهاست جنبیدن آنست که حتی چندی سوژه داغ مطبوعات بود لیکن نگارنده تاکنون ملاحظه نکرده‌ام. عده‌ای از مردم سمنان معتقدند که منار سلجوقی يك بنای شوهریاب است و بدین صورت که دختران دم‌بخت به منار می‌روند هر پله يك جبه قند می‌گذارند و يك دانه گردو می‌شکنند، تا بالای منار. و معتقدند که حاجتشان روا می‌شود.

مسجد جامع زاوگان

مسجد جامع زاوگان در شمال محله زاوگان و پائین تر از چاه آب و در میان باغهای سرسبز واقع شده است این مسجد که بناهای قرن دوم هجری و مربوط بدوره تسلط علویان در این سرزمین می‌باشد بوسیله سیدضیاء الدین محمد

مسجد جامع زاوگان از بناهای قرن دوم هجری



فرزند بزرگ و جانشین سید زین الدین علی صالح پسر عبیدالله بن حسین اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام بنا گردیده . مصالح ساختمانی که در این مسجد بکار رفته آجر ، گچ - سنگ - خشت خام می باشد مسجد جامع زاوگان شامل ایوانی بلند است که ارتفاع آن بیش از ده متر و روبه مشرق قرار دارد. در طرفین ایوان دو گوشوار دو طبقه ساخته شده که سقف گوشوار زیرین دست چپ ایوان فرو ریخته است. در سمت راست ایوان دو ستون خشتی بلند و قطور و مخروطی به ای چشم می خورد . چنین بنظر می رسد که در گذشته در ورودی مسجد از این راه باز میشده و یا راه ورودی به شبستان بوده است. در پشت حجره های پائین اتاق هائی وجود داشته که بوسیله يك راهروی كوچك و تنگ بداخل ایوان راه می یافته است. بعلت اینکه قسمت اعظم این بنا ویران گشته نمی توان بخوبی از نقشه داخلی آن اطلاع حاصل کرد. ناگفته نماند از آنچه که از این مسجد باقی مانده می توان به قوس بلند ایوان اشاره کرد که دارای تزیینات آجری بصورت مربع های كوچك و بزرگ تودرتو می باشد. آثار خرابه این مسجد هم اکنون در سمت غربی نهر میان زاوگان نمودار است .

مسجد جامع سرخه

این مسجد که در قصبه سرخه و در کنار تکیه مسجد جامع قرار دارد و از بناهای قرن اول هجری است. مسجد جامع سرخه در طول زمان چندین مرتبه خراب و بعد تعمیر و مرمت گشته و تغییراتی در آن نیز بوجود آمده . یکی از الحاقات این مسجد شبستان بزرگ است که به چهل ستون شهرت دارد .

بطور کلی مسجد جامع فعلی دارای دوشبستان بزرگ است که قریب دومتر از سطح کوچه مجاور پائین تر می باشند. شبستان غربی که بازمانده قرن اول هجری است ، شامل شش ستون قطور چهار گوش با زوایای بریده می باشد که طاق ضربی مسجد بر روی آنها و دیوار شبستان قرار گرفته است . شبستان فوق الذکر را دودر شرق و غربی به بیرون متصل می کند. این شبستان از مساجد

اهل تسنن بوده و آیاتی از قرآن در اطراف محراب نوشته بوده ولی چندی قبل که اطراف محراب فرو ریخته کنیه آن نیز از بین رفته است. در داخل چشمه‌های طرفین شبستان پنجره‌هایی تعبیه شده که از خارج نور می‌گیرد.

برای وارد شدن به شبستان جدید که طبق نوشته در ورودی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری ساخته شده است باید از يك هشتی بزرگ و جالب که قریب دو متر از سطح کوچه مجاور پست‌تر است عبور نمود و پس از گذشتن از درگاه کوتاهی وارد شبستان شد.

صحن مسجد وسیع و تقریباً مخروطی است و در اضلاع آن طاقنماهای قوس‌دار کم عمق دیده می‌شود. پرسر در ورودی مسجد که بین دو شبستان قرار دارد کنیه مستطیل شکل از کاشی بچشم می‌خورد که زیر عبارت «مسجد جامع سرخه» آیه‌ای از قرآن کریم یخط ثلث سفید بر متن لاجوردی نوشته شده است. و در انتها به جمله مهرماه ۱۳۴۵ ختم می‌شود.

منار و مسجد جامع علاء

مسجد جامع علاء در ۹ کیلومتری جنوب شرقی سمنان و در میان کوچه‌های قدیمی و کج و معوج بخش علاء واقع بوده و یکی از مساجد قرن اول هجری بشمار می‌رفته^۹. بر سر در این مسجد که در سال ۷۰ هجری ساخته شده است کنیه‌ای از جنس فیروزه وجود داشته که بوسیله یکی از حکام سمنان شبانه کنده و ربوده شده است. مسجد مزبور در سالهای اخیر ویران گشته و مسجد دیگری در سمت جنوب آن ساخته‌اند. منار علاء که در کنار ویرانه‌های مسجد قدیمی واقع شده بیش از ده متر بلندی دارد ولی ارتفاع آن در گذشته بیش از ارتفاع فعلی بوده که متأسفانه ویران گردیده است. تزیینات آجری منار عبارتست از سه ردیف قطار بندی در وسط و قسمت فوقانی منار که بكمك يك رج آجر که بطور سه گوش قرار داده شده است. قسمت دیگر آنرا تزیینات آجری ساده



سار علاء از بناهای دوره سلجوقی

تشکیل میدهد بدین ترتیب که آجرها از طرف نره آن کنار هم و با فاصله کم چیده شده‌اند. منار علاء تا چند سال پیش فاقد گلدسته بوده ولی اخیراً گلدسته دیگری از جنس آهن بر فراز آن ساخته شده است که به هیچوجه با ساختمان قدیمی هماهنگی ندارد.

تاریخ اولیه بنای منار را همزمان با بنای منار مسجد جامع سمنان میدانند بدین ترتیب که بین سالهای ۴۱۷ - ۴۶۶ بوسیله ابو حرب یختیار حاکم قومن در زمان غزنویان ساخته شده است. بطوریکه در بین مردم شایعه است این منار مانند منار جنبان اصفهان می‌جنبد و لرزش آن نیز محسوس است.

مسجد شاه

یکی از مهمترین و زیباترین بناهای تاریخی که شهر سمنان را اعتباری خاص بخشیده است مسجد شاه یا سلطانی و یا مسجد فتحعلیشاه است که از هر جهت به بناهای مساجد همزمان خود یعنی مسجد شاه تهران کاشان و قزوین و بروجرد برتری دارد.

این مسجد که در خیابان شاه و روبروی میدان تیرانداز واقع شده، از لحاظ دارا بودن ایوانهای متعدد، شبستانهای وسیع - حجرات اطراف - کاشیکاری زیبا بی‌نهایت جالب و جذاب است. در مورد تاریخچه ساختمان این مسجد چنین آمده که: فتحعلیشاه قاجار ذوالفقار خان سمنانی را که یکی از دوستان وی بشمار می‌رفت، بر اثر ابراز لیاقت و دلاوری در جنگ هرات به حکمرانی سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام منصوب کرد. این حاکم جبار در مدت حکومت خود برای جمع‌آوری مال و ثروت دست به تظلم و بیدادگری زد. چنانکه از دیوان ابوالحسن یغمای جندقی که بیشتر در هجو این حاکم ستمگر سروده برمی‌آید ظلم و ستم را بدانجامی رساند که خانه این شاعر پراحساس دوره قاجاریه را غارت می‌کند و میرزا مهدی یاهو متخلص به فقیر شاعر وارسته

سمنان را به جرم حق گوئی زبان می برد. بهمین جهت افراد متشخص و شخصیت های برجسته منجمله حاجی سیدحسن حسنی «محبوبعلی شریعت پناهی دانشمند معروف و صاحب کتاب منهاج العارفین» ترك دیار نمودند.

دانشمند مذکور بعلت کرامات و دعانویسی که مورد علاقه درباریان قاجار بود بدربار فتحعلیشاه راه یافت و همه ستمگری ها و بیدادگریهای ذوالفقارخان را به سمع شاه رسانید. شاه نامه ای به حاکم سمنان نوشت و سفارش کرد که دست از تعدی بردارد و چندی بعد خود با وجود مخالفت ذوالفقارخان به سمنان رفت و از تمام زورگوئی های وی مطلع شد ولی بعلت روابط دوستی با ذوالفقارخان سخنی برب نیاورد. لیکن بعد از مرگ این حاکم جبار اموال و دارائی وی را که بیت المال و ثروت همگانی بود در اختیار حاج سیدحسن حسنی قرار داد تا مسجدی بنام فتحعلیشاه بنا کند. بعدها نیز موقوفات شیخ علاءالدوله سمنانی عارف مشهور قرن هشتم که وقف خانقاه درویشان در سمنان بود بر موقوفات مسجد اضافه شد و تا امروز بعد از حاج سیدحسن حسنی شریعت پناهی تولیت مسجد مزبور بترتیب در بین فرزندان ذکورش ادامه یافته است.

مسجد سلطانی دارای چهار در ورودی از طرف شمال - جنوب و شرق و شمال شرقی است و به استثنای در شمال شرقی که بوسیله يك دالان طولانی به تکیه معروف پهنه راه دارد سه در دیگر دارای هشتی و دالان و دهلیز هستند و فقط سر درهای شمال و شرق است که دارای تزیینات مقرنس کاری گچی بسیار زیبا و دو گوشوار دو طبقه در طرفین با پشت بعل های کاشیکاری می باشد. هشتی های شمالی، جنوبی و شرقی که شامل طاقهای آجری گنبددار، طاق نماهای متعدد با لچکی کاشیکاری هستند بوسیله دو دهلیز از دو طرف ایوان ها به صحن وسیع مسجد متشکل از باغچه های مشجر و آب نمای بسیار بزرگ مربوط می شوند در پیشانی سردر شمالی کتیبه ای از کاشی لاجوردی وجود دارد که مفاد آن چنین است:

« در عهد دولت همایون محمد رضا شاه پهلوی و تولیت حقیر سید کاظم

شریعت پناهی این بنای رفیع بدست حسین ایلیم کاشی ساز و استاد فرج الله معمار سمنانی و به سعی آقای معصومی تعمیر و مرمت شد فی رمضان المبارک ۱۳۶۸ قمری ۱۳۲۸ شمسی».

در پائین این کتیبه و زیر مقرنس کاری های سردر مسجد قطعه سنگ مرمری است که در آن نصف قصیده محمد حسین خان کاشانی متخلص به عنذلیب که در تاریخ بنای مسجد و مدح فتحعلیشاه سروده شده و بخط نستعلیق حجاری گردیده است :

چه باشد آفت معدن چه باشد فتنه دریا
 کف بخشنده خاقان ، دل رخشنده دارا
 شهنشاه جهان فتحعلی شه آنکه از رایش
 بگرد خاک گردد روز و شب آتش بجان بیضا
 اگر نبود ز رشک جاه او این چرخ بر رفته
 چرا دارد هزاران داغ بردل زاختر رخشا
 سخا بادست او دانی چه باشد لیلی و مجنون
 کرم باطبع او دانی چه باشد وامق و عذرا
 ز جودش هر کجا ذکری سخاوت خجلت حاتم
 ز عدلش هر کجا نامی عدالت شنعت کسری
 رسن ريسان بعهدش کلبه رشک روضه مینو
 کشاورزان بدورش دکه شرم گنبد مینا
 ز جاه عالیش يك پله این نه طارم علوی
 ز رای روشنش يك پرتو این هفت اختر رخشا
 فتوت در جبین او چو فرو تاب در اختر
 جلالت در وجود او چو بو ورنگ در صها
 ستم در دور آن آمد دوان در سایه آهو
 جفا در عهد او باشد نوان در بنگه عنقا

هبا گنج فریدون چونکه او در گوشه ایوان
 هدر خون تهمتن چونکه او در پهنه هیجا
 چوتیغ آرد بکف درگاه کین بر رودکان آدم
 چوتیر آرد بزه در پشت زین بر زادگان حوا
 بمویه این سخن بر لب چه بود می عنین
 بناله این نوا در دم چه بودی بود می نازا
 خم چرخش بچنگ اندر که چاچی چرم این شایان
 دم مارش بشست اندر که توری تیرم این زیبا
 ستایش راندیز دانرا که دوران بر بکامم شد
 بکاری خوشدل امروزم که کار آید مرافردا
 طلب فرمود بنایان چابک دست کار آگاه
 کشان صد چون سمنار آمده شاگردك بنا
 بسمنان داد فرمان تا که عالی مسجدی شایان
 بنا آرند و نیت نی بجز دادار بی همتا
 یکی میر حسن اسم حسن رسم نکو سیرت
 که باشد پیروی از پیروان سید بطحا
 بفضل و علم باشد او بگیتی آن چنان کامد
 ارسطویش یکی بنده فلاطونش یکی لالا
 زند کرکس بدانائی برش دم یا بینائی
 نشد کارش بر سوائی چنان چون بلعم و زرقا
 ملک فرمود چون آن مایه و ر بودی بدین پایه
 چنین مسجد بسعی این چنین کس بایدی یرپا
 نصف دیگر همین قصیده بر روی سنگ مرمری که در بالای در جنوبی
 مسجد نصب شده حجاری گردیده است :

بیک ایماى گنجوران رساندندى ههه بدره
 بهر سیم وزرش فری ز نام نامی دارا
 همی سیمی که رومی داده تحفه یکسره خالص
 همه زری که جزیه داده چینی یک تنه سارا
 سپرد اورا و فرمان داد تا هم مسجدی نیکو
 که قندیل آیدش گردون بهر ایوان عرش آسا
 گرفت آن سیم وزر را از ملک آن میر فرخنده
 بسال دوساز آورد چون این هفت تو اورا
 چو مسجد آن چنان مسجد که بیم روز و شب یکسر
 بخاک آستانش سجده بر نه گنبد خضرا
 چه مسجد کعبه علیا نه از آن برتری دارد
 درین باشد ملایک اندر آن جاداشن عزا
 چه مسجد پایه ستوار آن گردیده ماهی پو
 چه مسجد قبه ایوان آن گردیده مه پیما
 ز آب صاف آن تشویرها بر چشمه کوثر
 ز خاک پاک آن تشنیعها بر عنبر سارا
 بشام و بام ریگ جوی آن تسبیح گو باشد
 همانا آمده در آن سراسر سبحة حصبا
 تور آن پایه باشد ای خجسته مسجد عالی
 که آمد چون شتالنگی بیایت گنبد مینا
 ز خاک پاک تو کز رشک آن خون شد دل نافه
 کند رضوان در آذین غالیه بر پرچم حورا
 بشمشه سقف تو مهر فروزان آمده واله
 بپایه قدر تو چرخ فرازان آمده شیدا

عجب نبود که اندر جوف گردونی وزان پیشی
 بین دریک بدستی آینه گردون بود پیدا
 مهمیرا که در تو کس ز ایندخواستار آید
 تو گوئی می رسد حکم قبولش پیشتر از انشا
 سجودی در تو اجرش آن چنانکه مرد حق بینی
 برد اندر عبادت عمر خود در مسجد اقصی
 گنه کاری اگر خواند بصحنت پاک یزدان را
 نه جزلیک او را در رسد از عالم بالا
 روان قدسیان عرش در وجد و سماع آید
 ز تسبیحی که در صحن تو دارد صخره صما
 غرض چون این خجسته مسجد از شاهنشاه کیهان
 پایان آمد از هر درهمه شایسته وزیا
 بگفتا عندلیب از بهر تارنج بنای آن
 پیاپی مسجد فتحعلی شه کعبه علیا
 الا تا نام مسجد زاهدان را هست عیش آور
 الا تا ذکر منبر و اعظان راهست روح افزا
 نیاز آرا بمرت آیدی هفت اختر رخشان
 نماز آور بشخصت باشدی نه گنبد خضرا
 همانطور که از اشعار این دو کتیبه مستفاد می گردد سال اتمام بنای مسجد
 سال ۱۲۴۲ هجری قمری می باشد ولی این تاریخ با تاریخ وقفنامه ای که در
 بالای سردر شرقی است سال ۱۲۴۳ هجری را سال اتمام بنای مسجد می داند
 مغایر است. کتیبه مذکور به اندازه دو کتیبه فوق و از سنگ مرمر می باشد که
 مضمون آن چنین است:

نمای شمالی ایوان مسجد شاه



هو الوقف علی الضمائر

بعد از آنکه به اجرای حکم قاهر و اعطای وجوه و افزای سرکار جهانمدار شاهنشاه سپهر دستگاه خسرو دین پرور اسلام پناه پادشاه اسکندر قرین خدیو صاحبقران قهرمان تاج بخش گیتی ستان السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مالک الارقاب الامم السلطان فتحعلی شاه قاجار خلداله ملکه الی یوم القرار ، این مسجد سعادت بنا الذی اسس علی التقوی سمت اتمام یافت وقف صحیح مؤبد فرمود بر مسجد مزبور همگی و تمامی کاروانسرا و بازار مستحدثه واقعه در جنب مسجد و موازی یک هزار و پنجاه اسیه «اسیه باصطلاح اهالی سمنان قسمتی از آب است» میاه استخر محلتین اسفنجان و ناسار و معادل دوهزار اسیه میاه استخر محله جنبدان و چهارصدچوب میاه محلات کدیور و کوشمغان و زاوغان را و تولیت را محول و مفوض فرمودند بجناب سیادت و سعادت انتساب مستغنی الالقاب قدوه العلماء و الافاضل مجد الفقها و الاعادل مفخر السادات العظام خیر الحاج و المعتمین حاج سیدحسن که هم بر حسب قرار واقف خلداله ملکه متولی مسجد می باشد و هم امام جماعت مسجد مزبور است و بعد از جناب متولی معظم الیه با رشد و اکمل و اتقی و افهم اولاد ذکور و اولاد علی ماتوالد و او تناسلوا و تناقبوا مشروطا علی تقدم بطن الاعلی و العیاذ بالله بعد انقراضهم باعلم مادات اقرباء و منافع حاصله را از قراریکه در وقفنامه مبسوطه ثبت و مندرج است . اولاً بقدر ضرورت بمصرف تعمیر آبادی مسجد و موقوفات مقرر رسانیده و بعد از تعمیر که مقدم است یکمشر بجهت حق التولیه و نیم عشر بجهت حق النظاره منظور دارد و نیم عشر نیز در ایام عاشورا را صرف تعزیه حضرت سیدالشهدا و خامس

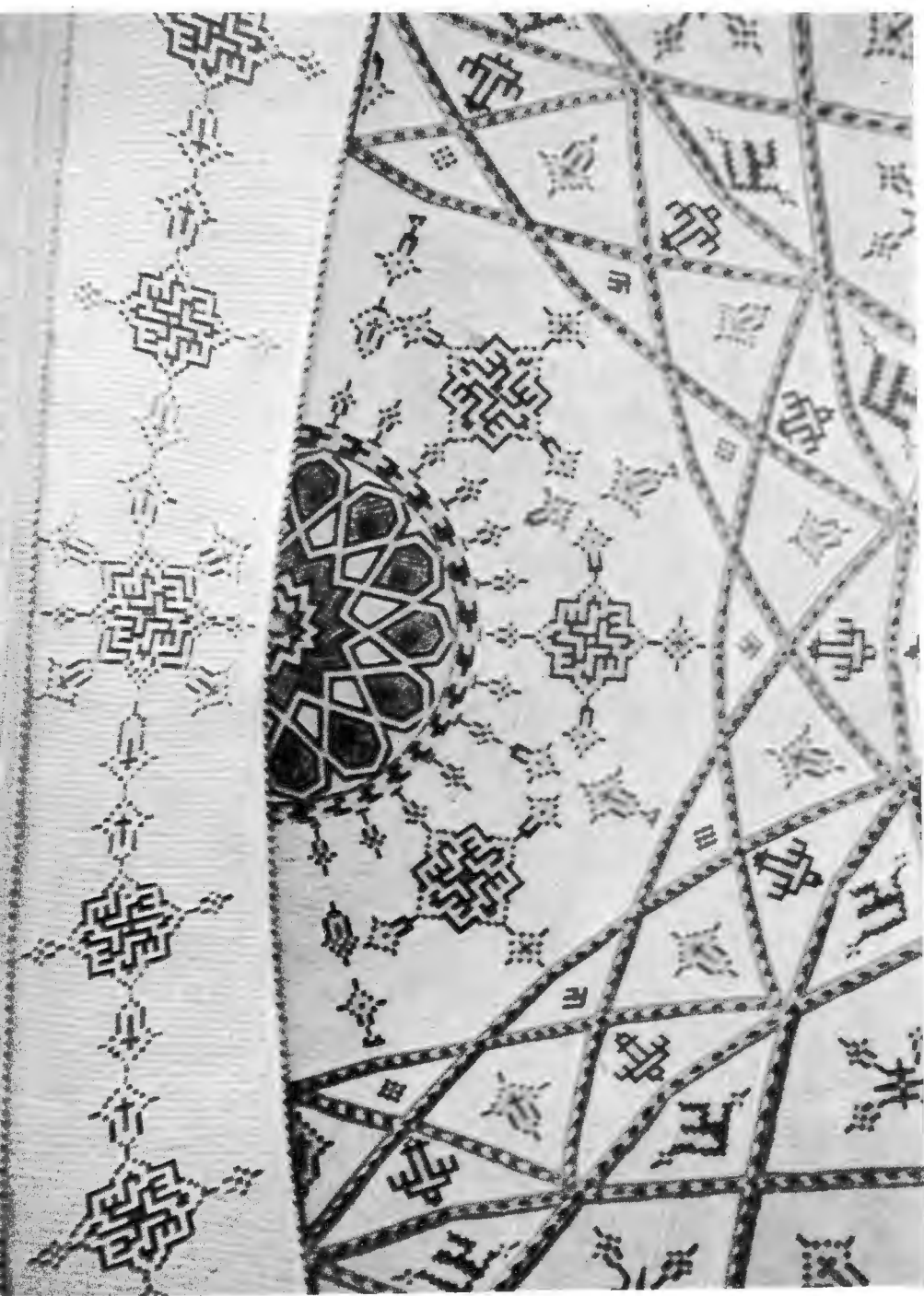
→ این کتیبه امروزه وجود ندارد و این اشتباه از کتاب مطلع الشمس سرچشمه می گیرد چه اینکه مرحوم صنیع الدوله می نویسد که وقفنامه در پشت ایوان غربی است. حال آنکه امروزه این کتیبه بر سر در شرقی مسجد بچشم می خورد

آل عبا اباعبدالله الحسین صلوات الله و سلامه و علی ابائه الطاهیرین و اولاده المعصومین نمایند و طعام و آش و شربت بحضار و اجزاء مجلس عزا رسانند و از آن پس آنچه باقی ماند صرف روشنائی موقوفات مزبوره و خرج حصیر و برف روئی و دیگر لوازم و مصارف را منظور داشته باشند که کفایت نماید و پس از آن برامام و موذن و خدام و کارگذاران و مباشرین مهام امور مسجد علی قدر مراتبهم وحد درجاتهم بر حسب زهد و تقوی و صلاح باید متولی تخصیص و تقسیم نموده و همه سال علی سبیل الاستمرار بدون انقطاع و انفصال برساند و در زیاد و کم تغییر و تبدیل تخطئه و تصویب نقری خدام و عمله مسجد متولی مزبور مطلقا مختار و مأذون خواهد بود و قفاصریحاً صحیحاً شرعاً اسلامیا لامحرف لهباته و لامبدل لکلماته وصیغه و قویه صحیغه شرعیه اسلامیه کما قرر فی شرع الرسول واقع و جاری شد فمن بدله بعد ما سمعه الخ و کان ذالک فیه شور سنه ثلث و اربعین و مأتین بعد الالف من الجهره المبارکة النبویه المصطفویه علی هاجرها آلاف الثناء والتحیه».

ناگفته نماند که در کتاب مرات البلدان ، اعتماد السلطنه پس از توصیف مسجد شاه سمنان می نویسد : (در سال ۱۲۱۷ هجری قمری که موکب حضرت خاقان فتحعلیشاه قاجار از محاصره مشهد مراجعت می کرد این مسجد به اتمام رسیده بود). بدین ترتیب مشاهده می شود که تاریخ اتمام بنای مسجد سلطانی مورد شک و شبهه می باشد ولی به احتمال قریب به یقین سال ۱۲۴۲ هجری که در تمام بنا بچشم می خورد تاریخ اتمام مسجد شاه است .

این مسجد بفرم چهار ایوانی می باشد که دو ایوان شمالی و جنوبی کوچکتر و ارتفاع هر کدام ۱۱ متر است و از هر نظر باهم شباهت دارند .

برسه بدنه داخلی ایوان ها کنیبه ای بخط ثلث عالی وجود دارد که بر آن سوره مبارکه لا اقسام برنگ سفید در متن لاجوردی نوشته شده و انتهای آن به عبارت ذیل بخط نستعلیق ختم می شود «کتابه العبد محمد حسین الاصفهانی ، کاشی تراش این مسجد عمل استاد علی اکبر کاشانی خلف استاد غلامعلی کاشی پز».



قسمتی از تزئینات ایوان غربی مسجد شاه

بر بالای دهلیزهای ورودی طرفین ایوان دوغرفه یا گوشوار با تزیینات مقرنس کاری گچی مشاهده می شود که در پشت هر کدام اتاقی ساخته شده است. اطراف ایوانها و رواقها را طرحهای زیبای فیروزه ای بر متن آجر، زیبایی خاص می بخشد ازاره هردو ایوان به ارتفاع یک متر از کاشی هفت رنگ تشکیل یافته ، کاشیکاری اطراف قوس ایوان و پشت بغل های ایوان نیز قابل ذکر است. دو ایوان دیگر یعنی شرقی و غربی فوق العاده زیبا و بزرگ می باشند .

ایوان غربی مفصل تر و زیباتر از ایوانهای دیگر است ۱۹/۵ متر ارتفاع دارد. در اطراف این ایوان عبارت « یا الله یا محمد یا فاطمه و یا علی تا دوازدهمین امام با خط بنائی سیاه در متن سفید نوشته شده است .

در اطراف رواق و پشت بغل های کاشیکاری که دارای طرح اسلیمی بسیار زیبایی می باشد آیاتی از قرآن مجید به همان خط بنائی سیاه بر زمینه سفید بچشم می خورد .

بر دو جرز طرفین ایوان چهار اسپر جالب دیده می شود. اسپر پائین شامل یک بیت شعر بخط نستعلیق سفید بر متن آبی می باشد بدین مضمون :

ز ابراهیم درآمد گر بنای کعبه بطحا

..... بسمنان کعبه فتحعلی شه پا

محمد طاهر نوری ۱۲۴۲

در داخل ایوان کتیبه ای بخط ثلث سفید بر متن لاجوردی وجود دارد که از ضلع شمالی ایوان شروع شده و پس از عبور از ضلع غربی تا انتهای ضلع جنوبی ادامه می یابد در وسط کتیبه بر بالای مدخل ورودی مقصوره نام حضرت خاقان فتحعلیشاه قاجار و تاریخ اتمام بنا سال ۱۲۴۲ بخط ثلث زرد بر زمینه لاجوردی مشاهده می گردد ازاره ایوان از سنگ مرمر مرغوب می باشد که خطوطی بر آن حجاری شده است .

کاشیکاری طاقنماهای پائین ایوان که در سال ۱۳۲۸ شمسی صورت گرفته و هم چنین معقلی قسمت فوقانی ایوان که بترتیب از بالا به پائین عبارات یا الله ،

یا محمد ، یاعلی ، یا فاطمه ، یاحسن و یاحسن را دربر دارد این ایوان را زیبایی خیره‌کننده‌ای بخشیده است. در وسط قوس ایوان و در میان طرحی زیبا از کاشی گوی فیروزه‌ای درشتی آویزانست. برخی از مردم سمنان معتقدند که در صورت انهدام و ویرانی مسجد با بهای این گوی می‌توان ساختمان مسجد را دوباره بنا نمود. در پشت ایوان غربی مقصوره‌ای زیبا و پرباهت به ارتفاع ۲۱ متر قرار دارد که می‌توان آنرا بحق یکی از آثار گرانبها و درحقیقت گنجینه‌ای از معماری و نقاشی دانست که هر قسمت آن معرف هنر و ذوق سازندگان آن می‌باشد.

گچ‌بری‌های زیبا و ظریف و طاقنماهای تودرتو و متناسب با نقوش فراوان و نقاشی‌های جالب جلوه فراوانی به این مسجد داده است. مقصوره مسجد مربع شکل می‌باشد که قسمت فوقانی آن بوسیله طاقنماها و فیل‌پوشهای تودرتو با نقاشی‌های بدیع و بکام‌پا باریک‌ها و کاربندی مثلث شکل بصورت طرح تقریباً مدور درآمده و پوشش گنبد کم‌خیز مقصوره روی آن استوار شده است. نقاشی و گچ‌بری‌های سقف بصورت پارانشیمی است که سلولهای محیطی نسبت به سلولهای مرکزی بزرگتر و در آن ترکیباتی از کلمات یا الله ، یا محمد ، یاعلی ، یا فاطمه ، یا حسن ، یاحسین نوشته شده است.

در پائین این نقاشی و در میان سلول‌های محیطی هشت پنجره کوچک بر بالای طاقنماها و فیل‌پوشها تعبیه شده که نور داخل مقصوره را تأمین می‌کند. کتیبه زیر گنبد از کاشی‌های لاجوردی تشکیل یافته که سوره‌ای از قرآن مجید بخط ثلث سفید بر آن نقش بسته است. در زیر طاقنماها نیز کتیبه‌ای دیگر بخط ثلث وجود دارد. در ضلع غربی مقصوره و روبه قبله محراب بسیار زیبایی با مقرنس‌های گچی بسیار جالب و پشت بغل‌های مزین به گچ‌بری‌های ارزنده دیده می‌شود در اطراف محراب آیاتی از قرآن مجید بخط برجسته و در سه بدنه آن کتیبه‌ای بخط ثلث در متن لاجوردی وجود دارد که در انتهای هر کدام از آنها سنه ۱۲۴۲ به‌چشم می‌خورد.

کف محراب از سطح مقصوره به اندازه ۱۵ سانتیمتر پائین‌تر و ازاره آن

به بلندی بیش از يك متر از کاشی‌های هفت‌رنگ ساخته شده است. در سمت چپ محراب منبر مرمر ۱۱ پله‌ای قرار دارد که در در بالای آن يك قطعه سنگ مرمر حجاری شده مزین به نقوش زیبا جلب نظر می‌کند. در قسمت فوقانی محراب عبارت نقاشی از فرج‌الله معمار سمنانی دیده می‌شود. در بالای مقصوره ایوان غربی گلدسته‌ای وجود دارد که شامل گنبد کوچکی با پوشش کاشی‌های فیروزه‌ای و ساقه هشت ضلعی بلند است در طرفین این ایوان دو منار بنا شده که تا نزدیک بالای ایوان رسیده ولی نیمه تمام مانده سابقه بنای دو منار را چنین می‌گویند: شخصی شروع به ساختن دو منار کرد و از یغمای جندقی شاعر معروف دوران قاجاریه که در آن زمان در سمنان اقامت داشت درخواست کرد تا شعری راجع به تاریخ بنای منار و مدح بانی آن بسراید. یغما نیز شعر معروف زیر را سرود:^۱

ایا ستوده افندی که می‌بیاید.....

بگاه موعظه و درس و بحث بر دهن

ترا چه کار که مسجد بنا کنی و منار

که ذکر خیر بود یادگار در زمنت

و جوه فطر و زکوة و ذخیره‌های دگر

که حاصل است ز مال یتیم و بیوه زنت

هزار مصرف واجب برای آن دارم

بدار گوش که حالی کنم بیک سخت

که هم بموقع خود صرف گردد این تنخواه

هم انبساط کند دل تهی ز هر حزنت

شراب و شمع و کمرچین و برگ و ساز بخر

سیل فرما براهل و آل و انجمنت

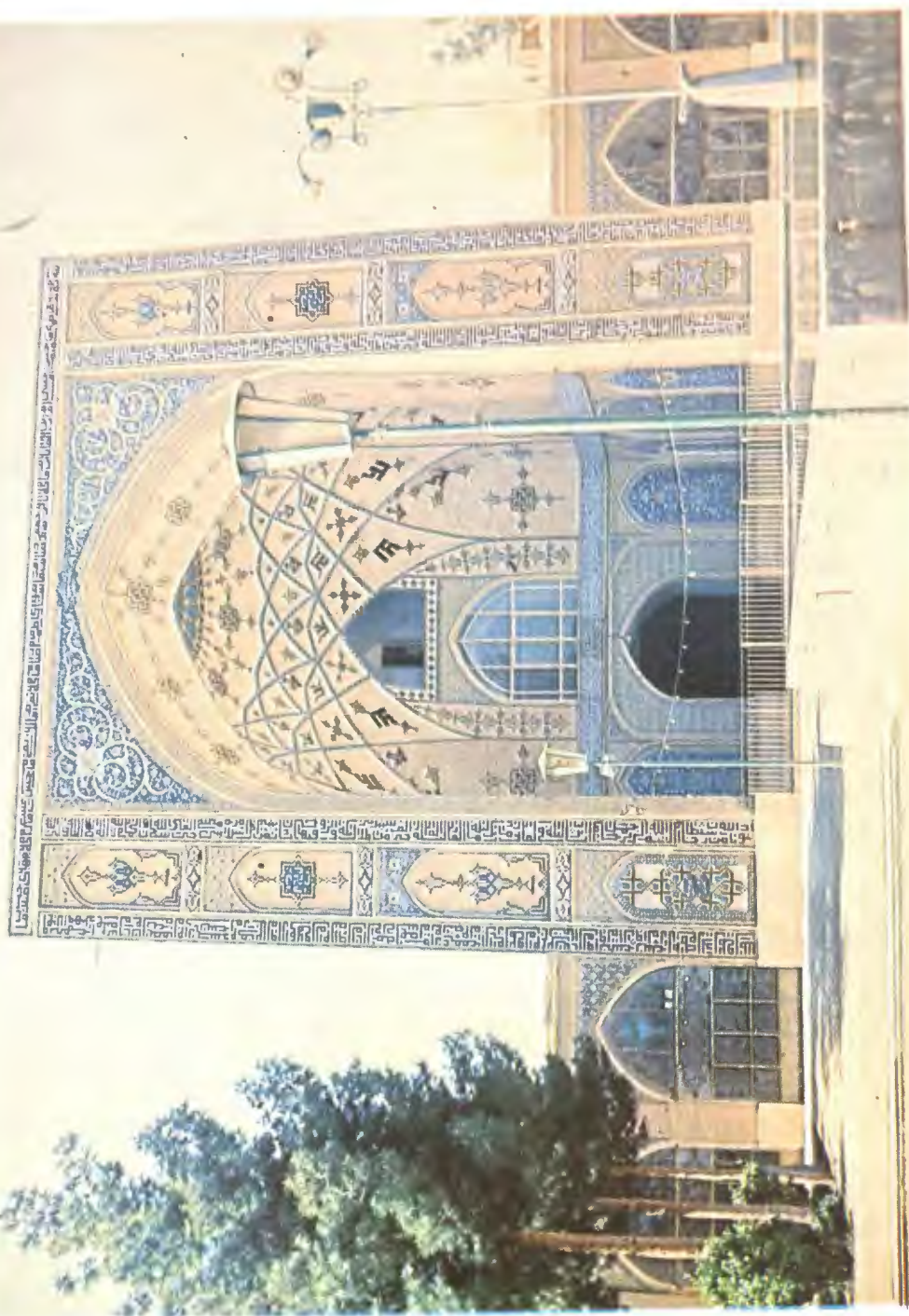
که هم تو فیض بری هم گروه شاهد باز
 بدست باش که باید شنید پند منت
 توکت وصال عروسان خلد روزی نیست
 چه لازم است که بدبگذرد بجان وتنت
 اگر همی نپذیری ومی نبندی کار
 نصیحتی که ز اخلاص کرد بوالحسن
 امیدوار چنانم که این بنای شگرف
 بسر خراب کند کردگار ذوالمنت
 ز من تمنی تاریخ طرح آن کردی
 که شاعری تو و تاریخ گفتن است فنت
 به چشم و سربلی این خدمت آن چنان بکنم
 که تا قیامت هم گور باد هم گفت
 بروزگار همی تا بود زمسجد نام
 همان منار که کردی بنا زنت

با توجه به ماده تاریخ بنای منارهای مسجدشاه که برابرست با مصراع آخر بیت آخر^۱ معلوم می شود که ساختن منارها را پیش از اتمام مسجد شروع کرده اند. بطوریکه گفته اند بانی منار با شنیدن این اشعار از خجالت و شرمندگی سمنان را ترك کرد و بنای مناره ها نیمه تمام ماند. در طرفین ایوان غربی دوشبستان شامل چهل طاق و سی ستون مدور و قطور در وسط و پنج و نیم ستون در هر سمت که جمعا چهل ستون می شود قرار دارد و طاق ضربی شبستان بر روی این ستونها استوار شده است.

ایوان شرقی مسجدشاه نیز دارای شکوه کم نظیری است این ایوان که ۱۸/۵ متر ارتفاع دارد بدو جز مشتمل بر چهار اسپر استوار گردیده، اسپر فوقانی متشکل از شبکه ای از کاشی های زرد رنگ در متن آجر است و در اسپر

۱ - ماده تاریخ منار با استفاده از حروف ابجد سال ۱۲۳۹ هجری می باشد.

نمای ایوان غربی مسجد شاه سمنان



دوم کلمه محمد «ص» بارنگ سیاه در زمینه آجر نقش بسته و در اسپر سوم طرح‌های هندسی و در اسپر چهارم و پائین عبارت زیر بخط نستعلیق و برنگ سفید در متن آبی دیده می‌شود: «... این رواق العرش عظیم، ان الدنیا العلی حکیم» و «علیم» اطراف ایوان و اسپرها و همچنین پشت بغل‌های کاشیکاری ایوان شرقی را طرح‌های ستاره‌ای شکل برنگ فیروزه در متن آجر زینت داده است. در سه بدنه ایوان کنیبه‌ای از آیات قران مجید برنگ سفید در زمینه لاجوردی وجود دارد و در انتهای آن نام معماری این مسجد باشکوه استاد صفرعلی معمار بچشم می‌خورد. این کنیبه از ضلع جنوبی ایوان شروع شده و پس از گذشتن از ضلع شرقی تا انتهای ضلع شمالی ادامه می‌یابد. در طرفین ایوان بر بالای دهلیزهای ورودی دو غرفه با پشت بغل‌های کاشیکاری ساخته شده است بر بالای این ایوان گلدسته‌ای زیبا بصورت طرح شش ضلعی با پوشش هرمی شکل و نرده مشبك و چوبین جالبی خودنمایی می‌کند.

صحن وسیع و مصفای مسجد مربع به طول و عرض ۶۲ قدم است. در طرفین ایوانها و در چهار گوشه صحن چهار مهتابی بزرگ احداث گردیده که باعث امتیاز و روح مسجد شده است. در این مهتابی‌ها اتاق‌ها و حجراتی وجود دارد که محل سکونت طلاب دینی بوده است. در زیر مهتابی‌ها شبستان‌هایی ایجاد شده که بوسیله پنجره‌های مشبك متشکل از آجرهای كوچك لعاب‌داده فیروزه‌ای از بیرون نور می‌گیرد. امروزه این شبستانها تقریباً بلااستفاده مانده و پشت پنجره‌ها را دیوار کشیده‌اند. طرفین اتاقهای مهتابی را پشت بغل‌های کاشی کاری زینت میدهد.

مسجد شاه سمنان که از مساجد معروف و مشهور ایران بشمار می‌رود همچون نگینی زیبا در میان شهر سمنان می‌درخشد بطوریکه هر بیننده‌ای با ذوق، طراحی و معماری این مسجد عظیم تحسین می‌کند. در گذشته یعنی قبل از اینکه شهر سمنان از نظر شهرسازی مورد توجه قرار گیرد و نسبت به ایجاد خیابانهای زیبا و متعدد فعلی اقدام شود برخی از افراد تازه وارد شهر سمنان

را برای این مسجد به زندان تشبیه کرده‌اند و حتی در این مورد شعری نیز سروده‌اند :

حیف از این مسجد که در سمنان بود یوسفی ماند که در زندان بود
ولی یکی از شاعران باذوق جواب دندان‌شکنی به شعر نامعقول و غیرمنطقی
فوق داده است :

غلط است آنکه مسجد سمنان یوسفی هست لیک در زندان
هم محل خوب هم مکان مرغوب یوسفی هست دامن یعقوب
مسجدشاه سمنان که در حمایت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی می‌باشد
تحت شماره ۳۹۴ جزو آثار ملی به ثبت رسیده است.^۱

در این مسجد در ادوار مختلف تغییراتی بوجود آمده بعنوان مثال در بعضی قسمت‌ها روی نمای آجری را با اندود گچ سفید کرده‌اند اغلب درهای چوبی را به آهنی تبدیل نموده و در محل‌هایی که در نبوده در گذاشته‌اند هم چنین در بعضی از نقاط خالک‌ریزی یا خالک‌برداری شده است . بهمین جهت سازمان مذکور که در بازگشت به هویت ملی جهدی بلیغ دارد نسبت به تعمیرات و بصورت اول بازگرداندن بنا اقدامات قابل توجهی کرده . کارهایی که تاکنون در مسجد سلطانی انجام شده عبارتست از:

۱ - عملیات مستحکم کردن ، و احیای شبستان‌های دوطرف ایوان شمال غربی شامل :

الف : خاکبرداری تا کف اصلی شبستان‌های دوطرف ایوان و حمل خاک اضافی آن به خارج کارگاه .

ب : مستحکم کردن پایه‌ها و ستونها .

ج : برداشتن اندود گچ از روی نمای آجری .

د : مرمت قسمت‌ها، نمای آجری و بندکشی کامل .

ه : شفته‌ریزی و آجر فرش .

۱ - آقای طاهریا در کتاب فرهنگ و هنر سمنان شماره ثبت این بنا را ۲۵۷ ذکر کرده‌است

- و : کانال کشی کامل برای جلوگیری از نم در شبستانها .
 ز : سبك نمودن بامها و تأمین روشنائی از سقف شبستانها .
 ح : زه کش و سیم کشی در داخل شبستانها .
 ۲ - عملیات مستحکم کردن واحیای هفت حجره غربی شامل :
 الف : سبك کردن و ایزولاسیون بام هفت حجره .
 ب : برداشتن اندود گچ از روی نمای آجری در داخل حجره ها .
 ج ، مستحکم کردن ستونها و مرمت نمای آجری در داخل و نماسازی و مرمت نمای آجری در خارج از حجره ها .
 د - بندکشی کامل قسمت تابستانی و نمای خارجی حجره ها .
 ه - اندود گچ و خاك و گچ و آجر فرش کف در داخل هفت حجره .
 و - ساخت و نصب درهای چوبی « طلبه خانه » هفت حجره مذکور .
 ۳ - مستحکم نمودن و بندکشی پ گنبد در قسمت شمال غربی^۱ .

مساجد و مناره های دیگر

لازم بتذکر است بغیر از مساجد و مناره های فوق الذکر مساجد و مناره های جدید البناء دیگری در اطراف و داخل شهر سمنان وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ - مناره سنگسر : این مناره در بخش سنگسر و جنب مسجد صاحب الزمان واقع شده و قریب ۱۰ متر بلندی دارد و نمای خارجی آن از يك قشر گچ پوشیده شده است .

۲ - منار شه میرزاد : در میان باغات سرسبز قصبه شه میرزاد قرار دارد که دارای تزیینات معقلی بسیار زیبایی است .

از مساجد دیگر می توان مسجد عابدینیه در خیابان یغما - مسجد قاضی در خیابان منوچهری مسجد شهرک کومش - مسجد صاحب الامر . مسجد خندق

در سرخه و دهها مسجد دیگر نام برد .

مدرسه حسینیّه

در سمنان در گذشته مدارس زیادی وجود نداشته که از نظر تاریخی مهم باشد یکی از مدارس که تا اواخر دوران قاجاریه وجود داشته مدرسه حسینیّه است . صنّیع الدوله در کتاب خود از این مدرسه یاد می کند و می نویسد:
 «رو بروی این در (در مسجدشاه) مدرسه محقری است که باخت و گل بنا شده و بر دوره آن عبارت ذیل را کنیه کرده اند: «بتاریخ سال هزار و دوست و چهل هجری سید قرشی مکی ساخته شده و باتمام رسید. مدرسه مقابل این مسجد موسوم به حسینیّه در عهد دولت شهنشاه صاحبقران گیتی ستان السلطان بن سلطان و خاقان بن خاقان فتحعلیشاه قاجار تازه لازالت ایام دولته الی یوم القرار و بسعی و کوشش دعاگوی صمیمی دولتخواه حقیقی حاجی سید حسن حسنی. امید که طالبان علوم دینیّه که در این مدرسه سکنی نموده مروج شریعت محمد صلی الله علیه و اله می باشد کتبه العبد محمد صادق اصفهانی» .
 این مدرسه امروزه وجود ندارد .

مدرسه صادق خان

این مدرسه که در اوایل مشروطیت ساخته شده به مدرسه صادقیّه نیز معروف بوده است . در حال حاضر از مدرسه قدیمی اثری وجود ندارد ولی بجای آن مدرسه ای به همین نام ساخته شده است .

مدرسه های دیگر

مدرسه مسعودیه که قدیمی بود و بعدها تجدید عمارت شد و دیگر مدرسه مهدیقلی خان که این دو مدرسه نیز بنا بنوشته صنّیع الدوله از ابنیه متوسطه مشروطیت بوده است ولی امروزه اثری از آنها دیده نمی شود.

بقاع متبرکہ

بقعه حضرت یحیی بن موسی (ع)

این بارگاه مجلل و زیبا در محله اسفنجان و در گوشه جنوب غربی تکیه معروف پهنه واقع شده که در سالهای اخیر بصورت آبرومندانه‌ای و تعمیر و کاشیکاری گردیده است .

حضرت یحیی فرزند هفتمین ستاره آسمان امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و یکی از مرشدان راه حق و حقیقت می باشد که در سال ۱۹۸ هجری قمری هنگام مسافرت حضرت رضا علیه السلام از مدینه به مرو جزو ملتزمین رکاب بوده وقتی که بسمنان می رسند حضرت رضا (ع) برادر خود حضرت یحیی را جهت ارشاد خلق در سمنان مأمور می نماید . بعد از شهادت ثامن الائمه بتحریر مأمون خلیفه عباسی حضرت یحیی بن موسی نیز در سمنان به شهادت میرسد و در محل کنونی دفن میگردد. مرحوم آیت الله علامه حائری پس از تحقیقات کلی درباره سلسله نسب حضرت یحیی نتیجه را در ۶۰ بیت اشعار عربی در لوحه‌ای ثبت و در حرم نصب کرده اند. در این لوحه شجره نامه آن حضرت را مبنی بر اینکه وی فرزند بلا فصل موسی بن جعفر است مورد تأیید قرار داده اند. این بقعه شامل گنبد عظیم و ایوان کاشیکاری ، حرم و صحن است. در مجموعه امامزاده کتیبه یا سنگ نبشته‌ای که دال بر بنای اولیه آرامگاه باشد وجود ندارد و قدیمی ترین تاریخ موجود در ایوان مربوط به تعمیر و کاشیکاری ایوان است که سال ۱۳۳۸ را نشان میدهد ولی طبق نوشته ایران پل فیروزه از

احداث گنبد قریب ششصد (۶۰۰) سال می گذرد. پیازی شکل بودن آن که معرف معماری قرن هشتم و دوران مغول است نیز تأیید کننده این مطلب است. ارتفاع ایوان ۱۲/۵ متر و مزین به کاشیکاری زیبا و خوش آب و رنگی است و یا موقعیتی که دارد دارای شکوه و عظمت خاصی می باشد. برپیشانی ایوان کتیبه ای بخط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی دیده می شود که طبق نوشته آن به شهادت ابن شهر آشوب در مناقب و صاحب عمدة الطالب و کشف الغمّه و کتب دیگر این حضرت فرزند صلبی امام هفتم شیعیان است. بر دو جرز طرفین ایوان و در میان گل و بوته های کاشی این عبارات بترتیب از بالا به پایین نوشته شده است :

«یا الله ، یا ارحم الراحمین ، یا اکرم الاکرمین ، یا ارحم المساکین ،
یا غفار الذنوب ، یا ستار العیوب ، یا غافر المذنبین ، یا مجیب الدعوات یا
رفیع الدرجات ، یا کافی المهمات ، یا قاضی الحاجات» .

بر اطراف و دورقوس ایوان کتیبه ای از کاشی های لاجوردی وجود دارد که قسمتی از سوره نور بخط ثلث سفید بر روی آن نگاشته شده و در انتها به عبارت ذیل بخط نستعلیق ختم می شود: «از کرم نکوکاران و همت سید احمد طاهری و عبدالحسین شریفی در سال ۱۳۳۸ کاشی کاری گنبد و ایوان انجام گردیده حسینعلی ایلیا کاشی ساز اصفهانی ، بنائی عمل برادران شمس الدین» کتیبه دیگری که سه بدنه ایوان را زینت می دهد از ضلع شمالی ایوان شروع شده و پس از گذشتن از ضلع غربی و بالای در ورودی حرم تا انتهای ضلع جنوبی ادامه می یابد . این کتیبه سوره لاقسم (القیمه) را بخط خوش برنگ سفید بر متن لاجوردی دربر دارد و در انتها به عبارت ذیل خاتمه می یابد :

«کاشیکاری ایوان در سنه ۱۳۴۸ شمسی با کمک مردمان خیر و سعی و کوشش آقایان محمدحسین هراتی - مهدی مهدوی - استادحسن معمارطلوعی - محمدعلی فرهی - حسینعلی حسین پور و اعضای هیئت امنا اقدام گردید»
لازم تذکر است که کاشیکاری قسمت فوقانی ایوان قدیمی تر و

کاشیکاری تحتانی ایوان از اقدامات جدید است. در وسط کتیبه میانی ایوان و بالای در ورودی حرم جمله زیر را بخط زردرنگ نوشته‌اند «کاشیکاری این ایوان در عهد سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر اقدام گردید» در میان اسپر بالای کتیبه که حاوی اسلیمی-های بسیار زیبایی است دو نقش کوچک و بزرگ جلب توجه می‌نماید.

در نقش کوچکتر جمله بسم الله الرحمن الرحيم به خط سیاه در متن زرد و در نقش بزرگتر عبارت «هذا بقعه مطهر یحیی بن موسی جعفر» بخط طلائی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته شده و بر پشت بغل‌های کاشیکاری طرفین طاق آئینه - کاری بالای در ورودی حرم هم نام حضرت یحیی بن موسی برنگ زرد متمایل به نارنجی مشاهده می‌شود. زیر طاق آئینه کاری کتیبه‌ای وجود دارد بدین مضمون :

«جامع المعقول و المنقول ، حاوی الاصول العارف ربانی حاج شیخ - مهدی سمنانی پنجم جمادی الاولی رحلت نمود در این بقعه شریفه مدفون گردید حقیر هادی شریفی فرزند معظم‌اله از زائران این آستانه مبارکه نسبت به آن مرحوم و خود دعا مسئلت می‌نماید» قسمت تحتانی ایوان که دارای کاشیکاری جدیدتری است شامل چهار طاقنمای کاشیکاری و یک در ورودی حرم می‌باشد که دو طاقنما در سمت غرب و در طرفین در حرم و دو طاقنمای دیگر یکی در ضلع شمالی و یکی در ضلع جنوبی ایوان برپا گشته است . دو راهروی شمالی و جنوبی ایوان را به صحن مرتبط می‌سازد .

دو طاقنمای طرفین در حرم متشکل از کاشی‌خشت‌های لاجوردی است. در طاقنمای سمت راست درب حرم زیارت‌نامه و اذن‌دخول به حرم حضرت یحیی بن موسی نوشته شده بدین مضمون :

بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت نامه حضرت یحیی بن موسی علیه السلام

«السلام عليك ايها التقى الرضى الزكى والداعى الخفى . السلام عليك ايها المتقى المرضى السلام عليك يا سليل الاطياب ولانجاب . السلام عليك يا سليل الائمة الطيبين الطاهرين عليهم السلام اشهدانك قلت حقاً و نطقـت صدقاً و دعوت الى مولاي و مولاك علانيه و سرا فاز متبعك و نجا مصدقك و خاب و خسر مكذبك و المتخلف عنك اشهدنى بهذه الشهاده لا يكون من الفائزين بمعرفتك و طاعتك و تصديقك و اتباعك من المومنين . السلام عليك ياسيدى و اين سيدى انت باب الله الموتى منه و الماخوذ عنه اتيك زائرو حاجاتى لك مستودعاً وها فاذا استودعك دينى و امامتى و خواتيم عملى الى منتهى اجلى . السلام عليك و على آبائك الطاهرين الانجبيين المعصومين و رحمت الله و بركاته كن شفيعى بحقك و بحق جدك فى يوم القيمة صلوات الله عليك و عليهم اجمعين از زائرین محترم التماس دعا ساخت اصفهان کاشی سازى ايليا»
در طاقنماى دست چپ اين دعا مشهود است :

بسم الله الرحمن الرحيم

و باذن الله و باذن رسوله و باذن خلفائه ادخل هذا البيت فتكونو ملائكة الله اعوانى و كونو انصارى و ادعوا لله بفون الدعوات و اعترف يا العبوديه و الائمة بالطاعته رب ادخلنى مدخل و صدق اخرجنى صدق و اجعل لى من لدنك سلطاناً نصيراً .
بسم الله و بالله و فى سبيل الله و على ملته رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم اشهدان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهدان لا اله الا الله لا شريك له و اشهدان محمد عبده و رسوله صلى الله عليه و آله و سلم و اشهدان علياً ولى الله صلوات الله و سلامه عليه اللهم ارزقنا زيارت الحسين و الائمة عليهم السلام فى الدنيا و شفاعتهم فى الآخرة و زدنا مجتهدهم و بحق محمد و آله الطاهرين الانجبيين»

بر طاقنمای شمالی تابلوی زیبایی منقش شده که در میان گل و بوته‌های
زیبا این عبارات با خط سیاه بر متن سفید نوشته شده است :

اشعار عربی و ترجمه فارسی سروده آیت‌الله علامه حائری مازندرانی
حجته الاسلام حاج غلامحسین هراتی

قضى ذوالمعانی غلام الحسین

فقیه وجیه حوالی الحسین

بلند قدر برفت از جهان غلامحسین

که شد فقیه و وجیه از محاسن حسنین

ولی علی امیر العلاء

و مسکن شیعة الجنّین

ولی والی اعظم علی عالی‌قدر

که در دو جنت جا داده شیعه در دارین

صبحته رابع الشوال قد

مضى فی اجل جنان الحسین

صبح چهارم شوال رفت او ز جهان

نمود جای بعالیترین جنان حسین

وفاق فرادیس اعلی النعیم

فارخ وفاق غلام حسین

محل لایق وفاق گرفت در فردوس

بگو وفاق بتاریخ دی غلامحسین

تاریخ وفات ۲۵ دیماه ۱۳۴۵ شمسی

بر طاقنمای جنوبی آیه شریفه الکرسی بخطی زیبا نوشته شده است
بر بالای راهروی ورودی جنوبی سوره مبارکه قل هو الله و بر بالای راهروی
ورودی شمالی این عبارت بچشم می‌خورد .

« حجت‌الاسلام و المسلمین فقید السعید حضرت آیت‌الله شیخ محمد رضا فیضی سرخه‌ای سمنانی قدس سره که در ۱۵ محرم الحرام ۱۳۸۰ قمری در سن ۸۰ سالگی دعوت حق را لبیک گفت » همانطوریکه ملاحظه می‌گردد ایوان بقعه مدفن شخصیت‌های معروفی چون حجة الاسلام هراتی و آیت‌الله فیض سرخه‌ای ، آیت‌الله حاج شیخ مهدی شریفی و تنی چند از علمای دیگر می‌باشد . دهنه ایوان ۷ متر است که بوسیله نرده‌ای آهنین از صحن مجزا می‌گردد. ازاره ایوان از کاشی هفت‌رنگ الوان بسیار زیبا به ارتفاع یک متر تشکیل شده. نکته قابل توجه در این ایوان پشت بغل‌های کاشی بسیار زیبایی است که طرفین قوس ایوان را پوشانده و حاوی اسلیمی‌های بسیار جالبی است که حکایت از ذوق و هنر هنرمندان می‌کند .

بر طرفین ایوان دو غرفه ساخته شده که یکی دفتر هیئت امنای این آستانه و غرفه دیگر موزه امامزاده را تشکیل میدهد . حرم مطهر مربع شکل بضلع ۷ متر است که در وسط ضریح چوبین زیبا و خراطی شده بطول ۲۵/۳ متر و عرض ۷۵/۲ متر بر پایه‌ای از سنگ مرمر به ارتفاع ۲۰ سانتیمتر بر روی قبر گچی قرار دارد . تزئینات حرم منحصر به ازاره کاشیکاری آن می‌باشد که از کاشی خشت‌های سفید که دارای گل‌های لاجوردی است متشکل شده است. سطح داخلی گنبد نیز دارای گچ‌بری‌های زیبایی است. در دو ضلع شمالی و جنوبی حرم دو طاقنمای بزرگ و در ضلع غربی و روبه قبله دو محراب ساده تو در تو ساخته شده که فعلا محل روشن کردن شمع می‌باشد . کف حرم از سنگ مرمرهائی با رگه‌های سرخ مفروش گردیده است . از نقایس حرم در کنده‌کاری شده بسیار زیبایی است که از چوب ساخته شده گنبد عظیم بقعه که بر بالای حرم بر روی چهارفیل پوش استوار است پیازی شکل با ساقه‌ای کوتاه می‌باشد . نمای خارجی گنبد را کاشی‌های فیروزه‌ای پوشانده و برگوشه هر کاشی میخ سرپهنی برای نگهداری آن نصب شده که بر زیبایی گنبد می‌افزاید . نقوش هندسی بالای گنبد را کاشی‌های سفید و سیاه تشکیل میدهد برنوك گنبد يك

ایوان بانشکوه امامزاده یحیی



قه کوچک کاشیکاری و دوگویی مهتابی خودنمایی می کند ارتفاع گنبد از سطح بام ۶ متر و محیط خارجی آن ۲۷ متر می باشد بر گردنی کوتاه گنبد سوره شریفه تبارك «الملک» بخط سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده است.

سالن بزرگ امامزاده در طرف چپ حرم واقع شده که برای برگزاری جشن ها و سوگواریهای مذهبی اختصاص یافته است.

صحن وسیع آستانه با درخت های سرسبز کاج و آب نمای جلوی ایوان زیبایی خاصی به این بنای پرابهت داده است. در گوشه شمالی صحن آشپزخانه ای وجود دارد که از الحاقات سالهای اخیر است - و دارای در ورودی و سه پنجره با پشت بغل های کاشیکاری می باشد. بر بالای پنجره سمت چپ در متن کاشی - های لاجوردی این اشعار مرقوم گردیده :

بسمنان هر که با اخلاص یحیی را زیارت کرد

شفاعت خواه او باشد بحق شاه خراسانش

ز خوان نعمت دارالشفای حضرت یحیی

تبرک جو که چشم لطف دارد سوی مهمانش

بر بالای پنجره وسطی چنین نگاشته شده :

بسم الله الرحمن الرحيم

آشپزخانه مهمانسرای حضرت امامزاده یحیی علیه السلام تأسیس اردیبهشت ۱۳۴۸ ساخت ایلای اصفهان»

در قسمت فوقانی پنجره دست راست بقیه اشعار فوق نوشته شده است.

به سمنان چتر دولت حضرت یحیی بن موسی زد

که از هر حادثه باشد باذن الله نگهبانش

به یمن نام یحیی ملک ایران باد پاینده

به یمن نام یحیی زنده بادا شاه شاهانش

در گذشته این امامزاده دارای يك هشتی با طاق گنبد کم خیز و تزیینات

معقلی و سردر جالب با چند اتاق در طرفین بود چنار قطور و سربفلك كشيده‌ای در سمت راست ایوان قرار داشت متأسفانه این درخت كه‌نسال از ریشه قطع و بناهای مذکور نیز ویران شد و بجای آن دور صحن را نرده آهنین كشيده‌اند. مجموعه این امامزاده بوسیله هیئت امناء و زیر نظر اداره كل اوقاف سمنان اداره می‌شود.

بقعه ابراهیم اسماعیل

بقعه ابراهیم اسماعیل در بازار شیخ علاءالدوله و در کنار خیابان شاه واقع شده است از شجره و زندگینامه مدفونین آرامگاه اطلاعی در دست نیست. عده‌ای از مردم آنرا امامزاده میدانند و برخی معتقدند كه ابراهیم اسماعیل دوتن از عارفان و امنای شیخ علاءالدوله سمنانی عارف جلیل‌القدر قرن هشتم هجری می‌باشند.

مقبره مذکور در گذشته دارای صحن بزرگ و مشجر بوده و در وسط گورستان واقع شده بود ولی در چند سال قبل یعنی اواسط سلطنت رضاشاه بواسطه احداث خیابان شرقی غربی شاه بكلی ویران گردیده است. بنای كنونی بقعه ابراهیم اسماعیل متشكل از يك اتاق كوچك مستطیل و يك ایوان است. در وسط حرم ضریح چوبی مشبك و ساده‌ای بر روی قبر گچی واقع است پنجره بزرگ آهنی كه در قسمت بالای آن هلالی شكل می‌باشد و روبرو خیابان باز می‌شود تقریباً به اندازه عرض و بلندی طاق است.

داخل آرامگاه را با گچ سفید كرده‌اند و فاقد هرگونه كتیبه و كاشیكاری می‌باشد و فقط چند قاب شمایل و چند لوستر تزئینات داخل حرم را تشكيل می‌دهند.

سقف حرم از دو گنبد كم خیز بوجود آمده است. تزئینات نمای جنوبی بقعه منحصر به پشت بغل‌های كاشیكاری طرفین پنجره و تزئینات آجری بالای سردر می‌باشد كه در سالهای اخیر انجام گردیده است.

ایوان نسبتاً زیبای بقعه روبه شمال و در بازار شیخ علاءالدوله واقع شده. ایوان مذکور تقریباً به ارتفاع ۵ متر است که دارای مقرنس کاری ساده ولی بسیار جالبی است.

در جلوی ایوان نرده چوبین و مشبك تقریباً بلندی شده که ایوان را از بازار جدا می‌کند. بطور کلی مجموعه حرم به اندازه ۱/۵ متر از کف خیابان شاه و نیم متر از بازار فوق‌الذکر بلندتر است. روبروی امامزاده کاروانسرای مخروبه‌ای وجود دارد که احتمالاً محل سکونت زائران این بقعه بوده است.

بقعه علی بن جعفر

این بقعه در خیابان نظامی پائین‌تر از بیمارستان تدین قرار دارد. تا چند سال قبل که شجره‌نامه این امامزاده بخوبی روشن نبود. مردم سمنان این بقعه را امامزاده «آل کی» می‌نامیدند مرحوم آیت‌الله علامه حائری که در باره نسب این بزرگوار تحقیق نموده و نتیجه تحقیقات خود را با قصیده‌ای به عربی سروده و در لوحه‌ای ثبت نموده‌اند که مفاد آن چنین است :

«علی بن جعفر باتفاق علمای رجال، از فقهای جلیل‌القدر و ثقات عظیم‌الشان است چنانکه شیخ جلیل محدث نوری در مستدرکات فرموده بین سیادت و فضل و جلالت و کثرت روایط و اشتها رچهار امام را درک کرده یعنی برادرش موسی بن جعفر (ع) و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و حضرت جواد ع و حضرت هادی (ع) و کتاب او اصول معتبر مشهور است که از برادرش امام موسی کاظم روایت می‌کند.

مجلسی اول و ثانی فرمودند فضل و جلالت وی بزرگتر از آنست که محتاج به بیان باشد. ظاهر آن حضرت در زمان امام علی نقی (ع) به ایران مسافرت نموده، پس از ورود به قم و مدتی توقف در آنجا جهت زیارت مرقد حضرت رضا (ع) به طوس عزیمت می‌نماید در سمنان نیز مدتی توقف نموده و از سادات ابوالفضلی و سجادی بخصوص از امامزاده اشرف وزین‌الدین علی صالح دیدن

می‌کند و به روایتی در مراجعت از طوس در سمنان فوت کرده و در این محل مدفون گردیده است. لازم بذکر است که مادر این بزرگوار ام‌ولد می‌باشد. ساختمان این امامزاده شامل گنبد - ایوان و حرم و دوسالن بزرگ «محل دفن اموات» در طرفین بقعه می‌باشد بنای اصلی بقعه که روبه مشرق است بر روی صفه‌ای بزرگ قرار دارد در قسمت جلوی ایوان و پیش فضای آن مهتابی بزرگی به طول ۲۲ متر و عرض ۱۵ متر احداث شده که بوسیله ۱۲ پله به حیاط امامزاده مرتبط می‌شود این مهتابی قریب ۲/۷۵ متر از صحن بلندتر است. در این بارگاه کتیبه یا سنگ نبشته‌ای که حاکی از قدمت و بنای اولیه آن باشد وجود ندارد و قدیمیترین تاریخی که در این امامزاده مشاهده می‌شود کتیبه ایوان شرقی است که در سال ۱۳۳۰ هجری را سال تعمیر بنانشان می‌دهد ولی آنچه مسلم است این است که بنای کنونی قدیمی می‌باشد و فقط ایوان و رواق آن در سالهای اخیر تعمیر و کاشیکاری شده است. ایوان اصلی «غربی» که ۹/۵ متر ارتفاع دارد با کاشی‌های هفت‌رنگ زیبائی زینت یافته است در پیشانی ایوان این عبارت به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی کتیبه شده :

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين . هذا بقعه مبارکه الانسل الاجلیل من الاسلاله النبوة علی بن جعفر علیه السلام فادخلوها بسلام الامین»

بر دو جز طرفین ایوان در میان گل و بوته‌های زیبا این کلمات بخط نستعلیق سیاه در متن سفید نوشته شده است: یا صمد ، یا احد ، یا واحد ، یا قاضی ، یا عزیز ، یا قدوس ، یا دیان ، یا منان ، یا حنان ، یا عظیم ، یا حکیم .

کتیبه دیگری بر بدنه ایوان وجود دارد که از سمت شمالی ایوان شروع شده و پس از گذشتن از ضلع غربی و بالای در ورودی حرم ، تا پایان ضلع جنوبی ادامه می‌یابد . بر این کتیبه سوره مبارکه «الاعلی» را بخط ثلث سفید بر متن لاجوردی نوشته‌اند و در انتها به عبارت زیر ختم می‌شود «بانی

نمای غربی ایوان علی بن جعفر



کاشیکاری ایوان هادی نجفی». بر بالای ایوان و بر روی قوس آن و در میان نقش‌های کاشی و بر روی متن لاجوردی کلمات ذیل بچشم می‌خورد: یا الله یا رحمن یا سبحان یا رحیم.

دهنه ایوان ۵/۵ متر است و ایوان تقریباً بیست سانتیمتر از کف مهتابی بلندتر است حرم بصورت اتاقی مربع شکل و به ضلع ۵/۵ متر که ضریح مشبك و آهنی آن بطول ۸۵/۲ متر و عرض ۱/۵ متر در وسط آن قرار گرفته است. قبر حضرت ساده و گچی می‌باشد و بر روی آن هیچگونه سنگ نبشته‌ای وجود ندارد. تنها قسمت تزئینی حرم کتیبه دور حرم است که از ضلع غربی شروع شده و پس از عبور از اضلاع جنوبی و شرقی و شمالی خاتمه می‌یابد این کتیبه که از کاشی خشت‌های لاجوردی تشکیل شده و بر روی آن سوره شریفه «جمعه» بخط ثلث سفید نوشته‌اند و در انتها نیز نام کاشی‌سازی ایلیا اصفهان مرقوم گردیده است.

درهای حرم از دو طرف شرق و غرب باز می‌شود. در غربی به حیاط کوچکی راه می‌یابد که محل دفن اموات می‌باشد. بر دو ضلع شمالی و جنوبی حرم دو طاقچه عمیق وجود دارد که آرامگاه دوتن از شخصیت‌های معروف سمنان بنام آقا احمد نجفی و آقا محمدحسین نجفی می‌باشد. داخل حرم را گچکاری ساده کرده‌اند و پنجره‌ای مشبك در بالای در ورودی حرم تعبیه شده که نور داخل بقعه را تأمین می‌کند.

بر بالای حرم گنبد مخروطی بقعه بر روی چهار طاقما و چهار فیل پوش قرار دارد که ارتفاعش از محاذی بام ۵ متر و تا کف حرم بیش از ۱۳/۵ متر ارتفاع دارد. محیط خارجی گنبد ۱۹/۵ متر و دارای ساقه‌ای کوتاه می‌باشد. پوشش نمای خارجی گنبد را کاشی‌های فیروزه‌ای لعاب‌داده تشکیل می‌داده که متأسفانه در اثر سهل‌انگاری و عدم تعمیر فرو ریخته و گنبد را بصورت حزن انگیزی درآورده است. در دو سمت ایوان دو گوشوار دو طبقه با پشت‌بغل‌های کاشیکاری بچشم می‌خورد. در سمت راست مهتابی چند غرفه بزرگ و در

سمت چپ آن اتاق بزرگی ساخته‌اند که در پشت آن حیاط کوچکی دیده می‌شود. ایوان شرقی که در ورودی امامزاده در آن قرار دارد ۵/۵ متر بلندی و دارای تزیینات کاشیکاری می‌باشد این ایوان در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی مرمت گردیده است. بر پیشانی ایوان شرقی اشعاری مبنی بر تاریخ تعمیر آن برنگ سیاه در زمینه سفید نوشته شده است بدین شرح:

در ایام سلطان با حشمت و فر

محمد رضا پهلوی شاه کشور

بهشت برین ملک جم شد ازیر

که از تخت و دیهیم دارا شد او فر

قضا ز آستین همت بر آورد دست

به تعمیر سردرب و ایوان این در

درویش حریم مه برج طه

شه ملک ایمان علی بن جعفر

مقام رفیع مقام خلیل است

که آتش گلستان شد بر پور آذر

نگهبان این در گهدانی که باشد

ابا صلت شاگرد پاکیزه منظر

خرد گفت معصومی بامیر اینک

بنظم آر تاریخ تعمیر این در

پی ختم تعمیر هر دو بگفتم

رسد هر زمان صوت الله اکبر ۱۳۳۰

بر دو جانب ایوان دوشکل مربع کوچک و دو نقش بزرگ مستطیل شکل

دیده می‌شود که از کاشی هفت رنگ زیبایی بوجود آمده. در میان نقش‌های

کوچک کلمات الله، محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و در نقش بزرگتر

عبارت یا ابا عبدالله ادرکنی با خط نستعلیق سیاه بر متن سبز چشم می‌خورد. در

نمای ایوان شرقی علی بن جعفر



داخل راهرو نیز لوحه‌ای سنگین که دعای اهل قبور بر آن نوشته شده واهدائی برادران قوام می‌باشد بر دیوار نصب گردیده. سقف دالان و راهرو را طاق گهواره‌ای کوتاه با تزیینات آجری تشکیل میدهد. سردر آجری این امامزاده ۶/۵ متر بلندی و دارای تزیینات کاشیکاری و معقلی می‌باشد برپیشانی و نیمه دوجرز طرفین آیه شریفه الکرسی بخط ثلث سفید بر متن لاجوردی و حاشیه مزین به گل و بوته بچشم می‌خورد. در وسط این آیه و بر روی چند قطعه کاشی سفید عبارت زیر نوشته شده است: «.....علی بن جعفر صادق باهتمام حسین ایلیا کاشی‌ساز و اخوان معمار طلوعی مرمت شد» متأسفانه تعدادی کاشی فرو ریخته و جمله فوق‌الذکر ناقص است. صحن امامزاده تقریباً مربع‌شکل به ضلع ۵۵ متر که بوسیله یک راهروی کوچک به حیاط کوچک کنار بقعه راه می‌یابد. در دیگر این حیاط به سمت جنوب و خیابان استخر باز می‌شود. صحن‌ها و صفا - سالن - راهرو - مهتابی گورستان عمومی را تشکیل میدهد. آرامگاه حسین‌خان اعتضاد الملک پسر مرزا محمدخان سپهسالار و داماد ناصرالدین شاه قاجار و از حکمرانان جبار و معروف سمنان نیز در صحن این بقعه قرار دارد.

در سالن دست راست حرم صورت قبر بزرگ و گچی قرار دارد که مردم سمنان آنرا متعلق به اباصلت شاگرد علی بن جعفر میدانند.

ناگفته نماند که صنیع‌الدوله سیاح معروف دوران قاجاریه از علی بن جعفر یاد می‌کند و می‌نویسد^۱:

«امامزاده علی بن صادق باغچه باصفائی در جلوی آن می‌باشد و ایوان وسیعی دارد. امامزاده مربع متساوی‌الاضلاع از هر طرف ۸ قدم و ارتفاع گنبد ۱۲ قدم و صندوق چوبی مشبك و سربازی در وسط و صورت قبری در وسط آنست.»

بقعه علی بن جعفر بوسیله هیئت امانا و زیر نظر اداره کل اوقاف سمنان اداره می‌شود.

بقعه پیر علمدار

در خیابان شهناز و نزدیکی میدان شاه مقبره‌ای وجود دارد که به علمدار مشهور می‌باشد در مورد نسب و تاریخ زندگانی مدفون این آرامگاه اطلاع کافی در دست نیست. مرحوم صنیع الدوله در کتاب مطلع الشمس جلد سوم می‌نویسد: (پیرون از دروازه عراق مقبره‌ایست گویند این بقعه متعلق به پیر حسین، علمدار حضرت رضا علیه السلام می‌باشد این مقبره گنبد مخروطی و دو صندوق دارد اولی مشبك است و در میان آن صندوقی است غیر مشبك) عده‌ای معتقدند که در هنگام مسافرت حضرت رضا از مدینه به مرو در سال ۱۹۸ هجری قمری پیر حسین علمدار نیز جزو ملتزمین رکاب ایشان بوده و وقتی به سمنان می‌رسند پیر حسین علمدار فوت می‌کند و در محل کنونی دفن می‌شود. عده‌ای دیگر را عقیده بر این است که علمدار یکی از مجاهدان و سرداران ملی سمنان در موقع حمله مغول به شهر سمنان می‌باشد و می‌گویند: هنگامیکه خبر حمله سپاه ویرانگر و خونخوار مغول از طرف دامغان به سمنان می‌رسد پیر حسین علمدار به اتفاق پیر نجم الدین دادبخش کفن پوشیده و مردم را به دفاع تشویق نمودند و خود پیشاپیش مردم به حرکت درآمدند ولی مقاومت دلاورانه مردم شهر درهم شکست و مغولان پس از ورود به شهر به قتل عام مردم ییگانه مشغول شدند. در این میان پیر علمدار و پیر نجم الدین دست از فعالیت برنداشته و بر بالای برج داخلی شهر می‌روند و با پرتاب سنگ - تیر - خشت بطرف دشمنان هم‌چنان دفاع می‌پردازند لیکن این جانبازان راه میهن همانطور که انتظار می‌رفت با کسب افتخار در راه وطن شربت شهادت نوشیدند. بعد از عزیمت مغول به سوی خوار ری افرادی که از قتل عام جان سالم بدر برده بودند جنازه پیر حسین علمدار را جلو دروازه عراق و جسد پیر نجم الدین را در دروازه خراسان دفن کردند و آرامگاههایی بر تربت آنها ساختند. لیکن چنانکه از

بقعه پیر علمدار



کتابخانه شمالی نمای خارجی بقعه علمدار مستفاد می گردد پیر حسین یکی از نواده - های امام زین العابدین علیه السلام می باشد و با توجه به اینکه سمنان در زمان خلفای عباسی پناهگاه سادات سجادی بوده این سند بیشتر مقرون به صحت است. بعقیده نگارنده بقعه پیر حسین متعلق به حسین کیا فرزند زین الدین علی - صالح بن عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام می باشد^۱. حال به شرح بنای بقعه می پردازیم .

نمای خارجی بقعه بصورت يك مكعب مستطیل است که تمامی آن از آجر و خشت ساخته شده است. ایوان آرامگاه که متصل به بقعه و روبه مشرق واقع است تقریباً ۵ متر بلندی و به اندازه ارتفاع بقعه می باشد قوس ایوان بصورت نیم دایره و دارای پشت بغل های ساده گچی می باشد حرم بصورت اتاقی مربع - شکل بطول و عرض ۵ متر که در وسط آن ضریح چوبین نسبتاً قدیمی و بی ارزشی بطول ۲/۲۰ متر و عرض ۱/۶۵ و ارتفاع ۱/۷۰ متر بر روی پایه ای از سنگ به بلندی ۲۰ سانتی متر بر روی قبر گچی قرار دارد. در دو قسمت شمالی و شرقی درهائی وجود دارد که بروی نمای داخلی باز می شود . در سمت جنوب نیز اتاق کوچکی جهت نگهداری وسایل بقعه و احتمالاً برای سکونت خادم امامزاده ساخته شده است . و در سمت غرب دو طاقنمای ساده دو طبقه دیده می شود . در بالای حرم و در چهار گوش آن چهار فیل پوش بوجود آمده که قسمت بالای آن بدخل محوطه حرم انحنایافته و بكمك طاقنماهای مثلث شکل به طرح دایره ای و مدور تبدیل شده و گردنی گنبد روی آن بنا گردیده است .

گنبد مخروطی زیبا و جالب آن بر فراز بنا و بر روی اتاق حرم باساقه ای کوتاه جلب توجه می کند نمای خارجی گنبد را کاشی های فیروزه ای لعاب داده پوشانده که در میان آن عبارت یا الله و یا لا اله الا الله و یا علی ادرکنی بوسیله کاشی های سفید زینت بخش گنبد شده است .

یالاتر از حد فاصل بین گریو یا ساقه استوانه‌ای شکل و کاسه مخروطی گنبد بطور متناوب از کاشی‌های فیروزه‌ای و سفید استفاده شده است. محیط خارجی گنبد از محاذی بام بیش از ۱۶ متر و ارتفاع گنبد تا کف حرم ۸ متر می‌باشد. نمای بقعه فاقد هرگونه تزیین خاصی است و تنها طرح‌های صلیبی شکل از آجر در میان حد فاصل فیل پوشها و طاقنماها و در بین پوشش گچی مشاهده می‌شود.

کف حرم از خیابان مجاور حدود یک متر و سطح ایوان شرقی تقریباً ۷۵ سانتیمتر از سطح کوچه مجاور بلندتر است. تزیینات خارجی بقعه بجز گنبد منحصر به کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی است که بر فراز در ورودی شمالی بقعه بخط ثلث بچشم می‌خورد.

همانطور که گفته شد از مضمون این کتیبه برمی‌آید که امامزاده پیرحسین علمدار از اولاد امام چهارم شیعیان حضرت سجاد علیه السلام می‌باشد. درست جنوب بقعه آثار چند پله مخروطی دیده می‌شود که بام را بکوچه متصل می‌کرده لیکن قسمت پائین پله‌ها منهدم گشته است. امامزاده علمدار یعلت اینکه در کنار خیابان قرار دارد فاقد صحن می‌باشد ولی چند درخت سرسبز و پر طراوت جلوه خاصی به این بقعه زیبا داده است.

آرامگاه مرحوم میرزا مهدی یاهو متخلص به فقیر سمنانی که از رجال دانشمند زمان محمدشاه قاجار بوده در جوار مقبره پیرحسین علمدار می‌باشد و فائی شاعر ماده تاریخی در فوت او سروده که بر روی سنگ مزارش نقش کرده‌اند بیت آخر اشعار چنین است:

رفت مهدی و وفائی پی تاریخش گفت

قطره‌ای باز بدریای حقیقت پیوست

بارگاه علوی

در میان کوچه باغهای محله زاوغان بقعه بزرگ و زیبایی قرار دارد که

به امامزاده علوی معروف است . در گذشته مردم سمنان مدفونین این بقعه را عبدالله و قاسم از اولاد حضرت عباس علیه السلام می نامیدند .

مرحوم آیت الله علامه حائری پس از تحقیقات کلی درباره سلسله نسب مدفونین این بارگاه نتیجه آنرا در لوحه ای ثبت نموده و در حرم نصب کرده اند . طبق نوشته این لوحه مدفونین این بقعه هشت تن در داخل بنا و دو تن در خارج از بنا می باشند که اسامی آنان عبارت است از :

۱ - عبیدالله بن حسن که با سایر سادات علوی در گرگان مجتمع بودند به بلاد قومس مخصوصاً سمنان که در آن زمان مأمن سادات ابوالفضل و سجادی یوده آمده و چندی قاضی القضاات حرمین بوده . وی در سال ۲۰۴ و ۲۰۵ هجری بسمت امیر حجاج منصوب و به حج رفته است و سال وفات وی باید پس از بازگشت از حج یعنی سال ۲۰۵ هجری قمری به بعد باشد .

۲ - عبیدالله بن عباس ثانی فرزند حسن بن عبیدالله بن ابوالفضل العباس علیه السلام و برادرزاده عبیدالله بن حسن .

۳ - قاسم بن علی اشرف بن عمر اشرف فرزند امام زین العابدین علیه السلام و برادر فاصر کبیر پادشاه طبرستان و دیلم .

۴ - ابوجعفر محمد فرزند قاسم بن علی اشرف از فقها و زهاد و عباد بوده وی از ترس معتصم به خراسان آمده و در آنجا چهل هزار نفر یای بیعت کردند ولی عبدالله بن طاهر بدستور خلیفه عباسی وی را دستگیر و به سامرا اعزام داشت و در این شهر به امر خلیفه وی را در برج معتصم که امروز نیز وجود دارد زندانی کردند . عده ای از مریدان وی او را آزاد ساخته و به زاوگان امروز که از گزند خلفای عباسی در امان بوده آوردند .

۵ - عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام زین العابدین یکی از سادات جلیل القدر و نام آور زمان خود بوده ، گویند ابوالعباس سفاح هشتاد هزار دینار مقرر برای وی تعیین کرده بوده است . درباره وفات وی روایات مختلفی وجود دارد . عده ای معتقدند وی هنگام بازگشت از خراسان با فرزندش

زین الدین علی صالح پس از ملاقات با ابومسلم خراسانی در امروان دامغان فوت می‌کند و زین الدین جسد پدر را به زاوگان می‌آورد. برخی عقیده دارند که ابومسلم بوسیله زهر وی را شهید نموده است. ولی صاحب کتاب استظهار می‌نویسد که زین الدین جلوتر از پدر به قریه زاوگان می‌رسد و خبر مرگ پدر را بعداً باو می‌رسانند.

۶ - عبدالله بن عبیدالله اعرج برادر زین الدین علی صالح

۷ - عبدالله بن حسین اصغر برادر عبیدالله اعرج

۸ - قاسم بن عبدالله بن حسین اصغر

۹ - قاسم بن علی بن حمزه اکبر بن حسن بن عبدالله بن حضرت عباس (ع)

۱۰ - قاسم فرزند عبیدالله بن حسن : که از علمای عالیقدر و از اصحاب

فاضل حضرت امام حسن عسگری و نماینده آن حضرت در خراسان و گرگان و قومس بوده و در عسگریه نیز نشو و نما کرده بطوریکه در این دیار بنام عسگری معروف گردیده است.

ساختمان امامزاده بصورت چهارضلعی بزرگی مرکب از حرم - گنبد و دو ایوان می‌باشد در این بنا کتیبه یاسنگ نبشته‌ای که دال بر تاریخ ایجاد بقعه باشد وجود ندارد لیکن صنیع الدوله در باره این امامزاده می‌نویسد: «در انتهای محله زاوگان در سمت تهران امامزاده ایست معروف به امامزاده علوی که اسماعیل خان سردار آنجا را بنا و عمارت کرده است» اگر این انتساب صحیح باشد بقعه علویان را می‌توان در زمره یکی از آثار تاریخی دوره قاجاریه بحساب آورد که در زمان فتحعلیشاه قاجار و بوسیله سردار معروف سمنانی اسماعیل خان برادر ذوالفقار خان سمنانی حاکم جبار سمنان ساخته شده است. حال می‌پردازیم به شرح بنای بقعه :

ساختمان امامزاده شامل حرم - رواقهای طرفین - دو ایوان شرقی و

ایوان غربی رتبه امامزاده علوی



غربی و دو صحن وسیع می باشد. اتاق حرم عبارتست از محوطه مربع شکلی به ضلع ۵/۵ متر که در وسط اضلاع چهارگانه آن دری وجود دارد. در واقع می توان گفت که در ضخامت دیوارهای چهارگانه راهروئی هم عرض درهای مزبور به طول ۱/۷۵ متر و عرض ۱/۵ متر ایجاد گردیده است دو در شمالی و جنوبی به نمای داخل و بر روی دو اتاق مستطیل شکل به طول ۸ متر و عرض ۳/۵ متر باز می شود و دو در شرقی و غربی به نمای خارجی و روبه ایوانهای فوق الذکر گشوده می گردد. از چهار در فوق سه در شرقی شمالی و جنوبی از چوب ساده و در غربی آن از آهن ساخته شده است. در چهار گوشه حرم چهار فیل پوش بوجود آمده قسمت بالای آن اندکی به جلو انحنا یافته و بکمک چهار طاقنما در چهار ضلع حرم بدون استفاده از کاربندی پایه گریو گنبد رامی سازد. در طاقنماهای مذکور پنجره مشبك گچی نصب شده که نور داخل بقعه را تأمین می کند گنبد بزرگ آن بر روی ساقه ای استوانه ای شکل به ارتفاع ۲/۳۰ متر قرار دارد. محیط خارجی گنبد محاذی بام ۲۱/۵ متر و ارتفاع آن تا کف حرم بیش ۱۲/۵ متر می باشد در وسط حرم وزیر گنبد دو صندوق چوبی کم ارزشی قرار دارد صندوق کوچکتر که بر روی قبر گچی واقع شده بصورت جعبه بزرگ ساده و صندوق بزرگتر مشبك به طول و عرض ۲/۷۰ و ارتفاع تقریباً دو متر می باشد. داخل بقعه را با گچ سفید کرده اند و در آن کوچکترین تزئینی بچشم نمی خورد. ایوان شرقی که بیش از ۷/۵ متر ارتفاع دارد متصل به بقعه و مشرف به حیاط بزرگ و پردرختی است. سطح ایوان به اندازه ۱/۶۵ متر از کف حیاط بلندتر و بوسیله ۵ پله بزرگ و هم عرض ایوان به صحن متصل می شود. در این صحن قبر آجری بزرگی به طول ۲/۸۰ متر و عرض ۱/۶۵ و ارتفاع ۰/۹۵ متر دیده می شود که روی آنرا با دو طبقه از کاشی فیروزه ای پوشانده اند این قبر متعلق به قاسم فرزند عبید الله بن حسن و قاسم فرزند امامزاده اشرف است که به قبر عسگری نیز معروف می باشد. ایوان غربی نیز به ارتفاع ۷/۵ متر متصل به بقعه و مشرف به حیاط وسیع و مشجر زیبائی است این ایوان

هم حدود ۶۵/۱ متر از حیاط غربی بلندتر و بوسیله ۶ پله به صحن راه می‌یابد. در وسط ضلع شرقی و بر بالای در ورودی حرم کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی مشاهده می‌گردد که آیه شریفه الکرسی را بخط ثلث سفید بر آن نوشته‌اند نمای خارجی و غربی بنا بطور کلی شامل ایوان و دو راه پله‌دو طبقه و دو گوشوار دو طبقه می‌باشد. غرفات پائینی بزرگتر و درهای غربی رواق‌ها در آن باز می‌شود.

راه پله‌ها و غرفات طبقه پائین بوسیله راهرو کوچکی به ایوان متصل می‌شود. در دو سمت کناری ایوان و متصل بدیوار حیاط دو اسپر و نقشی مربع شکل بر بالای آن بچشم می‌خورد که اسپر پائینی سمت چپ ایوان را دالان طویل و باریکی تشکیل می‌دهد که دو صحن شرقی و غربی را بهم متصل می‌کند و آب انبار کوچکی در این دالان وجود دارد که در سالهای اخیر آنرا پر کرده و مدخل ورودی آنرا نیز بسته‌اند. ولی در سمت راست ایوان اتاقی برای سکونت متولی امامزاده ساخته شده است.

پشت بغل‌های ایوان غربی آجری با شیوه تزئینی هفت و هشت و پشت بغل‌های اسپر دوم طرفین و راه پله‌های طبقه دوم را کاشی‌های فیروزه‌ای زینت می‌دهد.

صحن وسیع غربی مستطیل شکل به طول تقریبی ۳۰ متر و عرض تقریباً ۲۱ متر می‌باشد در دو طرف جنوبی و غربی حیاط طاقنماهایی احداث گردیده «۱۶ طاقنما در طول و ۹ طاقنما در عرض» اخیراً آب‌نمای جالبی نیز ساخته شده که به زیبایی صحن می‌افزاید.

بقعه علی‌اشرف

این بارگاه در محله زاوغان بین امامزاده علوی و امامزاده سیدزین‌الدین علی صالح قرار گرفته است. نام شریفش علی‌اشرف فرزند عمر اشرف بن امام زین‌العابدین (ع) از علماء علم حدیث بوده است وی اعلی‌جد مادری سیدمرتضی

و سید رضی می‌باشد و ناصر کبیر پادشاه طبرستان و دیلم فرزند اوست .
 عمر اشرف پدر علی اشرف از روحانیون و عباد و زهاد عالیقدر بود که
 در ملك سیاست دخالت نکرد با اینکه در دستگاه دولت عباسی و اموی بسیار
 محترم و دارای منزلت بوده است . مادر امامزاده اشرف امسلمه دختر امام حسن
 علیه السلام است^۱ . بنابراین علی اشرف از طرف مادر حسنی و از طرف پدر حسینی
 است . شیخ مفید درباره علی اشرف میگوید : «او فاضل ، جلیل ، پارسا ، با
 سخاوت و متولی صدقات حضرت رسول (ص) و حضرت علی علیه السلام بوده
 است .» .

صاحب کتاب بحر الانساب در ذکر اولاد حضرت امام زین العابدین ع
 می‌نویسد : «.... اما رضی و اشرف در شهر سمنان افتادند و در محله زاوغان
 وطن ساختند و ذریات ایشان بسیار شد به القاب حسینی» .

بنای بقعه امامزاده اشرف از بارگاه علوی جدیدتر ولی شباهت زیادی
 با آن دارد. بقعه شامل حرم ، رواق ، ایوان و صحن و گنبد می‌باشد .

حرم بصورت محوطه چهارگوشی است بضلع $4/5 \times 4/5$ متر که سه‌در
 از سه‌طرف شمال ، شرق و جنوب به رواقهای طرفین و ایوان باز می‌شود. رواق
 سمت راست که کوچکترین رواق سمت چپ است مستطیل شکل به طول ۶ متر و عرض
 $3/5$ متر ولی رواق سمت چپ حرم را اتاقی به طول ۷ متر و عرض ۴ متر تشکیل
 میدهد در شرقی این رواقها بدو گوشوار طرفین ایوان باز می‌شود . در
 چهارگوشه حرم چهار ترنبه و در چهار ضلع حرم چهار طاقنما دیده می‌شود که
 گنبد بر روی آن ساخته شده و در وسط قبر گچی قرار دارد که بر روی آن ضریح
 آهنی قهوه‌ای رنگی واقع شده و بر وسط طاقنماهای بالای حرم پنجره‌هایی
 برای نورگیری تعبیه شده است .

گنبد دارای گریو کوتاه و استوانه‌ای شکل است که گنبد مخروطی

کوتاهی بر روی آن استوار است. نمای خارجی گنبد را کاشی‌های فیروزه‌ای زیبائی می‌پوشاند که بعلت عدم تعمیر بعضی کاشی‌ها فرو ریخته است. ایوان سرتاسری امامزاده روبه مشرق واقع و بیش از ۷ متر ارتفاع دارد. بردو جانب گوشوار دوطبقه راه پله‌های دوطبقه احداث شده است. پشت بغل‌های غرفات بزرگ و ایوان بزرگ آجری ساده ولی پشت بغل‌های راه‌پله‌های ورودی را کاشی‌های آبی زینت میدهد. بر بالای راه‌پله‌های طبقه دوم طرفین ایوان شکلی مربع وجود دارد که در متن آجری آن چهار ضلعی متناسب با آن از کاشی‌های آبی جای گرفته است.

بر بالای در ورودی حرم کتیبه‌ای بخط ثلث بر زمینه لاجوردی وجود دارد که از نیم‌متر انتهای ضلع شمالی شروع شده و پس از گذشتن از ضلع غربی و پیمودن نیم متر از ضلع جنوبی خاتمه می‌یابد بر این کتیبه آیه شریفه الکرسی نقش بسته است.

در زیر کتیبه فوق مجموعه‌ای از کاشی‌های سفید بنائی جدید وجود دارد که بر آن دعای اذن دخول به آستانه مطهر نوشته شده است.

تزیینات داخل ایوان را چند قاب زیارتنامه و شمایل و کتیبه‌های فوق تشکیل میدهد.

صحن امامزاده مستطیل شکل به طول ۲۷ متر و عرض ۱۸ متر می‌باشد که در سمت شرق آن و در طرفین در ورودی صحن شش طاقنما و در سمت جنوب هفت طاقنما (چهار کامل و سه ناقص) برپا گشته است.

در سمت شمالی صحن ایوان کوچکی ساخته شده که بوسیله چند پله کوچک به حیاط متصل می‌شود. در طرفین ایوان شش اتاق ساخته شده که در جلوی آن ایوانی سرپوشیده قرار دارد. زیر ایوان کوچک آب‌انباری ساخته شده که آب مصرفی زائران را قبل از لوله‌کشی آب تأمین می‌کرده است. بام ایوانهای سرپوشیده مهتابی و وسیعی را بوجود آورده که در پشت آن سه اتاق واقع

ایوان امامزاده اشرف



شده . این مهتابی بوسیله چندپله به ایوان کوچک و به حیاط راه می یابد. در وسط صحن حوض بلندی ساخته شده که با درخت کاج منظره زیبایی به بقعه داده است .

بقعه سید زین الدین

در دویست متری شمال شرقی امامزاده اشرف بقعه دیگری مشهور به سیدزین الدین وجود دارد و تا چندسال پیش که از شجره نامه وی اطلاع صحیحی در دست نبود وی را بنام زین الدین مهدی می خواندند. ولی بطوریکه از تحقیقات مرحوم علامه حائری برمی آید نام اصلی مدفون این بقعه زین الدین علی صالح فرزند عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام است. نجاشی در کتاب رجال خود می نویسد :

«علی صالح در عصر خود اعبد و از هذآل ایطال بوده و اختصاص به امام موسی کاظم (ع) و امام رضا (ع) یافته و کتاب بزرگی در حج نوشته که تمامی آنرا از موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است». قاضی نورالله شهید میگوید : «علی صالح در التزام حضرت رضا به خراسان رفته ، وی دارای دو سلسله اولاد بوده که يك سلسله در عربستان اقامت داشته و سلسله دیگر از دختر خواجه ملك محمد مدح خان زاوغانی بوده و سه فرزند وی از این دختر معروف و مشهور می باشند . اولی سید ضیاء الدین محمد که جانشین پدر و بانی مسجد جامع زاوغان می باشد دوم میر قوام الدین که در آمل بارگاه معتبری دارد و سومی حسین کیا که احتمالاً در زاوغان مدفون است. سید زین الدین ظاهراً تا سال ۱۵۰ هجری قمری در زاوغان سکونت داشته و در همان سال بعراق و مدینه رفته و مدتی در آنجا زندگی کرده و در سال ۲۰۱ هجری در سن ۹۰ الی ۱۰۰ سالگی همراه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا به خراسان رفته و در سفر برگشت خود به سمنان وفات یافته و در آرامگاه کنونی دفن شده است. آرامگاه سید زین الدین علی صالح بصورت بنای خشتی نیمه ویران می باشد

که از ایوان و گنبد و حرم تشکیل یافته . این بقعه بعلت اینکه در معبر عمومی قرار گرفته فاقد صحن می باشد . اتاق حرم مربع شکل و به ضلع ۵ متر است . در ضخامت دیوارهای چهارگانه راهروهایی هم عرض درهای بقعه باطاق گهواره ای بلند ساخته شده است که راهروهای شمالی و جنوبی و غربی بوسیله درهای چوبین به بیرون راه می یابد ولی در راهروی شرقی از طرف خارج دیواری کشیده اند . در چهار گوشه محوطه چهار فیل پوش کوچک و ظریف قرار دارد که برخلاف بقاع دیگر از پائین شروع شده و بکمک چهار طاقنمای توگود و عمیق پایه ساقه گنبد را می سازد . نمای خارجی گنبد دارای دوساقه دوطبقه است و کاسه گنبد بصورت مخروط کوچک برروی ساقه دوم قرار دارد . در طاقنما های بالای در ورودی پنجره هایی تعبیه شده که روشنایی داخل بقعه را تأمین می کند . در وسط حرم وزیر گنبد ضریح آهنی سبزرنگی قرار دارد که بصورت نرده یا میله های باریک و جالب می باشد . داخل حرم را با گچ سفید کرده اند و بغیر از چند شمایل فاقد هر گونه تزییناتی است .

ایوان بارگاه روبه مغرب ساخته شده و بیش از ۴ متر ارتفاع دارد . طاق آن قوسی شکل و فاقد پشت بعل است . در سمت راست داخل ایوان اتاقی برای سکونت متولی بقعه بنا گردیده و در سمت چپ بقعه و در نمای بیرونی راه پله های پشت بام احداث شده است .

وجود نهر بزرگ و درختان سرسبز جلوی بقعه به این بنای نیمه ویران ابهتی بخشیده است .

بقعه سی سر

زیارتگاه سی سر در سمت جنوب میدان شیخ علاءالدوله و در کنار خیابان شیخ علاءالدوله واقع شده است . مردم سمنان درباره مدفونین بقعه سی سر داستانی شنیدنی نقل می کنند . گویند در زمان خلافت مأمون یکی از سادات علوی مورد تعقیب عمال بنی عباس قرار می گیرد از ترس جان به سمنان

بقعه زين الدين علي صالح



می‌گریزد و در سمنان نیز چون مأمورین خلیفه را در تعقیب خود می‌بیند راه فرار خود را از بیراهه بطرف شمال سمنان ادامه می‌دهد تصادفاً به دهکده درجزین می‌رسد. در یکی از باغهای خارج درجزین عده‌ای زارع مشغول زراعت بودند. نامبرده به آنان پناه برده و جریان تعقیب خود را از طرف عمال بنی عباس شرح می‌دهد. چون مردم در جزین شیعه اثنی عشری بوده‌اند بنابراین مقدمش را گرامی داشته و برای نجات وی فکری می‌اندیشند. از آنجائیکه هر آن انتظار می‌رفته است که مأمورین جهت دستگیری وی از راه برسند از این نظر فوراً او را در بین خود جای داده و بلباس دهقانان ملبس می‌سازند. پس از انجام اینکار عمال بنی عباس از راه می‌رسند و به جستجو می‌پردازند دهقانان از وجود چنین شخصی اظهار بی‌اطلاعی نموده و از معرفی وی خود داری می‌کنند بالاخره سربازان خلیفه همه آنان را که جمعا ۴۰ نفر بوده‌اند به قتل رسانده و سر آنان را در آب رودخانه گل رودبار که از دهکده در جزین عبور می‌نماید می‌اندازند. در نتیجه ۳۰ سر از چهل سر به آب داده شده در محله جنبدان بدست می‌آید و در بقعه سی سر دفن می‌گردد و ۹ سر دیگر در محله ناسار از آب گرفته می‌شود و یک سر دیگر در جریان آب ناپدید می‌شود.

در حال حاضر در دهکده در جزین محلی بنام چهل تن وجود دارد که تا اندازه‌ای مؤید این گفتار می‌باشد.

بنای بقعه شامل اتاق بزرگ مربع شکل است که بوسیله دو در بزرگ چوبین به بیرون راه می‌یابد. یکی از این دو در میدان و در شرقی آن روبه خیابان واقع است در چهار گوشه حرم ۴ فیل پوش کوچک و ظریف بوجود آمده که بکمک طاقنماها و پا باریک‌ها گنبد کوتاه و بدون ساقه آنرا تشکیل می‌دهند. داخل بقعه را بوسیله پارچه‌های سبز و چند قاب عکس زینت داده‌اند.

بر بالای دوسر در شمالی و شرقی تزئینات بسیار زیبایی از آجر بصورت ستاره‌های شش پر متشکل از لوزی‌های بهم چسبیده دیده می‌شود. بر بالای این تزئینات یک ردیف قطار بندی آجری و بر قسمت فوقانی قطار بندی یک سری

تزیینات جالب آجری دیگر بچشم می خورد . در طرفین دو در ورودی دوستون مدور از آجر قرمز ساخته شد که بالای آن دنباله تزیینات سردر وجود دارد . ستون دیگر از آجر معمولی بطور ایستاده در گوشه و نبش بنا ایجاد گردیده است . نمای خارجی گنبد از اندود کاهگل پوشیده شده و میتوان آنرا فقط يك برآمدگی کوتاه تصور کرد . مجموعه بقعه قریب ۱/۵ متر از کف خیابان مجاور بلندتر است که بوسیله سه پله بلند به خیابان متصل می شود .

بقعه سیدمرسلین

در کنار برج چهل دختر و در کنار خیابان شهناز امامزاده ای وجود دارد که به سید مرسلین معروف است . از اصل نسب و شجره نامه مدفون این یارگاه اطلاع صحیحی در دست نیست لیکن مردم سمنان وی را از نواده های امام زین العابدین علیه السلام میدانند و با توجه به اینکه در اعصار مختلف بخصوص عهد خلافت عباسیان زاوگان مکانی امن برای سادات سجادی بوده است بعید بنظر نمی رسد که امامزاده مذکور یکی از سادات سجادی باشد . بعقیده نگارنده این بقعه متعلق به سیدرضی نواده علی اشرف فرزند عمر اشرف می باشد .

بقعه سید مرسلین شامل بنای كوچك و مستطیل شکلی است که چندان قدیمی بنظر نمی رسد اتاق حرم محوطه چهارگوشی به ضلع ۴/۶۰ متر می باشد که در قسمت شمال و شرق دارای دو در است . گنبد مخروطی امامزاده بر روی چهار فیل پوش پهن و بزرگ که از پائین بنا شروع شده و بكمك چهار رف نعل اسبی شکل طرح مدوری ساخته ، قرار گرفته است . این گنبد بدون گردنی و ساقه می باشد . نمای داخلی و خارجی بقعه را با گچ سفید کرده اند . در وسط و زیر گنبد ضریحی چوبین و مشبك بر روی قبر گچی قرار دارد .

در خارج و داخل بقعه هیچگونه تزیینات خاصی دیده نمی شود . ایوان روبه شمال و کنار خیابان و تقریباً نیم متر بلندتر از آن ساخته شده است . ارتفاع

آن بیش از سه متر و دهانه آن ۵/۴ متر می باشد. در دو سمت داخلی ایوان طاقنما-هائی برپا گشته و در سمت غربی نمای خارجی بقعه راه پله های پشت بام قرار دارد.

بقعه پیغمبران

این بقعه در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی سمنان بر فراز کوه مرتفعی قرار دارد. برای رفتن به پیغمبران بعد از پیمودن چند کیلومتر راه با اتومبیل، راه صعب العبور و کوهستانی شمال آغاز می گردد که جز پوسیله اسب و الاغ یا پیاده این مسافرت امکان پذیر نیست.

درباره شجره نامه مدفونین این بقعه اطلاع صحیحی در دست نیست. لیکن طبق اعتقادات مردم سمنان و هم چنین طبق مفاد کتیبه موجود صاحبان بقعه دوفتر از فرزندان نوح پیغمبرند که به نامهای سام النبی و لام النبی مشهورند. بارگاه پیغمبران شامل حرم، گنبد و ایوان و صحن می باشد. حرم بصورت محوطه چهارگوشی است که در وسط آن و زیر گنبد بر روی قبر صندوق مشبك چوبین واقع شده. بر فراز حرم گنبد مخروطی بقعه که فاقد پوشش کاشی می باشد قرار دارد. دو ایوان پیغمبران رو به جنوب و شرق ساخته شده است و دوطرف دیگر پرتگاه می باشد. در یکی از دو ایوان مذکور کتیبه ای از کاشی وجود دارد که مفاد آن چنین است.

(در بیان نسب شریف پیغمبران سیم و لام علیه السلام بدانکه دو بزرگوار دو پیغمبرند از نسل نوح یکی سام و یکی لام پسران عراق بن عالم بن سام بن نوحند. بنای سمنان از ایشان شده. از راه البرز به سمنان آمده و قلعه جنبندان و اسفنجان و ناسار و کوشمغان و زاوغان را بنا نهادند و بعضی از مردم سمنان از نسل سام و لامند و وجه تسمیه سمنان آنست که باعث آن سمنك پیغمبر شده و این کوه را سیمنك می نامند) تردیدی نیست که این مقبره یکی از معابد ایرانیان دوران باستان بخصوص اشکانیان بوده و برخی احتمال میدهند که

مربوط به آئین مهر که مذهب اشکانیان بوده است باشد^۱. در دوطرف صحن اتاق‌هایی برای سکونت زائران ساخته‌اند و در کنار ایوان نیز اتاق کوچکی بنا گردیده و در وسط صحن درخت توت کهن سال و قطوری بچشم می‌خورد.

بقعه سیدرضا

در سمت راست جاده سمنان - تهران و در محل قریه لاسگرد بنای امامزاده مشاهده می‌گردد که بنام امامزاده سیدرضا و سیدعلی اکبر از اولاد امام موسی کاظم علیه‌السلام مشهور است امامزاده مزبور در سیصد قدمی کاروانسرای شاه‌عباسی، در یک حیاط وسیع و بدون درختی که گورستان نیز می‌باشد واقع است. مرحوم اعتماد السلطنه در هنگام سفر خود به لاسگرد از این بقعه دیدن نموده و می‌نویسد: «در سمت شرقی تل بزرگ لاسگرد و فاصله سیصد قدم بقعه‌ایست که گویند سیدرضا از اولاد حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام در اینجا مدفون است».

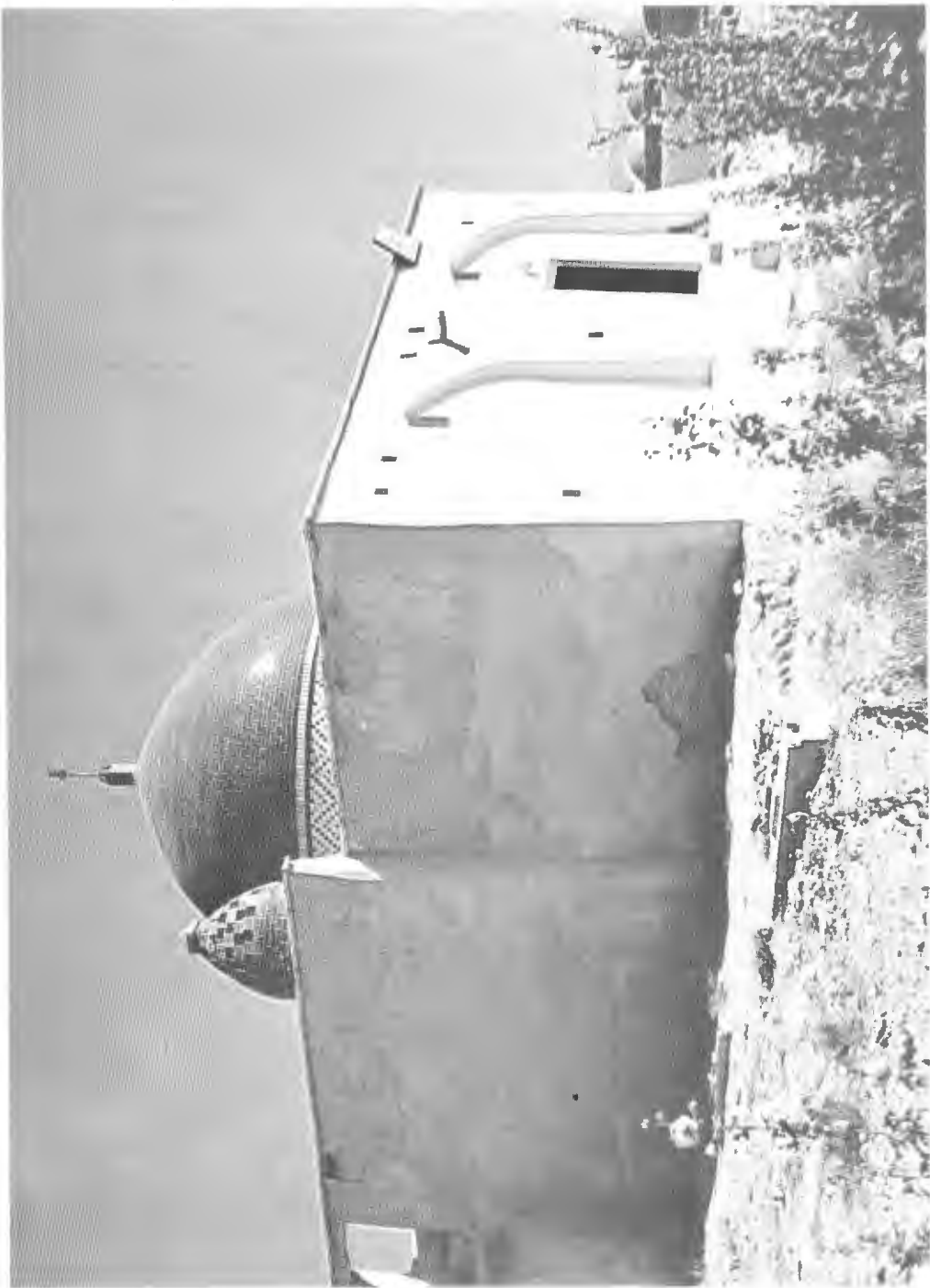
نمای امامزاده شامل حرم و گنبد و دو ایوان غربی و شمالی است که متصل به بقعه و فاقد هرگونه تزیینات خاصی می‌باشند. نمای خارجی بقعه را که تقریباً بشکل مکعب مستطیل است با گچ سفید کرده و در سمت جنوب آن راه پله‌های پشت‌بام امامزاده را ساخته‌اند. در سمت شرقی بقعه نیز در کوچکی وجود دارد که حرم را از ضلع شرقی به حیاط متصل می‌کند.

حرم بصورت ۵ اتاق تودرتو است بدین‌صورت که یک اتاق بطول ۴ متر و به عرض تقریباً ۳/۲۵ در وسط و چهار اتاق دیگر که دارای طول و عرض مساوی هستند در چهار ضلع اتاق میانی واقعند. جرزهای چهار زاویه اتاق میانی در قسمت بالا اندکی به جلو انحنا یافته و بر روی آن طرح مدوری به شعاع تقریباً دو متر بوجود آمده و بر روی این طرح و فاصله تقریباً ۳۰ سانتیمتر از آن ساقه

۱ - تاریخ سمنان تألیف رفیع

۱ - مطلع الشمس جلد سوم ص ۳۳۶

بقعه سیدرضا و سیدعلی اکبر ، قریہ لاسگرد



گنبد پایه‌ریزی شده است. بطوریکه فاصله بین پیرامون داخلی ساقه گنبد و پیرامون طرح دایره‌ای شکل، رف حفره‌مانندی به فاصله ۳۰ سانتیمتر بوجود آمده است. بطور خلاصه می‌توان گفت که گنبد بدون استفاده از فیل‌پوش و طاق‌نما ساخته شده است. در وسط اتاق میانی و زیر گنبد قبر گچی متعلق به حضرت سیدرضا قرار دارد که بر روی آن ضریح چوبین و مشبکی به طول ۶۵/۲ و عرض ۶۵/۱ و ارتفاع ۶۵/۱ متر مشاهده می‌گردد. سقف چهار اتاق جوانب ضربی است و زیر طاقها رف‌های مثلی شکل دیده می‌شود. در اتاق جنوبی و بفاصله‌ای کم از دیوار صورت قبر دیگری معروف به سیدعلی اکبر بچشم می‌خورد که شامل ضریح مشبك برنگ سبز و کوچکتر از ضریح سیدرضا می‌باشد. این دو ضریح چوبین فاقد ارزش تاریخی و هنری هستند. اتاق شرقی که مشرف به حیاط و جاده است بوسیله يك دیوار و يك در کوتاه از اتاق میانی جدا شده و اتاق کوچکی را جهت سکونت متولی امامزاده تشکیل می‌دهد.

مجموعه حرم تقریباً ۵/۱ متر از کف حیاط مجاور بلندتر است. داخل بقعه فاقد هر گونه تزییناتی می‌باشد حتی در جانب قبله هیچگونه تزیینی برای نشان دادن محراب انجام نشده است. فقط قسمت تختانی چهار اتاق حرم را با پارچه‌های سبزرنگ پوشانده و چند شمایل و عکس برای تزیین داخل بقعه بکار برده‌اند. بقعه مذکور دارای دو گنبد بزرگ و کوچک جدید است. گنبد بزرگ ساقه‌ای استوانه‌ای شکل به ارتفاع ۲۵/۱ متر می‌باشد که با کاشی‌های کوچک سرمه‌ای و فیروزه‌ای در متن آجر و به شیوه معقلی زینت یافته است. قسمت اصلی یا کاسه گنبد که بر روی ساقه قرار دارد قریب ۵/۵ متر بلندی و دارای اسکلت آهنی می‌باشد. این گنبد بزرگ و خوش‌فرم و زیبا که تقریباً شبیه گنبد آرامگاه فانی در سمنان است با کاشی‌های فیروزه‌ای جالبی پوشیده شده است. محیط خارجی ساقه گنبد ۲۵/۱۸ متر می‌باشد.

گنبد کوچک که بر فراز اتاق جنوبی و بر بالای قبر سیدعلی اکبر قرار دارد بسیار کوچک و بصورت مخروطی نامنظم به ارتفاع ۵/۲ متر است که پوشش

قسمت پائین آن از کاشی‌های فیروزه‌ای و در قسمت بالای آن از کاشی‌های فیروزه‌ای و سرمه‌ای بزرگ بصورت نامنظمی استفاده شده است که به هیچ وجه با گنبد بزرگ و زیبا قابل مقایسه نیست. لازم بتذکر است که در داخل و خارج بقعه کتیبه یاسنگ نبشته‌ای که دال بر اتساب تاریخ بنای اولیه آن باشد وجود ندارد.

امامزاده قاسم

این بقعه که در ۱۹ کیلومتری شمال سمنان و در قریز زیارت واقع شده است. بگفته مردم شه میرزاد و سنگسر فرزند امام هفتم می‌باشد. بنای بقعه شامل چند اتاق و دالان تودرتو و گنبد و ایوان و صحن است. برای رسیدن به اتاق حرم باید از یک راهروی طولانی و باریک عبور کرد و پس از وارد شدن به اتاق جلویی و گذشتن از یک در کنده کاری شده به فضای داخل بقعه راه یافت. راهرو مذکور دارای شش چشمه بزرگ و دوسکوی طویل در طرفین می‌باشد که قبر بزرگان محل است این راهرو بوسیله راهروی دیگری که در منتهی الیه سمت چپ آن قرار دارد به اتاق جنب حرم متصل می‌شود. فضای داخل دوراهروی فوق‌الذکر را با گچ سفید کرده‌اند و فاقد هر گونه تزیینی است. اتاق جنب حرم مربع شکل به ضلع $4/75$ متر است. در ضخامت دو دیوار شرقی و غربی دو راهرو و به عرض درهای بقعه بوجود آمده است و درهای مزبور به نمای داخلی اتاق باز می‌شود. در وسط اضلاع شمالی و جنوبی دو طاقنمای بزرگ برپا گشته که دارای گچبری‌های جالب و رنگین است. بر قسمت فوقانی اتاق چهار فیل پوش بوجود آمده که یکمک طاقنماهای اضلاع ساقه گنبد را می‌سازد. بر نمای داخلی گنبد و اطراف آن گچبری و نقاشی‌های ارزنده‌ای جلب توجه می‌نماید. این اتاق بوسیله یک در چوبین و کنده کاری شده بسیار زیبایی به حرم یا قسمت اصلی بقعه راه می‌یابد. بر لنگه چپ در عبارتی بخط ثلث برجسته نوشته شده که خواندن آن بسیار مشکل است. زیر عبارت فوق کلمه ۳-۳ دیده

نمای گنبد بقعه امامزاده قاسم - زیارت سنگسر



می شود که عدد میانی آن کننده و ناپید است ولی بهر صورت می توان گفت که این در از نفایس قرن چهارم هجری می باشد .

اتاق حرم محوطه چهار گوش متساوی الاضلاعی است به طول و عرض ۵/۵ متر . گنبد اصلی بقعه بر روی چهار فیل پوش و چهار طاقما قرار دارد . در وسط حرم سکوی بزرگ بطول ۳/۱۰ متر و عرض ۱/۹۰ متر ساخته شده که در آن چند صورت قبر بچشم می خورد . ضریح چوبین و مشبك آن بطول ۳/۱۰ متر و عرض ۱/۵۰ متر و ارتفاع ۱/۹۰ متر بر روی قبر گچی و در کنار دیوار غربی بقعه قرار دارد . اضلاع چهار گانه حرم را بوسیله پارچه های رنگارنگ و عكسها و شمایل زینت داده است . در وسط طاقماهای دو اتاق مزبور پنجره هایی تعبیه شده است که نور داخل بقعه را تأمین می کند .

ایوان امامزاده روبه مغرب و مشرف به صحن وسیعی واقع شده و ۵ متر بلندی دارد . صحن بزرگ آن تقریباً مربع شکل و دارای چند درخت توت کهنسال می باشد . ضلع شرقی صحن دارای هفت طاقما است و در ضلع غربی آن يك سالن بزرگ و جدید احداث شده است . گنبد اصلی بقعه دارای ساقه ای ده ضلعی به ضلع ۱/۶۵ متر به ارتفاع ۲/۴۰ متر است که از آجر ساخته شده ، در وسط اضلاع ده گانه طاقماهایی پریا گشته است . حد فاصل کاسه گنبد و ساقه را دو ردیف قطار بندی آجری نامنظم زینت میدهد .

گنبد مخروطی امامزاده دارای پوشش گچی و سفید می باشد که در میان آنها کلاف های چوبی قطوری برای استحکام بیشتر آن کار گرفته اند . گنبد اتاق مجاور حرم نیز دارای ساقه ای استوانه ای شکل به ارتفاع يك متر و کاسه تخم مرغی شکل نامنظم است که سطح خارجی آنرا با گچ سفید کرده اند . ارتفاع گنبد بزرگ از بام تقریباً ۵ متر و بلندی گنبد كوچك تقریباً ۴ متر است که فاقد هر گونه تزینینی می باشند .



گذشته از بقاع متبرکه که فوق الذکر در شهر سمنان و اطراف آن نیز

امامزاده‌هایی به چشم می‌خورد که بنای آنها فاقد ارزش تاریخی و هنری است بهمین جهت به شرح مختصر آنها اکتفا می‌کنیم :

بقعه سید جلال

بقعه سیدجلال در یکی از کوچه‌های فرعی محله زاوغان و در شمال بارگاه زین‌الدین علی‌صالح قرار دارد . از شجره‌نامه این امامزاده اطلاعی در دست نیست ولی قدر مسلم این است که وی یکی از معصوم زادگانی است که چون بقیه سادات سجادی و ایوالفضلی به زاوغان آمده و در این محله ساکن شده‌است . بطور کلی بقعه دارای ایوانی کوچک به ارتفاع ۳ متر و گنبد مخروطی نامنظم و اتاق حرم است سطح داخلی و خارجی امامزاده را با گچ سفید کرده‌اند . از کتیبه و تزیینات در این بنا اثری به چشم نمی‌خورد .

بقعه سید

در میان کوچه‌باغهای غربی سمنان بقعه‌ای موسوم به سید وجود دارد که از اصل و نسب وی اطلاعی در دست نیست . این بقعه بنای کوچکی است که دارای حرم و گنبد می‌باشد .

امامزاده عبدالله

این بقعه در کنار خیابان صفا و در میان باغات سرسبز شهمیرزاد قرار دارد . مردم این محل مدفون بقعه را فرزند امام موسی کاظم میدانند ولی سندی بر تأیید این گفته در دست نیست . بنای بقعه بسیار محقر و شامل اتاق کوچک چینه‌ای و سقف چوبی و گلی است .

امامزاده چهل تن

در ۹ کیلومتری شمال سمنان و در نیم کیلومتری غرب راه شوسه سمنان به سنگسر و در روستای خوش آب‌وهوای در جزین بقعه‌ای معروف به چهل تن

قرار دارد که راجع به آن در بخش مربوط به سی سر به تفصیل سخن گفته شده است .

بقعه پیر غریب

در میان کشتزارهای سرخه واقع در ۲۰ کیلومتری غرب سمنان مقبره محقری بنام پیر غریب وجود دارد . داستانی در این مورد نقل می کنند: آسیابان پیری با بار خود از این محل عبور می نموده تصادفاً بارگندم از پشت الاغش بزمین می افتد شب هنگام در عالم رؤیا پیرمرد نورانی و جلیل القدری به کمک وی می شتابد چون این خبر بگوش مردم می رسد در این محل بنائی برپا کرده و آنرا پیرغریب نامیدند مرحوم صنیع الدوله که در زمان ناصرالدین شاه قاجار از سمنان و سرخه دیدن کرده در کتاب مطلع الشمس جلد سوم از این بقعه نام می برد .

بقعه پیرشمس الدین

در بخش علاء و در پانصد قدمی ساختمان قدیمی ارگ علاء بنای امامزاده ای بیچشم می خورد که مردم محل آنرا متعلق به پیرشمس الدین و از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام میدانند بنای بقعه شامل حرم و گنبد و ایوان است .

امامزاده هاشم

امامزاده هاشم در سه کیلومتری جنوب سمنان و درقریه خیرآباد واقع شده و دارای بقعه چهارضلعی با گنبد می باشد. در وسط حرم و زیر گنبد قبر گچی با ضریح مشبك چوبین قرار دارد .

امامزاده مدرک

گذشته از بقاع متبرکه ای که ذکر شد امامزاده دیگری در جنوب سمنان

وجود دارد که به مدرك معروف است ولی بهتر است که آنرا امامزاده بی مدرك بنامیم. زیرا این امامزاده در چند سال اخیر بوجود آمده و از نسب مدفون بقعه سندی در دست نیست.

امامزاده خواجه

این بقعه نیز در جنوب شهر سمنان در بیابان بی آب و علف قرار دارد و گویند شخصی در عالم رؤیا مشاهده نمود که امامزاده‌ای در این محل مدفون است.

بقعه اباصت هروی

در عرب محله سمنان بقعه‌ای وجود دارد که اسم آن بدرستی معلوم نیست و در پشت آن مقبره مخروبه دیگری قرار دارد که در چند صورت بچشم می‌خورد. مردم سمنان این بقعه را متعلق به اباصت هروی میدانند ولی سندی برای تأیید این گفته در دست نیست.

زیارتگاههای دیگر

لازم بتذکر است که محله‌های درسمنان بنام موسی کاظم و عباسیه وجود وجود دارد که اگر چه بصورت آرامگاه نیست. ولی از زیارتگاههای مردم سمنان بشمار می‌آید.

کاروانسرا - تیمچه - بازار

کاروانسرای شاهعباسی سمنان

در کنار میدان سعدی و نبش خیابان سعدی و شیروخورشید یکی از کاروانسراهای دوره صفویه معروف به رباط شاهعباسی قرار دارد که به فرم چهارپلانی ساخته شده است.

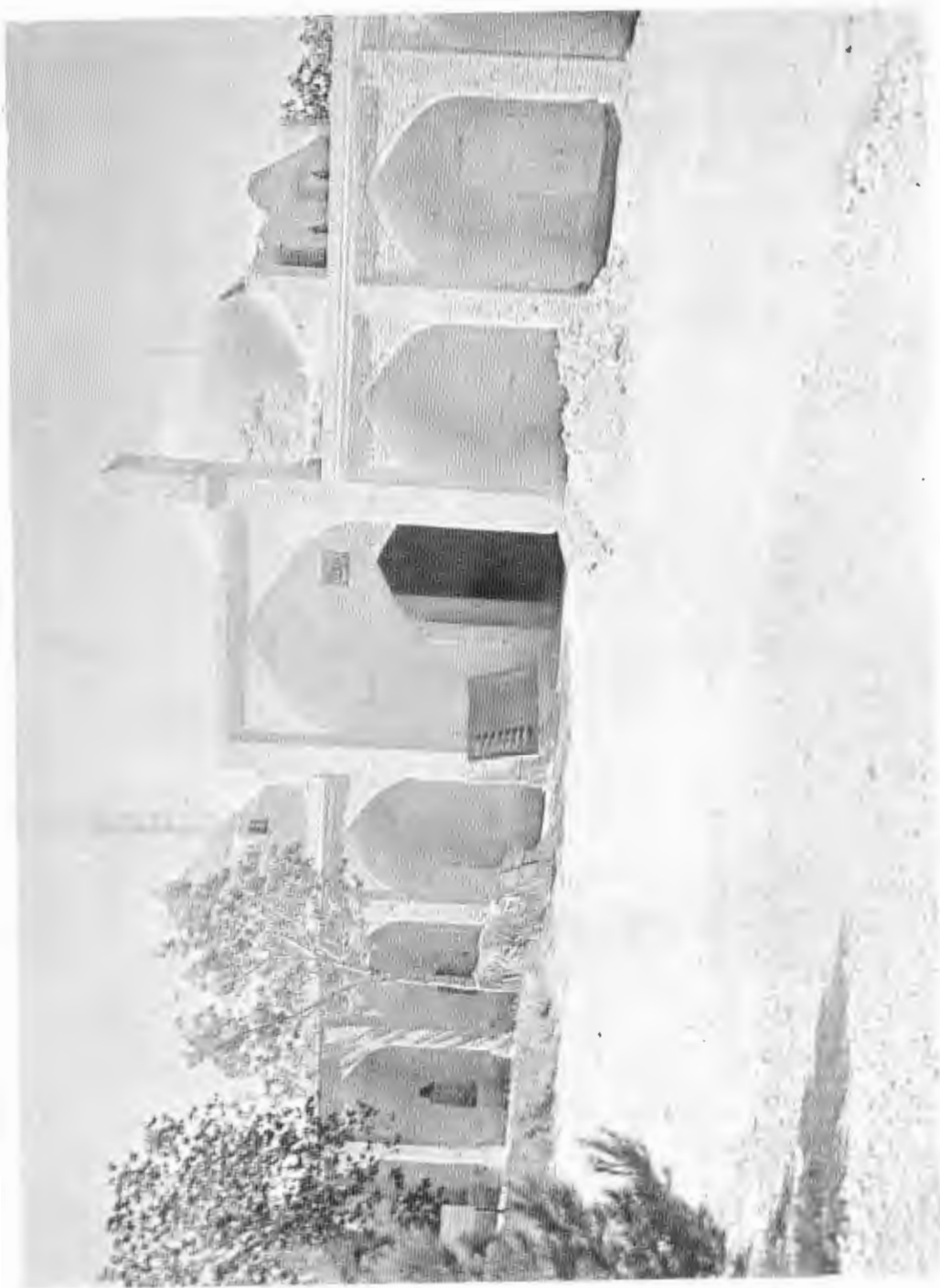
حیاط کاروانسرا مستطیل شکل بطول $30/32$ متر و عرض $5/26$ متر می باشد. دو ضلع شمالی و جنوبی رباط دارای دوپلان هم اندازه و مشابه با قوس جناغی است که در طرفین هر ایوان شش ایوان کوچک با قوس جناغی ساخته شده که به اندازه نیم متر از سطح حیاط بلندتر است. در پشت هر یک از ایوانهای فوق الذکر اتاقی مستطیل شکل بطول $65/3$ و عرض $80/2$ واقع شده است. در کنار ایوانهای شرقی و غربی که نسبت به ایوانهای شمالی و جنوبی بزرگترند هر کدام چهار اتاق بچشم می خورد. بطوریکه حیاط کاروانسرا جمعاً دارای ۲۰ اتاق می باشد.

در چهارطرف کاروانسرا و در پشت اتاقها دالان بزرگ و عریضی وجود دارد که بوسیله چهار مدخل ورودی در چهار گوشه بنا به حیاط مربوط می شود. متأسفانه دالان جنوبی یکلی منهدم شده و در حال حاضر مشغول بازپیرایی آن می باشند سقف گنبدی شکل دالانها آجری و بر طاقهای جناغی استوار گردیده است. در تقاطع دالانها و روبروی مدخلهای ورودی بار اندازهای بچشم می خورد که قریب $5/1$ متر از کف دالان بلندتر است. در ورودی این کاروانسرا

که از طرف شرق باز می شود دارای راهرو پهن باطاقهای ضربی بلند و يك هشتی باسقف گنبدی کم خیز می باشد در طرفین در ورودی راه پله های پشت بام قرار دارد و در کنار راه پله ها و درون هشتی دو در وجود دارد که با دالان سراسری و چهارگانه رباط راه می یابد. در بالای سر در ورودی و در درون يك قالب مستطیل شکل کتیبه ای وجود دارد که باخط نستعلیق سفید بر متن کاشی لاجوردی این عبارت نوشته شده «الملك الواحد القهار». به استثنای این کتیبه کتیبه دیگری که تاریخ بنای آنرا برساند وجود ندارد و به جرأت می توان گفت که قبلا در جای کتیبه مذکور کتیبه اصلی آن و یا سنگ نبشته ای نصب بوده که در حال حاضر اثری از آن دیده نمی شود. لازم به تذکر است که در گوشه جنوب شرقی گنبد بلندی بچشم می خورد که ارتفاع از بام ۴/۵ متر است.

در دوره قاجاریه دريك قسمت این کاروانسرا تغییراتی داده شده و روبروی در اصلی آن در دیگری باز کرده اند و دالانی دوطبقه ساخته اند. سقف طبقه زیرین بصورت قوس گهواره ای کوتاه با تزئینات آجری و سقف طبقه فوقانی که از ملحقات سالهای نه چندان دور است با تیر آهن پوشیده شده بود. در تعمیرات اخیر سازمان حفاظت آثار باستانی طبقه دوم برداشته و در را نیز بسته و دیوار کشیده اند. طرح خارجی کاروانسرای شاه عباسی نیز مستطیل شکل می باشد و فقط ضلع شرقی این بنا دارای نماسازی است. بدین صورت که در هر طرف سر در ورودی شش غرفه با قوسهای جناقی بچشم می خورد. در ساختمان کاروانسرا از مصالحی مانند آجر و سنگ و گچ استفاده شده و شیوه آجرکاری نمای داخل و خارج در نهایت سادگی انجام شده و فاقد هرگونه تزئینی است. این رباط سالها در دست اداره دارائی بود که از آن بعنوان انبار قند و شکر استفاده می شده و در سالهای اخیر که این کاروانسرا تحت شماره ۹۶۷ توسط انجمن آثار ملی به ثبت رسیده و سازمان حفاظت آثار باستانی در نظر داشت پس از تعمیر و بازسازی قسمت های ویران شده از آن بعنوان چایخانه سنتی استفاده کند لیکن طبق تصمیمات اخیر قرار بر این شد که کاروانسرای

نهای خارجی، کاروانسرای شاهعباسی، سمنان



- فوق برای استفاده عملی به دانشگاه آزاد ایران واگذار شود .
- تعمیراتی که تاکنون از طرف سازمان مذکور پس از مطالعات لازم در این کاروانسرا بعمل آمده عبارت است از^۱ :
- ۱ - تمام بدنه خارجی قسمت شمالی و پ بدنه خارجی قسمت غربی مرمت شده و بندکشی آن برداشته شده است .
 - ۲ - در پ قسمت غربی و شمالی تاحدودشش رگ (رج) از نمای خارجی یا لای دیوار که قبلا از بین رفته بود چیده شده است .
 - ۳ - دیواره خارجی در قسمت های غربی و شمالی مستحکم گردیده است .
 - ۴ - بمنظور مرتفعتر کردن حصار کاروانسرا بالای چهارطرف دیوار آن چینه ای به قطر ۴۰ و به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر کشیده بودند که برداشته شده است .
 - ۵ - تخریب و اندود برداری دو اتاق شمالی جدید که موجب از بین رفتن حجره های قدیم بوده است .
 - ۶ - باز پیرائی دوقوس ایوان مربوط به حجره های از بین رفته .
 - ۷ - برداشتن دو اتاق جنوبی و راه پله جدید که موجب تغییر عمل کرد کاروانسرا بوده است .
 - ۸ - برداشتن پنج اسپر که یوسيله خشت ایجاد شده و مربوط به بنای اولیه نبوده است .
 - ۹ - برداشتن اندود گچ خاك و سیمان از روی نمای آجری در باربند شمال غربی و ساختن سکوهای از بین رفته .
 - ۱۰ - مرمت نمای آجری در باربند شمال غربی که تاحدود ۱۱۰ سانتیمتر نمای آجری آن از بین رفته است .
 - ۱۱ - ساختن قسمت وسط باربند بانمای آجر در چهارطرف آن .
 - ۱۲ - خاکبرداری به عمق ۴۰ سانتیمتر در باربند شمال غربی تا کف اصلی باربند .

- ۱۳ - برداشتن اندود گچ خاك و سیمان از روی نمای آجری در باربند جنوب غربی و خاکبرداری به عمق ۴۰ سانتیمتر از کف باربند مذکور .
- ۱۴ - آماده کردن قسمت جنوبی بمنظور احیای قسمت های از بین رفته باربند جنوب غربی .
- ۱۵ - عملیات بازپیرائی قسمت از بین رفته در باربند جنوب غربی شامل پی کنی - شفته ریزی - آجرچینی ستونها و پوشش پ قسمت مذکور .
- ۱۶ - کانال کشی اطراف ساختمان بایک لایه قیرگونی و دولایه ماسه سیمان در زیر و روی قیرگونی و ساخت شبکه فلزی داخل کانال .
- ۱۷ - بندکشی یا ماسه سیمان کرم - ماسه سیمان معمولی و گچ و خاك مجموعاً ۹۳۳ متر مربع .
- ۱۸ - نصب ۷۵ متر مربع سنگ .
- ۱۹ - نصب ۵۸ عدد زرده های فلزی در اطراف فضای خارجی کاروانسرا .
- ۲۰ - نصب ۱۳۹/۵ متر مربع سنگ درپوش .
- هنوز کار تعمیر این رباط پایان نرسیده است و سازمان حفاظت آثار باستانی سرگرم انجام کارهای باقیمانده است .

کاروانسرای شاه عباسی لاسگرد

در سی و شش کیلومتری سمنان و در قریه لاسگرد کاروانسرای آجری بسیار بزرگی از بناهای زمان شاه عباس اول صفوی قرار دارد . این کاروانسرا که در سمت راست جاده سمنان - تهران واقع شده دوپلانی و شامل حیاط وسیعی است طول حیاط از شمال به جنوب برابر ۳۶ متر و عرض آن از شرق به غرب ۳۱/۵ متر می باشد . که اطراف آنرا ۲۴ حجره احاطه نموده است و هر حجره با کمی اختلاف قرینه یکدیگر می باشند . دو ایوان بلند و بزرگ در غرب و شرق رباط ساخته شده ، دهنه ایوان غربی کاروانسرا ۴/۹۰ متر و کف آن به اندازه ۱/۳۵ متر از سطح حیاط بلندتر است و بوسیله درگاه کوتاه و چندپله که در پشت آن قرار

دارد به دالان چهارگانه مربوط می‌شود .

سقف این ایوان را طاق ضربی بزرگی تشکیل میدهد که دارای تزیینات مربع شکل تودرتو است . بدین صورت که در وسط سقف مربع‌های کوچک بچشم می‌خورد که هرچه به طرف جزرها ادامه می‌یابد بزرگتر می‌شود .

در طرفین ایوان غربی ۶ غرفه «هرطرف سه‌گرفته» با طاقهای جناغی به ابعاد ۷۰×۱ متر پشت هریک از آنها اتاقی به طول $۳/۰$ متر و عرض $۲/۹۰$ جهت سکونت مسافران ساخته شده است. ایوان شرقی کاروانسرا بلندتر از ایوان غربی است و دهانه آن نیز $۴/۹۰$ متر که بوسیله دالانی به طول ۶ متر و عرض $۴/۹۰$ به هشتی کاروانسرا مربوط می‌شود در دو طرف راهرو سکویی به ارتفاع $۰/۷۵$ متر جهت استراحت مسافران بنا گردیده و در دو ضلع هشتی آن دو ایوان دوبقه بچشم می‌خورد که در پشت ایوان تحتانی اتاق کوچکی ساخته شده است. این ایوانها بوسیله دوپله کوچک به کف دالان راه می‌یابد. سقف هشتی را گنبد مدور آجری کم‌خیزی خاص معماری دوران صفویه در کاروانسرا تشکیل میدهد .

در بزرگ کاروانسرا که از الوار گل میخ‌دار جدید است در این هشتی نصب گردیده است. در دو سمت ایوان شرقی شش غرفه «هرطرف سه‌گرفته» و در نمای شمال و جنوب داخل رباط هر کدام شش غرفه وجود دارد و در پشت هر کدام اتاقی به ابعاد فوق‌الذکر ساخته شده است .

در دو سمت غرفه‌های مذکور طاقنماهای کوچکی برپا گشته ، سرتاسر اضلاع شمالی و جنوبی و شرقی و غربی به استثنای دالان و هشتی ورودی دالان سرتاسری وسیع پهنی با طاقهای ضربی ایجاد گردیده است. در چهار گوشه کاروانسرا چهارمدخل ورودی با طاقهای قوس‌دار بچشم می‌خورد که حیاط را به دالان متصل می‌کند. در تقاطع دالانها و روبروی مدخل‌های ورودی بار - اندازهایی قرار دارد که به اندازه $۱/۳۵$ متر از کف دالان بلندتر است سقف ضربی این باراندازهای چهار گوشه کاروانسرا را چهارستون قطورنگهمیدارند.

در قسمت بالای سردرب کاروانسرا فرو رفتگی مشاهده می‌شود که احتمالاً جای کتیبه یا سنگ نوشته‌ای بوده است ولی امروزه اثری از آن وجود ندارد. طرح خارجی کاروانسرا نیز مستطیل شکل است. فقط نمای شرقی آن که به موازات جاده تهران - سمنان است دارای نماسازی می‌باشد. سردر ورودی با دو غرفه طرفین آن که دارای طاقهای جناغی می‌باشند نسبت به طرفین به اندازه یک متر جلو آمدگی دارد و در دو جانب آن ۱۲ غرفه «هر طرف شش غرفه» ساخته شده است که تقریباً دو متر از جاده مجاور بلندتر است.

مصلح بکار رفته در این کاروانسرا عبارت از آجر و سنگ و ملات گچ و ساروج و خاک گچ می‌باشد و پایه‌های اضلاع خارجی رباط از سنگ تشکیل یافته است. نمای داخلی و خارجی آن آجری ساده و جز تزیینات کمی که در ایوان غربی وجود دارد فاقد هرگونه تزییناتی است. در گذشته در روبروی در کاروانسرا و درست جنوب جاده آب‌انبار آجری زیبایی قرار داشته که امروزه بکلی از بین رفته است ولی در مجاورت آب‌انبار قدیمی بعدها آب‌انبار جدیدی ساخته شده که دارای گنبد بزرگ مخروطی می‌باشد.

کاروانسرای مذکور طی سالهای متمادی بارها ویران و مرمت گردیده و آخرین بار توسط حاجی‌علینقی کاشانی تاجر معروف تعمیر شده است. از سال ۱۳۵۲ طبق برنامه تنظیمی دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی سمنان بر مرمت و بازپیرایی آن اقدام گردید و سازمان مذکور در نظر دارد این رباط را که از مدتها پیش بلااستفاده بوده و در نتیجه خرابی بسیار در آن راه یافته، پس از تعمیر اساسی برای استفاده در اختیار وزارت اطلاعات و جهانگردی قرار دهند. اقداماتی که در این کاروانسرا صورت گرفته عبارتند از ۲:

- ۱ - لارویی آب‌انبار کاروانسرا و استفاده از آن در امور ساختمانی.
- ۲ - برداشتن قوس شکسته و قسمتی از دیوار که منحرف بوده است.

کاروانسرای شاهعباسی لاسگرد



- ۳ - احیای کامل برج جنوب شرقی و قوس شکسته جنوبی و دیوار کنار آن.
 - ۴ - سبک کردن قسمتی از پشت بام در قسمت جنوب شرقی.
 - ۵ - مرمت و بندکشی قسمت ورودی و حجره ها و سکوهاى مقابل آنها بطور کامل.
 - ۶ - بندکشی کامل چهار بدنه خارجی.
 - ۷ - مستحکم کردن و احیای قسمت زیرین درنمای داخلی و بندکشی داخل این قسمت.
 - ۸ - خالکوبی کف حیاط به قطر تقریبی ۲۵ سانتیمتر.
 - ۹ - احیای نمای مشرف به حیاط و بندکشی آن در قسمت بالا و پائین (نمای غربی و پ نمای شمالی و جنوبی).
 - ۱۰ - سبک کردن و کوره پوش در بام باربند جنوب غربی.
- تعمیر این رباط هنوز پایان نگرفته و سازمان مذکور مشغول انجام بقیه کارهای تعمیراتی آن می باشد.
- این بنا تحت شماره ۶۴۹ جزو آثار ملی به ثبت رسیده است^۱.

کاروانسرای شاه سلیمانی آهوان

این کاروانسرا که در روستای آهوان در ۴۲ کیلومتری مشرق سمنان واقع است در سال ۱۰۹۷ هجری در زمان شاه سلیمان صفوی جهت استراحت زائرین امام هشتم که از طریق سمنان و آهوان به مشهد مشرف می شوند ساخته شده است. لیکن بغلط کاروانسرای شاه عباسی نام گرفته است. مرحوم صنیع الدوله راجع به رباط مزبور می نویسد^۲:

«کاروانسرای جدید آهوان بنظر مربع می آید لیکن در حقیقت مشمن است. چهار ایوان در چهار سمت دارد که یکی از آنها دالانی است مشتمل بر

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی صفحه ۲۸۰
مجله آگاهنامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی شماره ۲۳ می نویسد کاروانسرای لاسگرد تحت شماره ۱۴۹ به ثبت رسیده است.

گنبدی مرتفع و این ایوان يك ذرع بلندتر از سه ایوان دیگر است . حجرات کاروانسرا سی و دو عدد می باشد و در هر زاویه سه حجره ساخته شده . پشت حجرات سرتاسر طویله است طول کاروانسرا از داخل ۵۵ قدم و عرض ۵۰ قدم می باشد . و در طرف وحشی کاروانسرا صفه و طاقی بنا کرده اند . امتیاز این رباط این است که روی کار از خارج و داخل آجر تراش بکار برده اند . در بالای سر در رباط سنگ مرمری بسیار ممتازی نصب است و بالای آن سنگ مرمر کوچکتري قرار دارد . پروی سنگ بالائی که منبت است بخط ثلث نوشته است «بسم الله الرحمن الرحيم» و در سنگ زیر این اشعار بخط ثلث نگاشته شده:

در زمان دولت سلطان سلیمان زمان

خسرو و الانصب ظل خدا عزوجل

ناظر منظور شاهنشاه دین پرور نجف

آنکه باشد بی نظیر از جمله ارباب دول

مظهر توفیق حق مصداق فرزند خلف

کز کمال کاردانی در جهان باشد مثل

در ره شاه خراسان مقتدای انس و جان

حجت حق ضامن محشر امام عقد و حل

ثامن اثنی عشر سلطان علی موسی رضا

آنکه بی اخلاص او ایمان ندارد ماحصل

از پی آرامگاه زائران آن امام

با خلوص نیت و از اعتقاد بی خلل

کرد احداث رباطی در محل آهوان

خالی از نقص زوال و پرز فیض لم یزل



نمای ایوان و حجرات کاروانسرای شاه سلمانی راهوان

خامۀ تأثیر در اتمام تاریخش نوشت

منزل امن وامان است و رباط بی بدل

۱۰۹۷

حجاری و خط این سنگ کمال اهمیت را دارد» .

در سال ۱۹۰۳ میلادی ویلیام جکسون موقع مسافرتش از این راه از کاروانسرای مزبور دیدن کرده و شاهد استفاده زائران از بنای فوق الذکر بوده است.^۱

کاروانسرای شاه سلیمانی آهوان دارای حیاط وسیع مستطیل شکل بطول ۴۰ متر و عرض ۳۲ متر و چهارپلانی می باشد . این چهار پلان که روبه شمال و جنوب و شرق و غرب ساخته شده مستطیل شکل به طول ۵۰/۵۰ متر و عرض ۷۵/۴ متر می باشد. در رودی بنا از جنوب بوده و ۵ متر عرض دارد . جمعاً ۲۴ اتاق در اطراف حیاط احداث گردیده که ابعاد آن بترتیب ۳/۳۵ و ۲/۹۰ می باشد. طرح خارجی کاروانسرا مربع شکل و هر ضلع آن ۷۴ متر است. در ساختمان این رباط از مصالح ساختمانی چون آجر - سنگ - گچ استفاده شده است . همانطور که در فوق گفته شد بر سر در رباط مذکور کتیبه ای از سنگ مرمر نصب بوده که متأسفانه در سالهای گذشته ربوده شده است. رباط شاه - سلیمانی آهوان مانند بیشتر کاروانسراهای دیگر مدتی محل پاسگاه ژاندارمری بوده که تا قبل از استقرار آن هم مورد استفاده زائران قرار می گرفته است. این رباط از طرف سازمان حفاظت آثار باستانی به ثبت رسیده است.^۲

۱ - فرهنگ معماری ایران شماره ۲ و ۳ ص ۶۹

۲ - مجله آگاهی نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی این بنا را از زمان شاه عباس دوم میداند و این صدرصد اشتباه است

رباط انوشیروانی

رباط انوشیروانی یا کاروانسرا سنگی در صد قدمی و روبروی کاروانسرای شاه سلیمانی آهوان قرار گرفته است. این کاروانسرا مربع شکل که هر ضلع آن ۷۵ متر و بصورت چهار پلانی ساخته شده. نمای خارجی رباط انوشیروانی شامل یک در ورودی از طرف شمال به اندازه ۴/۵۵ متر و چهار برج در چهار گوشه آن. سه برج بصورت نیم دایره در قسمت های شرقی و غربی و جنوبی و دو برج در دو طرف دروازه ورودی می باشد.

این رباط دارای ۲۶ اتاق است که در اطراف حیاط واقعند در جلوی هر اتاق ایوانی سرپوشیده قرار دارد این خصوصیت در بین کاروانسراهای ایران کمتر دیده شده است. چهار ایوان و اتاقهای رباط از نظر اندازه مساوی نیستند. ایوان شمالی ۱۶/۸۰ متر طول و ۴/۵۵ متر عرض و ایوان جنوبی ۱۷/۴۰ متر طول و ۴/۸۵ متر عرض دارد. چهار اصطبل مستطیل شکل در چهار گوشه ساختمان قرار گرفته است. در بنای رباط از آجر و سنگ و گچ استفاده شده است. رباط انوشیروانی از نظر پلان شباهت زیادی به کاروانسراهای اوایل اسلام مانند رباط کریم در راه ساوه و قلعه سنگی نزدیک تهران دارد. این بنا در دوره صفویه و ایلخانی مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته و قسمتی از بازسازی آن در دروازه ورودی و دالان بنا بچشم می خورد. در مورد احداث بنای رباط انوشیروانی مطالب گوناگونی نوشته اند: ویلیام جاکسون آنرا از بناهای دوره ساسانی و خسرو انوشیروان میداند. ولی پروفیسور هرتسفلد رباط انوشیروانی را متعلق به شرف الدین معالی انوشیروان پسر فلک المعالی منوچهری میداند که در سالهای ۲۱ - ۲۰ هجری حکومت کرده است. هانری رنه دالمانی فرانسوی در کتاب سفرنامه خود درباره این رباط می نویسد: «این کاروانسرا یکی از بناهای عالی و مهم بوده است. در چهار

زاویه آن هنوز چهاربرج با استحکام موجود است. دیوارهای آن بلند است و در میان آنها دو برج دیگر دیده می‌شود. سردر آن هم با آجر ساخته شده و در اطراف آن با آجرهای سفید و قرمز نقشهایی بسبک عربی برای تزیین آن بوجود آورده‌اند مصالحی که از طبقات فوقانی فرو ریخته در وسط حیاط تپه‌ای تشکیل داده است.....»

صنیع الدوله در کتاب خود رباط انوشیروانی را چنین توصیف کرده است:^۲

«از جمله رباطی در این محل هست معروف برباط انوشیروانی بسیار قدیمی و به قدمت آن رباطی در ایاب و ذهاب سفر خراسان دیده نشده و برنهیج غریبی آنرا ساخته‌اند تمام این بنا از سنگ و گچ و آجر است. چهار ایوان بلند دراز در چهار سمت دارد و ارتفاع ایوانی که بجای دالان است و در کاروانسرا در طرف وحشی آن بوده چهارده ذرع می‌شود ارتفاع سه ایوان دیگر ده ذرع و در چهار سمت حجرات از چهار طرف غلام گردشی است بر روی ۲۶ پایه و طاقات ایوانها و حجرات ضربی غلام گردشها همه با آجر است و روی همه را با سنگ و گچ پالانه کرده‌اند و قطر پالانه حالا نیم ذرع می‌شود و مجردیها و پایه‌ها و دیوار چهاربدن از خارج یکجا از سنگ و گچ است. روی ایوانها را سفید کرده بودند. در بعضی مواضع تا پنج طبقه آثار سفیدکاری موجود است. عرض داخل رباط ۴۴ قدم و طول ۴۶ قدم و از خارج ۹۰ قدم طول و همینقدر عرض دارد.

آجرهای طاقات و امثال آن از آجرهای معمولی این زمان قدیمی بزرگتر است ولیکن آجرهای راه‌پله پشت‌بام خیلی قطور و بزرگ است بیست و دو حجره در این رباط هست».

بطور کلی رباط مذکور از ساختمانهای مهم و از کاروانسراهای قابل اهمیت جاده سمنان - خراسان است و بقایای این بنا از قدمت دیرین آن حکایت دارد. در حال حاضر از ساختمان رباط فقط دیوارهای اطراف و قسمتی از دالان

ورودی بزرگ جلو بجا مانده و بقیه بصورت تل کوچکی از سنگ‌های ریز و درشت درآمده است» .

رباط سلطان حسین بایقرا

در خارج از دروازه ناسار سمنان کاروانسرای کهنه و قدیمی وجود داشته که در سال ۸۸۱ هجری قمری ایجاد گردیده و یکی از بناهای مربوط به عهد سلطنت سلطان حسین بایقرا پادشاه تیموری بوده است . طبق نوشته صنیع الدوله برسر در این کاروانسرا اشعاری بر سنگ منقور بوده که مفاد آن چنین است :

آنکس که شد بروز ازل آشنای خیر

عمرش دهد خدای بیمن دعای خیر

سید ابو المیامن والا گهر که شد

تخمیر طینتش ز برای نمای خیر

در شهر بیقیرینه سمنان بنا نهاد

از همت بلند رباطی برای خیر

هرکس که گشت وارد این دلنشین بنا

گفتا دهد خدای جهانش جزای خیر

از یاری توکل و سرکاری رضا

شد در جهان بلند ز نامش نوای خیر

در کار خیر چونکه سرای سرور یافت

تاریخ این بنا ز قضا شد سرای خیر

(۸۸۱ هجری قمری)

این کاروانسرا هنگام احداث خیابانهای جدید بکلی از بین رفته است.

کاروانسرای شیخ علاء الدوله

کاروانسرای شیخ علاء الدوله در بازار شیخ علاء الدوله و روبروی بقعه ابراهیم اسماعیل قرار دارد. این کاروانسرا دارای حجرات دوطبقه و حیاط کوچکی است که داری دو در ورودی می باشد یکی از این دو در در بازار مذکور و در دیگر در کوچه ملاقزوینی باز می شود.

رباط فوق الذکر از خشت خام و گچ و سنگ ساخته شده که بر اثر مرور زمان و بی توجهی نسبت به آن ویران گردیده است. کاروانسرای شیخ علاء الدوله تاجندی پیش محل پیشه نمدمال ها بوده است.

کاروانسرای ناسار

در قسمت بالای بازار عمومی و روبروی کوچه عباسیه خرابه های کاروانسرای کهنه و بزرگی بچشم می خورد که امروزه بلااستفاده و ویران است. در این کاروانسرا کتیبه یا سنگ نبشته ای وجود ندارد که حاکی از تاریخ بنای آن باشد. ولی میتوان گفت احتمالا کاروانسرا مذکور از آثار دوران قاجاریه است که همزمان با ساختمان بازار در عهد فتحعلیشاه قاجار ساخته شده است.



بغیر از کاروانسراهائی که به ذکر آن مبادرت شد کاروانسراهای دیگری در بازار عمومی شهر قرار دارند که تمام آنها نیمه ویران و بلااستفاده هستند. مهمترین این کاروانسراها کاروانسرای روبروی کوچه علامه (ملا) قزوینی - کاروانسرای پائین تکیه ناسار و وسط بازار است.

یکی دیگر از کاروانسراها کاروانسرای سیف میرزا می باشد که در دوران قاجاریه ساخته شده بود و امروزه اثری از آن بچشم نمی خورد.

تیمچه سلطانی

در سمت شرقی تکیه پهنه متصل به مسجد شاه سمنان کاروانسرائی وجود دارد که يك در آن در تکیه مزبور و دردیگرش در کنار بازار جلوخان باز می شده است .

در سالهای اخیر طبق برنامه نوسازی که آقای مهندس تیرانداز فرماندارکل اسبق سمنان آنرا طراحی کرده و به وزارت کشور پیشنهاد کرده بودند تصمیم گرفته شد که ساختمانهای نامناسب اطراف مسجدشاه خراب و بصورت میدان و بلوار درآید. بهمین جهت حیاط اتاقهای اطراف این کاروانسرا را ویران و ضمیمه پیش فضای مسجد سلطانی نموده اند. ولی تیمچه بسیار زیبای آن با تلاش سازمان ملی حفاظت آثار باستانی باقی مانده و سازمان مذکور این تیمچه را جزو آثار ملی به ثبت رسانده است . این تیمچه و بازار مجاور آن در زمان فتحعلیشاه قاجار و از مال ذوالفقارخان سمنانی حاکم جبار سمنان بعد از مرگ وی ساخته شده دارای طاقها و سقف آجری بلند و سردر بزرگی است . درهای بزرگ تیمچه از الوارهای قطور با گل میخهای آهنی ساخته شده و در بالای در ورودی پنجره بزرگ چوبین قهوه ای رنگ بچشم می خورد .

سطح تیمچه بیش از نیم متر از سطح تکیه پهنه پائین تر است . از تزیینات تیمچه سلطانی می توان به پشت بغل های کاشیکاری و زیبای طرفین سردر اشاره کرد . سازمان حفاظت آثار باستانی در نظر دارد که پس از تخلیه آن از مستأجران و تعمیر این بنا موزه ای از سفال سمنان تأسیس نماید^۱ .

بازار

بازار عمومی سمنان

بازار عمومی شهر که به سبک معماری سنتی ایران و بادر نظر گرفتن وضعیت آب و هوای خاص منطقه کویری با سقف های خشتی و آجری در حدود ۱۸۰ سال قبل در اوایل سلطنت سلسله قاجاریه ساخته شده بزرگترین مرکز خرید و فروش کالاهای تجارتي می باشد .

در گذشته بازار عمومی شهر متشکل از راسته بازار و بازار مرده ها بوده است . جرج فائانیل کرزن انگلیسی که در سال ۱۸۹۱ میلادی از سمنان دیدن کرده می نویسد^۱ :

«در بازار میدانی است که چنارهای برازنده ای دارد . تنه عظیم یکی از چنارهایی که در بازار است از سقف آن بالا رفته » . البته این منظره مربوط به چهارسوق سمنان است که در اوایل سلطنت رضاشاه جهت احداث خیابان شرقی غربی شاه از بین رفته و بازار طویل شمالی جنوبی را بدو قسمت تقسیم کرده است .

الف: بازار شمالی

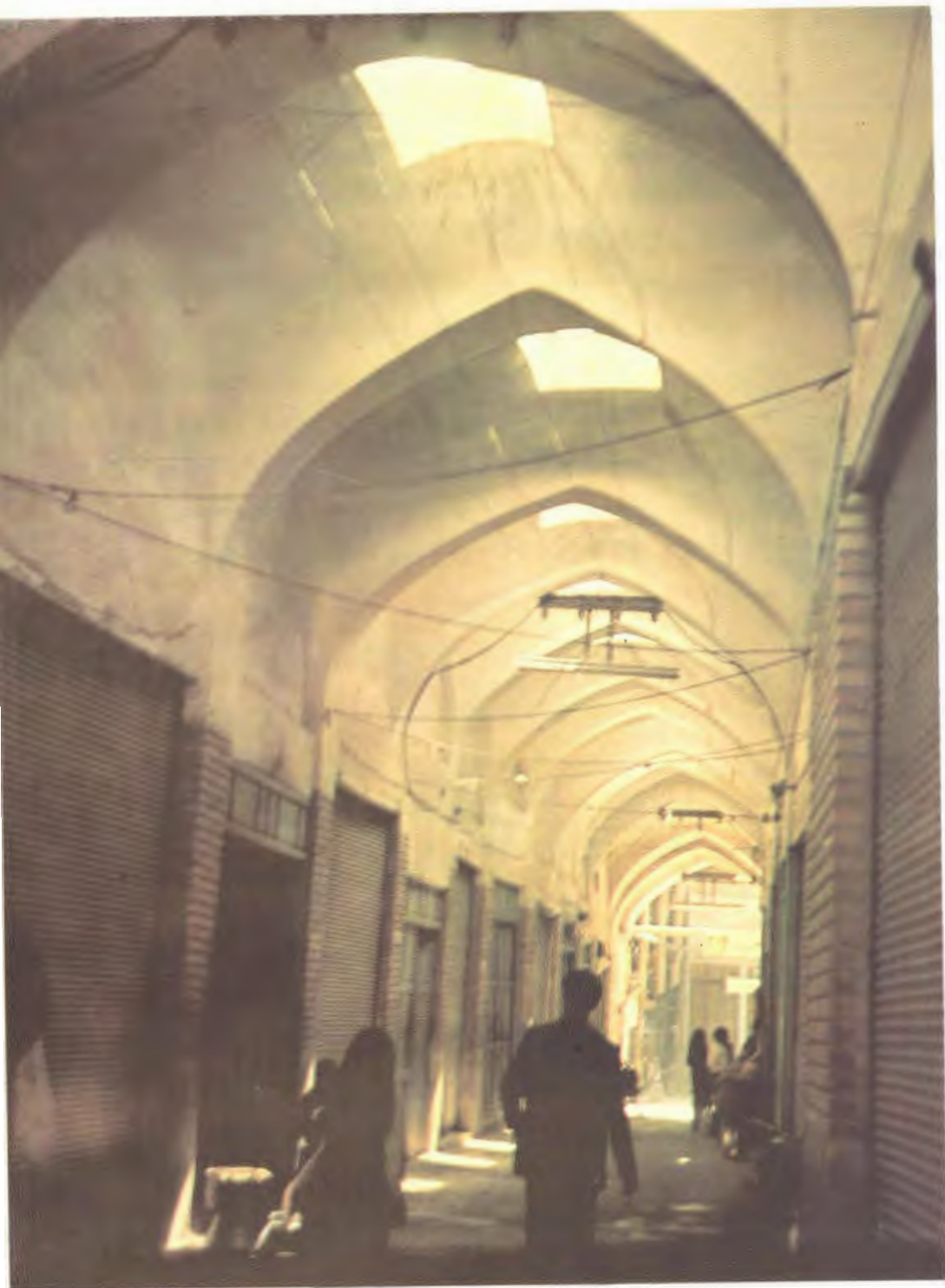
بازار شمالی که تقریباً ۱/۵ کیلومتر طول دارد و کماکان بنام قدیمی خود راسته بازار خوانده میشود از بالای شهر یعنی تقاطع خیابان های نظامی و یغما

شروع شده و تا خیابان شاه ادامه می‌یابد. این بازار دارای سقف و طاق ضربی است که بر روی طاقهای جناغی استوار گردیده است پنجره‌های شیشه‌ای بزرگ بر بام بازار نصب شده که نور داخل بازار را تأمین می‌کند. راسته بازار شامل ۲۵۴ باب مغازه سه حمام پنج مسجد و چهار کاروانسرای مخروطه و یک تکیه بزرگ بنام ناسار^۲ می‌باشد. این تکیه که روبروی خیابان کوچک فرخی واقع شده دارای یک سالن بزرگ برای انجام مراسم سوگواری ایام ماه محرم و تقریباً ۲۵ باب مغازه است که بر بالای آن ایوان و بالکن سرتاسری بچشم می‌خورد. در طرفین دو ستون مدور آجری بسیار بلند که سردر ورودی تکیه را از طرف خیابان فرخی تشکیل می‌دهد. تزیینات کاشیکاری و کتیبه‌ای از کاشی وجود دارد که متأسفانه بعثت دود گرفتگی و غبار آلودگی کمتر مدنظر قرار می‌گیرد. بزرگترین آب‌انبار سمنان و یک مسجد کوچک در این تکیه قرار دارد سقف تکیه را شیروانی بزرگ و قرمز رنگی با پنجره‌های مشبك سبزرنگ پوشانده و بر بالای آن قبه قرمز و سفید رنگ زیبایی دیده می‌شود. در گذشته حوض بزرگی در وسط تکیه وجود داشت که در سالهای اخیر پر شده است.

در جریان نوسازی سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ دوسر در بسیار زیبا در شمال و جنوب راسته بازار ساخته شده است. سر در شمالی که در کنار خیابان یغما

۲- در مورد وجه تسمیه ناسار عده‌ای را عقیده بر این است که ناسار در اصل نو حصار بوده و در اثر کثرت استعمال به ناسار مبدل گردیده. برخی معتقدند که بعد از واقعه در جزین که در بخش بقاع متبر که شرح آن داده شد چون ناسر از شهدای واقعه در این محل بدست آمده این محله به ناسر معروف گشته و کم کم به ناسار تبدیل شده است.

افسانه دیگر در مورد نام ناسار بر سر زبانهاست: گویند به دستور تهمورس دیوبند از سه ایالت ایران یعنی سیستان - پارس - پارت قریب ده هزار نفر به سرزمین سمنان «سمنان» کوچانده شدند. از این سه قوم به امر مرزبان جمشید آریانها در سمت جنوب مسکن گزیدند و سیستانی‌ها در سمت شمال و پارتها در مغرب سکونت یافتند. نام رئیس سیستانی‌ها که ناسار بوده قسمت شمال شهر بنام وی نامیده شد و در حال حاضر این محله بزرگ به همان نام پیشین خود یعنی ناسار معروف است



نمای قسمت شمالی بازار سمنان

واقع شده آجری با پایه‌های سنگی و مزین به پشت بغل‌های کاشیکاری جالبی می‌باشد و در اطراف قوس سردر کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی دیده می‌شود که قسمتی از سورة مبارکه اقرء را بخط ثلث دربر دارد. سردر جنوبی که در کنار خیابان شاه قرار دارد مزین به پشت‌بغل‌های کاشیکاری و دو کتیبه از کاشی است. یکی کتیبه بالای سردر و دیگری کتیبه اطراف قوس سردر است که آیات قرآن بر آن نوشته شده است و در قسمت پائین عبارت «قال رسول الله الکاسب حبیب الله» دیده می‌شود. در قسمت فوقانی سردر طرحی تاجی شکل ساخته شده که با یازده دایره فیروزه‌ای زینت داده شده است. کف راسته بازار در قسمت شمال هم سطح خیابان و در قسمت جنوب به اندازه تقریباً ۳ متر از سطح خیابان بلندتر است که بوسیله پله‌هایی به خیابان راه می‌یابد.

ب : بازار جنوبی

قسمت دوم بازار عمومی که در امتداد راسته بازار بوده بازار حضرت است که به سبب نزدیکی با حرم مطهر حضرت یحیی بن موسی به این نام خوانده می‌شود. بازار حضرت بطول تقریبی ۲۰۰ متر از خیابان شاه شروع شده و به تکیه بزرگ پهنه که در محل اسفنجان قرار دارد ختم می‌شود. این بازار دارای ۵۰ باب مغازه می‌باشد. تکیه پهنه نیز مانند تکیه ناسار دارای دکانهای متعدد و ایوان بالای آن و یک سالن بزرگ است. با این تفاوت که طرفین دکانها را پشت بغل‌های کاشیکاری زیبا زینت می‌دهد. پوشش سقف این تکیه نیز شیروانی بوده که قسمت فوقانی آن بعلت وقوع زلزله یا به قولی بوسیله طوفان از جا کنده شده و تاکنون به تعمیر آن اقدامی نشده است امتیاز دیگری که تکیه پهنه نسبت به ناسار دارد وجود آثار تاریخی متعددی است که در اطراف آن چشم می‌خورد. در جنوب شرقی تکیه، مسجد شاه، در جنوب مقبره طوطی، در جنوبی غربی، امامزاده یحیی و در شمال غربی، حمام پهنه و مسجد جامع و در سمت شرق تکیه تیمچه سلطانی واقع شده است. در شمال بازار حضرت سردر جالب

توجهی بنا گردیده که با سردر جنوبی راسته بازار شباهت کامل دارد.

بطور کلی دو قسمت بازار فوق‌الذکر طوری ساخته شده که در تابستانها خنک و در زمستانها نسبتاً گرم است. در چند سال قبل که خرابی به این بنای تاریخی راه یافته بود با کوشش فرماندار کل وقت با صرف هزینه قابل توجهی خرابی‌ها تعمیر و سقف‌های فرو ریخته با آجر تجدید بنا گردید و برای استحکام و زیبائی آن تقریباً یک متر و نیم پایه‌طاقها سیمانی گردید و در قسمت بالای آن تا زیر طاقهای ضربی از آجر قرمز استفاده شده است.

کف خاکی آن که مخالف با بهداشت، و باعث ابتلاء به امراض مسری بود با موزائیک فرش گردید. روی هر فته بازار عمومی بصورت آبرومندانهای درآمده بدون اینکه به بافت قدیمی آن لطمه‌ای وارد آید.

بازار جلوخان

بازار کوچک جلوخان که در زمان فتحعلیشاه قاجار همزمان با مسجد شاه و تیمچه سلطانی ساخته شده از بازار حضرت منسحب می‌شود. این بازار دارای ۱۸ باب مغازه می‌باشد و سقف بازار جلوخان را طاقهای ضربی پوشانده است.

بازار شیخ علاء الدوله

بازار شیخ علاء الدوله در سمت جنوب خیابان شاه و متصل به آن شروع شده و پس از طی قریب ۲۰۰ متر اندکی به شمال متمایل شده و سپس در شمال خیابان شاه و متصل به آن تا گورستان قدیمی علمدار ادامه می‌یافته است ولی بسبب احداث خیابان مذکور این بازار بدو قسمت تقسیم گردیده است. این بازار که در قرن هشتم بوسیله شیخ علاء الدوله سمنانی عارف مشهور ایران همزمان با بنای شبستان شیخ علاء الدوله مسجد جامع ساخته شده مرکز خرید و فروش کالاهای مایحتاج بوده است. بازار مذکور در دوره قاجاریه تعمیر و مرمت

گشته ولی بمرور زمان اهمیت خود را از دست داده و در حال حاضر قسمت شمالی ویرانه‌ای بیش نیست .

بازار شیخ علاءالدوله را به سبب عبور دادن اموات جهت دفن در گورستان علمدار ، بازار مرده‌ها نیز می‌نامند . این بازار دارای طاقهای ضربی بلند می‌باشد که باعث خنک شدن داخل بازار در تابستان می‌شده است . بیشتر دکانهای آن بلندتر از کف بازار می‌باشد . درب شمالی مسجد جامع در این بازار باز می‌شود . در سالهای اخیر با تعمیر و مرمت مسجد جامع قسمتی از این بازار نیز بوسیله سازمان ملی حفاظت آثار باستانی بازپیرایی گشته و از صورت نامطلوب خود خارج شده است .

بخش اعظم قسمت شمالی بازار ویران گشته و در حال حاضر بیش از ۵ تا ۶ مغازه در آن وجود ندارد . بقعه ابراهیم اسماعیل در این بازار واقع شده و روبروی آن نیز کاروانسرای شیخ علاءالدوله قرار دارد .
ناگفته نماند که در نوسازی اخیر بازار عمومی ، سردرزیبائی مانند سردر شمالی بازار حضرت در وسط این بازار و روبروی در شمالی مسجد جامع ساخته شده است .

در اطراف قوس سردر کنیه‌ای از کاشی لاجوردی بچشم می‌خورد که قسمتی از سورة شریفه نور بخط ثلث سفید بر آن نوشته شده است .

ارگ حكومتى
دروازه

دارالحکومه سمنان

یکی دیگر از آثار دوران قاجاریه ساختمان دارالحکومه سمنان است که در جنوب شهر و در میدان ششم بهمن واقع شده است .

بنای دارالحکومه را بدوره فتحعلیشاه قاجار و پیش از زمان حکومت حاجی بهمن میرزا بهاء الدوله پسر فتحعلیشاه در سمنان نسبت میدهند و میگویند قبل از اینکه ساختمان ارگ دولتی سمنان در شمال شهر احداث گردد دارالحکومه سمنان در جنوب شهر و در همین بنا که امروزه به خانه کلاتر معروف است مستقر بوده است. بنای دارالحکومه که بوسیله دو دالان باریک و طویل یکی از کوچه منشعب از خیابان پهلوی و دیگری از میدان مزبور به بیرون باز میشود، شامل حیاط وسیع و اتاقهای متعدد سهدری در اطراف آن می باشد .

بادگیر بلند آجری از بام بیش از ده متر ارتفاع دارد و بصورت چهار گوش ساخته شده بطوریکه قاعده زیرین آن از قاعده فوقانی بزرگتر است.

این بادگیر بر روی اتاقی که در پشت اتاقهای فوق الذکر قرار دارد ایجاد گردیده و بر روی آن پنجره‌هایی برای نورگیری و عبور جریان هوا و خنک کردن هوای اتاق تعبیه شده است . عده‌ای از مردم سمنان زندگی و سکونت در این ساختمان را شوم میدانند که البته باید این شایعات را جزو موهومات و خرافات دانست .

ارگ دولتی سمنان

ساختمان ارگ دولتی سمنان که در خیابان‌های رستاخیز و شهرداری امروز و نواحی اطراف آن واقع بوده در زمان حکومت حاجی بهمن میرزا - بهاء الدوله فرزند فتحعلیشاه قاجار در سمنان ساخته شده است ولی در زمان حیات وی به اتمام نرسیده است .

طبق نوشته صنیع الدوله در مطلع الشمس دوره بنای ارگ هفتصد و پنجاه ذرع بوده و ۱۲ برج یا عمارت و ابنیه عالی داشته است دو دروازه شمالی و جنوبی که در صفحات بعد شرح خواهیم داد در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به آن اضافه شده است . دور ارگ دیوار چینه‌ای بلند به ضخامت ۳ متر احاطه می کرده است . در وسط ارگ خیابانی از شمال به جنوب امتداد داشته که در طرفین آن ساختمانهای قدیمی واقع بوده که دارای آب انبار حمام و حسینیه بوده‌اند در داخل دیوارهای ارگ اتاق‌هایی برای نگهبانان ساخته شده بود و دریچه‌هایی تعبیه گردیده بود که بوسیله آن پیرامون خارج بنا را کنترل می کرده‌اند . ساختمان ارگ دولتی مدت سه روز میزبان ناصرالدین شاه ، مهدعلیا مادر و عزت الدوله خواهر و همسر میرزاتقی خان امیرکبیر بوده است . متأسفانه این بنای عظیم در زمان رضاشاه کبیر هنگام احداث و تعریض خیابانها بعلت بی توجهی مسئولین امور ویران شد و بجای آن ساختمانهای ادارات شهرداری - شهربانی ، دارائی ، کاخ دادگستری و باشگاه بانک ملی ایران گردیده است .

دروازه ارگ

یکی از آثار تاریخی و با ارزش و زیبای سمنان ، دروازه ارگ ، بازمانده هنر دوران قاجاریه می باشد که در تقاطع خیابانهای رستاخیز و استخر واقع شده است . دروازه ارگ در گذشته در شمالی ارگ دولتی را تشکیل میداده است که در هنگام ویران نمودن ارگ به سبب شکایت فرهنگ دوستان و پی گیری آنان

نمای شمالی دروازه زیبای ارک



در این امر از خرابی دروازه فوق الذکر جلوگیری بعمل آمد .

دروازه ارگ در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و حکومت انوشیروان میرزا ضیاء الدوله فرزند محمدرحیم میرزا پسردهم عباس میرزا نایب السلطنه که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ هجری قمری حاکم ایالت قومس بوده بنا گردیده است. این دروازه دارای دو نمای شمالی و جنوبی می باشد که نمای شمالی آن بمراتب زیباتر و جذاب تر از نمای جنوبی آنست .

نمای جنوبی شامل سردر ورودی و دو راهروی کوچک راه پله و دو ایوان می باشد که به اندازه ۶۰ سانتیمتر از خیابان مجاور بلندتر است. بر بالای سردر ورودی کتیبه ای به شکل نیم دایره وجود دارد که از کاشی های لاجوردی - رنگ ساخته شده و بر روی آن این عبارت برنگ زرد بخطی خوش نوشته شده است :

«السلطان بن السلطان بن السلطان ، سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه -

قاجار ۱۳۰۲»

حاشیه این کتیبه را گل و بوته های زیبائی در متن سفید زینت میدهد. در پشت دو ایوان طرفین نمای جنوبی که هر کدام بوسیله يك راهروی كوچك و دوپله به كف خیابان راه می یابد اتاقی برای بیتوته کردن دروازه بانان و نگهبانان ساخته شده و در جلو ایوانها نرده مشبك و زیبائی نصب گردیده است. پشت بغل های طرفین راهروی اصلی و دو ایوان و دو راهروی كوچك طرفین دروازه از کاشی های كوچك برنگ زرد ، سیاه ، فیروزه ای و صورتی و به اشكال مثلث - مربع و لوزی زینت یافته است . بر بالای راهروهای پله های ورودی ایوان شكل مربعی وجود دارد که کلمه مکرر علی به خط بنائی و برنگ سیاه بر زمینه سفید و زرد منقش شده است . در سرتاسر قسمت بالای دروازه قطار بندی های جالبی از آجرهای كوچك لعابدار فیروزه ای ، و بر اطراف قوس راهروی اصلی کاشیکاری زیبائی دیده می شود . بنای اصلی دروازه از آجر به - ارتفاع بیش از ۵ متر ساخته شده . طاق های اتاق ها ضریبی و طاق راهروی اصلی

بصورت گنبد کم خیز می باشد که از بیرون بنا دیده نمی شود. نمای شمالی دروازه که قسمت اصلی و زیبای بنا و دارای کاشیکاری بدیع و خیال انگیزی است مزین به شش ستون مناره شکل مدور و زیبایی می باشد. یکی از شاهکارهای این بنای تاریخی سردر جالب توجهی است که تصویر تاریخی نبرد رستم و دیو سپید به طرز خیره کننده ای بر روی کاشی هفت رنگ نقش شده است.

نمای شمالی برپایه ای از آجر به ارتفاع ۷۵/۰ متر ساخته شده و ستونهای کاشیکاری دو طبقه آن در طرفین در ورودی از چهارستون دیگر بزرگتر و به ارتفاع تقریباً ۱۱/۵ متر و بلندی ستونهای کوچکتر تقریباً ۱۰/۵ متر است. در زیر کتیبه و پائین تر از مجلس نبرد رستم و دیو تصویری هلالی شکل از سربازان دوره قاجار بایک عراده توپ مشاهده می شود. بر بالای طاقنماهای کوچک و توگود کاشیکاری شده طرفین درب ورودی دواسپر با تصویر جالبی از یک فرمانده قاجار بالباس رسمی وجود دارد. قسمت فوقانی این اسپرها بوسیله دو مجلس نیم دایره کوچک مزین شده که تصویر شیر و خورشید را برنگ زرد به تماشا می گذارد.

در طرفین دو ستون کناری دو طاقنمای بزرگ آجری با طاق جناغی وجود دارد که دارای پشت بغل های کاشیکاری می باشد. بر بالای سردر و طاقنماهای طرفین کتیبه ای بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی وجود دارد که مفاد آن چنین است:

«بحسب امر قدر بند قدرگان سکندرشان اعلی حضرت همایون شاهنشاه جمجاه فلك بارگاه و ملجاء سلاطین السلطان بن السلطان و خاقان بن خاقان بن خاقان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته بسعی و اهتمام جناب اشرف ضیاء الدوله انوشیروان میرزا حکمران سمنان، دامغان - شاهرود، بسطام اتمام همت پذیرفت شهر محرم الحرام سنه یحیی ثلث خیریت دلیل هزار و سیصد و دو. عمل استاد حبیب الله استاد علی کاشی پز کاشانی و محمد باقر ولد حاجی سید مهدی طباطبائی سمنانی» نقاش نقش تاریخی نبرد رستم و دیو سپید و خطوط

نمای جنوبی دروازه ارگ



کتیبه‌های این بنا از آثار هنری سید محمد باقر طباطبائی سمنانی و از نوادگان مرحوم میر محمدخان طباطبائی سمنانی و از هنرمندان بنام سمنان در دوران قاجاریه است.

درهای دروازه ارگ از الوارهای قطور با گل‌میخ‌های آهنی می‌باشد که به پیروی از زمان گذشته شب‌هنگام آنها را می‌بندند.

این بنای تاریخی که نمایانگر و سمبل تاریخی این شهر محسوب می‌شود از طرف سازمان حفاظت آثار باستانی تحت شماره ۳۹۵ جزو آثار ملی به ثبت رسیده است. سازمان مذکور با صرف هزینه قابل توجهی این اثر بدیع و ارزنده را تعمیر و مرمت اساسی نموده و در نظر است که از آن برای موزه کوچکی از هنرهای دستی سمنان استفاده گردد.

کارهای تعمیراتی که پس از مطالعات لازم در این دروازه انجام شده عبارتست از:^۱

- ۱ - بستن دیوارهای خشتی شرقی و غربی بوسیله آجر.
- ۲ - پیدا کردن کف اصلی ساختمان.
- ۳ - خاکبرداری پشت‌بام بمنظور سبک کردن آن.
- ۴ - ساخت کوره‌پوش در قسمت مورد لزوم و عملیات ایزولاسیون و آجر فرش در بام.
- ۵ - تهیه سفالهای مورد لزوم مربوط به کاشی‌های ارگ و نصب آنها.
- ۶ - نماسازی با آجر در قسمت‌های شرقی و غربی و بندکشی کامل آن.
- ۷ - نصب نره کاشی در قسمت شرقی و غربی.
- ۸ - ساخت و نصب دو درویش شبکه چوبی و دوزده چوبی در اتاقها و ایوان‌های آن.
- ۹ - تعمیر درهای بزرگ دروازه و تأمین روشنایی و نصب نورافکن.
- ۱۰ - زه کشی کامل اطراف دروازه.

۱۱ - تعیین حدود دروازه و آجر فرش آن و نصب نرده زنجیری اطراف

محدوده .

۱۲ - اندود گچ در دوطرف شرقی و غربی و چهار ایوان مقابل آنها .

۱۳ - آجر فرش و بندکشی کامل اتاقها و ایوانهای مذکور .

دروازه جنوبی ارگ

این دروازه که در محل ساختمان شهربانی حالیه واقع بوده و دروازه جنوبی ارگ دولتی را تشکیل میداده نیز در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است. دروازه جنوبی نیز دو طبقه بوده و در طرفین راهروی طبقه اول ، اطاقها قرار داشته و در طبقه بالا نیز سه اتاق شمالی و جنوبی وجود داشته است . در ماه رمضان بعنوان تقارن خانه از این ایوان استفاده می شده و مدتی هم هنگ ژاندارمری سمنان در ارگ مستقر بوده است متأسفانه بر اثر خیابان کشی و توسعه شهر این دروازه بکلی از بین رفته است .

سر در اداره دارائی

اداره دارائی فعلی که قسمتی از ارگ دولتی آن زمان را اشغال کرده است دارای سردر بسیار جالب و زیبایی بوده است که متأسفانه در سالهای اخیر ویران شده و بجای آن چند اتاق بانمای سیمانی که به هیچ وجه پاسر در بسیلر زیبای آن قابل مقایسه نیست ساخته شده است. درب ورودی آن از چوب گردو بسیار بزرگ بوده و در قسمت فوقانی آن ترکیبات آجری بسیار زیبایی دیده می شد. دو جرز طرفین سردر اندکی به جلو متمایل شده و دو ستون کاشیکاری زیبا و مدور به ارتفاع شش متر در کنار آن ساخته شده بود تزیینات کاشیکاری این دو ستون شبیه ستونهای مدور دروازه ارگ بوده و طرز ساختمان آنها نیز به این ستونها شباهت داشت .



ارگ علاء

بنای ارگ که در بخش علاء و در کنار جاده سمنان به پایگاه هوایی واقع شده و یکی از آثار دوران قاجاریه است .

ارگ علاء بصورت ساختمانی دوطبقه می باشد طبقه زیرین مرکب از یک محوطه شش ضلعی است که بوسیله شش مدخل ورودی به ضخامت دیوارها به شش اتاق متصل می شود . مدخل ها یا راهروهای شش گانه بقدری کوتاه است که می باید برای عبور از آن تا زانو خم شد و این بخاطر توده خاکی است که در سالهای متمادی از ویران شدن بنا انباشته شده است . در قسمت فوقانی راهروها رف های مثلثی شکل کم عمق بچشم می خورد . سقف محوطه اصلی گنبدی کوتاه است . اتاقهای اطراف دارای طاقچه ها و رف های متعددی می باشد و در بعضی قسمت ها پنجره هایی نصب شده که نور داخل اتاقها را تأمین می کرده است .

طبقه دوم شامل ساختمان بادگیر مانند ای است که از چهارستون بزرگ خشتی تشکیل شده ، بطوریکه نمای خارجی آن چهار گوش و نمای داخلی آن شش ضلعی می باشد . سقف این بادگیر را گنبد آجری کم خیزی می پوشاند که نمای داخلی آن دارای تزیینات ساده ای است .

در ساختمان ارگ علاء بیشتر از مصالحی مانند خشت خام - ملات و گچ استفاده شده ولیکن آجر نیز در این بنا بکار رفته است . متأسفانه سقف اتاقها فرو ریخته و خرابی بسیار بدان راه یافته است و اگر به تعمیر آن اقدام نشودیم آن می رود که این اثر جالب بکلی از بین برود .

مقابر و آرامگاهها

مقبره طوطی

در پائین تکیه پهنه و در قسمت مغرب مسجدشاه مقبره‌ای معروف به آرامگاه طوطی قرار دارد. بنای آرامگاه بصورت کثیرالاضلاع شش ضلعی است که از خشت خام و آجر ساخته شده، ارتفاع مقبره چهارمتر و هر ضلع خارجی آن قریب $2/75$ متر می‌باشد. داخل آرامگاه بصورت اتاق کوچک هشت ضلعیست که هر ضلع آن $1/55$ متر مشتمل بر طاقچه و رف است. بر روی سقف و اطراف داخل مقبره گچ‌بری‌های زیبا و نقاشی‌های جالب منقش به اسلیمیهای ارزنده گل و بوته‌های جذاب - پرندگان رنگارنگ و گلدانهای پر گل دیده می‌شود که متأسفانه خرابی بسیار بدان راه یافته و در بعضی قسمت‌ها بسیاری از نقاشی‌ها بکلی محو شده و یا آثار کمی از آن وجود دارد. اشعار بالای طاقچه‌ها و زیر رف‌ها نیز بتدریج تحلیل رفته و بزحمت خوانده می‌شود. این اشعار که از سمت راست بالای در ورودی شروع می‌شود شامل چهار بیت و هر ضلع يك مصراع است که بخط برجسته نوشته شده بدین مضمون:

برداشت ز دام دهر طوطی

بنهفت پیرده عدم روی چو ماه

زد خامه مشعوف رقم شد تاریخ

دانم به بهشت طوطی بهمن‌شاه

طوطی گلزار جهان پای کشان

بشکست قفس بسوی فردوس پرید

مشعوف برضوان پی تاریخش گفت

شد مسکن طوطی به بهشت جاوید ۱۲۴۹

اتاق مقبره بوسیله ارسی‌های چوبین زیبایی که در بالای در ورودی و طرفین آن نصب شده است از خارج نور می‌گیرد. در وسط بنا سنگ قبر مرمر سفیدی بطول ۱/۴۰ متر و عرض ۶۵ سانتیمتر قرار دارد که بر روی آن اشعار زیر نقر گردیده است.

«کل ونفس ذائقه الموت»

ماهی از مشکوی بهمن شاه رفت

آفتابی از کنار ماه رفت

طوطی آن زینده ماه خرگهی

از بر مهر فلک خرگاه رفت

طوطی آن هدهد فریلقیس روی

از بر شاه سلیمان جاه رفت

طوطی آن طاووس کبک خوش سیر

سوی مینو پریشان ناگاه رفت

بر نهم گردون و بر هفتم زمین

بهر آن مه ز آتشه اشک و آه رفت

آنکه او را همدم و هم خوابه شد

آنکه او را دلبرودلخواه رفت

باروان مه چه شد از آفتاب

با دل پر ز اختر جانکاه رفت

سرو دیدی کاورد بار و رود

سرو بین کاورد بار آنگاه رفت



مقبره طوطی

الغرض چون درشتان آن نوبهار
 باشتاب از کاخ بهمن شاه رفت
 بهر تاریخش خرد لب خست و گفت
 ماه بهمن شه به بهمن ماه رفت

همانطور که از بیت ششم اشعار فوق برمی آید طوطی خانم همسر بهمن میرزا بهاء الدوله پسر فتحعلیشاه قاجار و بانی ساختمان ارگ دولتی^۱ بوده که در زمان حکومت شوهرش در سمنان در سال ۱۲۴۹ هجری قمری در گذشته و جسدش در بنای کنونی دفن گردیده است.^۲

متأسفانه امروزه درهمه آن تزیینات ارزنده که باقیمانده فعلی آن از شکوه دیرین این جایگاه می کند خرابی بسیار راه یافته. امید است که با این تذکر اداره حفاظت آثار باستانی سمنان به این اثر تاریخی رسیدگی و ویرانی ها را مرمت و تعمیر نماید.

آرامگاه شیخ علاء الدوله سمنانی

از دیر باز سمنان مردان بزرگ و نامی در رشته های سیاست - علوم و ادبیات و فلسفه ، عرفان و شعر ، در دامان خود پرورش داده است که بحث درباره هریک مستلزم تنظیم کتاب جداگانه ایست. بدون هیچگونه تردید و مبالغه یکی از درخشانترین چهره های رهبران فکری ایران در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری شیخ رکن الدین علاء الدوله احمد بن احمد بیابانکی معروف به علاء الدوله رکن الدین ابوالمکارم است . وی در ذیحجه سال ۶۵۹ هجری در قریه بیابانک سمنان پایه عرصه وجود گذاشت . پدرش محمد بن احمد بیابانکی ملقب به ملک شرف الدین در دستگاه ارغون خان و غازان خان پادشاهان ایلخانی

۱ - عده ای طوطی خانم را فرزند بهمن میرزا میدانند

۲ - در زمان ناصرالدین شاه قاجار شخصی بنام ملا محمد تقی دامغانی که از معروفترین شبیه سازهای سمنان بوده تصدی مقبره طوطی را به عهده داشته است .

دارای مقام و منزلت و اعتبار خاص بود .

شیخ دوران کودکی را در مکتب محلی به خواندن و نوشتن و تحصیل بعضی فضیلات پرداخت و در ۱۵ سالگی (سال ۶۷۴ هجری قمری) بخدمت دیوانی دربار ارغوان خان اشتغال یافت . ملازمت او در دستگاه سلطنت تا سال ۶۸۳ هجری بطول انجامید .

در هنگام جنگ ارغون خان با سلطان احمد تکودار ناگهان شیخ به جذبه ای از جذبات الهی دست یافت . قبا - کلاه را بیکسو افکند و خرقة صلاح پوشید و به عبادت پرداخت .

در سن ۲۶ سالگی علم نحو را از کتاب زمخشری و کافیه را از سید اخفش و حدیث را نزد دائی رکن الدین صابین سمنانی فرا گرفت بطوریکه از محدثان عالیقدر زمان خود گردید . تا آنجا که شخصیت هایی چون شیخ صدرالدین - حمویه ، سراج الدین قزوینی ، امام رکن الدین بکری از او اخذ حدیث کرده اند . شیخ علاء الدوله پس از مراجعت به سمنان خاتناه سکاکیه را که متعلق به شیخ حسن سکاکی که از صوفیان معروف قرن پنجم و ششم هجری بود دگر بار بعمارت درآورد و املاکی چند بر آنها وقف نمود . در سال ۶۸۷ هجری در سن ۲۸ سالگی به بغداد رفت و بخدمت شیخ عارف نورالدین عبدالرحمن کسرقی اسفراینی رسید و با بشارت وی حج بگذارد و سپس به سمنان آمد و به ریاضت مشغول شد . بتصریح تاریخ گزیده و حبیب السیر در اوائل سلطنت غازان خان در سال ۶۹۴ هجری قمری بمرتبه وزارت وی منصوب گردید . عزت نفس و نیروی ذاتی و وارستگی ، بی اعتنایی به مادیات این عارف و شاعر شهیر سمنانی را از کلیه همگنان و پیشوایان فکری عصر خود ممتاز کرده . بطوریکه از اطراف و اکناف جهان دلباختگان خسران زده و مریدان ره گم کرده کوی مراد بخوشه چینی به صوفی آبادش می آمدند .

کسانی چون شمس الدین گیلانی - اخی علی رومی ، اخی علی مصری ، اخی عبدالله حبشی ، علاء الدین هندو ، شیخ عبدالله گرجستانی ، خواجه -

رشیدالدین فضل الله همدانی ، امیرچوپان ، امیر نوروز امراء بزرگ مغول برای درك خدمت شیخ به خدمتش آمدند و شخصیت های برجسته ای چون خواجه - نصیرطوسی - علامه حلّی ، کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ، شیخ صفی الدین اردبیلی ، امیر شرف الدین عربشاه و خواجوی کرمانی از معاصران وی بوده و با او صحبت داشته اند. بنا بر نقل مأخذ موجود آثار شیخ علاء الدوله بفارسی و تازی و موضوعات عرفانی وحیث و تفسیر بسیار زیاد بوده بطوریکه ابن حجر در کتاب خود مصنفات وی را بیش از سیصد گفته است^۲ با اینکه شعر و شاعری فن شیخ نبوده مع الوصف اشعار شیوا و دلپذیری دارد. از اوست :

بنده را آنچه خدا داده ز انواع نعم

بهنر از دیده بینا و دل دانانست

هر رند که در مصطبه مسکن دارد

سوزی زمن سوخته خرمن دارد

هرجا که سیه گلیم و آشفته دلی است

شاگرد من است و خرقة از من دارد

شیخ علاء الدوله سمنانی در رجب سال ۷۳۶ هجری قمری در سن ۷۷ سالگی دارفانی را وداع گفت و در خانقاه خود در صوفی آباد یخاک سپرده شد و اینک آرامگاه وی در روستای مذکور واقع در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی سمنان زیارتگاه متشاقان و عارفان صاحب دل است .

۱ - خواجوی کرمانی در وصف علاء الدوله سمنانی میگوید :

هر کو بره علی عمرانی شد چون خضر بر چشمه حیوانی شد

از وسوسه و غارت شیطان وارست مانند علاء الدوله سمنانی شد .

۲ - شرح احوال علاء الدوله سمنانی تألیف سید مظفر صدر

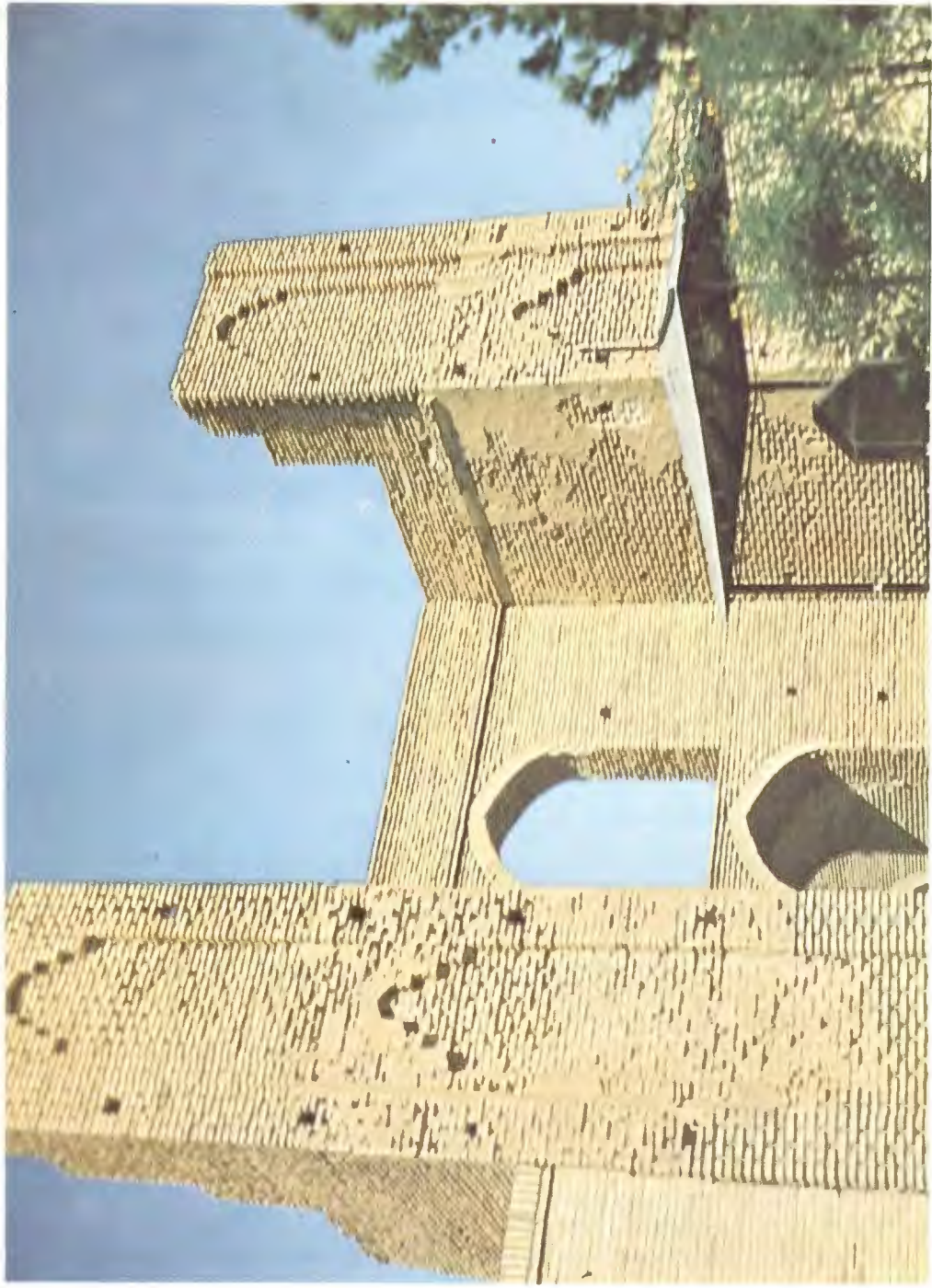
ساختمان آرامگاه شیخ علاءالدوله بنائی رفیع و با عظمتی بوده، که بدستور عمادالدین «جمال الدین» عبدالوهاب وزیر سلطان محمدخدا بنده، از خشت خام بنا گردیده. سپس شیخ خانقاهی بر آن افزوده و در آنجا به ریاضت مشغول گشته است.

بنای خانقاه و آرامگاه این عارف مشهور که بازمانده معماری اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است بعلمت عدم استحکام و در اثر بی توجهی مسئولین امور روبه ویرانی نهاد بطوریکه بجز دو ستون ایوان بقیه آن منهدم گردیده است. خوشبختانه از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ضمن گمانه زینهایی که در این خانقاه و اطراف آن شده قسمت‌هایی از آن بازسازی گردیده است. چون ستونهای باقیمانده قدرت نگاهداری سقف مجدد را نداشت و در ضمن با بازسازی آن اصالت بنا از بین می‌رفت از بازسازی گنبد خانقاه و ایوان و قسمت‌های دیگر چشم پوشیده‌اند. ساختمان فعلی آرامگاه شامل دو قسمت است:

قسمت اول و اصلی آرامگاه محوطه مربع شکلی به ضلع ۷ متر می‌باشد که گنبد عظیم بقعه بر بالای آن قرار داشته است و در چهار طرف این محوطه راهروها و اتاق‌های متعدد ساخته شده است. مزار عمادالدین «جمال الدین» عبدالوهاب بانی این بنا در داخل این قسمت قرار داشته است ولی در حال حاضر اثری از مرقد نامبرده دیده نمی‌شود.

قسمت دوم ایوان رفیع و بلند آرامگاه است که روبه مشرق واقع و از آجر ساخته شده و عبارت از دو جرز آجری بلند به ارتفاع تقریباً ۸/۵ متر مشتمل بر دو طاقنمای تیزه‌دار آجری بدون تزئین است ایوان نیز دارای طاق بزرگی بوده که در سالهای گذشته ویران گشته است. دهنه ایوان ۷ متر و در ضلع غربی آن بر بالای مدخل ورودی پنجره بزرگی تعبیه شده که نور داخل آرامگاه را تأمین می‌کرده است. مزار شیخ که در بیرون ایوان و بر صفه‌ای بزرگ واقع شده دارای ۶۰/۱ متر طول و ۱۰/۱ متر عرض و ۷۰/۰ متر بلندی،

ایوان آرامگاه و خاتقاه شیخ علاءالدوله سمنانی



مشمول بردوسنگ قبر می باشد^۱. یکی سنگ قائم که بدو قسمت مستطیل شکل و منشوری شکل تقسیم شده است .

برسنگ منشوری شکل که از مرمر سفید ساخته شده عبارت «هوکل من- علیهافان و یقی ربک احدذوالجلال والاکرام» و برسنگ مستطیل شکل که از مرمر سبزرنگ رگه دار ایجاد گردیده عبارات زیر بچشم می خورد :

«آرامگاه ابدی سلطان العارفین کوکب رخشنده عالم عارفان و صدرنشین ارائک جنان حضرت امیر رکن الدین علاءالدوله احمد بن شرف الدین محمد بیایانکی که یکی از سرداران سپاه شاه غازان بود ، در هنگام نبرد به اشراق خاطر از باطن اشاره ای یافت و چون توفیق الهی شامل حالش شد یمصاحبت اهل دل مایل و طالب علم باطن گشته وارد سیر وسلوک الی الله گردید . بعنایت پروردگار در تصوف دارای مقامات عالی و کشف کرامات گردید . در خانقاه سکاکیه سمنان و صوفی آباد یکصد و چهل اربعین بریاض مشغول و بدستگیری درماندگان سعی بلیغ داشت . درویشی بود و زیرزاده که تمام عواید و درآمد او صرف دراویش و خیرات و میرات می شد . در سال هفتصد و سی و شش هجری در سن ۷۷ سالگی داعی حق را لبیک اجابت گفته و در برج احرار صوفی آباد در خطیره مولانا جمال الدین عبدالوهاب مدفون گردید رحمت الله علیه»

برسنگ یکپارچه مزارش که بر روی قبر نصب شده و دارای ۱/۵ متر طول و یک متر عرض است اشعار ذیل حجاری گردیده است :

هو ۱۲۱

شیخ علاءالدوله رکنی بود از ارکان دین

حافظ شرع پیمر هادی راه یقین

در طریقت پیشوا و سالک راه خدای

عروة الوثقی ایمان را بدی جبل المتین

۱ - در گذشته گور عرفا و مشایخ صوفیه بدون حائل و سقف و زیر آسمان و فضای باز قرار میداده اند . مقبره نظام الدین محمود مزدقانی وبا یزید بسطامی از آنجمله اند .

در جوانی در سپاه شاه غازان بد امیر
 هاتف غیبی بگفتش راه تقوی برگزین
 دولت جاوید خواهی در ره طاعت بکوش
 تاشوی در عرش اعلا باملايك همنشین
 نیست والا تر مقامی کز سر صدق و صفا
 جبهه سودن بر در مولا امیر المؤمنین
 شهر علم و معرفت راهی ندارد جز علی
 این همان راهی که بنموده است خیر المرسلین
 چون طریقت شاه راه راه اسلام است و بس
 آنکه پویای حق است راهی نداند غیر از این
 شیخ در گنجینه مهر و وفا وان خاتقاه
 در ریاضت طی نمودی یکصد و چهل اربعین
 آنچه را مالک بدی یا از پدر میراث بر
 وقف درویشان نمودی صد هزارش آفرین
 نحوه تقسیم آب شهر سمنان طرح اوست
 اختلاف شرب هرگز نیست بین شاربین
 هر سحر گاه آب می گردد روان در جویبار
 وقف شرعی کرده از بهر وضوی مسلمین
 شیخ در انجام خدمت همت شایسته است
 پیش حق صنایع نمی ماند جزای محسنین
 ارتحالش در شب آدینه دوم روز از ماه رجب
 هفتصد و سی شش از هست بجنّت شد قَرین
 صد هزاران رحمت حق بر روان پاک او
 از سر اخلاص گو آمین یا رب العالمین

معتمدشعری سرود و کرد در این لوح نقش
هدیه آورد از بهر مزار رکن دین

« سال ۱۳۴۸ شمسی برابر با ۱۳۸۹ هجری قمری »

در میان ابیات اشعار فوق گلهای زیبائی بر سنگ قبر حجاری گردیده
است .

سه بعد اطراف قبر از دو قسمت مساوی تشکیل شده . نمای قسمت پائین
از سنگ مرمر سیاه و نمای قسمت فوقانی از سنگ مرمر سفید اعلا است که بر روی
آن اشعار شیخ علاءالدوله و اشعار آقای معتمد حجاری شده بدین صورت که
در بعد سمت چپ قبر این رباعی نوشته شده :

صد بنده اگر به طاعت آباد کنی

به زین نبود که خاطری شاد کنی

گر بنده کنی ز لطف آزادی را

بهرتر که هزار بنده آزاد کنی

علاءالدوله سمنانی

در بعد پائین پای قبر اشعار زیر بچشم می خورد :

هر کس شود از سر طریقت آگاه

در وادی اخلاص نگردد گمراه

در هر دو سرای جاودان خواهد بود

مانند علاءالدوله در حشمت و جاه

معتمدی

در بعد سمت راست قبر این رباعی دیده می شود .

این ذوق و سماع ما مجازی نبود

وین وجد که حال ماست بازی نبود

با بیخبران بگو که ای بیخردان بیهوده سخن به این درازای نبود

علاء الدوله سمنانی

در پشت سنگ قائم قبر بريك سنگ مرمر لوزی شکل این عبارات نوشته شده است: «حجار جلیلی هاشمی منبت کار سیدحسین» و در پائین آن بر سنگ مرمر رگه دار مستطیل شکل چنین نگاشته شده است:

«عرض نیازمندی فقرای شاه نعمت الهی سلطان علیشاهی سیدفضل الله - معتمدی، مهندس حسین یغمائی». بر روی قبر شیخ علاء الدوله زرده آهنین و سقف - داری برپا گشته که قبر را نسبتاً از اشعه سوزان آفتاب کویر حفاظت می کند. روپروی ایوان چند اتاق برای استفاده زائرین مزار شیخ ساخته شده و در وسط صفه باغچه ای با درخت های کاج و یک آب نمای سیمانی دیده می شود. آرامگاه و خانقاه شیخ علاء الدوله سمنانی امروزه در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی است و به شماره ۳۲۰ به ثبت رسیده است.^۱ کارهایی که بمنظور تعمیر و ترمیم این خانقاه از طرف سازمان مذکور در چند سال اخیر انجام گرفته عبارت است از^۲:

۱ - خاک های اضافی که در اطراف خانقاه انباشته بوده است به محلی دیگر انتقال داده شده است.

۲ - احیای مدرس خانقاه به مساحت تقریباً ۲۰۰ متر مربع شامل دیوار چینی با آجر - پوشش کلیه طاقها کوره پوش و ایزولاسیون و آجر فرش بام و بندکشی کامل آن - بندکشی کامل نمای خارجی - اندود گچ خاک و گچ در داخل و ساختن و نصب در و شبکه های لازم.

۳ - مستحکم کردن چهارستون خشتی در پشت بام.

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۷۹

۲ - فرهنگ و هنر سمنان در عصر پهلوی ص ۸۳

- ۴ - کانال کشی در اطراف ساختمان «داخل کانالها بمنظور جلوگیری از صدمات زلزله ، باقلوه سنگ تخم مرغی پر شده است.»
- ۵ - رولوه کامل و کشیدن نقشه های آن .
- ۶ - نما سازی و دیوار چینی و مستحکم کردن معتکفگاه و دو اتاق متصل به آن و پوشش کامل دو اتاق مذکور .
- ۷ - تصحیح يك پنجره در سمت شمالی (مدرس) .
- ۸ - دیوار کشی و نماسازی در سمت شرقی مدرس .
- ۹ - مشخص نمودن دیوارهای حمام در کف زمین (واقع در جنب آرامگاه)
- ۱۰ - احیای پایه تمویضه در ایوان جنوبی .
- ۱۱ - مستحکم کردن و مرمت قسمت پائین ایوان بزرگ .
- ۱۲ - بازپیرائی قسمتی از ایوان بزرگ .
- ۱۳ - آجر فرش و بندکشی کامل ، در قسمت اطاقهای شمالی ایوان بزرگ .
- ۱۴ - هدایت هرز آب بوسیله کانال به خارج ساختمان و عملیات مربوط به آن .
- ۱۵ - کاوشهای باستان شناسی در سمت های جنوب شرقی و شمالی و مرکزی

آرامگاه درویش محمود

در ۱۱ کیلومتری شمال غربی برسر راه شوسه فیروزکوه - سمنان و در روستای قدیمی مؤمن آباد مقبره عظیم و رفیعی وجود دارد که به آرامگاه درویش محمود معروف است .

مدفون این بقعه یکی از عارفان قرن هشتم و جانشین شیخ علاء الدوله سمنانی است . رفیع در کتاب تاریخ سمنان مدفون بقعه را شیخ تقی الدین علی دوستی میداند و صنیع الدوله در کتاب مطلع الشمس وی را درویش علی می نامد . لیکن بر نوشته های سنگ قبر وی که بتازگی بر آن نصب شده و با

نوشته‌های کتب فوق‌الذکر فرق دارد نام شیخ نظام‌الدین محمود مزدقانی
بچشم می‌خورد^۱

آرامگاه درویش محمود فاقد هرگونه کتیبه و سنگ نوشته است که
دال بر انتساب تاریخ اولیه بنا باشد ولی می‌توان آنرا در زمره آثار تاریخی
قرن هشتم بشمار آورد چه اینکه بیشتر مشخصات معماری دوران ایلخانی در این
مقبره پر ابهت دیده می‌شود^۲.

ساختمان مقبره درویش محمود را محوطه بزرگ و مربع‌شکلی به ضلع
۸/۶۰ متر تشکیل میدهد که بر چهار طرف آن چهار درگاه بلند یا قوس جناغی
ساخته شده است.

در درگاه سمت راست در ورودی دری وجود دارد که به اتاق کوچکی
که برای سکونت ایجاد گردیده باز میشود. در درگاه روبروی در ورودی درگاه
کوچکتری با قوس گهواره‌ای و در ضلع روبه قبله آن محراب ساده‌ای بچشم
می‌خورد. در قسمت فوقانی چهار گوشه اتاق چهارفیل پوش بوجود آمده که
بکمک طاقنماهای بزرگ و توگود طرحی هشت ضلعی را می‌سازد. این طرح را
شانزده طاقنمای کوچک به طرح مدوری تبدیل ساخته که پایه ساقه گنبد را
تشکیل میدهند.

داخل مقبره فاقد هرگونه تزیینات و کاشیکاری می‌باشد. در وسط
آرامگاه و زیر گنبد چاه آبی وجود دارد که آب شرب زائرین بقعه را تأمین می‌کند.
ایوان مقبره نیمه مخروطی به ارتفاع تقریباً ده متر می‌باشد که طاق آن

۲- بقعه درویش محمود شبیه بنای هارونیه طوس و خانقاه امام محمد غزالی است.

۱- سید مظفر صدر در کتاب شرح احوال شیخ علاءالدوله ص ۵۵ نظام‌الدین محمود را
کمال‌الدین محمود نوشته است و می‌نویسد: شیخ کمال‌الدین محمود اهل مزدقان که قصبه
معروفی بوده از نواحی ری بین خطه ری و ساوه از ولایت قهستان قدیم می‌باشد وی
پیر خرقه سیدعلی همدانی عارف و مرشد شهیر سید محمد نوربخش سرسلسله شهیر نوربخشی
و سید عبدالله برزش آبادی و غیره از ایشان است

خانقاه و آرامگاه درویش محمود — مؤمن آباد سمنان



فرو ریخته است. در گذشته طاق ایوان بر روی دوترنبه و سه طاقما که طرح نیم دایره ای بوجود آورده بودند استوار بود. در طرفین ایوان دو ستون مدور و قطور و نیمه ویران جلب توجه می کند که احتمالا بنای منارهای آنرا تشکیل میداده. دهنه ایوان ۶۰/۸ متر است و در ضلع روبه قبله آن يك فرو رفتگی در دیوار بعنوان محراب بچشم می خورد.

ارتفاع ساقه آجری گنبد بلندتر از حد متعارف است که بر روی آن کاسه مخروطی گنبد با قاعده پهن و ارتفاع کم قرار دارد. مزار شیخ نظام الدین محمود که در بیرون ایوان و در فضای باز واقع شده دو طبقه می باشد. بدین صورت که طبقه زیرین قبر ۵/۲ متر طول و ۴۰/۱ متر عرض و ۵/۰ متر ارتفاع و از سنگ مرمر سیاه ساخته شده است و يك سنگ مرمر سفید یکپارچه به طول ۳۰/۲ متر و عرض ۲۰/۱ و به بلندی ۲۰ سانتیمتر بر روی آن قرار دارد که عبارات زیر بر آن حجاری شده است:

«اولیای مرات آکادمی حق»

«مرقد مبارک حضرت قطب الاقطاب شیخ کامل العارف الواصل عالم ربانی جناب شیخ نظام الدین محمود مزدقانی هجدهمین رکن سلسله علیه زهبیه، رضویه، مرتضویه، مهدویه کبرویه، احمدیه خلیفه و جانشین حضرت شیخ - علاء الدوله سمنانی (۱۷) و او جانشین شیخ نور الدین عبدالرحمن اسفراینی (۱۶) و او جانشین شیخ احمد جوزقانی (۱۵) و او جانشین رضی الدین علی لالا (۱۴) و او جانشین شیخ مجد الدین بغدادی (۱۳) و او جانشین شیخ نجم الدین کبری (۱۲) و او جانشین شیخ عماد یاسبرسی (۱۱) و او جانشین ابو نجیب سهروردی (۱۰) و او جانشین شیخ احمد غزالی (۹) و او جانشین شیخ ابوبکر نساج (۸) و او جانشین شیخ ابوالقاسم گورکانی (۷) و او جانشین ابوعلی کاتب (۶) و او جانشین شیخ ابوعلی رودباری (۵) و او جانشین شیخ ابو عثمان مغربی (۴) و او جانشین شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی (۳) و او جانشین سری سقطی (۲) و او جانشین جناب شیخ

المشایخ معروف به کرخی (۱) و او را در بانی ظاهر و باطن ولایت مخصوص است به مهر سپهر .

حرمت و تعظیم کن بر نامشان
 بو که یابی بهره از انعامشان
 نامشان ذوق آورد در جان و تن
 روح ایشان چون بود او گوین
 نامشان دل پاک سازد از کدر
 روحشان عند ملیک مقتدر
 یادشان کن از خدا حاجت طلب
 چون چنین کردی اجابت کرد بر

در سمت چپ قبر و بموازات طول آن نوشته ای بر سنگ قبر حجاری شده که تا بالای سر و بموازات عرض تا انتهای آن ادامه دارد . متن این نوشته ها چنین است :

« ولایت آفتاب چرخ هدایت حضرت شمس الشمس و انیس النفوس المدفون بعرض طوس ثامن الائمة اثنی عشر سلطان علی بن موسی الرضا علیه آیه آلاف الثناء والتحیه ». در سمت راست سنگ قبر و بموازات طول آن این عبارات نوشته شده است :

« از ارتحال حضرت شیخ سندی بدست نیست اما آغاز دوره خلافت و ارشاد ایشان سال ۷۳۶ یعنی سال ارتحال حضرت شیخ علاء الدوله سمنانی قدس الله سره می باشد » صحن آرامگاه مخروبه و خاکی است که بعنوان گورستان روستا نیز از آن استفاده می شود . این بنا تحت شماره ۳/۱۳۱۸ به ثبت رسیده است .

متبره پیرنجم الدین

در انتهای خیابان پیرنجم الدین و در گورستان بهمین نام یقعه‌ای وجود دارد که منسوب به پیرنجم الدین دادبخش یا تاج‌بخش می‌باشد. از شجره‌نامه مدفون این آرامگاه اطلاع صحیحی در دست نیست ولی عده‌ای وی را یکی از سرداران ملی سمنان در حمله مغول میدانند. آقای حسین شجره در مقاله‌ای که در ۸ خرداد سال ۱۳۱۹ در روزنامه اطلاعات درج شده مدفون این مقبره را شیخ نجم الدین طامته الکبرا میدانند. هر چند که واقعه شهادت شیخ نجم الدین کبری خوارزمی تقریباً شبیه واقعه شهادت پیرنجم الدین می‌باشد که هر دو در حمله مغول به قتل رسیده‌اند ولی باتوجه به مفاد کتاب ریاض العارفین این آرامگاه نمی‌تواند متعلق به شیخ نجم الدین خوارزمی باشد. در کتاب مذکور چنین آمده است:

«جمعی از اعظم این طایفه (صوفیه) حلقه ارادتش (شیخ نجم الدین) در گوش جان کشیده‌اند و از فیض اخلاقی بدرجات والا رسیده‌اند منجمله شیخ مجدالدین بغدادی و شیخ نجم الدین رازی چون به سعایت اعدای شیخ مجدالدین بغدادی به سعادت شهادت نایل آمد طبع آن جناب از خوارزمشاه ملول گردید و به اصحاب فرمود که آتش از جانب مشرق شعله برافروخت و تا نزدیک به مغرب خواهد سوخت. شما را می‌باید «خطاب به شاگردان» به اوطان خود می‌باید رفت. اصحاب در دفع آن حادثه داعی و ساعی شدند. لشکر مغول حسب الامر چنگیز خان بخوارزم رسیدند و به قتل و غارت پرداختند. شیخ جهاد نموده تا او را تیرباران کردند. شهادت حضرت شیخ در سنه ۶۱۸ بود».

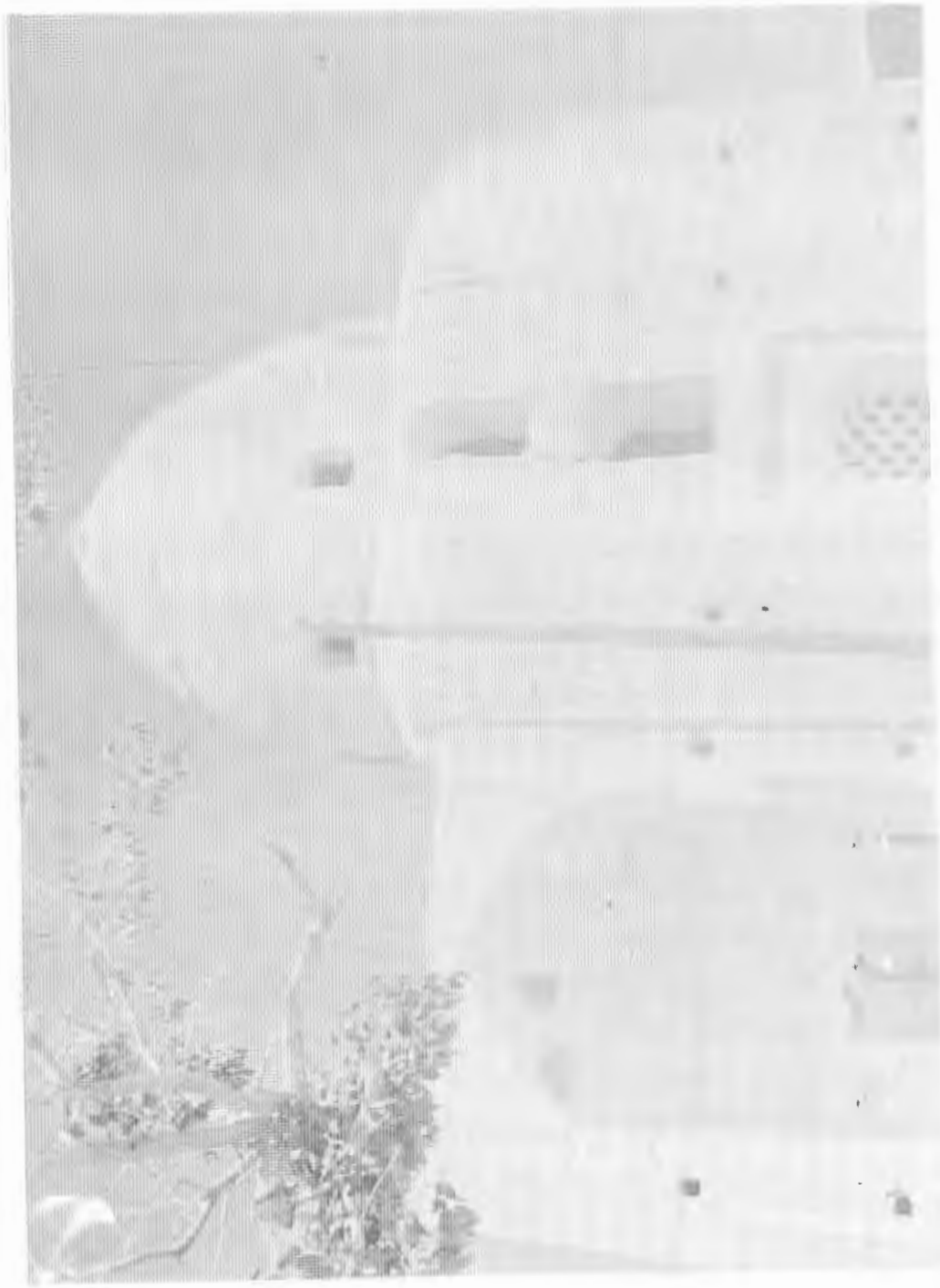
احتمالاً می‌توان شیخ نجم الدین دادبخش را یکی از شاگردان شیخ نجم الدین خوارزمی به حساب آورد که بدستور وی برای مقابله با سپاه جزار مغول به وطن و زادگاه خود سمنان آمده است. رفیع در کتاب تاریخ قومس مدفون این یقعه را کمال الدین سمنانی منجم مشهور دوره خوارزمشاهیان و پدر بی‌بی منجمه سمنانی شاعره معروف میدانند.

در تذکره صبح گلشن چاپ هند از ملا نجم الدین سمنانی متخلص به نجم که از جمله اساتید برجسته بوده نام می برد. ولی بعلت اینکه وی در اواخر عمر در سمنان نبوده بعید بنظر می رسد که در بقعه مزبور دفن شده باشد لیکن قدر مسلم این است که پیرنجم الدین یکی از عرفای جلیل القدر است که کرامات زیادی بدو نسبت می دهند.

مقبره پیرنجم الدین که یکی از آثار دوره مغول است شامل ایوان و حرم و گنبد می باشد و بعلت اینکه قبلاً در وسط گورستان قرار داشته و اکنون در کنار خیابان است فاقد صحن می باشد. ایوان روبه جنوب و متصل به بقعه ساخته شده و ۷ متر ارتفاع و ۳/۵ متر دهنه دارد. در ایوان دو درچوبین ساده بچشم می خورد. یکی از سمت مشرق که به اتاق مقبره باز می شود و در دیگر که شمالی است به باغ بزرگی راه می یابد.

با عبور از درچوبی محقر به فضای داخل بقعه راه می یابیم: نمای داخلی عبارت از محوطه چهارگوشی به ضلع ۵/۷۰ است که در قسمت فوقانی بکمک چهارترنبه و چهارطاقی بصورت طرح هشت ضلعی درآمده و یک ضلع در میان دارای پنجره های بزرگی است که برای نورگرفتن تعبیه شده است در قسمت بالای پنجره ها و طاقنماها رف های کوچک آجری بصورت قاب سازی ایجاد گردیده که مجموعه این رفها طرح هشت ضلعی را به یک طرح مدور تبدیل ساخته اند ساقه گنبد عظیم بقعه از زیر پنجره ها شروع شده و قریب ۳/۵ متر بلندی دارد. کاسه گنبد هم بصورت مخروطی و از آجرهای ساخته شده و فاقد هرگونه پوشش کاشیکاری است.

کف اتاق بقعه تقریباً ۳۰ سانتیمتر از سطح ایوان پائین تر است و قبر ساده گچی در وسط آن و زیر گنبد قرار دارد. پوشش روی مرقد را صندوق مشبك چوبین بی ارزش به طول ۲/۶۰ متر و عرض ۱/۳۵ و ارتفاع ۱/۳۰ متر تشکیل می دهد. در سمت غرب حرم و روبه قبله محراب بلند و ساده ای بچشم می خورد که چیزی جز يك فرو رفتگی بیش نیست. در سه طرف دیگر اتاق سه



طاقچه توگود با طاقهای جناغی ساخته شده که بغیر از طاقچه جنوبی که از آن بعنوان نورگیر استفاده می شود بقیه محل دفن اموات است . در سه گوشه بقعه طاقچه های بسیار کوچکی جهت روشن کردن شمع ساخته اند . در گوشه شمال غربی حرم بر بالای سه صورت قبری که تقریباً نیم متر از کف اتاق بلندتر است سه ردیف کاشیکاری دیده می شود که اشعار ذیل بخط سفید بر متن لاجوردی بر آن نوشته شده است :

یا حی یا قیوم

همه ابنای عالم طعمه مرگند در آخر

چو شد پیمانه عمر بشر پر می شود فانی

خنك آنكس كه آید و سفید از امتحان بیرون

نه از بارگنه سنگین پریشان از پشیمانی

ز یزدان سال فوتش را طلب کردم چنین قاضی

بسال شمسیم الهام شد از حی سبحانی

بسوی گلشن جنت روان گردید باشوکت

امام جمعه سید عبدالله قاضی سمنانی

چه با جد بزرگ خود «نبی» یکجای شد گفتم

کامام جمعه آمرزیده شد از لطف رحمانی

رو بروی آرامگاه پیرنجم الدین دوستون خشتی بسیار بزرگ از خشت خام قرار دارد که برخی از مردم آنرا مقبره فرزندان امیر تیمور گورکانی میدانند . طبق تصمیمات نوسازی اخیر کوچه پیرنجم الدین به خیابان عریضی تبدیل گردید و عملیات خانه سازی در این خیابان سرعت پیش می رود بیم آنست که این بنای تاریخی در خطر انهدام و نابودی قرار گیرد . امید است که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به این بنا توجه کرده و از خرابی بیشتر جلوگیری نماید .

آرامگاه حکیم الهی

این آرامگاه که در صد قدمی میدان شاه و در کنار خیابان شهناز واقع شده مدفن یکی از چهره‌های تابناک فلسفه و حکمت و یکی از مفاخر گرانمایه سمنان است.

حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی یکی از علمای بزرگ و یکی از فلاسفه طراز اول قرن اخیر ایران می‌باشد که در سال ۱۲۴۳ هجری قمری در سمنان بدنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر آموخت. در سن ۱۸ سالگی به اتفاق پدر خود به مکه معظمه عزیمت کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت و در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از چند سال اقامت در عتبات به تهران رفت و سپس برای تکمیل علوم به اصفهان رهسپار گردید. وی پس از مدتی تحصیل و مطالعه در علوم عدیده برای کسب و درک فضایل به سبزوار رفت و به خدمت حاج ملاهادی سبزواری (اسرار) رسید و از محضر فیلسوف تمام عیار ایران خوشه‌ها چید تا به سرحد کمالات معنوی نایل گشت و سپس به سمنان مراجعت نمود.

مرحوم حکیم الهی در نجوم نیز سرآمد همگنان بود بطوریکه دستگاه مذهبی امریکائی او را حکیم ستاره‌شناس سمنانی می‌نامید و حکمت وی بدان حد بود که هیئتی از مبلغین مسیحی امریکائی بریاست مستر اسطیلین که برای مباحثه با حکیم الهی به سمنان آمده بودند در برابر عظمت و فضل و دانش و قدرت علمی و منطقی وی تاب مقابله فکری نیافتند.

حاج ملا علی ظاهراً بمعاد جسمانی معتقد نبود بهمین جهت در اثر سعایت مخالفان وی نزد ناصرالدین شاه قاجار بدربار فراخوانده شد و پس از مباحثه مفصلی که با علما و دانشمندان دربار نمود پیروزمندانه و با خلعتی گرانبها به سمنان مراجعت کرد. این دانشمند بلند پایه سمنان در سال ۱۳۳۳ هجری قمری دارفانی را وداع گفت و بنا ب وصیت ایشان در گورستان عمومی علمدار مدفون

گردید. آرامگاه حکیم الهی امروزه در غرب میدان شاه زیارتگاه صاحب‌دلان است. بنای آرامگاه را ایوان و چند سالن و اتاق تو در تو تشکیل می‌دهد. برپیشانی ایوان که مشرف به خیابان واقع شده و قریب ۵ متر ارتفاع دارد کتیبه‌ای از کاشی دیده می‌شود بدین مضمون :

«آرامگاه قدوه الحکماوالمحققین واسوة العرفا شامخین حاج ملاعلی الهی سمنانی اعلی الله مقامه که بهمت فرزند ارجمندش آقای حاج عبدالجواد الهی در سال ۱۳۲۱ شمسی بنا گردید. وقف جامعه اسلامی شده است تا طبق مقررات آئین نامه آرامگاه از آن استفاده شود» .

تولد رمضان ۱۲۴۳ هجری قمری

وفات ربیع الاول ۱۳۳۳ هجری قمری

بر دو جرز طرفین ایوان کاشیکاری زیبایی بچشم می‌خورد که در قسمت تحتانی سمت چپ عبارت «بسی آقای سید آقا معصومی عملی گردید» و در سمت راست عبارت «عمل حسین ایلیا کاشی ساز اصفهانی» نوشته شده است . طاق ایوان برخلاف ایوان سایر بقاع مسطح و باتیر آهن ساخته شده است در زیر این طاق و بر طرفین درب آهنین آرامگاه پشت بغل‌های کاشیکاری دیده می‌شود که در آن کلمات الله ، محمد ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین ، بخط سفید در متن لاجوردی و بر بالای در عبارت لا اله الا الله بخط سیاه بر متن زرد رنگ نوشته شده است. در جلوی دهنه ایوان که ۳/۵ متر است نرده آهنین مشبک و ضریح ماندی وجود دارد که آرامگاه را از خیابان جدا می‌کند. در طرف چپ ایوان پنجره‌ای بزرگ و در طرف راست آن دو پنجره سالن سرتاسری و سپس در بزرگ و ورودی آرامگاه قرار دارد .

بر بالای سردر ورودی آرامگاه دو نقش از کاشی لاجوردی مزین به نگاره وجود دارد که بر نقش فوقانی عبارت «آرامگاه حاج ملاعلی حکیم الهی» و بر نقش پائین دعای اهل قبور نوشته شده است. در اطراف و پیشانی سردر تزیینات زیبایی از آجر دیده می‌شود. بر نقش‌های کاشیکاری بالای پنجره‌ها

نیز عبارت «لا حول ولا قوة الا بالله» و بر نقش دیگر اسامی محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، نگاشته شده است.

قبر حکیم الهی که در کنار ایوان و داخل صحن مشجر و سرسبز با صفائی و در فضای باز قرار دارد بدون سنگ قبر و بصورت نیمه ویران و بسیار حزن انگیزی در آمده است و به هیچ وجه شایسته مقام دانشمندی چون حاج ملاعلی الهی نیست.

بجاست که انجمن آثار ملی ضمن تجلیل از مقام و شخصیت علمی این حکیم و عالم، نسبت به ایجاد و تأسیس مقبره‌ای آبرومند، در خورشان و منزلت‌ش عطف توجه سریع مبذول دارد و دوستداران و مشتاقان این عالم ربانی را مروهون خدمات خویش نماید.

آرامگاه فانی

در فاصله صدمتری آرامگاه پیرنجم‌الدین مقبره زیبای فانی شاعر آزاده سمنان، سید ابوطالب حسنی سردار ملی سمنان در کمیته نهضت مشروطه قرار دارد. این آرامگاه با اینکه در سالهای اخیر بنا گردیده و نمی‌توان آنرا جزو آثار تاریخی بشمار آورد. ولی از آنجا که مزار یکی از شاعران بنام است و نیز دارای نمای جالبی می‌باشد. یکی از نقاط دیدنی سمنان محسوب می‌شود.

سید ابوطالب حسنی ملقب به محبوب‌علی شاه سمنانی فرزند حاج سید حسن حسنی بانی مسجد شاه و از دانشمندان بنام محسوب می‌شود. وی در سال ۱۲۷۷ هجری قمری در سمنان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به محضر حاج ملاعلی حکیم الهی سمنانی دانشمند بزرگ دوره قاجاریه راه یافت و از خرمن علم و دانشش خوشه‌ها برچید تا بس حد کمال معنوی رسید سپس به سلك تصوف گرائید. در ذی‌قعدة سال ۱۳۳۲ هجری قمری از طرف حاج ملا سلطان‌علی قطب طریقه نعمت‌الهی گنابادی اجازه دستگیری فقرای سلسله مذکور را یافت و به محبوب‌علی ملقب گردید. علاوه بر این، ضمن داشتن تولیت مسجد شاه از این جهت



آرامگاه فانی شاعر آزاده سمنان



که از عارفان مورد احترام و از روشنفکران سمنان در صدر مشروطه بود به ریاست کمیته نهضت مشروطه در سمنان برگزیده شد. بنابراین بادر نظر گرفتن خصایص ذاتی و بزرگواری جلی و خانوادگی که مورد احترام عموم مردم سمنان و نواحی اطراف بود از لحاظ مرجعیت سیاسی و فکری قطب بزرگ و مورد توجه ایالت کومش بود و آوازه قدرت و شهرت وی در اقصی نقاط ایران بخصوص در محافل دولتی پایتخت و در مجامع مشروطه طلبان و مجاهدین طنین انداز بود.

مرگ این عارف و ارسته در سال ۱۳۴۱ هجری قمری (فروردین ۱۳۰۲ شمسی) اتفاق افتاد و در گورستان پیر نجم الدین در آرامگاه اختصاصی مدفون گردید. دومین مدفون بقعه شیخ محمد فانی از عارفان و شاعران معروف سمنان محسوب می شود وی در سال ۱۲۴۷ شمسی در سمنان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر آموخت و سپس برای کسب علوم به قریه لواءسان که محل تجمع بسیاری از دانشمندان بود رفت و چند سالی هم در تهران به تحصیل دانش پرداخت.

او از شاگردان بنام ملا عبدالرسول مازندرانی و میرزا حسن آشتیانی و حاج ملاعلی حکیم الهی سمنانی و میرزا شمس الدین حکیم الهی بوده که بر علوم ادبیه از لغت و عربی و صرف نحو و معانی بیان و بدیع تسلط داشته است. مرحوم فانی مجتهد مسلم و جامع معقول و منقول بود. ولی با این وصف به علوم تحصیلی اکتفا نکرد و تا سال ۱۲۷۶ هجری در نزد حاج ملاعلی گنابادی نور علی شاه ثانی به سلك فقرای نعمت الهی گنابادی درآمد. و در این راه کوشید تا سال ۱۳۵۷ از طرف حضرت صالح علی شاه اجازه دستگیری فقرای ایالت کومش به وی محول گردید و بدرویش ظفر علی ملقب گردید. وفات او در سال ۱۳۶۱ هجری قمری در سمنان اتفاق افتاد و در آرامگاه محبوب علی شاه دفن شد.

آرامگاه فانی شامل گنبد و حرم و صحن و فاقد ایوان است. نمای خارجی آرامگاه بصورت مکعب مستطیل آجری است که دو در اصلی طرفین بنا حیاط را

به بیرون متصل می‌کند. اتاق بقعه مستطیل شکل است که بوسیله دو پنجره شمالی و دو پنجره جنوبی نور می‌گیرد. بر بالای پنجره‌های شمالی آرامگاه و در نمای خارجی آن کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی وجود دارد که اشعار ذیل بخط سفید بر آن نقش بسته است:

آنکه از نور محبت متجلی است
 او محب حق و محبوب علی است
 هر که فانی شد ز خود باقی باوست
 جان او گنجینه اسرار هوست
 آنکه فقرش کوس سلطانی زند
 خیمه در گردون انسانی زند
 در دو عالم جان او و خاک او
 جلوه‌ها دارد ز نور پاک او
 جان او روشنگر افلاکیان
 تربت پاکش فروغ خاکیان
 خاک مشمار این طلسم بسته را
 سرد منگر آتش بنشسته را
 در ره عشق آنکه منظور حق است
 جسم و جانش روشن از نور حق است.
 تربت فانی و محبوب علی
 شد بر این گفتار برهان جلی

بر بالای درب آهنین سمت چپ که در نمای شمالی قرار دارد و به راهروی عریضی باز می‌شود مطالب زیر کتیبه شده است: «این بقعه شریف بسال ۱۳۴۱ هجری شمسی و اهتمام سید محمد علی شریعتی سلیل عالم ربانی و سید ابوطالب حسنی سمنانی (محبوب علی) شیخ سلسله جلیله نعمت الهی سلطانعلیشاهی ساخته و پرداخته گردید سازنده کاشی خاک نگار مقدم».

در بالای نمای جنوبی بقعه مشرف به حیاط کتیبه‌ای دیگر بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی وجود دارد که صلوات بر چهارده معصوم بر روی آن نوشته شده است. گنبد زیبا و خوش فرم آن از دو قسمت تشکیل شده که عبارتست از: ساقه گنبد به ارتفاع ۱/۲۰ متر متشکل از یک بخش آجری به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر و سپس یکدوره کاشی لاجوردی با حاشیه مزین به گل و بوته که سورة شریفه الرحمن تا آیه ۲۴ بخط سفید بر آن نوشته شده و در انتها به عبارت (سازنده کاشی سه برادران حقیقت) ختم می‌شود. محیط ساقه ۱۷/۱۰ متر و ارتفاع گنبد از بام تقریباً ۵ متر است. پوشش کاسه گنبد را که با تناسب کامل و فرم جالب بر روی ساقه قرار دارد، نره کاشی‌های سبز متمایل به فیروزه‌ای تشکیل میدهد در صورتیکه نمای داخلی بقعه آجری و بسیار ساده و فاقد هرگونه تزییناتی است.

حمام‌ها - آب انبارها

حمام پهنه

حمام پهنه یکی دیگر از آثار قدیمی وبا ارزش سمنان است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این حمام که در گوشه شمال غربی تکیه پهنه بین مسجد جامع و مسجدشاه و امامزاده یحیی قرار دارد در سال ۸۵۶ هجری قمری در زمان سلطنت ابوالقاسم بابرخان پادشاه تیموری و بدستور وزیر وی خواجه غیاث الدین بهرام سمنانی ساخته شده است. امروزه کتیبه یا سنگ نوشته‌ای در این بنا وجود ندارد ولی چنانکه از کتاب مطلع الشمس نوشته صنیع الدوله مستفاد می‌گردد کتیبه‌ای در این حمام نصب بوده بدین مضمون:

«امر ببناء هذا الحمام المبارك فی زمان دولت سلطان الاعظم ملک الملوك فی العالم مغیث الحق والدین ابوالقاسم بابرخان خلدالله ملکه و سلطانه دستور الوزراء الاعظم خواجه غیاث الدین محمد بن المرحوم خواجه تاج الدین بهرام سمنانی فی شوال سنه ست و خمسين و ثمانمائه ۸۵۶ هجری قمری» .

این حمام بعلمت کم توجهی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ویران گشته و کتیبه آن نیز بروراز میان رفته و یا ربوده شده است ولی در سال ۱۳۲۱ هجری قمری در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و طبق دستور حاج ملاعلی حکیم الهی سمنانی دانشمند و عالم معروف نسبت به تعمیر و تجدید بنای حمام مزبور اقدام گردید . بطوریکه صورت اولیه آن محفوظ مانده است . ساختمان حمام پهنه از سه قسمت تشکیل یافته ، قسمت اول رخت کن یا سرینه است که

بوسیله يك هشتی و يك راهروی كوچك به بیرون راه می یابد . این سربینه با طرح مربع شکل ساخته شده و دارای چهار غرفه در چهارطرف است . در وسط آن نیز حوضچه ای احداث گردیده است . چهار طاق هلالی که بر روی چهارستون قطور هشت ضلعی استوار شده سقف گنبدی شکل رخت کن را نگه میدارد . در وسط روزنه ای دایره شکل و در چهارطرف آن چهار روزنه كوچكتر برای اخذ نور از خارج تعبیه شده است .

بگفته آقای صحت شاعر معروف سمنان در رخت کن حمام کاشی های فیروزه ای بسیار زیبائی بکار رفته که تا چند سال قبل هنگام تعمیر در اثر بی ذوقی و عدم توجه روی آنها را گچ مالیده و سفید کرده اند . با وجود این تغییرات مهم در ساختمان حمام پس از تعمیر ، رنگ آمیزی صورت گرفته است . قسمت اول حمام مزبور را يك هشتی كوچك دیگری به قسمت دوم و سوم یعنی گرمخانه و خزانه متصل می کند . در سالهای اخیر چون استفاده از خزانه غیر بهداشتی بوده از دوش های آب گرم و سرد و آب لوله کشی استفاده می شود .

در داخل گرمخانه بخش های متعددی وجود دارد که از آنها بعنوان محل شستشو استفاده می کنند . یکی از قسمت های جالب توجه حمام پهنه سردر زیبا و کاشیکاری آن می باشد . باینکه در انجام کاشیکاری به اندازه کافی دقت نشده و فاصله بین کاشی ها نمای بدمنظره گچ و سیمان بچشم می خورد ، یازهم از جذابیت قابل توجهی برخوردار است .

در طرفین در ورودی که از چوب ، با گل میخهای آهنی ساخته شده ، دو نقش از يك افسر و فرمانده قاجار با شمشیر وجود دارد . در بالای در ورودی ، بر هشت قطعه کاشی لاجوردی اشعاری بخط نستعلیق خوانا و استادانه نوشته شده است . این اشعار توسط مرحوم اسدالله منتخب السادات پدر استاد حبیب یغمائی مدیر محترم مجله یغما که در آن موقع ساکن سمنان بوده در مورد تاریخ بنای مجدد و تعمیر این حمام سروده شده است بدین شرح :



عاقلان دیدند کاین دنیا ندارد اعتبار
 ساخت باید خانه‌ای شایسته در دارالقرار
 از برای یوم لاینفع و لامال بنون
 حاج اسدالله آمد این بنا را خواستار
 حضرت ملاعلی آن طایف بیت الحرام
 کز وجودش کعبه را نبود به سمنان افتخار
 نخل علم و کان حلم و اصل دانش بحر فضل
 حافظ شرع پیمبر تابع هشت و چهار
 داد دستوری که سازند استوار این سخت پی
 آنکه ارکان شریعت از وجودش استوار
 کرد این حمام را بنیاد چون باغ بهشت
 تا مگر ماند از او این صحن و مسلخ یادگار
 این چنین پاکیزه حمامی که آتش خانه‌اش
 از در رفعت سپهر هفتمین بیند نجار
 منتخب سادات خوری بهر تاریخش نوشت
 باد این گرمابه دایر تا بود لیل و نهار
 ۱۳۱۲ هجری قمری

بر بالای این کتیبه نقش دوشیر و خورشید دیده می‌شود .
 ازاره این سردر را کاشی‌هایی با گل‌های سفید و لاجوردی به ارتفاع
 یک متر تشکیل میدهد. بر بالای سردر نیز پشت بغل‌های کاشیکاری جالبی
 بچشم می‌خورد .
 حمام پهنه که از موقوفات مسجد جامع است در اختیار اداره اوقاف
 می‌باشد تحت شماره ۱۰۲۲ جزو آثار ملی به ثبت رسیده و سازمان ملی حفاظت
 آثار باستانی سمنان در نظر دارد که در فرصت مناسب از این حمام برای ایجاد

موزه مردم‌شناسی استفاده نماید.^۱

ناگفته نماند که حمام پهنه بعلت نزدیکی با بقعه حضرت یحیی بن موسی بن جعفر بنام گرمابه حضرت نیز خوانده می‌شود. و امروزه این بنا با همه قدمتش همچنان مورد استفاده مردم است.

حمام قلی

در کوچه ملا قزوینی و بالاتر از بازار شیخ علاءالدوله حمام کهنه و قدیمی معروف به حمام قلی واقع شده است. در این حمام کتیبه‌ای که حاکی از انتساب تاریخ بنای اولیه آن باشد وجود ندارد. لیکن عده‌ای از مطلعین ساختمان این بنا را با بنای آب‌انبار همزمان میدانند و اگر چنین باشد می‌توان حمام قلی را در زمره یکی از آثار تاریخی قرن دهم بشمار آوریم. مرحوم اعتمادالسلطنه در کتاب خود این حمام را یکی از دوازده حمام معروفی میداند که در آن زمان وجود داشته است. درب ورودی حمام را راهروی باریک و هشتی کوچکی به رخت‌کن حمام وصل می‌کند. در ورودی قدیم را بعلت کهنگی یا درب آهنی جدیدی در سالهای اخیر تعویض کرده‌اند. بطور کلی حمام قلی شامل سه قسمت سربینه رخت‌کن، گرمخانه و خزانه می‌باشد. بخش اول یا سربینه بشکل مربعیست که چهار غرفه با طاقهای قوسی شکل در اطراف آن ساخته شده و محل تعویض لباس مشتریان می‌باشد. سقف گنبدی کم‌خیز رخت‌کن بر روی چهار طاق جناغی استوار شده که پایه‌های آنها را ستونهای مربع شکل و قطوری تشکیل میدهد که با کاشی سفید جدید پوشش یافته است.

نور داخل سربینه بوسیله روزنه‌ای که در وسط سقف وجود دارد تأمین می‌گردد. در گذشته نه‌چندان دور غرفات اطراف سربینه حدود یک متر از سطح رخت‌کن بلندتر بوده و دارای تزیینات کاشیکاری زیبایی بوده است که ازاره

۱ - متأسفانه این تصمیم از مرحله گفتار تجاوز نکرده و معلوم نیست چه‌هنگامی این فرصت مناسب بدست خواهد آمد

چهارستون رخت کن و غرفات اطراف به اندازه يك متر کاشی هفت رنگ تشکیل میداده است. در میان کف رخت کن حوض سنگی خوش فرمی قرار داشته. در جلوی غرفات چهارگانه و در طرفین پله های كوچك، نرده های چوبین خراطی شده زیبایی نصب بوده، در قسمت تحتانی غرفه ها حفره های كوچك و منظمی ساخته شده بود که مشتریان کفشهای خود را در آنجا قرار میدادند. متأسفانه در سالهای اخیر ضمن تعمیرات کلی که در آن بعمل آمده از آنهمه شکوه و زیبایی جز نامی بجا نمانده، کف سربینه تالبه غرفه ها پر وسطح آن یکسان شده است. از کاشی های ازاره و هم چنین نرده های چوبین آن کوچکترین اثری بچشم نمی خورد.

بطور کلی حمام مزبور بدون در نظر گرفتن سقف گنبدی بصورت بنای جدیدی درآمده و دخالت های بیجای يك عده انسان بی اطلاع این حمام قدیمی را از اصالت تاریخی آن خارج ساخته است. قسمت دوم حمام گرمخانه می باشد. بعد از گذشتن از راهرو به يك هشتی كوچك وارد می شویم که شامل دو بخش نظافت و توالت است. تن شستگان وقتی از گرمخانه بیرون می آمدند در اینجا اندکی می ایستادند و بدن خود را خشک می کردند و سپس به رخت کن می رفتند تا مسیر ناگهانی جریان هوای سرد بیمارشان نکند.

پس از عبور از هشتی به گرمخانه می رسیم که قسمت اصلی آن دارای طرح مستطیل شکل و سقف ضربی بانورگیر می باشد.

در قسمت شمالی گرمخانه شاه نشینی ساخته شده که به اندازه ۲۰ سانتی متر از کف حمام بلندتر و در وسط آن حوضچه ای قرار دارد. پله های ورودی به خزانه در این قسمت واقع شده است. در قسمت غرب گرمخانه خزانه و در بخش جنوب که به اندازه يك متر از سطح گرمخانه پائین تر است دوشهای آب گرم و سرد ایجاد گردیده است.

چند سکوی سیمانی در جلوی خزانه ساخته شده که مردم برای شستشو از آن استفاده می کند.

حمام ناسار

این حمام که در بازار عمومی شهر و در صدقدمی تکیه ناسار واقع شده قریب سه قرن قدمت دارد. ویکی از بناهای دوران صفویه بشمار می آید. این بنا در سال ۱۱۱۸ هجری در زمان شاه عباس کبیر بوسیله حاجی الحرمین آقاملکی ساخته شده است. بر بالای سردر کوچک حمام که بوسیله راهروی طویل و درازی به سرینه متصل می شود سنگ نبشته ای به ابعاد ۳۰×۲۰ سانتیمتر برنگ سیاه وجود دارد که عبارت ذیل بر آن نقش بسته است :

«بناکننده این حمام حاجی الحرمین ، حاجی محمدزمان ملک بتاریخ ۱۱۱۸ هجری» .

حمام ناسار دارای دو قسمت زنانه و مردانه می باشد. در دیگر حمام در خیابان فرعی فرخی باز می شود .

حمام نخست

حمام نخست در ابتدای بازار عمومی و در کنار خیابان یغما قرار دارد که نسبت به حمامهای فوق الذکر جدید می باشد این حمام که دارای سه بخش سرینه، گرمخانه ، خزینه می باشد قریب سه متر از کف خیابان مجاور پائین تر می باشد . سردر اولیه حمام مذکور دارای کاشیکاری و کتیبه ای از کاشی قرمز است که عبارت زیر بر آن نوشته شده است .

«گرمابه نخست سنه ۱۳۴۹ هجری قمری»



بغیر از حمامهای یادشده حمامهای دیگری در سمنان وجود دارد که عبارتند از : حمام ناسار بالا - حمام قدیمی سرخه - حمام روسها که ویران است و.....

آب انبار قلی

در پنجاه قدمی حمام قلی آب انبار کهنه و قدیمی وجود دارد که به آب انبار قلی معروف است. این آب انبار که از بناهای قرن دهم هجری است بوسیله شخصی بنام حاجی فرج در سال ۹۲۱ هجری شمسی احداث گردیده است. سردر آب انبار و فاقد هر گونه تزیینات خاصی می باشد. بر بالای مدخل ورودی آب انبار لوحه سنگی مستطیل شکلی بچشم می خورد که اشعار ذیل بر روی آن نقر گردیده است :

هو الفیاض

حاجی فرج احمد از فتوت ساخت

بر که پرز فیض چون در ناب

گفت تاریخ هاتمی بادا

از شراب طهور حق سیراب

سنه ۹۱۲ هجری شمسی

در سالهای گذشته طی تعمیراتی که در این بنا صورت گرفت آنرا از صورت اولیه اش خارج ساخته اند .

آب انبار امامزاده علوی

روبروی در ورودی بارگاه علویان آب انبار کهنه و نیمه ویرانی دیده می شود که طبق نوشته صنیع الدوله بوسیله اسماعیل خان سنگسری برادر ذوالفقار خان حاکم جبار سمنان در زمان فتحعلیشاه قاجار ساخته شده است . این آب انبار فاقد کتیبه می باشد ولی بر بالای آن آثار يك فرورفتگی بچشم می خورد که به احتمال قریب به یقین محل نصب کتیبه ای بوده است. بر بالای منبع اصلی آب گنبد مخروطی با بادگیر جهت خنک کردن آب ایجاد گردیده است.

آب انبار ناسار

یکی از مهمترین و عمیق ترین آب انبارهای سمنان آب انبار ناسار می باشد که در دوران قاجاریه ساخته شده است. این آب انبار دارای سردر بزرگی است که بر روی دو جرز مشتمل بر دو اسپر آجری استوار گردیده. بر بالای مدخل ورودی آب انبار لوحه ای سنگین نصب شده که اشعار ذیل بر آن حجاری گردیده است.

راد حاجی رحیم پاك نهاد
فخر حجاج طائف حرمین
بر که ساخت کش
جوی نهر الحیوة و کوثر عین
آب آمد سبیل و تاریخش
باد لعنت به قاتلان حسین

سنه ۱۲۷۴ هجری

آب انبار ناسار دارای پله های سنگی پهن و بلند می باشد. سقف پائین آب انبار مشتمل بر ایوانی است که بصورت دایره و بوسیله راهروئی که در سمت راست آب انبار قرار دارد به قسمت اصلی راه می یابد سقف بلند آن گنبدی و دارای سوراخی بزرگ است که نور داخل آب انبار را تأمین می کند.

آب انبار کهنه دژ

آب انبار کهنه دژ در محله ناسار بالا و در کوچه کهنه دژ قرار دارد. این آب انبار دارای سردر آجری و پشت بغل های آجری با تزیینات هفت و هشت می باشد که در سال ۱۳۳۵ هجری قمری بوسیله شخصی بنام حاجی میرزا ملقب به دربان ساخته شده است. بر بالای مدخل ورودی آب انبار لوحه ای بطول نیم متر و عرض ۳۰ سانتیمتر وجود دارد که اشعاری بر آن منقور است.

آب انبار پاچنار

در مجاورت قلعه كوچك پاچنار آب انبار آجری نسبتاً كوچكى قرار دارد كه به آب انبار پاچنار معروف مى باشد این آب انبار دارای سردر آجری و پشت بغل های آجری با تزیینات هفت و هشت است. بر بالای سردر آب انبار كتیبه ای سنگی بچشم مى خورد كه اشعارى بدین مضمون بر آن نوشته شده است :

جوان مردى ز آل پاك طه

به حاجى سيد هادى او مسما

سخنى طبعى كه حاتم پيش جودش

بدى چون قطره اى درپيش دريا

چه بودند از طريق شرع كامل

چه بودند از ره ايمان مصفا

چه در آغاز تا انجام عالم

حیات جاودانى

بنای این حوض كرد از روى اخلاص

پى اجر بقا در دار دنیا

.....

تو پندارى خليلش بود بنا

كند يك جرعه از آب زلالش

هزاران مرده صد ساله احيا

پى تاريخ ناطق بى تامل

رقم بر صفحه زد از طبع گويا

.....

بعالم چشمه كوثر هویدا

۱۲۴۳ هجری

چنانکه از مفاد کتیبه پرمی آید این آب انبار در زمان قاجاریه ساخته شده است بر بالای منبع آب گنبد بزرگ خشتی مخروطی شکل با بادگیر احداث گردیده است .

آب انبار صادقیه

آب انبار صادقیه در بیست قدمی درب جنوبی مسجدشاه و در کنار مدرسه‌ای بهمین نام واقع شده است. این بنا که در اوایل مشروطیت ساخته شده به آب انبار صادق خان نیز معروف است . سردر این آب انبار آجری و فاقد تزییناتی می باشد . بر بالای مدخل ورودی آب انبار محل کتیبه‌ای بچشم می خورد که متأسفانه بدون لوحه سنگی می باشد .

آب انبار سرخه

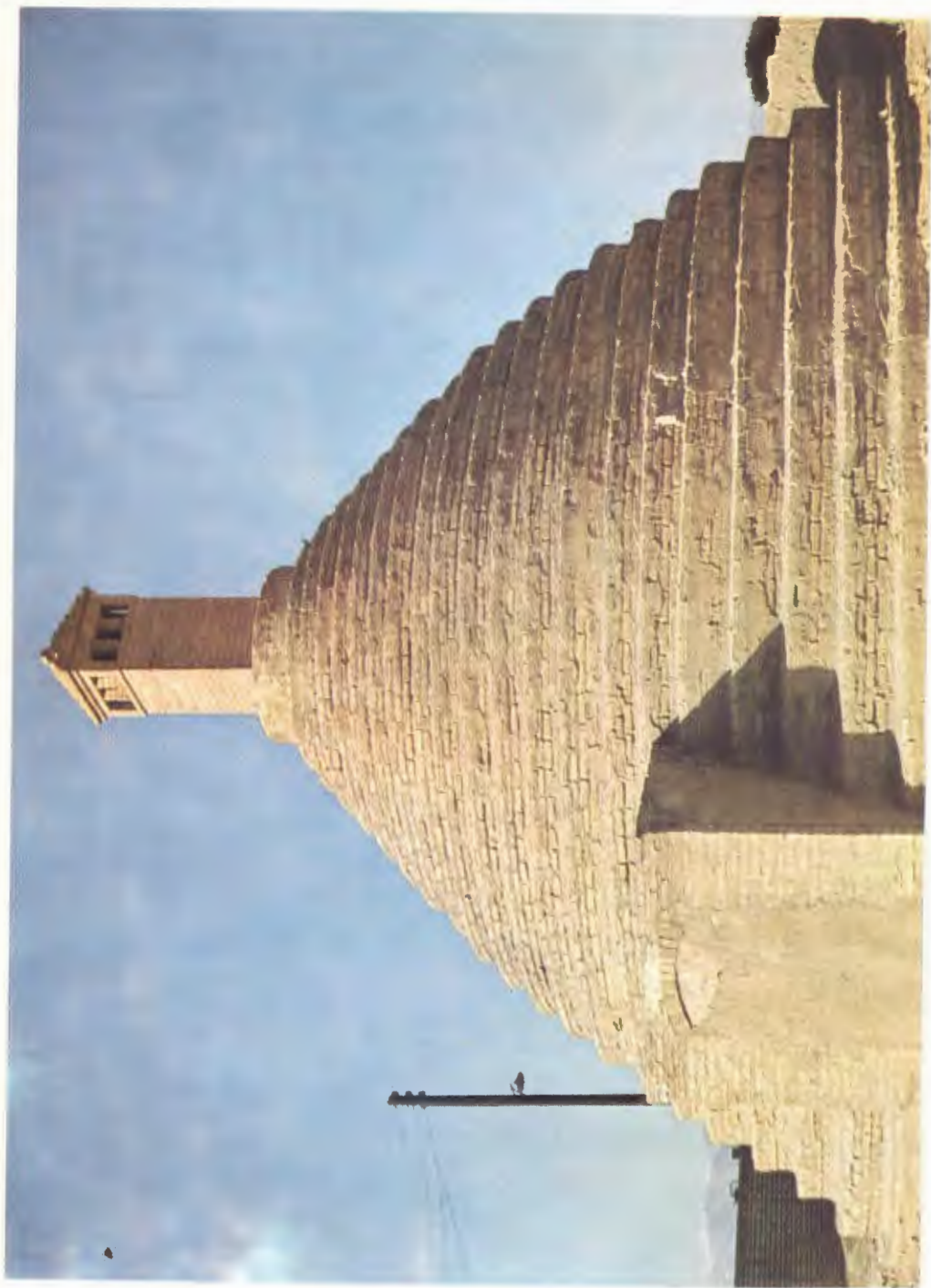
این آب انبار قدیمی در یکی از کوچه‌های یخش سرخه واقع شده که مدخل ورودی آن در داخل تکیه مسجد و منبع بزرگ آن در کوچه قرار دارد. بر بالای منبع آب گنبد عظیم مخروطی وجود دارد که بر اساس معماری سنتی خاص ناحیه کویری ساخته شده و دورتادور آن تانوک گنبد پله‌های مدوری احداث گردیده است . بر بالای گنبد بادگیر کوچکی جهت عبور جریان هوا و خنک کردن آب بچشم می خورد .

آب انبارهای جدید

گذشته از آب انبارهای قدیمی آب انبارهای دیگری نیز در سمنان وجود دارد که در سالهای اخیر ساخته شده و بعلت اینکه دارای زیبایی خاصی می باشند و برخلاف آب انبارهای قدیمی دارای تزیینات آجری جالبی هستند در اینجا شرح مختصری درباره آنها داده خواهد شد :

آب انبار توکلی

یکی دیگر از نقاط دیدنی سمنان آب انبار توکلی است که در خیابان



آب انار سرخه

ششم بهمن و روبروی مدرسه‌ای بهمین نام قرار دارد. سردر آن آجری و در قسمت بالا و سرتاسر آنرا قطار بندی ساده‌ای که بکمک دو رج آجر که بطور سه گوش قرار داده‌اند زینت داده‌است. بر بالای مدخل ورودی آب انبار دو نقش از کاشی وجود دارد. بر نقش فوقانی عبارت «یا هو بسم الله الرحمن الرحيم من الماء کل شی حی» بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده و نقش پائین بصورت مستطیل است و شامل کاشی خشت‌های لاجوردی می‌باشد که بر روی آن عبارت ذیل نقش بسته است :

«نظر به فرمایش حضرت ختمی مرتبت ص

اذا مات این آدم انقطع عمله الا من ثلاث جارته او ولد صالح او علم ینتفع به الناس - لذا موفق گردید به توفیقات یزدانی و تأییدات ربانی آقای احمد - توکلی فرزند مرحوم حاج محمد اسماعیل طاب ثراه بنام بهترین صدقه جاریه که موجب تمام اشیاء است. این آب انبار در سال ۱۳۶۴ هجری قمری مطابق ۱۳۲۴ شمسی بنا نمود تا عموم بندگان خدا برای آشامیدن بهره‌مند شوند. دسترنج حسین ایلیا اصفهانی، معماری قربانعلی معمار».

دیوارهای طرفین آب انبار اندکی به جلو متمایل شده و در گوشه آن دو ستون مدور زیبا ساخته شده است. برپیشانی سردر آب انبار نام احمد توکلی بر کاشی لاجوردی به چشم می‌خورد. این آب انبار دارای ۳۲ پله سنگی به ارتفاع ۲۷ سانتیمتر است که سقف آنرا طاق گهواره‌ای کوتاه با تزیینات آجری هفت و هشت تشکیل میدهد.

بر بالای منبع اصلی آب گنبدی مخروطی شکل بلند از آجر ساخته شده و دور تادور آن پله‌های مدور احداث گردیده و بر بالای آن بادگیر کوچکی جهت عبور جریان هوا و خنک کردن آب تعبیه شده است. در پشت مدخل و سردر آب انبار اتاق کوچکی وجود دارد که در آن روبروی گنبد باز می‌شود.

آب انبار کارخانه

یکی از زیباترین آب انبارهای سمنان و بطور کلی جالبترین آب انبار حاشیه شمالی کویر را می توان آب انبار کارخانه بحساب آورد. این آب انبار که بعلت مجاورت کارخانه ریسندگی و بافندگی به این نام خوانده می شود. در سال ۱۳۱۰ یعنی همزمان با احداث کارخانه فوق الذکر توسط حاجی علینقی - کاشانی تاجر معروف ساخته شده است.

آب انبار مزبور دارای سردر بسیار زیبا مزین به تزیینات آجری عالی می باشد. دوطرف آب انبار اندکی به جلو متمایل شده و طرح دوزنقه ای پیش فضای آب انبار را بوجود آورده. بر بالای مدخل ورودی مجلسی نیم دایره از آجر وجود دارد که در آن نقش دوشیر در کنار گویی بچشم می خورد.

در این آب انبار کتیبه ای وجود ندارد سقف آن گهواره ای کوتاه با تزیینات آجری ساده می باشد. در طرفین آب انبار دو مغازه کوچک وجود دارد. در سالهای اخیر راه پله های این آب انبار را بسته اند.

آب انبار کاشفی

آب انبار کاشفی در خیابان سعدی و در کنار خیابان استخر واقع شده است. این آب انبار دارای سردر سنگی و کتیبه ای از کاشی لاجوردی می باشد. این آب انبار با کمک حاج حسین کاشفی و به همت پسرش حاجی محمد کاشفی ساخته شده است متأسفانه تعدادی از این کاشی ها ریخته و قسمتی از اشعار نوشته شده بر آن ناتمام است. این اشعار عبارتست از:

دنیا چه عجزه ایست مکار

پر عشو و زشت و شوم و غدار

دل برکن از این عجزه دهر

خود را به خدای خویش بسپار

آب انبار توکلی



تاوقت تراست فکر ره باش
 بس پر خطر است وراه دشوار
 چون نیست در این جهان بقایی
 نیکی کن و زاد و توشه بردار
 چون حاج حسین کاشفی را
 توفیق رفیق و بخت شد یار
 از بهر ذخیره قیامت
 بنمود بنای آب انبار
 از همت پور ارجمندش
 از مسجد و تکیه مانده
 بنمود بنای هرسه گانه

 بسم الله الرحمن الرحيم يا ابا عبد الله حسين ايلياء

آب انبار چو بمسجد

آب انبار چو بمسجد در خیابان رستاخیز واقع شده و یکی دیگر از
 آب انبارهای جدید البنائی است که در سال ۱۳۳۴ شمسی ساخته شده این
 آب انبار دارای سقف آجری با تزیینات هفت و هشت و کتیبه ای از کاشی می باشد
 که اشعار ذیل بخط سفید بر متن لاجوردی بر آن نوشته است :

تا که در این گنبد دلایل و نهار است

نیک کاران را درین عالم نکوکاری شعار است

نیک نامی را اگر خواهی بجوئی گویمت هان

نام او باشد کریم و از کریم این یادگار است

این بنای آب انباری که کرده است تاقیامت
 نام نامیش بگیتی تویقین دان برقرار است
 گر بخواهی سال تاریخش زمعمومی به تحقیق
 سال شمسی یک هزار و سیصد و سی و چهار است

بانی آب انبار محمد کریم حمزئیان ولد عبدالکریم

۱۳۳۴

پشت بغل‌های دوطرف مدخل ورودی از کاشی‌های هفت‌رنگ زیبائی
 است . بر روی لچکی سمت چپ عبارت «السلام علی‌الحسین وعلی‌الصحاب -
 الحسین» و بر لچکی راست عبارت «لعنت‌الله علی‌قاتل‌الحسین واعدائه» نوشته
 شده است .

آب انبارهای دیگر

در گوشه و کنار شهر آب انبارهای قدیمی و جدید زیادی بیچشم می‌خورد.
 مهمترین این آب انبارها عبارتند از: آب انبار علی بن جعفر ، آب انبار چهارسوق
 آب انبار مسجد صاحب‌الزمان در بازار - آب انبار حاجی شیخ - آب انبار
 امامزاده زین‌الدین - آب انبار سنادره .

پادشاهان و شخصیت‌هایی که به سمنان سفر کرده‌اند

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------|
| ۱ - داریوش سوم | در سال ۳۳۰ قبل از میلاد |
| ۲ - امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) | در سال ۲۰۱ هجری قمری |
| ۳ - یعقوب لیث صفار | در سال ۲۶۰ هجری قمری |
| ۴ - امیر اسماعیل سامانی | اواخر قرن سوم هجری |
| ۵ - سلطان محمود غزنوی | اوایل قرن پنجم هجری |
| ۶ - سلطان مسعود غزنوی | قرن پنجم هجری |
| ۷ - طغرل سوم | ۵۹۰ هجری |
| ۸ - امیر چوپان امیرالامرا | اواخر قرن هفتم |
| ۹ - غازان خان | اواخر قرن هفتم |
| ۱۰ - شاه عباس کبیر | اوایل قرن یازدهم |
| ۱۱ - نادرشاه افشار | در سال ۱۱۴۲ هجری قمری |
| ۱۲ - فتحعلیشاه قاجار | در سال ۱۲۱۷ هجری قمری |
| ۱۳ - ناصرالدین شاه | در سال ۱۲۸۴ هجری قمری |
| ۱۴ - رضاشاه کبیر | در سال ۱۳۱۷ شمسی |

سیاحان و جغرافیدانانی که به سمنان مسافرت نموده‌اند

- ۱ - ابواسحق ابراهیم اصطخری اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم
- ۲ - شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی قرن چهارم
- ۳ - ابودلف مسعربن المهلهل الخزر جی -
- ۴ - ناصر و خسرو قبادیانی قرن پنجم
- ۵ - یاقوت حموی قرن هفتم
- ۶ - حمدالله مستوفی قرن هشتم
- ۷ - ابو الفداء عمادالدین اسماعیل قرن هشتم
- ۸ - حاج زین‌العابدین شیروانی قرن سیزدهم
- ۹ - محمد حسن خان صنیع‌الدوله قرن سیزدهم
- ۱۰ - شیخ اسدالله گلپایگانی قرن سیزدهم
- ۱۱ - جرج ناتانیل کرزن انگلیسی ۱۸۹۱ میلادی
- ۱۲ - کلاویخو سفیر اعزامی اسپانیا ۱۴۰۳ میلادی
- ۱۳ - هانری رنه دالمانی فرانسوی ۱۹۰۷ میلادی
- ۱۴ - آرم وامبری ۱۸۰۲ میلادی
- ۱۵ - ویلیام جکسون ۱۹۰۳ میلادی
- ۱۶ - آرتور کریستین سن ۱۹۱۴ میلادی
- ۱۷ - واسیلی ولادیمبروویچ بارتولد روسی -
- ۱۸ - شنیدلر -
- ۱۹ - توماشک -
- ۲۰ - ژرژ مورگن استایرن نروژی ۱۹۵۶ میلادی

پایان - محمدعلی مخلص

فهرست مراجع و مأخذ این کتاب

گذشته از مشاهدات و تحقیقات شخصی که قسمت اعظم مطالب این کتاب را دربر می گیرد کتابها و نشریات ذیل نیز مورد استفاده قرار گرفته است :

۱ - ایران باستان تألیف حسن پیرنیا (مشیرالدوله) از انتشارات سازمان کتابهای جیبی و کتابخانه ابن سینا ۹ جلد

۲ - تاریخ طبرستان و رویان مازندران تألیف سیدظهرالدین بن نصیرالدین مرعشی به تصحیح محمدحسین تسییحی انتشارات شرق ۱۳۴۵ شمسی

۳ - تاریخ سمنان تألیف عبدالرفیع حقیقت «رفیع» چاپ دوم ۱۳۵۲ شمسی از انتشارات فرمانداری کل سمنان

۴ - تاریخ قومس تألیف رفیع تهران ۱۳۴۴

۵ - تاریخ نهضت های ملی ایران تألیف رفیع از انتشارات شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران سال ۱۳۴۸

۶ - تاریخ طبرستان تألیف اسفندیار کاتب بتصحیح عباس اقبال کلاله خاور ۱۳۲۰ شمسی

۷ - ترجمه تاریخ طبری (تألیف ابوعلی محمد بن بلعمی) بتصحیح محمدتقی بهار ملک الشعرا بکوشش محمدپروین گنابادی تهران وزارت فرهنگ ۱۳۴۱ شمسی

۸ - تاریخ ایران از ماد تا پهلوی تألیف حبیب الله شاملوئی تهران ۱۳۴۸ صفی علیشاه

۹ - ایران در عهد باستان تألیف دکتر محمدجواد مشکور چاپ دوم انتشارات امیرکبیر آبان ۱۳۴۷

۱۰ - ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستین سن دانمارکی ترجمه غلامرضا رشید یاسمی از انتشارات وزارت فرهنگ ۱۳۱۷ شمسی تهران .

- ۱۱ - ایران و قضیه ایران تألیف لرد کرزن ترجمه غلامرضا رشیدیاسمی
انتشارات ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۵
- ۱۲ - شهریاران گمنام تألیف احمد کسروی انتشارات امیرکبیر
۲۵۳۵ تهران
- ۱۳ - شرح احوال و آثار شیخ علاءالدوله سمنانی تألیف سید مظفر صدر
چاپ اول تهران ۱۳۳۴
- ۱۴ - سفرنامه از خراسان تا بختیاری تألیف هانری رنه دالمانی فرانسوی
ترجمه و نگارش فره‌وشی مترجم همایون کتابفروشی ابن سینا ۱۳۳۵
- ۱۵ - جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی به‌اهتمام
سید عبدالله انوار انتشارات انجمن آثار ملی تهران ۱۳۴۱
- ۱۶ - تاریخ جهانگشای تألیف عظاملك بسعی و اهتمام و تصحیح محمدبن-
عبدالوهاب قزوینی
- ۱۷ - در رالتیجان فی تاریخ بنی اشکان از مصنفات محمدحسن‌خان
اعتماد السلطنه ۱۳۰۸ هجری
- ۱۸ - مطلع الشمس تألیف محمدحسن‌خان ضیع الدوله (تهران - بی‌نا
۱۳۰۱ قمری چاپ سنگی)
- ۱۹ - مرآت البلدان ناصری تألیف محمدحسن‌خان ضیع الدوله تهران
۱۲۹۴ قمری
- ۲۰ - نبردهای بزرگ نادرشاه تألیف سرلشگر غلامحسین مقتدر انتشارات
انجمن آثار ملی ۱۳۳۹ شمسی
- ۲۱ - نادرنامه تألیف محمدحسین قدوسی انتشارات انجمن آثار ملی
۱۳۳۹ قمری
- ۲۲ - فرهنگ و هنر سمنان در عصر پهلوی تألیف محمدعلی طاهریا

- از انتشارات فرهنگ و هنر استان سمنان ۲۵۳۵
- ۲۳ - جغرافیای تاریخی ایران تألیف بارتولد روسی ترجمه حمزه سردادور بدون ناشر سال ۱۳۰۸ شمسی
- ۲۴ - کلیات یغمای جندقی از روی طبع اعتضاد السلطنه از انتشارات کتابخانه سنائی تهران ۱۳۳۹
- ۲۵ - قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز تألیف دکتر منوچهر ستوده انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۵
- ۲۶ - حبیب السیر تألیف خواندمیر جلد دوم و سوم بقلم جلال الدین همایی تهران ۱۳۳۳ خیام
- ۲۷ - رستم التواریخ تألیف محمدهاشم آصف (رستم الحکما) به اهتمام محمد مشیری - آبان ۱۳۴۸
- ۲۸ - پرتوی از زندگانی پاسداران تقوی تألیف محمدعلی مخلصی
- ۲۹ - ظفرنامه تیموری تألیف شرف الدین علی یزدی بتصحیح و اهتمام محمدعباسی تهران امیرکبیر ۱۳۳۶ شمسی
- ۳۰ - دستور الوزراء تألیف خواندمیر با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی تهران انتشارات اقبال ۱۳۱۷ شمسی
- ۳۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران تألیف نصرت الله - مشکوتی چاپ دوم ۱۳۴۹ خورشیدی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی
- ۳۲ - روزنامه کیهان (دوره)
- ۳۳ - روزنامه رستاخیز (دوره)
- ۳۴ - روزنامه مردم (دوره)
- ۳۵ - روزنامه اطلاعات (دوره)
- ۳۶ - مجله هما از انتشارات هواپیمائی ملی ایران

۳۷ - مجله تلاش

۳۸ - آگهینامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

۳۹ - دهمین سال انقلاب سفید انتشارات اداره کل آموزش و پرورش

سمنان سال ۱۳۵۱ شمسی

۴۰ - تذکره شعرای سمنان تألیف نصرت الله نوح